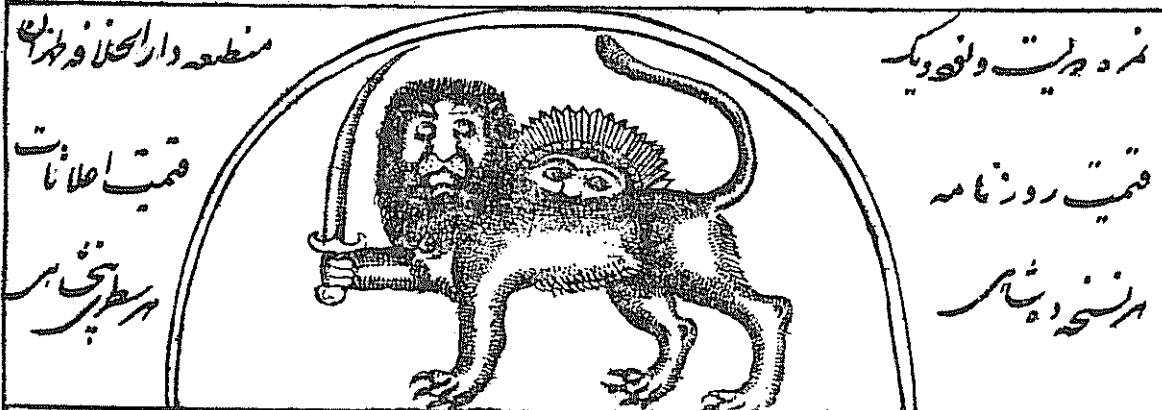


روزنامه قایم ایالتی پنجشنبه بیستم شهریور ماه ۱۲۷۲
 قمری



اجبار داحنه مالک محروشه پادشاهی

اردوی همایون

مؤکب سیر و زنی کوکب علیحضرت اقدس
 شاهنشاهی که در سیاق دماوند تشریف داشتند
 در روز پنجشنبه نوزدهم شهریور ماه از آنجا حرکت
 فرموده روز دیگر بمنزل کند تشریف فرما گردیدند
 در آنجا توقف دارند و هنوز حرکت از آنجا معلوم
 نیست کی بشود در توقف سیاق دماوند بسیار
 بر وجود مبارک علیحضرت شاهنشاهی و جناب
 امجد الشرف ارفع صد اعظم و سایر خواص
 و ملزمین رکاب حضرت آفتاب خوش گشته
 و سجد الله کسی ناخوش شده است و از منزل
 آنکه جناب امجد ارفع صد اعظم اذن مرضی چند
 روزه حاصل نموده اند که بقریه آنچه متعلقه بخود
 رفت با مأمور آنجا رسیدگی کرده معاودت
 بر رکاب حضرت آفتاب نمایند

چون عالیجاه اصلاخان خرقانی یاور اول
 توپخانه مبارکه سالهای سال است که در توپخانه
 بصداقت خدمت کرده در اسفار خراسان
 و هرات و بندرات مراتب جلالت و شاد
 خود را بطور رسانده و در همه اسفار از خدمت
 کلوله برداشته بود و عموماً سرگردان
 که در خراسان و هرات و بندرات مسافر
 بودند مراتب رشادت و شجاعت او را سمع
 خدمت اولیای دولت علیه عرض کرده بودند
 در این اوقات بموجب فرمان مهرلعان مبارک
 بمنصب جلیل سرمنکی توپخانه مبارکه مقرر
 گردیده و در از آن منصب مأمور یک طاقه شال
 ترمه از صند و قفانه مبارکه که در حق او خلعت
 مرحمت گردید

بموجب خبر مجد که از اردوی بیایون رسید
 خبر دومی کوکب اعلی حضرت شاهی که از یزد
 روانه حرکت فرموده منزل کند آمده بودند از آنجا
 نیز یکروز بجهت شکار و تفریح به سیلاقی آمده تشریف
 فرموده و معاودت منزل مریوز فرمودند و در
 پنجشنبه بیت و ششم بقریه ایچه معقل پنجاب مجد
 اشرف ارفع صدر اعظم که بحساب و هوا
 صفا ایاز کام دارد تشریف فرما گردیده لوازم
 قربانی و پادار و میکش از جانب جناب اعظم
 و مستحقان ایشان بجهل آمده ذمه عاشورار در
 مریوز توقف خواهند فرمود و تعزیه خوان و سباب
 یکم بستن حسب الامر از دارالخلافه طهران با نجار
 که لوازم تعزیه داری جناب ابا عبد الله حسین علیهما
 السلام بپردازند و درین همه عاشوراء کرامت بیایون جناب اعظم
 اردوی میاوران بقرار یک از آنجا نوشته بود
 در کمال نظم است سرکارت نواب مستطاب
 شاهزاده اعظم و الایثار و لعیله دولت جای
 مدت علیه و خادمان سرادق جلالت سجد الله
 همه در نهایت صحت و خوش وقتی میباشند و
 چاکران و دربارهای بیایون متوقف اردوی میاوران
 از خوانین و ارباب قسم و غیره هر یک در انجام
 خدمت محوله بخود مراقب و مواظب هستند امور
 قراول و اردوی مستحفظ و قراولان از اتمام
 مراقبت مقرب انخاقان محمد ابراهیم خان سپه
 اعظم مضبوط است و سرقت و سرارت

بسیار کم میشود و اگر بذرت دزدی در اردوی
 میاوران یا خارج آنجا اتفاق بیفتد چون قراول
 و قراولان در همه جای شمیرانات متب
 بدست آمده اموال مسروقه مسترد و حبس
 میشود از جمله ابراهیم اتشی نام در شهر خانه حاجی
 رحیم صراف را بریده بقدر دوست تومان زحمت
 زنانه و اسباب دیگر دزدیده بشیران برده بود
 و در قصر محمدیه که خاقان خلد ایشان مسروخته
 پنهان کرده خودش باسد آباء و متعلق مقرب انخاقان
 معیر المملک که در نزدیکی قصر مریوز است فرستاده
 مستحقین خبر داده شده بمقرب انخاقان محمد ابراهیم
 اخبار کردند فرستاده بشیران را لید الزام داده
 گرفته آوردند و ثانی اموال مسروقه را در آنجا
 قصر مریوز که پنهان کرده بودند و فرستاده
 آوردند و صاحب مال را از شهر فرستاده بار
 میاوران برده اموال مسروقه را بعینها کام و
 کمال تسلیم او نموده قبض رسیدگی گرفت و او را
 محبوس کرده مراتب را با بنای دولت علیه عرض
 داشته تا بدینچه حکم صادر شود و معمول دارد و در
 مریوز رفقای دیگر نیز داشته ثانی آنها را نیز
 داده و مقرب انخاقان را لید آدم گشته است
 بلکه آنها را نیز در دات شمیران بدست میاوران
 با بجهل از حسن مراقبت و وقت مشا رالیه که خود
 شها را با غلب قراول و مستحقین سرکشی می نماید
 اردوی میاوران و تمامی دات شمیران و در نهایت

دارالخلافه طهران

سجده کمال استقام و امانت در دارالخلافه مباح
حاصل و هرگونه نعمتی نهایت و فور و ارزانی دارد
و هوای دارالخلافه در این اوقات در عین اعتدال
و خوبیت و از وقتی که صولت کرم شکسته و
حرارت تکین یافته است در ناخوشی مشهور
و با هم تخفیف کلی حاصل شده و امید است که
پشاه العظمی قریب بجای رفع بشود و این اوقات
که همه عاشورا نزدیکی است مردم در تکیا مشغول
تدارک اسباب تغذیه داری جناب سید الشهدا
علیه الاف التحية و ایشا پیا شدند و علاوه بر این
در محله ها اکثر کثرت را میگردانند و مردم جمع شده
دو ساعت ذکر مصیبت جناب سید الشهدا نمود
بر اسم تغذیه داری و دعا کوفی ذات اقدس
همایون سرکار اعلیحضرت شاهی می بردارند
و از اینکه هوا با قهال آمده و در دمه عاشورا که
اجتماع مردم در تکیا می شود از مشقت کرمافراغند
کمال خوشوقتی را دارند

در شب بیت و سیم شش ساعت از شب گذشته
صدای صاعقه مانند آواز توب از هوا مسموع گردید
و زیاده بر آن چیزی معلوم نشد
از سایر مالک خرد و بیچکدام درین بنفست
نرسید مگر از استرا با قدری اجبار بود که در
طهران صحنه مسطور میگردید
چون بول فرنگستان روز بروز در تسهیل امور و رفاه

حال عامه خلق صرف مت می نمایند در سمت جنوب
جزایر صحرائی کبیر که آنهم مانند صحرائی قبیاق و تاتارستان
و وسیع القضاات از سکنه اطراف و لواجی که قافله
بصحرائی مزبور عبور و مرور می نمایند چنانچه کمی آب سختی
و صوبیت و در بعضی جاها تان روز و زده روز رفت
نمکنند بآب نمیرسند و من القدم هر وقت قافله از
آن صحرا عبور کرد است آدم و شتر بسیار بهلاکت رسیدند
در این اوقات محض عمل خیر و ثواب از جانب دولت
فرمانه امورین مخصوص با آلات بر قومانده که در وقت
مداول است و از ترین می نمایند در صحرائی مزبور کجای
مبادرت نموده اند بقدر صد و زده قلاچ که خفر کردند
آب گرمی مانند فوار جستن کرده بالا آمد و شجر گرد
بودند که در دقیقه واحد سی هزار اوقیه که چنانچه
و در زده هزار من آب باشد از چاه مزبور جستن کردند
بر بین جاری شده است و در همه منازل و در
صحرائی مزبور ازین چاهها با آلات از ترین خیر می نمایند
که قوافل و عابر سپیل از آب سگدستی و تشنگی
فی الحقیقه این کار عمده و ثواب بزرگیت که در
چنان صحرائی خشک بی آب که عینه اغلب قوافل
و سیاح از تشنگی بهلاکت میسر میسند و آنها هم که
تلف می شود نه بشقت و صوبت تمام جان می
میرند حال اینطور آب جاری شده و بعد ازین
بالسانی و آسودگی از آنجا عبور و مرور می شود
و ازین مرصده هم قافله در رفاه است و هم سکنه آن
و لواجی منتفع می شوند

استر اباد

از قراریکه در روزنامه استر اباد نوشته اند
سه نفر از امانی کارکنده که دو نفر آنها با هم
بودند تفنگی برداشته بسزراعت رفته بود
در مراجعت برادرکو چکمه تفنگ را در دست داشت
و در جلو بود مرغی دیده تفنگ را سر دست کشیده
بقراول رفت که مرغ را بزند مرغ پرواز کرده
اشیانه خود رفت تفنگ را بطرف اشیانه که
دو نفر هم از آن طرف می آمدند کشیده او از دای
که خود را گنا بکشید تفنگ خالی می گفتم آنها بخاطر
در سید که مزاح میکند اعتنا نکردند ناگاه تفنگ
شده برادر بزرگتر که پیشرو بود فوراً بفرساید
کاری هلاک شد رخنه دانه ساچمه سم بان
دیگر که عقب تر بود گرفته او نیز قریب بموت

دیگر نوشته اند که شیر محمد نام قزاق
سابق پاره سباب از میرزا صادق محمد دریا
سابق تحویل گرفته بود که در ساری بخانه او برین
و نرسانده بود در این اوقات مراتب بنواب
شاهزاده لطف الله میرزا حکمران مازندران
محصل گماشتند که اسباب مفرور را حکماً تمام و
از شیر محمد مبرور بدون کسر و نقصان گرفته بخانه
میرزا صادق بدهند

دیگر نوشته اند که عالیجاه حاجی رضای سواد
بانو کر ابو ایچمی خود در بندر بنیر متوقف اند و در کمال

خدمات مجبور بخود کمال استقامت را بعل می آورد

دیگر نوشته اند که در سر پالیز شخصی در ستر
خوابیده بود و یک نفر کو داری پالیز بان در
پایین کشیک پالیز را می کشید شخصی که بالای تالار
خوابیده بود شب بقضاء حاجت پائین آمد گویا
پالیز بان سیاهی او را دیده کمان کرد که کراوات
تفنگی نسبت او خالی کرده آن شخص فوراً هلاک

دیگر نوشته اند که میرزا بابای سر کرده بلوچ
داروغه استر اباد بود عالیجاه میرزا اسمعیل خان
پشکار استر اباد آری که فهمیده بود که مثر الیه
دزدان دستیار و در عمل سرقت شرکت سارقین
میباشد او را از داروغه غلی مغرول و آن شغل را بیک
محول کرده بود درین اوقات خانه گریختنی آقا

نام را بریده بودند مراتب را عالیجاه میرزا اسمعیل
الطاهر داشته در مقام تفحص برآمده و در جزوه
ادامهای خود سپرده بود که کمان من درین وقت
میرزا بابا داروغه سابق میرود جو یا باشد
بر که از اموال مسروقه در نزد او پرویز نماید آنها نیز
در جزوه مراقب بودند تا بعد از چند روز پاره از
اسباب مسروقه در نزد او دیده او را گرفته نزد
میرزا اسمعیل خان آوردند اسباب مسروقه را

تمام و کمال از او دریافت کرده بصاحب مال
سليم نمود

ناخوشی و با که چند سال است در ایران و بعضی
 ولایات روی زمین ظهور و بروز دارد امسال در
 هلالک محروسه ایران و در دوازده مکه طران در
 هر جا که بروز کرد بجهت آن شده تی مثل سالها
 سابق نداشت درین باب اطباء و فکتهان
 و غیره دقتهای زیاد کرده اند حتی اطباء و فکتهان
 تشریح نموده اند بجهت اختلاف امرجه معاینه
 بلکه معاینات مختلف کرده اند بعضی مفید افتاده
 مفید نیافته است و سری بودن آنهم معلوم نیست
 تقدیر معلوم شده است که قوه و اهمیت درین باب
 بسیار دخیل است و اغلب از واهمه فوت می شوند
 چنانچه در روزنامه های خارج نوشته بودند که
 وینه پای تخت دولت استریه شخصی مقصر را که
 بابت سیاست نماند بجهت امتحان ناخوشی و با
 که آیا واهمه در ادخلیت دارد یا نه خت خوابی
 که ناخوش و بانی اصل او را و خوابیده بودن
 کرده آن شخص را با آنجا برده گفتند که شخصی ناخوشی
 و با گرفته و درین خت خواب خوابیده بود و ساعت
 قبل ازین فوت شد تو حالا باید درین خت خواب
 بخوابی یا که و با کرفتی و مردی عوض سیاست تو
 و اگر مردی از قتل تو می گذریم مثالی در خت خواب
 مر نور خوابیده فوراً و با کرفت بعد او را معاینه کرد
 و خوب و از قتل او گذشت مدتی بجهت معین
 کردند ازین فقره معلوم شد که قوه واهمه بسیار
 این ناخوشی مدخلیت دارد و سری می باشد با غریب تر

این در مصر شخصی در اوقات و بانی در خواب دیده
 بود که یازده جنازه از خانه او بیرون خواهد رفت
 صبح خواب را ببال خود تعریف کرد و بوقت ده
 عیال و اطفال او که در خانه او بودند مردند و تعیین کرد
 که باید دهی خود او خواهد بود شبانه باین غمت
 که خواهد مرد میان خت خواب رفت از کتبی
 که از قصه خواب او خبر داشتند نفر در
 سفید در کهای دیگر طمس شد خود را شبیه قاضی
 ارواح و دیگرین ساخته بجا نه او درآمدند و با و از
 صیب وشت یکیز او از دادند که حاضر باش بوقت
 است آمده ایم جانت را بگیریم بچاره خوف زیاد
 کرده از شدت واهمه مد هوس کردید در دزدان
 نیز اسبابی سرقت کرده آن شخص صبح بوش شد
 از خانه پابردن گذاشت یکی از آن دزدان را که
 سفید پوش بود در جلو در مرده دید قدری بحال
 آمده عجلش بهر ش آمده فهمید که آن نفر دزد
 بوده و اینکه یکی از آنها در اینجا مرده عدد یازده جنازه
 با تمام رسیده و این طبعیه از او رفع شده است
 خیالش قوت گرفت و ناخوش شد سالم ماند
 و از تفرار معلوم کردید که آن ده نفر که قبل از
 فوت شده بودند از قوه خیال و واهمه و
 خواب آنرد بوده است که آن چهار کان را بخت
 و خوف انداخت همه مردند و خودش بسلامت
 جان بدر برد

اجبار و ول خارج

فراشته از قرائکه در روزنامه فرشته
نوشته اند و بعد اعلیحضرت امیراطور فرشته
که بنایمان سیم موسوم است و در مقام طوبی
اگر جالس تحت امیراطوری بشود شرایط و کالت
او را با بنظر قرار داده اند که مشارالیه تا آن
پیچیده لکی نگذرد بشخصه مباشر حکمرانی نمی شود بلکه
والده او اگر در حیات باشد و کالت مطلقه است
و حکمرانی بعد از مشارالیه است و در حالتی که
والده او نیز در حیات نباشد از خانواده امیر
مشارالیه کسی که تقدیم بر سایرین داشته باشد
و کالت امیراطوری با و مفوض خواهد بود و در حال
حیات اعلیحضرت امیراطوری بولیعهد مشارالیه
نصب و تعیین وکیل مخصوص قایل در کار است
و بعد از مشارالیه در صورتیکه از پدر و مادر و
مستحقانش کسی یافت نشود بقرار یکستان تقسیم
می گشتند معرفت اصل زادگان مجلس دولتی
ارائه و توییده یا اتفاق همه یک وکیل مطلق
نصب خواهد شد و تربیت و بعد از مشارالیه
در عهده والده محترمه است و از طرف غیره هیچ
وقت مادام حیات والده اش با جرایم تربیت
و تعلیم او کسی مداخله نخواهد داشت
و دیگر نوشته اند که در دولت فرانسه پول سالی
که در زمان سلطنت لوی فیلیپ و زمان جمهوری
بود در این ایام اعلیحضرت امیراطور و فرشته

۱۸۸۰

تبدیل نموده بنام ولیعهد بنایمان سیم حکم کرده است
سکه جدید بزنند

و دیگر نوشته اند در این اوقات که قشون فرانسه
تغییر و تبدیل دادند و در پنجه آرکس از نظام عسکری
داخل قشون ردیف که با اصطلاح فرمکنسما مستحفظ
و ساخو ولایات اندوده و مخصی دادند که با

و اوطان خود بروند

و دیگر نوشته اند که چند وقت پیش ازین سکه مارک
زیاد در فرانسه نرخ ماکولات ترقی کرده و بجهت
آذوقه از اسلامبول بان طرفه در اسلامبول
نرخ غله و سایر ماکولات بالا رفته بود ولی چون از
بنادر و ولایات دولت روسیه باز بقرار سابق
اذن گرفتن آذوقه و اجناس حاصل شده است
بکان دادند که باز نرخ ماکولات در فرانسه و
اسلامبول تنزل کرده بقرار اول رسیده

و دیگر نوشته اند که در فرانسه بجایانی که از آب سیل
خرابی رسیده بود اعلیحضرت امیراطور بنایمان ده
ملیان فرانک سابقا عطا کرده بود در این اوقات
نیز مجدداً داده میان دیگر اعطا کرده است و این جمله
کمال تقدر و رعیت داری است که از اعلیحضرت امیراطور
بنظر رسیده است و ضرری که از کثرت بارندگی
و وقوع یافتن با شخصی که ضرر رسیده است
توسیع مخصوصی که ترتیب داده اند تجسینا

بنارایمان فرانکه بجای آورده اند

و همچنین سکه تدارک ضرر بارندگی فریور از دول

متحابه نیز با شخاصیکه مضطرب احوال شده اند
اقدام بپادون وجه اعانه کرده از جمله از جمله
دولت روسیه نیز می نویسند که درین باب
و جوی معین کرده و جمع می کنند

انگلیس

از فرار یک در روزنامه انگلیس نوشته اند از
ملکت کاناده که در سمت شمالی یکنی دنیا واقع
در تصرف دولت انگلیس است بجهت شکرانه صلح
عمومی و مرخصی عا کر بحال و اوطان خودشان
و حصول آرامش بلاد و آسایش عباد علیه
بپادشاه انگلیس نوشته و استدعا کرده اند
که پادشاه انگلیس برسم گشت و تفرج بولایت
مرنور تشریف ببرند و تدارک تشریف بردن اورا
بولایت مرنور بقانون تعطیلات و احتراماتی که
معمول است دیده اند

و دیگر نوشته اند که سابقا بین دولت انگلیس و دولت
جمهوری یکنی دنیا فی الجمله برودتی اتفاق افتاده
طرفین قطع مراد و مخا بره شده بود و از آن
یکنی دنیا که در دین و مذاب انگلیس برآمده
عیسوی باشند و از آنکه فی کسب و حصول
و رواج تجارت اصلاح ذات البین را طالب
استقامت در رفع بروزت می نمایند موجب روزنامه
که در این اوقات رسید است قرار شده است
که سفیر دولت جمهوری یکنی دنیا که در لندن بود
در محل خود کماکان ممکن باشد و از جانب دولت

انگلیس نیز بطرف جمهوری یکنی دنیا سفیری مخد
معین و ارسال که در اینجا ذکر شده در اندک
زمانی رفع منافرت و کدورت فیما بین کرد
کافی سابق در مقام مصافات و مواعدت
خوانند آمد

و دیگر نوشته اند که چون آسایش عمومیته اورا
منظور دولت انگلیس است و در هر طرفی که جنگ
روی دهد در مقام صلاح آن برمی آید از جمله
درین اوقات در ملکت ایتالیا اختلال و اغتشاش
روی داده بود و مجلس شورت دولت انگلیس
درین خصوص گفتگو شده و یکی از اعظم مجلس
ما مور تفتحص اختلال ملکت مرنور نموده اند که بعد
تحقیق در مقام صلاح آن برآیند

یکنی و دنیا

از قطعه شمالی یکنی دنیا که در جهت جنوبی پیش
بجمهوری یکنی فاجد وقت پیش ازین از اگاهی
اسپانیول خیلی اشخاص رفته توطن نموده و با
و احسنه انجامد اخت میکردند جمهوری مرنور اشخاص
مرحومه را از محال خود اخراج نمودند دولت اسپانیا
از این معنی رنجیده با جمهوری یکنی فاجد در مقام مغایرت
برآمده و کشتی جنگی با آنجا فرستاده بنای عوا
که استه بودند در این اوقات دولت فنجینه
فرانس فیما بین آنها توسط نموده و رفع برودت

طرفین را خواهد کرد
سایر دول و مکشان و غیره

از مملکت روم که پای تخت پادشاه بزرگ مذکور
کوتایک عیسویت نوشته اند که اختلال آن مملکت
و فتنه رفته زیاد شده و در دو قطاع الطریق طرزی
با مالی انجام می رسد و آنها را سبزه آورده اند در مجلس
مشورت دولتی بنجلس و فرات سبزه اصلا
آن مملکت مذکور شده بود در این اوقات پادشاه
مربور برای امتیازات متعدد اصلاح عمومی در این
مملکت مذکور است مخصوص مملکت مذکور است

در دولت اسپانیول سابقا با ختن راه آهنی که
یک طرف آن شهر مدینتی می شود مبادرت کرده بود
در این اوقات سوای آن راه دور راه دیگر نیز بنا
گذاشته اند که بازند و اعلام کرده اند که هر
طالب ساختن راههای مربور باشد بعهده او
و اگر ارماند

جانب غرانه و قمشیل برادر علیحضرت امیر اطهر
روسیه که وکیل توپخانه است توپ بطن تازه اخترا
کرده که تا حال این طرح در پیاده شده بود و بجهت
و تماشای یکی از این طرح به علیحضرت امیر اطهر
فرات و ستاده است

از دولت روسیه باموریت فوق العاده یک انگلی
اقامت مملکت چین تعیین شده است

از مملکت چین نوشته اند که در سال گذشته که سوار
المانی سوار کرده بودند سید و شصت و دو وطن
و یک کرد و نفوس تعلیم آمده بود از غرایب حالات مالی
این است که طفل و مردن در آن ولایت سید و شصت و دو

میباشد و از طرف حکومت نیز چون شخص تبلیغ نمی شود
قائین نامعلوم اند و بسیار نفوس باین طور تلف شده
ازین قرار عدد مقتولین بشدت این سر شماری
خواهد بود

عظمیه

از قراریکه در روزنامه این ولایت نوشته اند
علیحضرت سلطانی سبزه جناب پیشین بلیه سر کرده
قشون دولت فرات که در قریه بود و این اوقات
وارد اسلامبول شده است در ساحل ساری بشکاش
ضیافتی سکین ترتیب داده از انبای دولت عثمانی
و سفرای دول متحابه و امرای عا کردول معاونه
صد و بیست نفر در محانی مربور جمع آمده بودند قبل از
صرف طعام اول بحضور علیحضرت سلطانی شرفیافته
و علیحضرت سلطان یک قطعه نان مخصوص بر پیشانی
التفات فرمودند و چون جناب خیرال قودریتون سر کرده
قشون بنجلس بنور و اردن شده بود بجهت او نیز یک قطعه
از همان نان مخصوص جناب لازم در وقت سیفیر کبر
دولت بنجلس که حضور داشت التفات فرمودند بعد
از آن مجلس ضیافت رفته صرف طعام نمود و همگی
با کمال شادی و مسرت بمبارل خود معاود کردند

بعد از آن ضیافت در سفارتخانه دولت انگلیس نیز ضیافتی
ترتیب داده شده جناب خیرال قودریتون سر کرده قشون
بهم رسانده و جناب سیفیر کبر دولت مربور نشان دین سلطانیه
با وجهت شده بود قدیم نمود و پیش سابق الذکر از اسلامبول
حرکت و بطرف پاریس روانه گردید

روزنامه قایم اتفاقیه پنج شنبه سیم شهر محرم سن ۱۲۷۳ امپاط سال لوی میل

منطقه دار الخلافه طهران

قیمت روزنامه

هر نسخه ده شلر



مرد و سب و نود و دو

قیمت روزنامه

هر نسخه ده شلر

اجبار داخله مالک محروسه پادشاهی

دار الخلافه طهران

از روز سه شنبه غده شهر محرم الحرام اهل دار الخلافه مبارکه که از اعلی و اوائی رعیت و سپاهی بقاعده استراحت کرده و با تمام رسید و بهوای نیوران نیز در اوقات کمال اعتدال را بهم رسانده و بجهت انداختن ناخوشی و باور آنجا اثری نیست و سایر دعات بیلافت نیز به کنجایش آن داشت که همه جا کران موکب هایون بغاغت بتوانند تعزیه داری نمود و نه مدار الخلافه مبارکه که اینطور نزدیک بود لهندا رخاء حال عموم چاکران موکب هایون در این اوقات که مقدمه دهه عاشورا و آیام تعزیه داری بود از بیلافت افی و لانتان حرکت فرموده در روز و شب سینه ها و بجهت اسحرام بمنزل نیوران نزول اجلال فرمودند و از شهر اصحاب تعزیه و سبب تعزیه داری و نفاس و بلورات بجهت بستن تکیه حب الامر بنیاد و این درین دهه عاشورا در آنجا بلوارم تعزیه داری اقدام نمود

ارووی هایون

از روز سه شنبه غده شهر محرم الحرام اهل دار الخلافه مبارکه که از اعلی و اوائی رعیت و سپاهی بقاعده استراحت کرده و با تمام رسید و بهوای نیوران نیز در اوقات کمال اعتدال را بهم رسانده و بجهت انداختن ناخوشی و باور آنجا اثری نیست و سایر دعات بیلافت نیز به کنجایش آن داشت که همه جا کران موکب هایون بغاغت بتوانند تعزیه داری نمود و نه مدار الخلافه مبارکه که اینطور نزدیک بود لهندا رخاء حال عموم چاکران موکب هایون در این اوقات که مقدمه دهه عاشورا و آیام تعزیه داری بود از بیلافت افی و لانتان حرکت فرموده در روز و شب سینه ها و بجهت اسحرام بمنزل نیوران نزول اجلال فرمودند و از شهر اصحاب تعزیه و سبب تعزیه داری و نفاس و بلورات بجهت بستن تکیه حب الامر بنیاد و این درین دهه عاشورا در آنجا بلوارم تعزیه داری اقدام نمود

خدمتگذاری دیوان اعلی باشد و محض حمت
یک ثوب جنبه ترمه کرمانی هم برسم خلعت از
جانب سنی الجوانب ملوکانه باد و حمت کرد
که مایه مزید امیدواری او باشد

نظر بنحس خدات مقرب الخاقان جاقوام الملک
در صفحات فارس خصوصاً در انتظام امور
ابو شهر که حب الامر اولیای دولت علیه با نجا
رفته و امور آنولایت را بطور شایسته نظم کانی
داده و حاجت بشیر از نمود مراتب کاروانی و کفایت
او مقبول و مستحسن خاطر ملوکانه افتاده محض ظهور
خسروانی در باره مقرب الخاقان ش رالیه دین
روز ما یک قطعه نشان مثال بیتال هاپون

بجهت مزید مباحثات او حمت کردید
عالیجاه جان و او دخان سرتیپ شرم اول
دولت علیه که باذن و اجازه اولیای دولت
مرخص و بویا رفته بود از طریق بطور مرغ خود
بفارت ایندولت رسانیده با سفارت کبری
عازم و راهی دربار دولت علیه گردیده سجاکی
هایون مشرف و بلا حظ کمال عنایت یک طاق
ترمه بش رالیه خلعت حمت شد

سایر ولایات
آذربایجان و استرآباد و اسب
این ولایات اخباری درین مفعه بنود
اصفهان

از فرار یک در روزنامه اصفهان نوشته اند

آنولایت از هر حبت و هر شیت قرین انتظام و
انضباط است و عموم رعایا در عین فرغت
بکار و کسب و زراعت و دعا کونی ذات اقدس
هایون شایسته اشتغال دارند و از حسن
نواب مستطاب هزاره والایست حمت الدوله
حکمران اصفهان کسی قدرت حرکت خلعت
حساب ندارد و مسرفت و شرارت بسیار
بندرت اتفاق می افتد

دیگر نوشته اند که چند وقت قبل ازین ناخوشی
عارض نواب هزاره حمت الدوله شده و عارضه
تب روز بروز در تزیاید بود تا در این اوقات
از تفضلات الهی و مداوا و معالجات طبایع
مرض گردیده بهبودی حاصل شد ولی چون
ناخوشی طول کشیده و ضعف در مزاج باقی بود
تجویز کردند که میلاقات رفته تغییر آب و هوا بد
لنذا درین اوقات سمت چهارم حال رفته اند که
ده پانزده روز در آنجا بسر برده و حال ضعیف
و نقابت بکلی رفع شده بشهر حاجت یابانند

دیگر نوشته اند که سر باز چاه و محال و فریدن که
احضار و در مار معدلت مدار هایون شده بود
نواب حمت الدوله آنها را بشهر خواستند و حکم
نواب معزی الیه حیره و بموجب آنها پرداخت کردند
مدارک آنها به جهت دیده چون نواب معزی الیه
بجهت ناخوشی خود نتوانستند سان آنها را بپوشند

مقرب انجاقان نصرالدخان سرتیب رهبر
داشتند که سان آنها را بدقت دیده آنها را
روانه و در بارهایون نمودند و از جانب نواب
معزی الیکمال التقات صاحبان آنها بمندول
و دیگر نوشته بودند که امیر قاین که از اعتبار عایا
مراحت کرده و در عمارت انکورستان منزل
داشت چند روز قبل قلیل اسبابی از منزل او
بسرقت برده بودند مراتب بعرض نواب
حسنت الدوله رسید حسب حکم نواب معزی
داروغه و که خدایان در صد و نقص بر آید
وز در ابدست آوردند و اسباب مسروقه
تا ما از او سرزد و صاحبش تسلیم شده در
محبوس کردند تا بعد حکم آن بشود
و دیگر نوشته اند که نواب حسنت الدوله در نظم
امور دیوانخانه و جبهه خانه آنجا اهتمام کامل نمود
و علاوه بر اینکه عالیجاه حاجی محمد علیخان بسرمحمد
حاجی محمد حسین خان صدر اصغها فی رادستور العمل
داده و در دیوانخانه گذاشته اند که براضی و
مطالب مردم رسیدگی نماید خود کمال وقت
و غوررسی و زانجالح مطالب عراض فقر و ضعیف
مینمایند و هم چنین امور جبهه خانه را بسیار منظم
دارند و اصناف و استادان همه روزه
مشغول کاریباشند

بر و حیدر و عربستان این ولایات نیز

اجباری درین مقصود
بسطام و شاهرود

از قراریکه در روزنامه بسطام و شاهرود نوشته
عالیجاه قیحه انخوانین العظام حاج محمد خان حاکم آنجا
در انتظام امور ولایت و رفاه حال رعایا و نظم
و شوارع و انجام خدمات دیوانی کمال مراقبت
و مواظبت را بعمل می آورد و از جمله فوج جسم که امور
خدمت خرابان هستند عالیجاه مشارالیه نخواه
محلی آنها را موجود نموده پرداخت و نخواهی نیز که
از خزانه عامه بجهت آنها مرمت شده بود آنچه
حاضر بودند رسانده و آنچه در بلوکات بودند
آدم فرستاده است که حاضر کرده بخواه آنها را
برساند که تدارک خود را دیده روانه محل مأموریت
و هم چنین در باب قلعه مبارکه صدر آباد و سایر
قلعیات اهتمام نموده آنچه بخواه و غیره لازم بود لایم
و رود ابواب جمع عالیجاه رضا قلیخان کرده و در آنجا
و بالفعل بنا و عمل معنی در صدر آباد و قلعیات دیگر
در کارند آب صدر آباد جاری و تمام آنجا
باتمام است و هم چنین در قلعه زید رحام و آب آنجا
بنا کرده اند و در کار ساختن آنها میباشند در
قات میاندشت نیز مثنی کار میگرد چون بنجه حد
ناخوشی بعضی کنگه و عمل آنجا متفرق شده اند بعد از رفع غایب ناخوشی
بجاریات آنجا اقدام خواهد شد خراسان و سر و حصار
و سمنان و عراق ازین ولایات نیز درین مقصود

فارس

از قرائت که در روزنامه فارس نوشته شد
از اتهامات حسن مراقبت نواب
حکمران فارس کمال ایت و انصاف در
انقلاب حاصل است و عموماً مالی اول
اسود و خاطر بدعی بقای وجود فایض
مایه و از دیار شوکت دولت است
استعالی دارند و نواب مغزی الیه در تعمیر
شهر شیراز اهتمام کامل نموده اند خواجه
و قوع زلزله شیراز عمارات شیراز از اهم
آثار آبادی نموده بود از حسن اهتمامات
نواب مغزی الیه جمیع خانه ها و بازارها ساخته
آباد و معمور گردید بطوریکه گویا شهری از نو
شده است از جمله مسجد و کین و ارک و پناه
از عمارات دیوانی که تا بحال خراب مانده بود
درین سال نواب مغزی الیه قدغن کردند
که در کمال استحکام تعمیر شود مسجد و کین و پناه
مقرب الخاقان حاجی قوام الملک و تعمیر عمارات
ارک و عمارات دیوانی و سایر بناها را بعهده
عاجیه میر حسن و تعمیر عمارات باغ تحت
قاجاریه را بعهده حاجی محمد حسین محمول داشته
هر یک در انجام خدمت محوله کمال سعی را دارند
و هم چنین ساختن قورخانه که بعهده مقرب الخاقان
شجاع الملک محمول شده بود درین روزها بصورت
اتمام یافته و قورخانه بسیار حکم باشکوهی ساخته شد

و این روزها قورخانه و اسباب قورخانه را با کمال
احتیاط با قراول کشیده بقورخانه جدید نقل نمودند
و دیگر نوشته اند که خلعت طلعت شاهنشاهی که بجهت نواب
مستطاب مؤید الله و له حکمران فارس مرحمت شده
بود در این روزها بانجا برقه وصول گشته نواب
مغزی الیه با جمیع اعظم و اعیان و خوانین و صاحب
یاستقبال الی یکفرنج شافقه لوازم توقیر و احترام
اقاب طلعت را بعل آورده ریب برود و شش ماه
خود نموند و در باغ نو که در خارج شهر است مجلس
برپا داشته صرف شربت و شیرینی نمودند و مراسم
مبارک و شادمانی بعل آمد

و همچنین خلعت اقباط طلعت و نشان ایشان و حایل
میر پنجه کی که از جانب سنی انجوان ملوکانه بافتی و
مبارکات مقرب الخاقان مهر علیخان شجاع الملک
مرحمت شده بود در حین ورود لوازم استقبال
و توقیر و احترام را بعل آورده ریب برود و شش
ماه و اویزه پیکر و اغوش مغفرت خود نموده مجلس
شیلان را آستبه جمیع اعظم و اعیان و صاحب
حاضر شده صرف چائی و شربت و شیرینی نموده و
گفتند

قرین و قسم و کاشان و کرد
و کروس و کرامات شان و کرمان
و کیلان و مازندران و طایر و نهان و نهان
و پروازین و ولایات نیز درین هفته اخباری

اخبار دول خارجه

در مملکت فرانسه چنانچه در روزنامه هفته گذشته
نیز نوشته شده است امسال بارندگی زیاد
و طغیان آب ضرر فاحش با مالی آنجا رسانده است
بجهت تدارک پریشانی اشخاصی که ازین مرحله
و مضطرب الحال شده اند خود دولت فرانسه
سایر دول متحابه و جوهه پاینه جمع می کنند از جمله
در لندن پای تحت انگلیس در اندک مدتی قریب
صد هزار تومان نخواه جمع کرده اند و همین تجاری
که در هلمبول مستند صد هزار قروش که معاد
دو هزار تومان است جمع کرده اند

و دیگر نوشته اند که از کثرت بارندگی که در وقت
اتفاق افتاده است بمقتضای دولتی مرموز
نیز خرابی زیاد رسیده است بجهت کشف احوال
مالی آنجا در این اوقات علیحضرت امپراطور
از پای تحت پاریس حرکت و بان سمت غرب
نموده اند

برای ساختن خانه در شهرهایی که از کثرت آب
سجاری شده است و خنک نمودن خندق در اطراف
آنها از جانب دولت فخریه فرانسه مقرر شده
تعیین شده یک قوسون مخصوص تکیل و تخصیص
یافته است و قوسون مرموز از جانب دولت
فرانسه بیت میان فرانسه قرار شده است
از جانب علیحضرت امپراطوری و حکام قلمرو با مالی

و سکنه بقضای حب وطن لطف و فتوت که ظهور

یافته مستغنی از توصیف و بیان است
و دیگر نوشته اند که از ولایت فرانسه در یک
تقریب که در حدود اسپانیول است در شانزده
ماه شوال برف شدیدی بارید است که محصول
و غیره گلاور زیر برف مانده و بجهت اینکه بیرون
و بی موسم برف آمد ضرر زیاد با مالی آنجا

و دیگر نوشته اند که بجهت تدارک ضرری که با مالی
از شدت بارندگی رسیده است از طرف دولت
فرانسه صد هزار و از طرف مالی فرانسه چهل
و از مالی دولت انگلیس پانزده هزار پوند
داده شده است و از استریه و بلژیک و سایر
دولت روسیه و سایر دول آورد و پانزده خلیجی نخواهد
می شود و بمل این وجوه بدولت تدارک که چنانچه
که در پول ایران ماریست

در روزنامه های سابق نوشته شده بود که کثرت
بارندگی در فرانسه با بنیه و محصولات ضرر زیاد
بموجب روزنامه که بدین اوقات رسیده است
شده شدن آب آنچه معلوم شده است
ضرر چند آن رسیده است فقط خرابی کلی
و انبیه وارد آمده است

و نیز نوشته اند که بجهت اعانت با مالی فرانسه که این
خرابی متضرر شده است سجد با والی مصر تری هزار پوند

در دولت استریه از ملت بود صاحب املاک بود
یا داخل دانه اصناف شدن تاکنون از دولت
مربور ازین و اجازت داده شده بود در این وقت
اعلیحضرت امپراطور استریه اذن داده است که ملت
بود نیز اگر نخواهند املاک بخزند و هر کدام هر صنفی که
خواستند بپنداخته نمایند فقط داخل ملک نامیور
شدن آنها منع است

از ملکه دولت اسپانیول بقدر صد و پنجاه تیرا تومان
جواهرات سرقت شده بود و بعضی تنخاص را که کلان
این سرقت با آنها میرفت گرفته حبس کرده بودند از
محبوسین یکی گفته بود که اگر مرا از سیاست معاف دارند
من جای آن جواهرات را که در جی دفن کرده اند و سارقین
که که ام اشخاص می باشند نشان و برور میدهم
ملکه نیز بر این شرط را از او قبول و او را از سیاست
این کردند جواهرات را در باغچه محبوس خانه وزیر خاک
دفن کرده بودند نشان داد بتمامه در آورده و سارقین
نیز برور داد یکی را بمرض سیاست در آورده و آن
شخص را بکشیدند

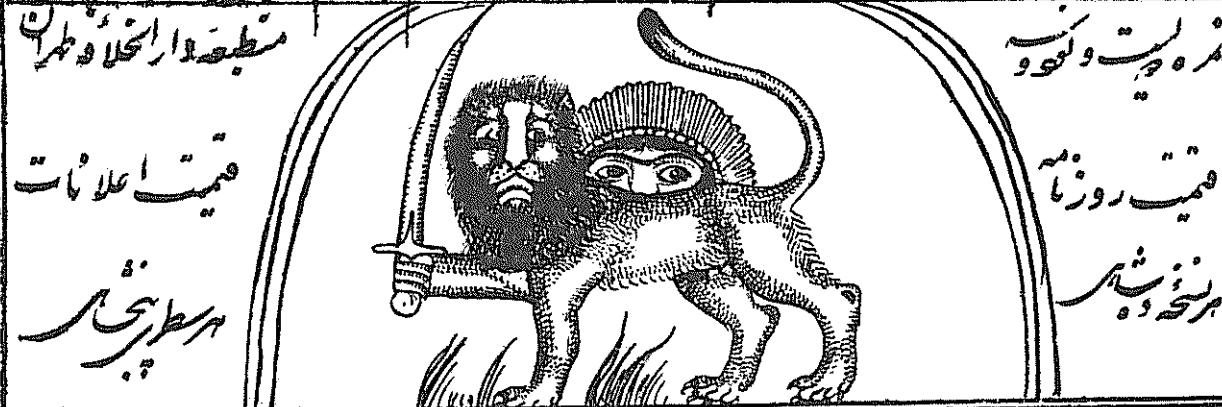
دیگر نوشته اند که از انخلیس سمیت یکی دیکشتی پانجاه
صد و بیست نفر سیاح حمل نموده روانه شده بود در روز
یکی دنیا جانی از سواحل آنجا که دابو یا هلی می نامند کشتی
بجمل سنگستانی رسیده درین بین دریا طوفانی شده
و کشتی نیز در شکسته و غرق گردیده است از سیاحان
هفتاد و دو نفر غرق شده و مابقی بجا نجات
رسیده بودند

دیگر نوشته اند که چون در اوقات حضرت
زید و محمد هشتاد و شش نفر در دولت
و آنست در این روزها بود چهار قشون را
خدمت مرخص و معاف کردند ازین اشخاص
کسانی که مجتهدا طالب خدمت و داوطلب
نوکری شده اند اعلیحضرت امپراطور فرمود
در حق آنها اسم اعانت و التفات را

مرعی داشته اند
دیگر نوشته اند که جناب پرنس ناپلیان
اعلیحضرت امپراطور فرانسه سواحل شمالی
درمستان را گردش و سیاحت کرده
بجمله معین کردن بیات و حالات و کشف
و تکمیل معلومات چند نفر از اصحاب فنون و علوم
همراه جناب مشاورانیه بودند بعد از سیاحت
و گردش آن اطراف بموجب روزنامه که
مجدد رسیده است جناب مشاورانیه
اشخاص مرقومه عازم سیاحت سواحل
شده اند

دیگر از خوشان پادشاه بروسیه جناب
پرنس آلبر با چند کشتی به بحر سفید بیرون
آمده و بجمله سیاحت و کشت و تفرج بطرف
سواحل طونه نیز عبور و مرور خواهند نمود
مجلس کبر دولت ساروینیه که در واسطه شعبان وقت
اجتماع او بود خود پادشاه ساروینیه بمجلس فرمود
و ادای کلمات دولتی نموده اند و مجلس نیز بر جمیع

روزنامه و ادب انقادی پنج کویم بهرسم شهرم مطایب لوی سنه ۱۲۷۳



اخبار داخله مالک محروسه پادشاهی

حصول دعای خیر از جانب سنی احوال ملوک
شام و بخارا طعام تغذیه داران و فقر و مساکین
و ارباب استحقاق می شود و الی پانزدهم محرم
اوضاع تغذیه داری و یکم نوروز برقرار بود

دارالخلافه طهران

در شهر دارالخلافه مسبار که نیز جمع تکایای محلات
سبته اند و صبح و شریف زکورا و انامار روز
و شبها در تکایا و مجالس روضه خوانی و تغذیه
داری حاضر میشوند و بلوازم عسکری و سواران
و عاکونی دات اقدس هایلون شاهنشاهی اقدام
دارند و بجهت کمال مواظبت و مراقبت عالیجاهان محمود
کلاتر و که خدایان مستحقین نهانت امنیت حاصل
و از احدی سحر گریه برای مصیبت جناب اباعبدالله
صدای دیگر نیستدنی شود و متمولین و صاحبان تکایا

اردوی هایلون
در این روزها که ایام عاشورا و اوقات تغذیه دار
جناب سید الشهدا علیه آلاف التحية والثناء
پاشا شد چنانچه در هفته گذشته نیز نوشته شد
اسباب یکم بندی و تحریه داری از
دارالخلافه مسبار که بموکب سیروری گوکب هایلون
اعلیحضرت شاهنشاهی برده یکم دولتی یاوران
در کمال شکوه و خوبی بسته و از یوم خیم محرم
هر روز حضرت اقدس هایلون شاهنشاهی یکم
منور و شریف فرما کرده دیده اصحاب تغذیه و حضور
سبارک بذکر مصیبت جناب سید الشهدا و روضه
خوانی و تغذیه داری اقدام می نمایند امای دول
علیه و شاهزادگان عظام و سایر خواص و مقربان
محرم رکاب هایلون همه روزه حاضر میشوند و بجهت

هر یک بعد مقدم و در نتیجه حصول دعای خیر و سلامتی و
فایض انجود بایون شاهنشاهی اطعام فقرا و مسکینان
و سنجاسیه زن اغریب و بومی و ترک و تاجیک
روزها و شبها با کمال انتظام بکایا آمده سینه میزدند
و تعزیه داری می کنند
چون تکیه دولتی ارک را بر سال جناب شرف
صدر اعظم محض حصول عاکوئی و ات اقدس بایون
بنفایس و بلورات ترین داده تعزیه داری می نمود
و مخارج کلی میگرداند امسال که موکب بایون در عایشه
در نیوا و آن توقف فرمودند ساختن تکیه دولتی
از جانب جناب معظم چل روز قبل از محرم بعد متوجه
حاجب الدوله محول شده تا غره محرم تکیه خوب
کمال صفا و استحکام و پائیز مانند تکیه دولتی ارک مبارک
بلکه بچسبیده بهتر از آن با تمام مقرب انخاقان شاهنشاهی
صورت اتمام یافت و همان چادر و سباب تکیه دولتی
ارک و رانجا و هم آمده بسیار دل چسب و شایسته
در همان غره محرم نیب و این پذیرفت و در
تشریف فرمائی سرکار اقدس بایون شاهنشاهی
تکیه مذکور را از جانب جناب معظم لوازه تکیه که
معمول بود از قبیل قربانی و پیشکش و شال پادشاهی
بلکه زیاده تر از سالهای دیگر تقدیم شد و چون سخته
شگون شال پادشاهی از همه ساله مقرب انخاقان شاهنشاهی
در محرم شال پادشاهی نیز شال مذکور و حضور امروا

مقرب انخاقان شاهنشاهی حضرت که دیده می بیند
مفاخرت و مباحثات او بین الاقوان شد
جناب این الملک فرخ خان المچی کبیر دولت علیه
مخصی از رکاب مبارک و غنیمت محل نامیوت در عرض
از قزوین با تبریز علبت عارضه ناخوشی نوبه و ظهور
تکسر راجع نوشته است بجهیل در رفتن نماید از برای
مبادا در سر تر توقف خود را زیاد طول بدهد با چاهای
مخصوص جناب شاهنشاهی حکم نوشته که بهر احوال باید
بجهیل تمام از تبریز بیرون بروند و از قرار خبری که رسید
روز ۲۴ ماه دی بجهیل احرام از تبریز بیرون رفتند
باز او لیای دولت علیه نهایت مراعات کمال جناب
که مصالح عمده دولتی که بجهیل او محول است مبادا عقده
توقیف و تراخی افتد چاهای دیگر مأمور کردند و باو هم حکم
قطعی بنویشتند که بدین مکتب و در مکتب بجهیل خود
با سلامبول سرید باین خطرات طولی نخواهد کشید که جناب
شاهنشاهی بجهیل مأموریت خود خواهد رسید و از قرار
دستور العلی که دارد در مقام انجام امور است
مخو که بجهیل خواهد برآمد

سایر ولایات
افر بایجان و استر آباد و اسفند
و اصفهان و بروجرد و سلطام و خراسان
و خراسان و سمنان و خراسان
ازین ولایات درین معینه اخباری بنود

فارس

از قراریکه در روزنامه فارس نوشته اند
در احوالات سجد الکمال اعیان و وفور هر
نعمت است با اینکه در بعضی جاها بسبب
آفت قحطیات زراعتی کما بیش شکستگی
که باریت بعضی باید نباید رخ و کک و شراب
فراوانی و ارزانی در غله و سایر اجناس و معاش
و تمام فواکه حاصل است و امر معاش فقر
و ضعفانجونی و آبی میگرد و والد
دیگر نوشته اند که چون نواب سلطان
حکمران مملکت فارس بجهت حصول دعا و تحری
برای وجود فایض السجود اقدس با لونی
خدا الله ملکه و سلطانه بکارهای خیر و ثواب
و تعمیر مسجد و بقاع قبر که مما اکمن بعد مقدم
اتمام دارند در این اوقات بقعه قبر که سایه
علی حمزه علیه السلام را که سالهای سال بود
خراب و منهدم گردیده و از وقوع زلزله سی
سال قبل ازین که خراب شده بود کسی از حکام
بتعمیر آن موفق نشد بنا و عمه انداخته و معمر
داشته اند که با کمال شکوه و استحکام رواق
و صحن ساخته شود و با الفعل مشغول گردید
و عقرب با کمال استحکام صورت تمام خواهد
و همچنین عمارات کتب خواجه حافظ علیه

و شاه داعی و بنا کوهی را که خرابی در آنها
بهم رسیده بود و آدم کاشته و بنا و عمه
کنداشته اند که تعمیر نمایند
دیگر نوشته اند که مقرب الحاقان حاجی قوام
که حسب الامر مامور بر نظام امور صفیاتی بند
ابو شهر بود چون خدمات عمده از او رسید
مر نور بطور رسید و خاطر اولیای دولتی
کما یجب از محاسن کاروانی و کفایت خود
راضی و خرسند داشته درین اوقات که
معاودت بشیر از کرده بشیر غیاب حضور
شاهزاده مؤید الدوله کردید از جانب نواب
مغری الیه لازمه التفات در باره مشارالیه
بجمل آید مشمول عاطفت و خلعت کردید و بعد از
مراحت از خدمت نواب مغری الیه از جانب
توقیر و احترام یکی از امیرزادگان عظام را
نیز بمنزل مقرب الحاقان مشارالیه رسانید
و همچنین عیال و خاندان بنیاد که با فوج بلای
دو سال بود مامور خلوی صفیاتی لای و بند براس
در این اوقات نواب مغری الیه او را با فوج در
خانه نموده و در حق مشارالیه کمال التفات
مبدون داشته بخلعین مخلص نمود
و درین قسم و کاشان و گردستان
و کرب و کربان و کربان و کربان
مازندران و کربان و کربان و کربان

اجتبار دولتی

هالک مجتمعه یکی دنیا که احوال عبارت از سی و
 جمهوری است اینها سوای اعلان جنک و صلح
 هر یک در رای و حرکات مستقل میباشند
 داخله و جانب مشورت تعیین مدت معینی از
 اعضا مرکب شده و باز با کثرت آرایینی
 هر طرف که بیشتر اهل مشورتخانه با نظر فایده
 رئیس جمهور ریاض می شود و در وسط هالکی که
 در تحت حکومت رئیس موزارت در شهر و
 باسم خوانین دولتی و باسم وکلای رعایا
 دو مشورتخانه برپا می شود و مدت معینه
 خوانین دولتی شش سال و شش سال و لایحه
 وکلای رعایا دو سال بدولت مقرر است و رئیس
 با مستشار بصوابت اعضای این دو مجلس که مجلس
 دولت و مجلس وکلای محبت باشد چهار سال
 بچهار سال عوض می شوند آنکه تا این ایام رئیس
 یکی دنیا بود مدت ریاست او تمام پذیر شد
 در این اوقات بنا بر رای طرف اکثریت اهل
 مشورتخانه موسیوف و مونث نام رئیس جمهور
 انتخاب شد است و رئیس موزریدر و مادرش
 از جمله فقر بودند و تولد او در یکی دنیا شده و بعد
 پدرش وفات یافته مشا رالیه بادر و فقر برادر
 خود در سن طفولیت یتیم ماندند و در آن اوقات
 رئیس مشا رالیه بکت رفته بمقتضای دکاوت و در
 که داشت در اندک مدت علم هندسه را کمالاً

تحصیل نموده و بعد از آن دو سال و نیم در یک
 کشتی خوابی نموده برتبه ملازمت ثانوی رسید و چند
 دیگر با نظام تحقیق راهها مشورت بنا بر حال تهور و حاشی
 که داشت چند دفعه تحقیق جایهای مجهول الاحوال که
 تا آنوقت کسی نرفته بود و او طلب کرد و رفت حتی در
 سفر از همراهان ادب باری تلف شد و خود تنها با چار
 نفر معاودت نمود و خیلی کشف احوالات و خدایات
 از او بطور رسید و ده سال قبل ازین برتبه نوز با کثرت
 رسید و بنا بر عداوت و فساد و سعایت و عدا بعضی
 ارباب غرض از آن منصب معزول شده با بعضی اشخاص
 سبقت کلی فاریا با اتفاق از راه خشکی غمت بودند چون
 تا آنوقت از راه خشکی با نولات فتن صعوبت داشت
 چهار دفعه رفت و راه پیدا کرد و معاودت نمود و در هجدهم
 بجای فاریا رسید با آنها که همراه او بود در محال ماری بوری نام
 معطی نمود و کار کردند و مدت ماهی که از آنجا حاصل شد
 مشارالیه تنهایی یک کرد و رسید نه ار تو مان
 پول این ولایت و بعد مدتی موزر را بقوم پانیه
 به پنج کرد و فروخت و وجه نقد گرفت و در مدت
 یک سال صاحب نفعت کرد و دولت و مکت و از
 جمله معتبرین گردید و حال چهل و سه سال
 از سن او میگذرد درین اوقات با اتفاق
 اغلب و اکثر جمهوری که اعضای دو مجلس
 دولت و وکلای رعیت باشند مشا رالیه
 بریاست آنولایت تخصیص یافته است

در مجلس مشورتخانه انجمن چند سال است که
 افکونی است که از مقبره ان ملت یهود نیز و کبی
 مشورتخانه تعیین شود و این گذارش بدفاتر در
 روزنامهها نوشته شده چون در مشورتخانه انجا
 در هر امری که اکثر و اغلب و کلای مشورتخانه قول
 بگذارند مجری میشود درین باب اکثریت آرا چون اتفاق
 نگردد انداخته وکیل از ملت یهود در مجلس مشورتخانه
 کلیتہ منع شده است

جزیره استرالیا که در دریای محیط بزرگ و در زیر
 حکومت دولت انگلیس است از انگلیس تا انجاشنی
 بادبانی در پیچده ماه یکده میرفت و مراجعت میکرد
 و کشتی تجار پنجاه روز میرود و پنجاه روز معاودت
 میکند و پوسته میبرد و می آورد بجهت سهولت عبور
 و مرور که بعد ازین فقط کشتی تجار از انگلیس با انجا
 رفت و آمد نماید و آدم و اجناس حمل کند قومیت
 مخصوص در دولت انگلیس معین شده است که یک
 سنجار و وبال وارباز که در یک بال آن سیاحت
 از استرالیا نشسته بسوی پاینده و از راه مصر
 و اسکندریه باسلامبول برسند بر منوال مقرر قبل
 ایام مذکوره کشتی مزبور را بلندن و سایر جاها بپایند
 برسانند از جانب دولت انگلیس با آنها انعام و اکرام
 میشود و اگر پنجاه روز را پنجاه و یک روز بپایند پنجاه
 و دو روز عقوبت بیاید صد لیرا و سه روز عقوبت بیاید
 دولت لیرا و پینست هرت تا خیر بقیه انصاف

جبرئیل میباشد و در اقرار داده اند
 دیگر نوشته اند که در راههای آهنی فرانستان اجیان
 نکستی و تلفاتی اتفاق می افتد بعضی اشخاص عبور
 در کالسکهای قدیم را که با اسب حرکت میکرد و ترجیح
 براه آهنی داده بودند درین باب آنچه تحقیق کرده اند
 در راههای آهنی دولت اسپانیول دو سال قبل
 ازین بهبه چته هفت نفر آدم تلف شده بود و در راههای
 سابق که کالسکه با اسب حرکت میکرد در دولت اسپانیول
 سیصد و بیست و یک نفر آدم تلف شده بودند در خصوص
 در نزد اهل تجربه مستلماً راه آهن ارکالسکه آهنی برآید
 نقش بیشتر و ضررش کمتر است

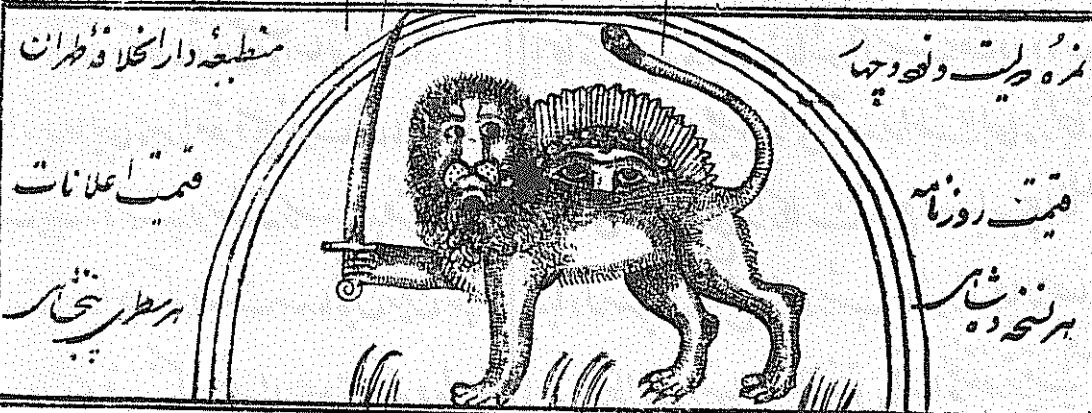
و نیز تجربه آنکه در راه آهن کشتی و ضرر کمی رسد بآه
 امنیت و اطمینان زیاد فراموش آورده اند از جمله
 راههای آهنی انگلیس قومپانیه مخصوص تربیت داده اند
 که اگر یک نفر آدم بیفتد و تلف بشود و هزار تومان
 بعیال آید میدهند و اگر دست و پای کسی بشکند پینست
 نسبت و جزی معین با میدهند و قبل از آنکه شخصی بپایند
 سنجار بشنند صد و بیارمید و از سیغوریه قومپانیه
 نوشته تقدیم میکرد که اگر سبب حرکت کالسکه شکسته
 و یا تلف بشود وجه مسطور فوق بخود یا عیال اودا
 میشود و ازین وجه جزئی نفری صد و بیارمید و جزی
 در قومپانیه مزبور جمع شده است و عموماً امنیت
 راههای آهنی روز بروز در آید است

دیگر در روزنامه اسلامبول نوشته اند که راه بزم
 و خرج اتش که بجهت فرستادن پیغام در فرانستان و

آمد وستان متداول شده است در این اوقات
 از اسلامبول و قلعه سلطانیه تا سده الجرد
 آنجا بجزایر ساقر و روس و از آنجا با کشتی
 و مصر و سپس تا هندوستان بنای کشیدن
 این سیمهارا دارند که بایر راههای سیم که
 ساخته شده و تلفات بسیار متحمل نمایند
 و برای انجام این کار از جانب دولت انگلیس
 مخصوص معین شده و وجه مصارف آن از جانب
 دولت بهوسیله هندوستان خواهد شد
 از کشتیهای تجار یونان کشتی سواری قبو دان
 لا دوس نام که شش هزار کیلو بارگیری میشود
 از طایقان آذوقه حمل کرده با اسلامبول می آید
 در وقتی که در جلد کوی لنگر اقامت انداخته بود
 از کشتیهای دولتی فرانسه تیمون نام کشتی
 ناکام از قضایای اتفاقیه کشتی مزبور خورده و غرق
 گشته و غرق کرده است ولی از اهل کشتی
 مزبور کسی تلف نشده و همگی سالم بگویی بیرون
 آمده اند
 دیگر در روزنامه اسلامبول نوشته اند که در
 چهارم ماه ذی قعدة محرم در شب چهارشنبه
 دو ساعت از شب رفته طوفان شدیدی در
 اسلامبول شده است و پیشکاش تکرانی
 باریده چون قبل از تکرک باران شدیدی آمده
 بود و در بین تکرک سیل عظیم بر راه افتاد و آنکه
 در آن جن غبور میکردند یک مرد و یک زن و یک

دختره ساله را سیل پیش انداخته غرقه و تلف نمود
 و در طوفان آن شب در حوالی بیک اوغلی و تقسیم
 بعضی بناهای جدید را هم سیل خراب کرد
 و دیگر نوشته اند که قرالی دولت یونان بجهت تبدیل
 هوا بطرف وینه پای تحت دولت استریه حرکت
 کرده بود و در وینه بوشنه از جانب اعلیحضرت مهربان
 استریه کمال توقیر و احترام در حق قرالی مشارالیه
 بعمل آمده و قرالی مشارالیه در اطراف وینه بنا
 گرمی داشت و از آنجا بجهت بعضی مقامات سمبلیس
 و لندن حرکت کرده است
 دیگر نوشته اند که چند وقت قبل ازین تکه پیدا
 قار را که از ولایت یونان است دزد و دای یونان
 گرفته بکوه برده بودند و قرار گذاشته بودند که
 هزار هوش تا چهل هزار فردش اگر بدو او را
 نمایند و الا بقتل برسانند مشارالیه مقدور شد
 شده بود که وجه مزبور را کار سازی نماید و در آن
 او را کشته حبش را بجهت عیالش فرستادند
 دیگر نوشته اند بجهت همجواری بودن دولین استریه و بنا
 راه قیسی ملکین را میخواستند بیکدیگر متصل نمایند بجهت
 اجرت نقلیه و خصوصیات سائر آن عهد نامه بر
 میدهند و راههای مذکور سرعت تنظیم و احوال
 سباب آن استحصال می یابد و سبب نفع
 و شایستگی هر دو دولت خواهد بود

روزنامه قایم اتحادیه تاج پوچم پنجم شهر محرم امضا بنیال لوی میسر



اجبار و احکام محروست پادشاهی

اردوی هالیون

مؤکب فیروزی کوکب یون علیحضرت شاهای که
آب و هوای نیوران چنانچه در هفته گذشته کون
ایام عاشورا در آنجا توقف فرمودند و یکدیگر را
تاریخ چهارم محرم محرم بهمان ترتیب و این
و همه روز مشغول تفریح و بازی و ذکر مصیبت جناب
بودند روز چهارم سبب یکدیگر را برچید مجلس
منقضي گردید

مقرب اسخه اتحادیه میرزا حسین خان کارپرداز اول
دولت علیه مقیم تعلیس که از نظم امورات کارپرداز خانه
و قرار سرانجام مهلت بعه این دولت متوفین اول
حاصل کرده از اولیای دربار شوکت ارمایون استعدای
رخصت کرده بود که در اوقات تاج گذاری علیحضرت
امپراطور دولت بهیه روستیه در مقوق حاضر شد
لذا با قضای اتحاد و مصافحات دولین و ثلثین
ایران و روس بر حسب اراده علیه اقدس اعلی اولیای

علیه اورا اجازت رخصت دادند و عالیجاه شارالیه
مؤکب عالیجاه میرزا علی شرف منشی اول کارپرداز خانه
اجبارا نایب خود کرده در اوایل ذیحجه اسخه مسقور و
شد است

چون مقرب اتحادیه عین الملک درین سفر سیلافت
و ماوند و لولاسان و شمیران خاطر اقدس هالیون شایسته
از محاسن خدمات خود و مراقبت و موظیت و فاق
شام و نهار راضی و خوشنود داشته خدمات مطبوع
و سخن خاطر طوکانه افتاده بودند درین اوقات
میرزا معاضرت و مباحثات مقرب اتحادیه شارالیه
یکشوب کلیجه ترمه از طبوس خاص بن مبارک بر
خلعت و حشرت فرمودند

نظر بطور لیاقت و شایستگی و قابلیت عالیجاه حاج محمد
جراح نظام که چند سال است در مدرسه دارالفنون
مشغول تحصیل و تکمیل علم طب و جراحی بوده و علوم
عملا و دید احوال رسائیده درنده استند لوی میسر

قدر قهرمان پادشاهی خلد الله ملکه و سلطانه بشغل
جراح باشیکری نظام سرافراز گردید و مبلغ پنجاه
تومان نقد بر یکصد تومان بواسطی او افزوده شد

از قرار یک عالیجا میرزا مقدریچ نایب غلامان سفارت
دولت پیسه روئیه نوشته رسته پیسه بدفترخانه روزی
فستاده و اجبار کرده است سه ماه قبل ازین از پای

چند روز بروی قریه زرکند شمیران عبور میکرد و است
یک قبضه تفک ششخان الکلیتی در پای چهارم نوریا
برداشت شده بود و بقدر یک عت تفک را بدست گرفته

در آنجا الیتاده بود که شاید حبش پیدا شود معلوم
نشده بود و حال سه ماه میشود که تفک فرور در نزد
مشایات لهندا اعلان می شود که هر کس صاحب
تفک است بنزد عالیجا میرزا مقدریچ رفته نشانی

بدهد و مال خود را تصاحب نماید

دارالخلافه طهران

در ایام عاشورا امالی و سکنه شهر جمیعاً در تکایای محله
خود از روی اخلاص جان فانی در تعزیه داری جنایت

علیه آلاف التحية و الثناء و بطریق نما و طرقات آن قیام
و اقدام نمودند بطوریکه از بیستم در پنج و مضایقه نمودند
الحمد لله از برکت جناب سید الشهدا علیه آلاف التحية و الثناء

و از میان وجودهایون علی حضرت شاه اسلامیه
خلد الله سلطانه و سعی و تمام توابع استطاب اشرف و الای
و مقرب الحاکمان میرزا موسی و وزیر عالیجاها مجسود خان
و که خدایان امالی بسکنه محلات و تکایا و کمال سلوک و

و خدمتگذاری بطوریکه صد فی از احدی برخو استه شده
و خلاف قاعده پیچیده من الوجوه اتفاق نیفتاد و تعزیه داری

با انجام رسانیدند و در روز عاشورا که شبیه مفتاد و دو تن
شهدا رضوان الله علیهم رامی آوردند بواسطه عالیجا و زکین

که خدای محله سکنه تدارکات و مخارج اسباب چراغانی
ریا که سرباز چراغ میزد و شب عاشورا در حاله حصا

چه در اطراف مرتبها و چه در محلیت بقا م مختلفه ترتیب یافته
روشن بود و والی پنجاعت از شب گذشته اشخاص

و غیر معارف از قبیل و هر کرده آمد و شد میکردند و در
سینه زن و سکنه زن از تکایای حول و حوش آمده

تعزیه داری مشغول بودند صبح روز عاشورا هم تخیل و عمار
و علم و بیدق بسیار قرارهای قدیم بلکه بانظم تر و کین تر

وارد چاله حصار شد و ساعت از روز گذشته شروع
سجودان و آوردن شبیه شده و الی پنج ساعت

بغروب بان امتداد یافت و اشخاصی که در اطراف می
فوقانی چاله حصار هر که چادر میزدند هر یک که در شب

چادر خودشان را زده خود حضور داشتند و کانی که
در شهر نبودند بطوریکه چادر آنها را زده بدون کسر و

نقصان نشان آمده در چادر خود سکنی داشتند با شد
که مالتهم اسجد اذیت با حدی نرسیده با آن جمعیت صدها

از احدی بلند شده در سکام تعزیه دیوار تمام فاجعه
با استحکامی که داشت و معادل پنج شش ذرع ارتفاع

دیوار نبود و در اکثر جمعیت خراب شده و اسجدند از بان
جناب سید الشهدا و از بخت بلند شاه اسلامیه

سایر ولایات
 اذربایجان و استرآباد و ابدا و
 اصفهان و پروجر و بطام و خراسان
 و حمه و سمنان و عسراق و فاس
 و قزوین و قم و کاشان ازین ولایات
 درین مقعہ اخباری بنود

کردستان

از قراریکه در روزنامه کردستان نوشته اند امور
 از اتمامات مقرب الحاقان دالی کردستان وین
 انتظام و انضباط است و عموم رعایا و برابری
 وجود فایض بوجود نمایون شایسته اشغال دارند و ای
 از قراریکه نوشته اند سال تابستان زیاد گرم شد بدین
 پیران مهر بخاطر شسته اند که هیچ مالی هوای آنجا باین گرمی
 دلی با آن شسته که با یکدیگر ناخوشی نمودند شسته است
 دیگر در روزنامه جو انرود نوشته بودند که شخصی از دماقین
 با بیاری زراعت رفته بود فاکاه مار بسیار بزرگی بود
 آمد بود آن شخص با بیلی که در دست داشت بر سر
 رفته و مورد اهلک کرده بود چون شکم مار بسیار بزرگ
 او آمده بود شکمش را شکافته پای الاغ یا قاطر شکم
 دیده بود که بلعیده است لاشه او را با پای حیوانی که بلعیده
 بود و بجوانرود آورده بود و از قراریکه چهار رزغ درازی بود
 گروس و کرمانشاهان و کرمان و ناز و ناز و ناز
 نهادند و بهمان ویر و ازین ولایات نیز اخباری
 اختیار دول خارجه

دام سلطانه با حدی استب رسیده مردم در کمال
 انتظام بعد از تغیر و دعا کوئی دولت قوی و شکست
 بجان و منزل خودشان مراجعت کردند
 امورات قسوتی

فوج مهندس که آرنی که مشغول قراولی و در عمارت
 مبارکه ارک سلطانی بودند در این اوقات محض
 شدند و فوج که که تازه وارد و کرده دیده اند بجای
 آنها مأمور قراولی شدند

فوج ششم قراولی و ایو اچچی عیالیه لطفعلی خان شهبان
 که احضار در بار محلات و در حال پوین شده بودند
 درین اوقات وارد و از انجلا فوج مبارکه کرده دیده
 سربازخانه خارج و دروازه دولت منزل کردند

دنه عاشوراش و روز صاحب منصبان نظام
 تکیا و کوچه که دشمن میکردند و مواجب بودند
 در کمال خوبی و خوشی که شب تپس چوبه خلاف و بی نظمی
 اندام نظام و سایرین سر سبزده همه شها و روز
 و روز عاشورار و در نهایت انتظام که شت و رسم
 تغیر داری یعنی آمده دعا کوئی دوام دولت قاهره
 عامه رعایا و برابری اشغال نمودند

بعد از سیر و هم محرم محرم که ایام تغیر داری منقضی
 کرد و دید افواج نظام قاهره متوقف و از انجلا فوج با هر
 از توپچی و سرباز بهر سابق همه روزه در میدان
 مشق حاضر گردیده مشغول مشق نظامی میشدند و از جانب
 صاحب منصبان کمال اهتمام و مشق و نظام می نمودند

ملک سینه از قرائیکه نوشته اند بسیار از اراضی حاصل
دارد و امانی آنجا که محوسی مذرب اند بسیار تنبل شدند
و بخرهای کبری یعنی دیگر اقدام نمیکردند ساختن کشتی
قایق از جانب دولت انگلیس با آنها تکلیف شده بهر روز
در مدت ده سال یک قایق با تمام رسانیدند و این
انگلیس بجهت معموریت ولایت آنها را از بیجده سال
بعضی شغلای زراعت و صنایع باز داشته تا دو
قبل ازین بکار کردند که حال زراعت و صنایع در
میان آنها شیوع یافته بعد ازین البته خود مشغول
بود و حرکت نمیکردند آنها را بحد و اکران شده معلوم
شد که تنبی فطری آنهاست و عادت دارند بخود
اقدام بجاری نمیکنند
از هنرمندان انگلیس شخصی کارخانه جامه شوری پراهن
که در یک ساعت هزار پارچه رخت در کارخانه نمور
و در دو دقیقه خشک می شود مثل این جامه شورخانه در
اسلامبول نیز بنا گذاشته اند که ببارند
سرمه وکیل دولت فحیمه انگلیس لار و پالستن درین
شش سالگی پیا شده و از چهل سالگی تا حال سی و شش
سال است که بمناصب عالی وزارت رسیده و باران
چینی خدات نافه موفق شده در این اوقات بال
نشان بندرانوار دولت مزبور بجا بش را لیه
شده است
بعضی اختلافات که در ایتالیا ظهور کرده بود در روز

سابق نوشته شد بموجب روزنامه که درین
اوقات رسیده است پادشاه ناپولی و پاپ
رومه که بزرگ مذرب کتولیک عیسویت قرار
داده اند در محل پوتونام که رئیس اتحاد دو تن است
هر یک وکیل فرستاد و مجلس محکمه منعقد نمایند که
بنی بر اصلاح احوال ایتالیا و رفع اختلاف آنها
در روزنامه سابق نوشته شده بود که سیم صاعقه بجهت
انتخاب از خارج کلوی بجز سفید پراه اسکندریه
و عدن و از آنرا تا سواحل هندوستان بنا بود بکشد
بموجب روزنامه که در ثانی رسید سوامی آن راه
لندن بسمت یکی دینامیک گذاشته اند سیم بکشد
لندن حتن سیم و سباب آن مبادرت نموده اند
اینکه این سیمها اکثر در میان دریای کشیده میشوند
لصنتی اختراع کرده اند که مثل تلفر افهای سابق
که در بعضی جایها احتمال پاره شدن داشت
این سیمها پاره نمی شوند و بعد ازین از هر راهی که سیم
صاعقه بکشند باینطور قرار شده است بکشند که سیم
دیگر در روزنامه اسلامبول نوشته اند که در پنجم و ششم
درباره ای در آن دکان چوبچی شش ظهور کرده با طرف سیرت و در آن
و چهار سو قافله پنجهاد ویت و شصت باب دکان یک مسجد
حکم سوخته نظام شش خاموش کن اقدام نموده بعضی فراوان
خاموش کردند و نگذاشتند که بجای دیگر میرفتند

از قراریکه در روزنامهها نوشته اند در حالیکه
 و المانیان و پروتستانست اراضی نفوس
 االی آنجا زیاد ترند و گذشته از آنکه امرحیت بعد
 کفایت از اراضی مزبور حاصل نمی شود بجهت تنگی مکان
 بعضی بجلای و طین مجبور میشوند چنانکه از خاک مکرور
 در مدت دوازده سال شش گرو و چهار صد هزار
 بطرف سکی نیافته اند و بجهت امرحاربه این دو ساله بعضی
 آنها بجهت کارپیدا کردن از برای خود در سال گذشته
 دولت وسی و چهار کس عازم اردو و طین میشدند
 بودند درین سال بجهت وقوع مصاحبه چون دست این
 خالی ماند باز از خاک مکرور و بیشتر از انگلیس روزی هزار
 و هزار و پانصد نفر از اوطان خود بیرون رفته بطرف
 سکی دنیاروانه میشوند

تا حال بدفیات در روزنامهها نوشته شده است که
 در جانب شرقی چین جزایر پان بگایت حاصل خیز و خوش
 آب و هوایش و اغلب االی آنجا مجوسی مذهب و حسب
 فنون مینا و بجهت اختلاط و امیرش و داد و ستد با
 آنجا بمقدار از انگلیس سکی دنیا و سایر اطراف زیاد
 و اجبارا طلب رفت و آمد با نولات شده اند و
 آنجا در مقام مانع برآمده فقط سالی یک دفعه یکشتی
 تجارتی فلنک را با آنجا اجازه داده اند که رفت و آمد
 نمایند و سایرین را قبول نکردند در این اوقات از دولت

فرانسه چند کشتی جنگی با آنجا فرستاده اند که بهر طور
 که باشد خواهی نخواهی بمداخت یا بجنگ راه آید و شد
 کشتیهای تجارتی را با آنجا برقرار نمایند
 در فرانسه اشخاصی که تحصیل علم طب ینما و در امتحان
 حکم واکتری با آنجا اعظم داده میشود خواهش طب
 نظام را ینما و چون زیاده از لزوم هستند و داخل
 همه آنها را در نظام ممکن نیست لهذا در دولت مزبور بجهت
 در باب طب و ارجحیدی داده اند که همه شاکردان علم
 یک دفعه امتحان بشوند هر کدام از آنها که درجه لیاقت
 بیشتر و معلومات طلبیه را زیاد تر تحصیل کرده باشد
 واکتری نامی نظام شود

دیگر نوشته اند که پادشاه بلژحال بیت و بجال
 که حکمرانی می کند و در بعضی دول او را قرار دارند که
 هر پادشاهی که بیت و بجال حکمرانی نماید بجهت شادمانی
 اجرای شلیک می کند و اساس عیش و فراهمی او در
 این اوقات که مدت بیت و پنج سال از سلطنت
 منقضی شده است از طرف جمله با انظار کمال سرور
 در بیت و دویم و بیت و سوم و بیت و چهارم
 ماه ذیحجه احرام اجرای شلیک شادمانه نموده و از
 جانب دولتین انگلیس و فرانسه و بعضی دول دیگر
 فرنگستان بجهت تبریک و تهنیت این مقدمه
 مخصوص بدولت بلژنزد پادشاه آنجا فرستاده
 شده است

دول المانیا از قراریکه در روزنامه‌های نویسنده است
از بی و هشت حکومت مستقله است که با هم هموارند
از تبعه که در تحت حکومت اینها هستند بعضی اشخاص
که مقصر شوند بدولت هموار میروند و معاودت
آنها چون خلاف اصول قدیمه المانیات باین
اختلال کلی در دول المانیا روی داده است سخته
پیش گیری این اختلال بعد ازین قرار داده اند که امور
صابطه کل دول المانیا در یک محل اجرا بشود و در
خصوص نظارت همه مل بوده از هر یک از دول المانیات
یک مامور مخصوص نصب و توکیل و درین باب نظایر
لازم باشد مذکره نموده یک مجلس مخصوصی متعقد
که رفع این اختلال بشود
در سال گذشته و نده سه در سمت شمالی ای
بجای ابریشم خیلی ضرر رسیده و این نوع ضرر
از آفتی فهمیده اند که تخم ابریشم حادث شده است
بجهت رفع مضرت آن در سال آینده قرار گذاشته
که تخم ابریشم تازه از ادرنه و شام و بروکس
و چین آورده بکار ببرند و درین باب تجار اعلام
کرده اند که تخم تازه از ولایات مذکور تحصیل
بآنجا ببرند
در اغلب بلوکات و دوات حلب حاصل ابریشم
ولی در خود شهر حلب تاکنون ابریشم بعین نیامده
بودند درین ل از نظار ایکن حلب شخصی ناقری نام
بروسته تخم ابریشم آورده در خود حلب ابریشم

در نزدیکی بلخاد باین حدود استریه و صرب و وسط
طونه در محل تیمور قاپو نام سنگهای بزرگ در میان
است و باین واسطه کشتیها در حین عبور و مرور از آنجا
بسیاری بان سنگها خورده شکسته و غرق میشوند و
انها را هم که غرق نمی شوند بصعوبت از آنجا میکذارند
باب کندن این سنگها و تمیز کردن راه عبور کشتیها
سابقا از دولت استریه اتهام شده و ممکن نگردیده بود
در این اوقات دولت استریه بشراکت صرب محل
آنچه بطرف صرب است قرار داده اند که نهر علاحد حفر
نموده آب را با آنجا جاری نمایند که کشتیهای آنجا
عبور کنند و بجهت مخارج این نهر یک کرو رود دولت
تومان وجه بر آورد و معین کرده اند و این جمله سخته
عبور کشتیهای تجار تی و غیره بسیار لازم بود و فعلا
عاید عموم تجار و غیره می شود
از صاحبان عسکر به انگلیس شخصی چند وقت پیش
بکرج رفته و معاودت نموده و بجهت ادای قروضی که
در بعضی محال داشت رخت فراوان کشیده و
بسیار دیده معاودت و تشبولات خود بطول آنجا
بود در این اوقات خالوی مشارالیه که منصب
یوزباشیگری داشت و صاحب ثروت بود در لندن
یافته سفید و پنجاه هزار تومان با واریث گذاشته بجهت
ایکه بیاید و و جمه و روث را ضبط نماید از راه سیم صا
با و اخبار کرده اند که آید اموال هر نور را ضبط نماید و از قرض

روزنامه وقایع اتفاقیه پنجشنبه بیستم شهریور ماه ۱۲۷۳



منطبه دارالخلافه طهران
قیمت اعلانات
هر سطر پنج

نزهت و نود و پنج
قیمت روزنامه
هر نسخه ده

اخبار داخله ممالک محروسه پادشاهی

اردوئی هایون
نظر بر اینکه بنای دوستی مابین دوین فحیمین ایران و روسیه
بسرحد کمال و همه روزه درازد یاد است علیحضرت کیوان
امیر اطور ممالک روسیه چنان شایسته دیدند که محض اتحاد و دوستی
دین افقی نسبت به کار نوایب شرف والا ولیعهد
علیه ایران و سرکار نوایب شرف والا امیر نظام با احتشام
از جانب خودشان ظاهر سازند و همچنین نسبت به نجایب شرف
ارفع صد اعظم دولت علیه نیز که در احکام بنای بود و در
مراتب خیر خواهی حسن نیت تقدیم رسانیده اند بطرف خاص و کلی
خشنودی خاطر هایون قانینه و نیز از جانب نظام الملک
وزیر امور دول خارجیه این دولت که صدق عقیده و
طایفه ایان نسبت به دولت درجه کمال اردو تقدیم فرمود
باشند لهذا برای هر یک از نوایب نظامیان شاهزادگان
که نام نامی ایشان در فوق زیبا این ورقه شد یک قطعه
موسوم است اندر مکتب الماس که از اجده نهایی برگزیده است

و غالباً مخصوص دو دمان سلطنت است اعطا و بر ارجی
اشرف امجد افغ نیز نشان عقاب سفید مرصع بالماس
شکل بر عقاب و پیکر و یک کمر و چتره هر یک از جنابان
یک قطعه نشان سنت انار مرصع بالماس از مرتبه اول و چتره
عالیجا به قرب الحضره العلیه میرزا عباس خان نسی اول و
امور خاچه نشان مژگن کمال الماس از درجه دوم عنایت و مصوب
صاحب منصب مخصوص ارسال سفارت دولت خودشان هم
دولت علیه فرموده بودند و باسم عالیجا به مجتهد سر امر
خان تبرجم مخصوص دولت علیه نیز نشان سنت سیلا
بالماس از درجه دوم اعطا و عنایت شده بود و بعد از آنکه جناب
همراه شازده فرزان دولت بهیض اطلاع از مراتب دادند حسب
قرار داده روز دوشنبه گذشته چهارم شهریور ماه
باهر التو هایون شرف اندو شدند عالیجا به قرب الحضره
محمد علی خان نایب شکاف قاسی باشی فامور را باده نقره علام
خاتمه پادشاهی بنزل سفارت اندوالت بیه رفقه جناب

با صاحب منصب مخصوصی که حامل نشان بود دعوت نمود
در کمال احترام و در ساعت معینه در حالتی که ده نفر از فرشتگان
در جلوی ایشان بودند و در میان ایشان شدند و ابتدا در پیش
مبارکه که قبل از وقت برای اکرام و تشریف ایشان میباشد
آرام گرفتند و جمعی از اجداد و مشیرین حکمران در باغیون با لباس
رسمی جناب معزی الیه را در اینجا پذیرفتند بعد از آرام و استراحت
بشریفانی حضور آمدند و یون شاهنشاهی اجازت داد و در حاکم
چند نفر از اجداد شاهزادگان عظام و اهل حضور انور بودند
جنابان نظام الملک و وزیر امور دول خارج نیز با لباس
درباری نشان و جامیل در نگاه آمدند شرف حضور داشتند
و در منظر قصرهای یون امیر الامرا العظام سرپوشی با شکیلی جمعی از
یون با شیان و علائم شاهی خاصه و خاصه سلام دادند
جناب رزق فرمادند مقربان حکمران امیر الامرا العظام ایشان را
باشی در بارها یون شریف با حضور با هر انور ملوکانه شدند و نشان
که قبل از وقت در سینی طلا گذاشته و صاحب منصب حامل نشان
در دست داشت بعضی رسانیدند که از علیحضرت شاهنشاهی
پیش خفته هر یک نشانها را فردا فردا ملا خطه و حسن و انوار
دوستی اعلی حضرت امیر طوری اظهار کمال خوشوقتی فرمودند و بعد
ملاحظه نشانها را یک یک بدست جناب وزیر امور خارجه رسانیدند
که در پیشگاه همایون در تاج سینی طلا بچشمه بعد از بدل تقدیم
ملوکانه تبیین نشان رزق فرمود و بایش بعضی الفاظ در بار کمال
دوستی و دولت قوی شوکت مقرر فرمودند که هر یک از نشانها
بوسیله جناب رزق فرمایند خود ابلاغ شود جناب رزق فرمود
صاحب منصبان از حضور همایون خوش بهمان ترتیب و احترام با جناب
وزیر دول خارج و مقربان قاضی قاضی باشی منزل نوبت

شاهزاده عظم الفخم و لیعهد دولت علیه رفتند در حالتیکه جناب
نظام الملک و جمعی از خواص حکمران نواب خطم الیه در اینجا بودند و قبل
وقت برای تبریک نشان نشان مجلس چیده بودند و جناب رزق
و صاحب منصبان آرام و قرار گرفتند و شیری صرف نمودند که نواب عظم الیه
تشریف آوردند جناب معزی الیه نشان را بابت خود نشان پیکر مبارک
ایشان حامل کردند و تهنیت گفتند بعد بهمان ترتیب و احترام
معزی الیه صاحب منصبان جناب وزیر دول خارج و مقربان اینجا
ایشان قاضی باشی منزل نوبت شرف الا شاهزاده عظم الفخم
نظام با احترام آمدند و حالتی که امیر الامرا العظام سر و اکل جمعی از
خواص حکمران نواب خطم الیه در اینجا بودند و قبل از وقت برای
نشان نشان شیری چیده بودند و جناب معزی الیه آرام و استراحت حاصل
نواب عظم الیه تشریف آوردند جناب رزق فرمودند و تهنیت خود نشان
نشان را بابت تبریک نشان کرده تهنیت گفتند بعد بهمان ترتیب
احترام بمنزل جناب شرف ارفع مجد صاعظ آمدند در حالتی که
جنابان نظام الملک و وزیر دول خارج و مقربان حضرة العلیه
مشی اول وزارت امور خارجه بودند و برای تبریک نشان نشان شیری
بودند بعد از تقدیم لوازم احترام و صرف شیری جناب رزق فرمود
ایشان را جدا جدا جناب شرف ارفع مجد صاعظ آمدند و جناب
معظم الیه هم با کمال توقیر نشان خود را گرفته و نشانهای ایشان را
و ایشان هم با کمال توقیر گرفته و مجلس با کمال دوستی نمودند و تهنیت
بجتم رسید احترام تمام ماحبت بمنزل سفارت نمودند و عالیجاه محبت
میر الملک خان ترحم مخصوص دولت علیه چون در اسلامبول بودند نشان
با اینجا فرستادند که دلیل التفات اعلی حضرت امیر طوری را باینکه
رسوم و آداب دلیل واضح است که باین پادشاه شوکت و استقامت و ایالت
و این کائنات کمالی حاصل است و وزیر و یمنی انجمن تهنیت انسانی در دولت

۱۹۰۲

از دیا و خواهد بود

چون در این اوقات که میزان داخل شده هوای در آن
 طهران بسیار خوب و با عدال آمد و بجهت الدان ناخوشی که
 سابقا کما بیش ظهور داشت درین روزها مطلقا اثری نیست
 و بکلی رفع گردیده است لهذا اعلحضرت اقدس هائون شاهنشاهی
 که درینا و ران تشریف داشتند عتبت نخواستند
 فرموده در روز پنجشنبه پست و چهارم محرم الحرام از بیلا
 نیار و ران حرکت فرمودند جناب اشرف اجداد رفع صدر
 عظم و سایر خواص و مقربان حضرت گردون لطبت
 نیز در موکب فیروزی کوکب هائون بوده افواج قاهره
 نظام متوقف دارا بخلاف مبارکه از پائین باغ قصر قاجار
 الی بالای نخواستند که معبر موکب هائون شاهنشاهی
 دامت شوکت بود و صف نظامی کشیده شرفیاب حضور
 حرم ظهور ملوکانه گردیدند و ثواب مستطاب الهی
 و الابرار و شیر میرزا حکمران دارا بخلاف طهران و سایر
 چاکران و صاحب منصبان متوقف دارا بخلاف مبارکه
 باستقبال موکب هائون شتافته شرفیابی حاصل نمودند
 چهار ساعت از روز بالا آمده موکب هائون با الشوکت
 و الاقبال در باغ نخواستند نزل اجلال فرمودند
 و چند روزی در آنجا توقف خواهند فرمود تا تعمیرات
 عمارات مبارکه ارک تمام شده و زیب و آئین پذیرفته
 در ساعت سحر و ارک مبارکه سلطانی و معمر
 عطشی شوند

چون مقرب الخاقان حاجب الدوله از روزی که قدم بجاده
 نوکری نهاده است جمیع حرکات سکنت خود را بر وفق

رضای خاطر محبت ذخایر پادشاهی قرار داده است
 و خدماتی که با رجوع شده است بکفایت و کار دینی
 خود سیکر عایت کرده و انانافا بر آثار ارات و علایم
 خود افزوده و اعمال و افعال خود را بر یور قبول مقرون
 کفایت های واضح و نکات های لایحه در پیشگاه حضور هائون
 در موارد خدمات کلیه واضح و آشکار کرده است چیزی
 زیاده در نظر افروز جلوه کرده است این است که بنگار
 ورود و سفرای دول خارج به دربار دولت علیه و شرفیابی
 حضور مبارک از عهده تشریفات آنها بر وفق قاعده
 قانون و مطابق عهدنامه مبارکه برآمده اعزاز
 احترام ایشان را خوب رعایت کرده است از آنجا
 که کفالت این امر عهده در هر دولتی بعهده شخص کامل
 با کفالتی بوده و پیش از این اسرار کادس هائون شاهنشاهی
 نیز با قضای رای ملوکانه این خدمت محرم را بعهده
 مقرب الخاقان مشارالیه تحول فرمودند که هر وقت
 اوقات که سفیر و امورد دول خارج به دربار دولت علیه
 وارد شود موافق تشریفات که در عهدنامه مبارکه
 تحریر یافته است از روی دستور العمل اولیای دولت
 در حفظ احترام آنها بکوشد و مراقب باشد که خلافت
 اتفاق نیفتد

چون عالیجاه محبت همراه میرزا ربیع وکیل نواب شاهنشاهی
 از محاسن خدمتگاری و ارات شجاعت
 خاطر اولیای دولت علیه مسرور شده و خدات او مقبول مسجود
 ملوکانه افتاده بود لهذا در این اوقات منصب عتبت
 دیوان هائون سرافراز و فرمان هر لحاظ مبارک درین

کیلان

از فرار یک در روز نامه کیلان نوشته اند امور آن ولایت
مربت و اهتمام امیر الامراء العظام مقرب الخاقان عمید الملک
در کمال انظام است و عموم عیای و بریای در مدافعت و
بدعای بقا و سلامتی وجود فایض الجودا قدس بک یون
صان اندام و ولت عن التناهی اشتغال دارند و محمول
ان ولایت از ابریشم و پنج سجد اند بی آفت و بسیار خوب
و مقرب الخاقان عمید الملک با کمال حسن لوک و عیت داری با
انجار قضا و نهاده چنانچه نوشته اند که عباس علی نام شیخ
مأمور خدمتی برانگه کرده بود و شایسته چل و پان
خدمتانه خود دریافت نموده بود بعد از استحضار خواه
حک از او ستر و لباس جیش سلیم کرده و او را از نوکری
اخراج نمود و همچنین جماعت خباز که محض دعا گوئی ذات اند
هائون شایسته و رفاه حال رعایا در نهاده اند از ایالت
و صادیات دیوانی محاف شده اند مذکور شد که بازمانده
سابق مان رازیا و ترانمطه وقت معتمد اند استاد
جامعت مذکور را بحضور خواسته بعد از تنبیه و مواظبت
قرار داد که بهر قیمتی که آرد را میزند بجزئی تقاضائی مان را فرو
و اگر خلاف آن نمایند مورد سزا است شوند

و یک نوشته اند که امیر الامراء العظام را به جهت راه انداختن
کرجیانی که از سفید رود آب کباب خاکیات و ولت را حمل نموده
سامان لایمجان گذشته و بحال رشت رسیده بودند
رشت قبل از ایام عاشر حرکت کرده بکنار رود چاه

رفت و در آنجا سه روز توقف نموده علاوه بایجاری
کرده کرجی را بر راه انداخت و بجهت ایام دهنه عاشر در
محرم معاودت برشت نموده بلوازم تغییر داری جناب
سید الشهدا علیه الاف التحیات و ختم بعد از انقضای ایام
تغییر داری چون از مأمورین بودن کرجی با بنجین خبر
سبب کی آب رونق نماند که بعضی جایها را باید کود نمایند
کرجی بگذرد بلکه کفایت نمی کند و بعضی جایها که دور است
علاوه آنکه دیر میرسد لهذا در چهار دهم ماه محرم احرام مجدد
از رشت بیرون شده بکنار رودخانه سمت ما مراده کما
رفت که در آنجا بجهت و ایجاری نموده است که چهار روز

بنجین برساند

کرمان

از فرار یک در روز نامه کرمان نوشته اند امور آن ولایت
اهتمامات امیر الامراء العظام سپهدار حکمران کرمان قین
انضباط است و در نظم طرق و شوارع کمال سعی
معمول شده و اول دستخط در قراولها و دهنه جات
مخوف و محل عبور قطاع الطريق و شهرار بلوچ است گذشت
همه جا مشغول حفظ و حراست راهها میباشند و علاوه بر قراول
و مستحق که در همه جا است در این اوقات که زوار کرمانی
زیارت ارض قدس بودند حاجی بیک تخی با جمعی
مأمور بدین قرار نموده است که آنها را سالم از منازل خود
گذرانند و قبض و حصول و رضا مندی از آنها گرفته معاودت
بکرمان نمایند

و یکم از قراریکه نوشته اند هوای اتولایت سال در
خوبی و اعتدال است بطوریکه هیچ سال باین اعتدال
نشده بود و امالی اتولایت از این معنی بسیار مشغوف
و خوشوقت بوده اند

و یکم نوشته اند که عا کر منصوره پادشاهی که حب
بانظام صفحات بلوچستان و رفع شرارت مستقیم
و اشرار آن سامان رفته بودند در راه و نتیجه احترام
وارد کرمان شدند و محمد شاه بلوچ را که از جمله مستقیم
اتولایت و بخود سری و سرکشی عادت داشت با سپه
وزر و متابعانش گرفته مقید و محبوس بکرمان آوردند
در روز و در وقتون مأمور امیر الامرا العظام سپه
حکمران کرمان اعیان و اشراف ولایت صاحب منصبان
فوج خلیج و کوچی و غلام و جمیع نوکر متوقف کرمان را باین
فرستاده لوازم احترام عا کر نصرت فرجام را معمول
و بعد از ورود در میدان ارک صف کشیدند و خود امیر الامرا
سپه دار با عالیجا میرزا محمد ستونی و پیشکار کرمان بمیدان
اراستگی و انتظام آنها را حاضر نمودند و عالیجا با محله
سرتیپ که درین سفر کمال رشادت و کفایت اظهار کرده
بود با سایر صاحب منصبان بخیرین و لوازش شده
و یکم نوشته اند که قافله یزدی از کرمان روانه یزد بودند
خود را در پشت دروازه که قاطر خانه است ریخته بودند
یک لنگه شبستان از قافله فرو بر سرقت شده بود در آنجا
بامیر الامرا العظام سپه دار اظهار داشتند و ارفه و کد خلیج

محلاته را خواسته قدغن اکیده نمود که بستانه سال مسروق را
با سارق حکما پیدا نمایند آنها نیز در مقام تفحص برآمده بعد از جستجو
لنگه شبستان را در میان چاه قناتی پیدا کرده آوردند و در حضور
بدون کسر و نقصان بصاحب مال تسلیم کردند و ولی سارق
معلوم شده بود که کیت در صد بوده اند که او را هم بدست
بیاورند

سیر

از قراریکه در روزنامه یزد نوشته اند امور اتولایت را تمام
مقرب الخاقان محمد یوسف خان سرتیپ نایب الحکومه یزد و عالیجا
میرزا شعیب پیکار دنگال انتظام است و رعایا و برابرا سوده خط
بدعای ذات مقدس شاه یون شاهی اشتغال دارند و در اینجاست
طرق و شوارع که خوف بود بهر جا قراول و مستحفظ گذار شده اند
و عابرین و مسرودین از زوار قافله بارض اقدس و سایر جاها با
اطمینان عبور و مرور می نمایند و بامورداد و مالیات انجام
خدمات دیوانی رسیدگی کامل میشود و همچنین در آبادی ولایت
قوات دقت و رسیدگی شد خرابی قنوات باز دیده کرده اند که تسطیح
هوی دار العباد یزد نیز از قراریکه نوشته اند اسال در کمال اعتدال
و امراض عموما بسیار کم است و در اوقات فیه عاشورا و یونیا خانه
یکه بسته و مشغول تغذیه داری بوده اند و بجهت حصول دعای خیر
بفقرا و مساکین کرده اند و چنین سایر تجاری شهر را هم تعارض
بسال بسته و مشغول ذکر مصیبت و تغذیه داری جناب سید الشهدا
علیه الاف التحیه و آشتیا بوده اند و از هر گونه اجناس و کالاهای
و میوه جات هم از قراریکه نوشته اند از هر چیز کمال فراوانی
و ارزانی را دارد

اخبار دول خارجه

مذنی است که روزنامه نویسان فرمستان در با
ملاقات علیحضرت امیرالطوفان و اعلیحضرت
استیر روایات زیاد و در روزنامه می نویسند از جمله
در روزنامه بر ویلر نوشته اند که اینگونه اتفاقات از
معظم روزگارت و بگردش حکومتی زیاد تاثیر میکند
ملاقات سلاطین با یکدیگر دیدن تنهائیت بلکه متضمن
کلیه دولتی خواهد بود چنانچه در زمان امیرالطوفان
و آمدن او بشهر برلین و ملاقات با پادشاه پروسیه
فوائد دولتی در ضمن ملاقات این حاصل شد احتمال میشود
که ملاقات امیرالطوفان با امیرالطوفان استیر نیز متضمن
احوال ایتالیا باشد

از فرستادن انگلیس که اختراع صنایع می کنند و مورد
شخصی در این اوقات یک کشتی بطور تازه اختراع کرده
که مانند خرگوشه شده و بسته می شود و بجهت نشستن
آدم در آن بجهت جایگزین شدن حب الاقضا تو شیخ
مکن بوده و از جمله اختراعات غریبه است

دیگر نوشته اند که دولت انگلیس قنونی که از ایتالیا
گرفته بودند در این اوقات بنا بر عدم لزوم آنها هر یک
پنجاه تومان داده با وطن خود مرخص کردند و ازین
پنج هزار کس را بجهت گنی بیک محلی از جمهوری نیکی دنیا که در
جنوبی واقع و اراضی آن بسیار و اهالی آن کم است جمهوری
انجا از دولت انگلیس خواست که ده اند و قرار داده اند که
انچه بجهت زراعت لازم بآنها متعینا داده شود ولی از
جانب دولت انگلیس معلوم نیست که این خواستش جمهوری

انجا قبول شده باشد و این اشخاص را با انجا بفرستند
یا نه

چند وقت قبل ازین در اکثر محال دولت اسپانیول
سبب ادواحتلال اوضاع ولایت بودند بجای های دیگر
و اهالی آنجا را بتبشیش ندانسته بودند از قراریکه نوشته اند
در اواخر ذیقعد در بعضی محال چهار پنج ایالت اهالی
انجا رفع لویای یا غنیکری کرده بنای اغتشاش و فساد
گذاشتند از جانب دولت اسپانیول بجهت اطفا فتنه
آنها فوق العاده اقدام و غیرت کرده اند و بسیاری از
دسگیر نموده و با اجرای سیاست آنها زیاده وقت
کرده اند

در انگلیس از اعضای مجلس شورت شخصی بجهت سر و کلاه
مرد نور در خصوص تجارت طونه گفتگو کرده و سوال نموده
جناب را بیه با این طریق جواب داده است که هر محلی
طونه در خصوص تجارت بقرار ازادی معمول و راه نمایان
هر دولت بجهت تجارت در انجا مفتوح خواهد بود
از قراریکه نوشته اند در مالک دولت بیسپه رسته که در
دریای بالیک بجزیره سیاه واقع اند درین حال حاضر
و فراوان است و بجهت عبور و مرور و تجارت و خرید و فروش
منافع کلی عاید عموم خلق آن طرف خواهد شد

دیگر نوشته اند که در مالک روس قواعد تعرفه و رسوم
مرک عمده تجدید شده است پیش ازین مرک قهوه و شکر و سکر
و ازین قبیل چیزها زیاد بود این اوقات وجه مرک آنها را از
جانب دولت کم کرده اند و باین جهت تجارت دول متعین
تجارت و با یکدیگر در مقام استیصال محبت و دوستی

از قرار یک در روزنامه جریده الحوادث اسلامبول نوشته
درین ل سوای عربستان و کرد و قبرس و طرابلس و
از طرف روم ایلی و اناتولی از مالک دولت عثمانیه در باب
بیع و فروش انقیه بعضی اصول و قواعد مخصوصه جاری شده
از طرف دولت بجهت تسهیل معاملات تجارت قرار شده است که
آنچه از مالک عثمانیه حاصل و در آنجا صرف شود موافق این
که در تون و در اندر قرار کرک را بسم معمول بدانند از اعلای
در هر اوقتش فروش و از وسط آن چهار فروش و از دست
دو فروش و نیم دریافت شود و از تاریخ این قرارداد که
۱۲۷۲ هجری اعتبار می شود از مالک عثمانیه آنچه انقیه که نقل و
نبود بر موجب تعرفه رسم کرک رسوم خصصیه نیز دریافت
فقط حمل و نقل آن بجا که خارج از صد و دوازده رسوم کرک آنرا
قرار داده اند و درین باب بامورین خود و سفرای دول متخا
رسمًا اعلام کرده اند که بعد ازین وجه کرک و خصصیه انقیه از

اینقرار معمول است

دیگر نوشته اند که در سلانیک در محله جدید از خانه بزرگانی
از تبعه دولت سکنیه آتش ظهور نموده و بجهت باطل
سرایت کرده فی الحال والی باشا با توپچیان عبا که بجزیره
بامورین رسیده جلوس آتش را گرفتند ولی از تبعه فرستاده
خانه بزرگان سکنیه نام در خصیه فقه فقه آتش سرایت کرده
دو سیت و سی و سه کله باروت ناکاه آتش که فقه آنجا
کلاً محترق و برهوا در خارج حصار نیز محل مشهور باشد و در
چهار سوی مصر آنچه خوب بود با دکانین و دباغخانه و سایر

تا بعد چه حکم در باره او بشود
دیگر نوشته اند که سابقا گذشته از امور تجاری دولت اسپانیا
فیما بین آنها و تجار جمهوری یک سیفا منافقه ظاهر شده بود و با
باین دولت اسپانیا و جمهوری یک سیفا برودتی ظاهر شده
از طرف دولت اسپانیا کشتی جنگی سمیت جمهوری سیفا
فرستاده بودند بموجب اخباری که این اوقات رسیده است
در ساحل در قزویر نام که از خاک جمهوری یک سیفاست رسوم
کرک آنجا را جمهوری مزبور در عوض مطلوب و ادعای آنجا
اسپانیا حل و فصل نموده با قیامت بامورین مخصوص در
مبادرت شده است

روزنامه قایم القایه پنجشنبه دوم شهر المظفر مطابق سال لوی سیل ۱۲۷۳

منطقه دارالخلافه طهران	منه بیت و نود و شش
قیمت اعلانات	قیمت روزنامه
هر طریخی	برنجه ده شهر

اجبار و احکام محروسه پادشاهی

بنکارستان و دفع مؤذنه	دارالخلافه طهران
مقرب بخاقان معتمد دربار سپهسالار میرزا محمد صادق بم	اعلیحضرت قوی شوکت شاهنشاهی خداوند ملکه و سلطانیه چنانچه
و پیشکار مملکت آذربایجان که مأمور بانجام خدمات عمده و	در هفته گذشته نوشته شد در بنکارستان شریف دارند
و اجرای نظامات کلیه است و هیئت نظم امورات و منظور	بجهت صفا و محرمی آنجا و خوبی و ملائمت هوا چندی در باغ فروردین
نظرات و دایما خدمات نمایان و زحمات شایان از انفعالی	شریف خوانند داشت جناب شرف امجدار رفع صدر عظمی و
در پیشگاه محبت دگانه طوکانه بکوه ظهور آمده است لهذا	خواص و مقربان حضرت گردون بطنیه نیز در آنجا مستند
ظهور محبت و غایت حب الامریک ثوب کلیچه ترمه با طبع	روزگار الهی سلام از امر او خوانین و صاحب مضبذان نظام و
تن مبارک برسم خلعت درین اوقات بمقرب آنخاقان	از ستوفیان عظام و پیریه شریفیاب حضور با هر النور طوکانه نشینند
مرحمت گردیده عالیجا میرزا بابا بیک پیشخدمت جناب	و هر یک در انجام خدمات محوله بخود اقدام دارند و برای هر یک
اشرف امجدار رفع صدر عظمی حامل آن گردیده بر عت	از رؤسا مندرلی علامه در دست کرده اند روزها هر کدام در
آذربایجان شد	منزل خود نشینند خدمات محوله بخود رسیدگی نمایند

چون حاج فیض الله سلطان بهار لوسالها و توپخانه مبارک	نظر باینکه درین روزها هوای دارالخلافه طهران و اطراف
سجده سگداری مشغول بود در این اوقات بجهت محنت	خرمنی و صفا دارد و افواج قاهره نظام متوقف دارالخلافه
التفات آید موافق حکم نظامی اولیای دولت جاویدند	مبارک که همه روزه در میدان خواجه شریف می کنند عیوض
منصب یاوری توپخانه مبارک و رتبت عالیجایی سرفرا	اقدس عالیجناب شاهی اید الیه و ابد الیه در زیورچهار
کریم که مراتب خدمتگذاری و جان شاری خود را پیش	غایت تعجیل اطراف دارالخلافه را فرموده سوار شدند و سمت
مشهد اولیای دولت علیه سازد	پیرا باد و آن صفی ت را کشت و تفریح فرموده بهنگام عصر

چون عالیجا مقرب الخاقانی میرزا عبدالغفار خان نایب
 امور خارجه دولت علیه در انجام خدمات مقرر و اجرایی مهتم
 مرجع آثار کفایت مراقبت و شواهد اتهام و صداقت بطور آرد
 و بخصوص در ایام تشریف فرمائی موکک یون بیلایات
 و دماوند که برای مواظبت امور مهم خارج حسب الامر دنیا و ان
 کرده بود در اظهارات و جوایز جنابان سفرا و مومنین دولت
 مستحبه تعیین و از اختلاف و مراقبت کارهای ایشان بقضای قواعد
 ادب مقرر و عی و مطلب بود و محاسن قیام و لطف کفایت و در
 محبت نگاه هایون بخدمت ظهور پیدا کنند مشمول حمت و عنایت
 با عطای یک قطعه نان در جبال و سکنی با طایل مخصوص آن
 و نام التفات آن قرین مباحث است
 چون مقرب الخاقان محمد قلیخان الخاقانی حکمت فارس در انجام
 خدمات دیوان و نظم امور ایالت ابو اجمعی و محاسن کفایت
 خود را مشهور و ملحوظ خاطر اقدس شاهنشاهی و انبیا
 دولت علیه شده بود و در این اوقات از جانب سیاح
 محض و فرج حمت و عنایت یک قطعه کار و کلل بالماس بافتی
 مقرب الخاقان شایسته حمت کرد
 و هم چنین چون اوقات مقرب الخاقان میرزا اگوشن میرزا
 وزیر مملکت فارس از عهد سبابت دیوانی و انجام خدمات
 سخن و در احسن اتهام خود را اظهار ساخته بود و از یک سو بجهت
 از جانب اعلیحضرت اقدس شاهنشاهی برسم خلعت بافتی
 مقرب الخاقان شایسته حمت و التفات
 میرزا آقاسی شیرازی رعیت دولت علیه که در مقام کنکس
 در سنو آه پنهانی بود و جناب شیش صاحب وزیر مختار سابق اندو
 او را از نویسندگی بیرون کرد چون وارد مملکت ایران بران
 که نوکرهای دیوانی مادام که سند اخراجی آنها درست نباشد
 کسی نمیتواند آنها را بنوکرگی نگاه دارد و نمیتواند نزد کسی نوکرگی
 مادام که حکم معافی خود را درست نشده باشند یا بنحی که اگر
 نوکرهای پست که چک باشند و بشخصه و فحضور اقدس شاهنشاهی
 شاهنشاهی بنام سند اخراجی آنها از رئیس کل آنها باید داده شود
 از درجات بالا و معروف حضور اقدس شاهنشاهی با حکم اخراج
 سنی اجواب هایون در اخراجی آنها لازم است و بدون این
 هیچ نوکر دیوانی را خارج از خدمت نمیتوان نمود و لهذا بهین
 مقتضای اینست رسم بوده است که درباره نوکرهای مردم هم
 له آقا و صاحب آن نوکر مخصوصا او را معافی او دهند و دیگری خلاف
 ادب بشمارد که او را نزد خود نوکر نماید و لایای دولت علیه را
 بملاحظه اینست و قضای اتحاد و یکجندی و لیتن و رسم شده اول
 که در نظر یک نوع کاکتی نه داشته باشد که نوکر کسی دیگری بدون اذن اجازه
 آقای اولش برده نگاه دارد و اول و بنوکرگی این دولت برقرار نگردد
 تا اینکه جناب سبزی الیه رعا اخراجی او را با لایای این دولت اعلام
 بشمارد که هر جا بنوکر نماید در هر صحنه نخواهد بود و لایای دولت
 علیه را لایه را محض تفضل و حمت و مراقبت جناب دولت بنوکرگی
 برقرار کردند و چون او در سفرهای شش و عالم بوجایز تفات
 و گفتگوهای دولتی بود مناسب نبود که در دار الخلافه باشد و این
 که در جناب سیاح طر سفیر اند و لیتن برسد بجهت حکم هایون بسلطنت
 موجب در حق او برقرار و نامور توقف اصفهان و از آن تاریخ الی
 که شش سال است در اصفهان باست نشی گری انجام و تصدی
 عالی و حکومتی که از جمله ملوکات معظم اصفهان است و غیره
 خدمات دیوانی اشتغال داشت اما حساب کتاب و دوا
 سند دیوانی خود را قطع و فصل نموده بدار الخلافه آمد و او قاضی که از

ظهور ناخوشی و با عموم مردم بانظر و انظر فراری بودند
 از برای مردم حوس و مجال کار رسیدن بحاجت نبود
 اولیای دولت علیه مستدعی خرجی از بابت مباحه شد که در
 ناخوشی و اختلاف بر طرف شده است با و داده و اذن بد
 که بزیارت عتبات عالیات مشرف شوند حاجت یاب و یابی
 خود را بر داخته بجهل مایوس و خدمت خود شمع و کینه
 استماعی بجز اجابت مقرون آید غرض زیارت شد از
 فرایک این روزها از بغداد خبر رسید جناب سرتور میرزا آقا
 مشایخ را با این تفصیل پیش خودش برده است منظور
 او را بگوئی سفارت یا خودش برقرار نماید و مباحی
 دیوان اعلی را که شایسته برده و بهین جهت طهر زده است
 بدین قصد حالت و رفقا جناب سرتور در مقدمه میرزا ششم
 در طهران که عتبت و نوکر موجب خود دولت علیه است
 و خلاف رسم موحدت و مصافات خضرین را بطور آورد
 و باعث خمت کارگذاران اولیای دولتی و همچنین حاجان
 بغداد میرزا آقا عتبت و نوکر موجب خود دولت علیه را منظور
 تصاحب اند بر هر دیشوری مخلوم است که تا چه درجه در
 بنیان دوستی این دو دولت که سالها بر حاکمیت استقامت
 گرفته است عی است مظنون اولیای دولت ایران این است
 اولیای دولت انگلیس اضی بانظر و فراری مأمورین خودشان
 سنا فی شرایط و سنی قیدی دولتی است نخواهند شد جناب
 بتفکرات زیاد لباس غیر حق بقدره میرزا ششم خان خواست
 اگر فقره میرزا آقا باین تفصیل مقرون بصدق باشد و آقا
 بخواند و اراک بدارای نمایه آیا چه لباس بآن خواهد پوشید و آقا
 دولت انگلیس درین فقره چه با و خواهند گفت

کیفیت مراجعت جناب عمده الامرا العظام سیف الملک عباس قلی خان
 میرزا از سفارت گبری دور و ایشان بدر بار دولت علیه و در
 ضمن روزنامه هفته سابق نوشته که مقرب الخاقان بتجه النور العظام
 با جمعی از اعظام و اکابر و ارباب منصب نظام و غیره تفصیل روزنامه
 از جانب دولت علیه مأمور باستقبال شد بود چون بنا بر اتحاد و دوستی
 دولتی فحمتین ایران و روس از طرف سفارت اند دولت بهیچ
 طهران هم رسم دوستی و امنیت در روز و روز و جناب مغیری
 از صاحبان آن سفارت رسم ادب استقبال باغ فردوس و دور
 نیز تقدیم رسیده بود و تاسی بشوهد مدوحه و کلای دولت
 خود نموده بودند لهذا اسمی ایشان در ضمن روزنامه این هفته ثبت
 که مطالع کنندگان از رسم مصافات دولت را با آنها متخاصم
 و صاحبان تقبیلین نیز مجرب بودند و عالیجا میرزا یعقوب خان
 عالیجا با افعیجا عالیجا با افعیجا عالیجا با افعیجا عالیجا با افعیجا
 مترجم اول سفارت نایب مترجم مترجم مترجم مترجم مترجم مترجم
 سفارت نیز بیکر و قبل باقریه کن با تفاق عالیجا جهان داود خان
 میرزا مترجم اول دولت علیه استقبال نموده بودند
 کیفیت نشانیها بیکر علیحضرت کیون رفت امیر طرماک و سیم
 بلاخطه اتحاد دولتی فحمتین اهدا و اعطا نموده بودند اگرچه تفصیل
 روزنامه هفته گذشته نوشته شد و لو اینکه چنان بنای معتبر دولتی
 بدون حایل نمی شود تصریحی بتفصیل حایلات داده شده بود اما
 بجهت مزید توضیح و استحضار مطالع کنندگان درین هفته تفصیل
 حایلات هر یک از نشانیها نیز قلمی میشود نشان نواب استقامت
 اسراف و الاشهاد اعظم و الاتبار و لجهجه دولت ابد
 باند آبی روشن نشان نواب شرف ارفع و الاشهاد اعظم
 با احتشام امیر کبر نظام لغت فرجام باند آبی روشن

نشان جناب شرف مجد زنج مختص صدر اعظم حایل ابی
 نشان جناب خاتم نصاب نظام الملک حایل بن ابی شایه
 زردباریک نشان جنات مجتبی و زردول خارجه با
 حایل بن کلی شایه زردباریک نشان عالیجه امیر
 میرزا عباس خان منشی اول وزارت امور خارجه بانگلی حاشیه
 باریک نشان عالیجه امیرزا ملک خان مترجم مخصوص دولت
 باند سفید و قرمز ۳

بعد از آنکه مرحوم محمد حسن خان سردار حاکم یزد و کرمان بر حسب بزرگی
 فایض شد اراده علیه همایون بر این قرار گرفت که در باره
 و اولاد او که خانه را و ملک پرورده این دولت جاوید عهد
 همایون و رعیت خاص این سلطنت جاوید مناصب شایسته محرم
 و عنایتی نمایان نمایند که دلیل امیدواری آنها به رسم بیکر
 همایون بوده باشد مانند مبلغ یک هزار تومان بصدقه مقرر در حق میرزا
 شاهزاده متعلقه مرحوم پسر شایسته شاه معصوم و سرور قرا
 و مقرب انتخابان محمد خان پسر مرحوم مزبور را که آثار رشد
 لیاقت از ناصیه خوش ظاهر بود بمنصب خلیل میر خجسته عظمی
 یک هزار و پانصد تومان موجب سرفراز و در حق مقرب انتخابان
 سیرت حاکم یزد و نیز مبلغ شصت تومان و هجده عالیجه خان
 و عبدالحسین خان هر یکی نفری بمقدور پنجاه تومان موجب محبت
 عنایت فرمودند و فرامین مطاعه شرف صدور یافته از دفتر
 مبارکه گذشت

سایر ولایات
 اذربایجان و سراباد و اصفهان و
 افرین ولایات درین مفعله اخباری نبود

بطام و شاهزاده
 از قراریکه در روزنامه بطام و شاهزاده نوشته اند کمال
 و انتظام از اتهام نتیجه انجمن انعام جان محمد خان حاکم در
 ولایت حاصل است و ناخوشی و باینکه چندی در آن ولایت
 ظهور و بروز داشت و درین اوقات سجد الدیوبلی رفع کردید
 و مردمی که بجهت ناخوشی متفرق شده بودند بایمان و لوطان خود
 معاودت کرده مشغول کار و کسب عیسی خود و دعا گوئی ذات
 اقدس همایون شاهنشاهی میباشند

و دیگر نوشته اند در باب ناخوشی از قراریکه تحقیق پیوست در مقام
 شهر ذی قحط اسحاق باد کرمی در آن ولایت و حران و زیدیه
 حرارت آن محسوس شد که مانند اینک لکسی در جلوه کوفه دای
 تنور جانی پیتاده باشد و حرارت آتش باو بزرگ بود
 و هر کس که آن باد خورد و او را تلف کرد چون رزار زیادی
 در آن روز از منزل شاهزاده الی سبزوار در فامایا
 بودند باین چیهاری از آنها تلف شده بودند

و دیگر نوشته اند که در شب عاشورا کیساعت و نیم بصبح مانده
 شاهزاده و روشنی محسوس شد که مردم متحیر ماندند بعد معلوم
 مثل سیاره بزرگی بر روی قصبه برود آمد پس از آن مثل
 ستاره که در شب باری درستی کنند که در روی هوا از هم
 پیا شد و آن محل روشن شد آنهم بر روی شاهزاده
 از هم پاشید و شهر اچان روشن کرد که کوباد و خانه نایک
 و مشعل روشن کرده اند

و دیگر نوشته اند که از دیوان علی مبلغ معینی مقرر است که بمجهت
 در بطام صرف تعزیه داری جناب سید الشهدا علیه السلام

۱۹۱۲

شود چون در ایام عاشورا در بطن نام خوشی شدت داشت
 عالیه جانم خاندان شاه بود آمده ایام عاشورا در اینجا
 بر اسم تعزیه داری جناب سید الشهدا علیه آلاف التحية والثناء
 اقدام نمود و بچه دعا کونی ذات اقدس همایون شایسته
 حکم و سلطان علا و بهر وجه مقرر دیوان اعلی که صرف تعزیه
 میشد از خود نیز تقدیر پنجاه تومان داد و اطعام فقرا و مساکین
 دیگر نوشته اند که در شب دهم حاجی کاظم نام بزرگان خود
 شخصی که شتری قد بود رفته بود که باوقد بفرود شد در اینجا
 قبان هم کشیده و تشش سقیان را در میان دکان نجیب
 باعقاد حاجی را لیکه اشهارا هم خاموش کرد و لی خیری
 از تشش مانده بوده است از اینجا دکان را بتجارت رفته بود
 تشش کم کم بچوب و باب دکان سرایت کرده و مشتعل گردید
 نزدیک طلوع فجر بقیف و اسی رسیده چون دکان نزدیک
 کاروانسرا بود در آنوقت دالان دارکاروانسرا خیر داشت
 از اتفاقات غریبه چنانکه از آنجا سبزواری را که در همان دکان
 خوابیده بود ندیدید اگر دانهای یک پیر و دوید و بستاند
 و خود دالان دار سبونی آب برده بود که ریخته تشش را بکشد
 نماید ناگهان در آن جن تشش بطرف بار و طی که در اینجا بود رسیده
 و سقف دکان را برداشته تیری سنگین بر سر دالان داخل
 و در آنجا که دید پس از آن خلق جمع شده تشش را خاموش نمود
 و اگر این مقدمه در نصب ظهوری یافت که کسی خبر داشت
 باز داشت برود و همه تیر پوش و بهم متصل است احتمال خرابی
 و تلف شدگی زیاد میرفت ولی چون نزدیک صبح بود مردم
 جمع شده تشش را خاموش کردند غیر از همان دکان چنانی دیگر خراب

حراسان حرم و سمنان و ایلات
 نیز اخباری نبود
 عراق از قریه که در روزنامه عراق نوشته اند
 میرزا حسن خان در نظام مملکت و ترفیه حال عیت و انجام
 خدمات دیوانی اهتمام تمام بعمل می آورد قنات شهر نو آن
 اطراف را که از حد و ثبات زندگی و سیل خرابی بهم رسانده بودند
 داده است بقیه نموده اند و آب فراوان در همه کوههای شهر
 با اینکه موسم کمی آب است آب جاری مردم در راه میباشند
 و هوای اینجا نیز در این اوقات خوب و با عدالت و ایام
 عاشورا را در کتب دولتی ترک و ضیاع شریف بر اسم تعزیه دارد
 جناب سید الشهدا علیه آلاف التحية والثناء و دعا کونی ذات اقدس همایون
 شایسته مشغول بوده اند
 دیگر نوشته بودند که حلیفه بزرگ ارمنه اصفهان که در کلیسا و
 منزل دارد از آنجا ارمنه مالک محروسه کو یا حتی دارد که بطریق
 میگرد در این اوقات بچه اخذ وجهه بوزنایب آن ارمنه و آن
 صفحات فرستاده بود و ستاده و زور و جوی وصول کرده خود نیز
 مالی داشته است حاجت ماری که در سر بند سکنی دارند بقدر هزار
 تومان بتجا و مال وارده بودند مرتب بتعزیه انجام میر خرسان
 اظهار داشته بودند و نایب بند را آوردند و مال را حکم مطابقت
 او نیز رقمه رقیق را پیدا کرده و اموال سرود را بتمام
 و بفرستاده را لیه تسلیم نمود قصص سیدی گرفت
 فارس قزوین و قم و کاشان ازین ولایات اخبار
 که وس از قریه که در روزنامه عراق نوشته اند
 فراوان و ازین و ما خوشی نیز از اینجا بخی رفع شده و کمر و کاشان
 و کرمان و نهاوند و ملا و مازندران و مکر و این ولایات نیز اخبار

۱۹۱۳

اخبار دول خارج

در خبر ایرد ریای هند که در درجه صد و بیست و دوم از
در محال ملازمی که بسیار منت حاصل و راست در شهر
تا بوقان و طارون نام غیر چند و قشیش ازین زلزله
و قوع یافته و سمت شمالی جزیره منور کوهرهای او که بسیار
سوخته و بعد خاموش شده و احتمال سخن نداشت باز دو
از دو کوه کس بالا آمده صدای میب برخواست و فلات
که آخته از آنها جاری گردیده اما آنجا قرین حش و دشت
خوف خشت نباشد از دشت آن حوالی چهل و پنج
در زیر شش فلات که آخته بکلی محو و تلف و سه هزار گشته
درین نگاه هلاک شده اند و گذشته از آن در آن حوالی یکجا
جنگلها را اس سوزانده و بقدر بنفده روزهای برب را شکسته
و برهه باده آخته است و در میان آنها بقدر ارض قطار سنگ
شده است حال عد و این کوههای سوزنده بدو آمده رسیده
سه کوه آن در فرنگستان و سیسیا و پسند و ناپولی است
در محالک هندوستان و اوستریا واقع است
و دیگر نوشته اند که چند وقت پیش ازین در سمت شمالی بنی دینا و قلا
نام که در تحت حکومت گیس است دو آب بسیار ظهور کرده از شکله
آنها با یکدیگر کردادی شد حادثه و اصوات شست یکدیگر
کردید آنچه آدم در آنجا بوده است با صد و پنجاه خانه و چند
کوسف و حیوانات دیگر کشته و بر زمین زده همه را هلاک و تلف کرده
و باز در همان محل مذکور در یک شکل بزرگ خیلی درختهای قوی ازین
کنده بعد از این ایل شده است چنانچه ازین باز در بحر سفید
ابریکشی غرق شده این کیفیت مجرب و از چیده ن بود کمال شدت
عده بده بطور رسیده است و در ظهور این کرد بپاوند خن توپ و تفنگ

۱۹۱۴

بسیان خیلی فایده می کند بلکه بجای نایل میسازد

و دیگر در روزنامه مجریه الحوادث اسلامبول نوشته اند بنا بر تجدید
مصافحات محادثه و آتوس با سیر دول از طرفین ارسال سفر
از اقصای غیره دول اعتبار شد از طرف ولت بیست و جناب
بوتیف سفارت و عثمانیه نامور و از طرف ولت عثمانیه جناب
رئیس مجلس عالی تنظیمات و آتوس معین گردید و تبریک علی
روس نیز علا و سفارت را آید سفیر دول روس و اسلامبول و پاشا
مشایخ نیز با اجرای سفارت خود کشتی بخا فیضیائی نام از راه خوجه
عازم مقصد گردیده است
و نیز در مجریه الحوادث نوشته اند که جناب موسیو بوتیف بعد از ورود
باسلامبول در روز شنبه بیست و چهارم و پنجاهم بحرام عالی آید با جناب
خارجیه دولت علیه عثمانیه جناب صدراعظم دولت منور و ملاقات بعد
روز شنبه بحضور اعلی حضرت سلطنت فیما کرد
در مصر چون باران نمی آید سرازاعات آنجا منوط آب و دین است
بعضی اتفاق می افتد که آب و دمنور کم است نقصانی در دریا
حاصل میشود یا آب نیاد است و خرابی برزاعات میرساند درین
تازه تدبیری کرده اند که اگر آب رود دمنور کم باز نماند و برزاعات
نقصان خرابی نرسد درین ل بواسطه تدبیر منور با یکله آب
نیل زیاد بود است خرابی بحاصل آنجا نرسید است بلکه فایده
کلی نیز حاصل شده است
موجب اخباری که درین اوقات از راه سیم صاعقه که متعارف شده
باسلامبول رسیده بوده است در لندن بازندگی شدیدی
شده است چون محصول صحرا بوده است ضرر زیاد بمحصول رسیده
و چون آذوقه را اسلامبول با نوالا میسرند در اسلامبول
آذوقه ترقی کرده و تیر بهم رسیده است

سابقا از جانب دولت انجمن تجاره سهولت تجارت که بر
 قشون لازم داشتی که اسباب و نمودار آن تعبیه شده
 ساخته بودند که روزی آنست و چهار هزار کس در آن
 میکردند چون فواید کلی آن مشاهده شد گشتی دیگر نیز این
 در دولت انجمن شروع کردند که باند دولت فرستاد
 حکم شده بود که در اسبابول چند گشتی ازین قسم بدین
 که همایانی فقط داشته باشد بقونطور اقرار کرد و زند دین
 که مصالح دول اتفاق افتاد بجهت اینکه فتح قونطور ممکن نبود
 کشتیهای مزبور را حکم شد که با تمام برسانند بعد از اتمام
 آن کشتیها پس ازین بموجب قونطور او غریبانه بمانند
 مأمول خواهد بود
 دیگر نوشته اند که سابقا کوفندی که بلند می آوردند
 آنها ناخوشی داشتند و ناخوشی آنها بکوفند و سایر چیزها
 شهر نیز سرتیپ میکرد و خوردن آنها باعث مضرت و امر
 شد بعد ازین قرار گذاشته اند که بچواناتی که از خارج می
 خصوصاً کوفند وقت رسیدگی نماند اگر مرض و علنی
 قبول ننمایند و رد بکنند و اگر گشتی بچکی آورده باشد بجا
 کرده بدایند دارند و اینم جمله بجهت خط صحت بسیار با فایده و
 منفعت است
 در این اوقات شخصی از اهل عراق روزنامه ای را که در کنگرستان
 چاپ میشود تفتیش کرده است و نوشته است که در کنگرستان
 یک هزار هفتصد و نه روزنامه چاپ می شود و بیشترین آن
 و هفتصد و نه کارخانه اغلب اخبار را از روزنامه های دیگر
 و چاپ می کنند و اکثر عبارتشان باینکه یک مطابق است چیزی
 پیش ازین یک روزنامه نویس فخره که در روزنامه نوشته بود

بعد از آن عین آن عبارت ترجمه از او را بقصد روزنامه دیگر
 بود و در صورت فروش این روزنامه ها حساب بخواند آنها را
 کرده است که همه آنها کوفتی سالی پانزده هزار تومان می شود
 یکساله همه آنها است که مطابق یکساله همه آنها را عمر آدمی کفایت
 نمی کند ولی چون این روزنامه ها در بلاد و ولایات و شهرها
 و محالهای متعدد طبع و نشر و کلا ابرو و شش
 سابقا نوشته شده بود که بجهت وجه تضمین از طرف دولت سابقا
 چند قطعه گشتی بچکی بطرف جمهوری کتیف با یک سفیر فرستاده
 بود و از طرف جمهوری مذکور پذیرائی سفیر را ایستاد
 بسیار کردند کشتیهای مزبور داشته بودند بموجب خبری که
 این اوقات رسیده است و جرم بزرگین صورتی را
 بازنمائیات پولتیه آنها استحصال و آماده شده است
 در حالیکه المانیان در شهر شتخته و پیش ازین تشریف آورد
 بسیار خانه ها آتش گرفته و بامیت و چهار ساعت امتداد
 زیاده از نصف شهر مزبور محرق گردید تا آخر الامط اطراف
 که آتش گرفته بود از انفجارات و بانیه با توپ زده خراب و منهدم
 نمودند تا جلوی آتش بسته شد
 دیگر نوشته اند که چند وقت پیش ازین اعلیحضرت امیر طو
 استیره و پادشاهان پروسیه و عثمانیه و چند نفر دیگر از
 حکمرانان ممالک المانیان در شهر تبلیغ که از ممالک استیره است
 جمع شدند باینکه یک ملاقات و مجلس مشورت منعقد نموده و
 روز مجلس مزبور برتر از و با هم در صلاح امور دول همکاری
 بعد از اتفاق آرا مجلس مشورت منقضي گردید و در اوله دی
 هر کدام محل حکمرانی خود معاودت نمودند

دیگر نوشته اند که قراتاج کذاری علیحضرت امیر طوهمالک رسیده و در
 در بیت هفتم ماه دیحج بوده و بجنب خجاری که بعد از تایزده رود
 ممتد و ایام عشرت خواهد بود و در ششم محرم اجر خواهد کردید و نیز
 که بجهت تاج کذاری علیحضرت امیر طوهمالک و علمای و بهایان هرتی
 در مالک و سیه است بمقتود عوت کرده است
 و کیفیت تاج علیحضرت امیر طوهمالک نوشته اند تا جیکه بسر خواهند گذاشت
 نیزین بالماس است و از خواهراتی که در تاج نمرود نصب کرده اند یک
 الماس روزه و رولوف نام بزرگی تخم کبوتر و از آن بزرگتر هم قطعه
 باسم کوه مات الماس، لیا فی است و تفصیل این کوه مانتا
 نوشته اند که از پادشاهان ایران در دست مادر شاه بوده است
 در صد و دوازده سال قبل ازین مادر شاه مقول و خزانه و جوهرات
 تلفه مدین الماس با یک قطعه زرد بزرگ چشم خدا نام بدست
 افتاد و مادر شاه را آنجا بصره غنیمت نموده در آنجا این سنگها را بر
 شرط از نام که از ملت عیسوی بوده است ابرام و یک قنبر نامی
 از افکنده کرده زرد کمر بود از اینکه چنانکه بدست اینطور آدمی افتاد
 قیمت آنرا میداند استبا طرقت کرده و متاعل شده گفته بود با
 برادرهای خود مشورت کرده فردا این سنگها را بمنحرم افغان بزرگ
 از افکنده زرد کمر بود و شبهه و خوف افتاده دیگر بروت و زرقه
 از آنجا بحداد غنیمت کرده بود زرد کمر بود و چند سال که بجهت
 خود بحداد آمده بود و در آنجا با آن افغان ملاقات و از سنگها جوهر
 او گفته بود که سنگها را بیک یهودی به اسمی نیده و منعت هزار و
 که معادل هزار و دویست تومان پول ایران با و ختم ام زرد کمر بود
 یهودی رفته گفته بود من این سنگها را بدو بانی که داده میجویم
 رانیده زرد کمر برادران خود را نیز از بصره احضار و اتفاق با آن
 بمقیری یهودی راکشته و جواهرات را تصرف شده بود چون این

روزنامه قایم انقائیت پنج پوچ بنیم سحر صحرای بون لوی سیل

مژده بیت و نو دهنفت

قیمت روزنامه

پرنسپال

منطبه دار الخلا و طهران

قیمت اعلانات

هر طریقی

اخبار دسله مالک محروسه پادشاهی

دار الخلا و طهران

در روز پنجشنبه گذشته اعلیحضرت امیرشاه بون شاهنشاهی بطراوت و حضرت باغ نظامیه که بجنب روح و صفای خوبی عمارت کمال اقبال دارد در تشریفهای باغ نظامیه گردیدند از جانب جناب شرف امجد صدرم فخرم و متعلقان این لوازم و پیشکش و پای انداز بطور شایسته بجا آورده و در آنجا حاضر فرمودند و قاعص در آنجا تشریف داشتند و بر وجود مبارک خوش گذشت که نشسته بعد از صرف عصرانه و چای بخارستان فرمودند

عالیجاه سردار سلطان علی خان مظفر الدوله پسر مرحوم دار کندیل خان با خانه عیال از قندهار بیرون آمده بجهت خدمتگذار دولت جاوید آیت رضی الله عنهما رسیده و عالیجاه محمد اکرم که رئیس و بزرگ طائفه احرار است برکات مبارک و در بهار مشارالیه شرفیاب حضور مبارک گردید از جانب شریفی و بون خلیف سردار سلطان علی خان مظفر الدوله و خود مشایخ و سایر بزرگان سفیدان احرارائی حرمت شده و اخراجات آنها را نیز اولیای دولت علیه در ارض اقدس قرار دادند که در

تاجا مشغول شد که توری باشند

عالیجاه تیمورسلخان هزاره با چند نفر از ریش سفیدان طایفه خودش بدر بار محلات دارهای بون آمده بودند نظر بطور مرحوم ملوکانه در حق آنها خلعت و انعام غایت فرمود و حکم تجبه قرار بورت و سکونت آنها حرمت و اولیای دولت علیه قرار بورت آنها را داده از دربارهای بون حصص انصاف حاصل نموده و در دست گردید

مقرب التاجان محمد رحیم خان پشی بون و حاکم نهاد که در این دربارهای بون شاهنشاهی از سوار چری که سابقا در کتف نظم درستی داشته و از جانب ولای دولت علیه حکم شده بود که آنها را به دست و پا و اسبابان را بنیاد داشته بحد مبارک بیاورد در این اوقات آنها را در کمال ارادت و احترام و اسلحه لباس خوب کلاه و روغن بزرگوار کی عالیجاه عظمای پسر خود آورده و از بزرگوار حکم اولیای دولت علیه گردید و بون سان آنها را کلاه و اسبابهای آنها را داغ و نعلینهای آنها را بجا داد و بعد از آن بزرگوار که شاهنشاهی اید الله شمس رسیده و نظام استیگنی آنها مقبول و حسن خاطر جای بون افتاده و مورد حسن التفات انعام ملوکانه شدند و عالیجاه عهده آنها را بزرگوار و نظام سوار بون

۱۹۱۷

اجتماع موده بود مورخین و عنایت گردیده و حسب الامر
 چار و سیویست آنجا حرمش به همراهی عایجا و محمد
 قاجار با مورخلوی کرمان گردیدند
 چون باغات و عمارت قدیمی سطلانی که از طراوت و رونق
 افتاده بعضی خرابی در بناهای آنها رود و او است
 اقدس علی او یای دولت علیه قرار تعمیرات و مرکابی
 بناهای باغات و عمارت ملوکانه را که داشته اند از جمله
 کارستان که بر ور و سخرانی گذاشته و از طراوت و رونق
 اولی افتاده بود با کمال خوبی و شکوه ساخته و بار و نق تمام
 بار و خجلی بهتر از طریق قدیم بنای خوب ساخته و مرغوب
 و مراقب مقرب آنجا قاجار حاجی علیخان حاجب الدوله تعمیر
 و بعضی بناهای تازه طرح هم بنای قدیم آنجا افزودند
 بطوریکه زیاده و شایسته احداث بنا گردید است که اینها
 باغ کارستان نرسنگاه و محل اجلال موکب هایون
 در شب و شب نیمه ماه صفر که شب عید مولود اعلی حضرت
 هایون شاهنشاهی اوام الدایم سلطنته بود حسب الامر
 و التباسی در عمارت کارستان در حضور مبارک فراموش
 بعضی از شاهزادگان عظام و خواص و متریان حضرت
 ببطرت سینه شرفیاب حضور هایون بودند آن شب بعضی
 گذرانده فروای آن شب که روز عید مولود مسعود بود سفرای
 شاهی بقیعین دار الخلافه الباهر بقا عتد اوله هر یک در عتبات
 متعینه با اجزای سفارت و یا لباس رسمی برای تبریک عید مولود
 مسعود هایون شرفیاب حضور ملوکانه شده مور و نقیذات
 و عواطف حسنه وانی گردیدند و بقاء هایون اعیان و بزرگ در وقت

سلام با سلام عام داده شد امنای دولت علیه و شاهزادگان
 عظام و رؤسای نظام و پیران سلام از خوانین و مستوفیان
 هر یک در مرتبه و مقام خود شرفیاب گردیدند اجزای شلیک توپ
 و رنبرک بفراموشی شد بعد از آن وای خطبه بلخ بنام هایون
 هایون و اختتام به عای تباهی مسعود و دولت ابد مقرون گردید
 و عایجا میرزا محمد علی شمس الشرا قیصره غرابه در حضور مبارک
 رسانید حضرت اقدس هایون شاهنشاهی خلد الله علیه سلطانه
 جناب شرف مجد رفیع صدر عظمی امیر محاسب بختیاریات حرم
 فرموده از خوبی هوا و رفیع ناخوشی و از زانی و فراوانی فصلی فرما
 فرمودند و از جانب جناب شرف از رفیع صدر عظمی جناب محمد
 نصیب نظام الملک و یرعیان و اکابر و رباب هایون و وکلای
 ولایات هر یک جدا جدا فراموش حالشان خود خجسته تبریک این
 مسعود تقدیم پیشکش بحضور مبارک شده سلام منقضي گردید
 شاهزاده محمد و سفیر افغان را که پس از ظهور خجسته های بزرگ از او توفیق
 شاهزاده و الا تبارک سلطنته سلطان مراد میرزا والی مملکت
 روانه در بار هایون کرده بودند اگر چه بجای عفو و تقصیرات
 جرایم عظیمه او نبود از آنجه بعد از آنکه خود را بهر تاسینده و خجسته
 و حکومت آنجا خود مستقل دید بر عزم خود فرامین صادر کرد و مهر جد
 زد و الفاظ خجسته متعینه که لایق ذکر نیست بابت با علی حضرت شاه
 ولی نعمت خود که سالها در دار الخلافه طهران و مملکت حران نعمت
 دادند و جنتها فرمودند با تصریح نوشت که آنان همان شجاعت
 فرامین درست است و بدیهی است که در از این چنین تقصیر و
 عظیم که بخط و مهر اوقات شده است و سایر خجسته های بزرگ
 مستوجب قتل بود اما جناب شرف امجد رفیع صدر عظمی باطل

رفت فطرت که نسبت به خلق دارند طالب مناسبتی بودند
 که شفاعت از او در کپای اقدس یون تا تمام عفو بر جرم او
 کشیده شود شب عید مولودها یون که هنگام فیضان عفو
 خسروانی نسبت به حال عموم لایق از ضیاع و شریف بود جناب
 اشرف امجد از رخ جان و قیام مبارک مغتنم شمرده بوسیله
 بنای شفاعت را در کپای اقدس کشیدند و دستخط های یون
 در جواب عیضه شرف صد و یازدهت کافی و معنی از حصول
 نبود حاجت بعرض عیضه دومی و سیمی افتاد و مکرر با حساب
 و شفاعت متکث شدند و مبالغه در طلب عفو و کرم خسرو
 بعمل آوردند تا از مضمون دستخط های یون در جواب عیضه
 امیدواری حاصل که حال عفو بخشش لوکانه از پرده محاکم
 خاطر خیرهای یون شایستهی چهره کشا خواهند و باین امید
 قرار دادند که شاهزاده محمد یوسف فرزند ای آن شب که روید
 مسعود مبارک بود در سلام عام و محضر کل اکابر و اعیان دولت
 اند فرجام با حضور حاصل نماید بعد از آنکه در آن مجمع بزرگ حاضر
 آمده و او را با ملوکه و منظرهای یون واداشته خطاب طوکار
 باینطور صادر شد که چراسید محمد خان طهیر الدوله را که خدمت
 بدولت نمیکرد و ما او را در پناه خود گرفته بودیم بقتل رسانید
 در جواب معوض داشت که او را حقوق نعمت و جتنهای شاهنشاهی
 اعمال و جزای خیرهای خود را دید سید محمد خان بهمان
 که جمیع از آنها نهایتی کرده تباخت قایمات ملک این
 و ستاد و با خان خیره اتفاق نموده و آدم مملوک او فرستاد
 در عوض جانهای پادشاهی دست با انواع خیانت زدایی
 که خود گرفتار شد بعد سرکار اعلی حضرت اقدس علی یون خطاب
 که در اوایل و در خود بهرات عیضه با ویای دولت شوق

اسمیداد کردی و قشون برای دفع امیر دوست محمد خان خوشی
 محض ملاحظه احوال تو که با حسان و نعمت با عمری گذرانیده و
 تو هم در پناه دولت بودی و دفع امیر دوست محمد خان و خط
 حکومت بهرات که بر بالادهم بود و بر حسب نهایی تو قشون فرستاد
 چراغ عرض خدمت یا عیضه کردی و عوض مهان تواری مغان
 کردی بعضی رسانید که عیضه را من و پیرو و اعیان فغان
 بهرات عرض کردیم چون آنها بواسطه اغوای امیر دوست محمد خان
 برشتند و مخالفت کردند من بنهایی توانستم که از پهنه جدت
 برایم مراخی این مجبور مخالفت کردند مختار درین عمل نبودم
 در این اثنا اسی هم از دولتهای بزرگ میان آورد و در این
 پیاده بنهانیاناید و خیل درین محاکمات که سرکار اعلی حضرت
 این رشته عیضه را خوش نشسته و شایسته شمرند و سبک
 کلام و قیامهای لوکانه را این رشته منصرف فرمودند و اینجا
 بین و آشکارا و تعداد او را در ازاد آنها مستوجب است و
 که در این اثنا جناب اشرف امجد بطعام برسات شفاعت داد
 شمول عفو طوکار را در هر حال مستعدی شد و عرض کردند که اگر
 تقصیر شاهزاده محمد یوسف بزرگ است تا کرم و بخشش خسرو
 بزرگتر است و این اول که شتی و بخشی نیست که از کارم
 مرتب برای خسروانه بر احوال مجربین و مقصودش شده باشد
 این یک مجرم و عیضه نیز اگر در هدیه آنها محبوب شود از کرم و
 بعید و بدیع نخواهد بود سرکار اعلی نظر با کجای و مبالغه
 جناب اشرف امجد و عیضه با اثر ایشان ذیل گذشت بر
 جرایم او کشیدند و بجهت کفایت قرون فرمودند
 نظر حسن خدات و اتمامات امیرالامام العظام محمد ناصر خان
 بابشی در ترتیب سلام عید مولود خود خدات و سخن مقبول ظاهر

۱۹۱۹

ا هـ شس میانون شایسته ای افتاده یکشب جبهه ترمه اعلی از
 بلوسخانه خاص بهم خلعت و حرم فرمود
 نظر بطور خدمات و صوفت و امانت مقررات کان میرزا
 این شکر که در انجا م خدمت محوله بخود خاطر افروخته ایون
 اولیای دولت علیه را از خود خرسند و او بودند از
 شایسته حرم ملوکانه آمد حب الامر یک قطعه نشان
 از مریه میرزا کی با حایل مخصوص بآن مقرب انجا کان
 مرحمت فرمان مبارک درین شب صدیقت
 چون عالیجا میرزا بن شست و دروغا مبارک که در شایسته
 عید مولود مسکو که در باغ نکارستان در حضور تاجان
 بود حسن خدمت خود را ظاهر خسته و تشبیری نموده که در میان
 حسن و رویشا ترتیب یافته بود در نظر انور ملوکانه خوب معلوم
 لهذا از جانب شایسته ملوکانه یکشب جبهه ترمه را
 و بیت توان هم بقدر حاجت آن که در حضور مبارک مبارک
 بود انعام حرمت گردید

سایر ولایات
آذربایجان و استرآباد و اردبیل
 ازین ولایات دین هفت اخباری بنود
اصفهان

از قراریکه در روزنامه اصفهان نوشته اند امور انولایت
 حسرت و اتهام و استیجاب نهاده و الا بتجربته الله
 قرین انتظام و انضباط است و با موعود و باریا رسد کی
 دارند در ایام تعزیه داری حضرت المجد الحسن علیه السلام
 نوازشی ای عمارت تالار طویل را بآورد سنوا سابقه ملک

سایه ای دیگر که بسته در دهم عاشورا عاظمه مردم رضیخیر
 بتعزیه داری آمده بعد از مراسم سوگواری و ذکر مصیبت
 سید الشهدا علیه الاف التحنه و الشناجها کونی ذات
 شایسته ای مبارک در دست نموده اند و در سایر نکایای محلات
 نیز لوازم تعزیه داریر بطور خوب معمول داشته اند و بعد از
 عاشورا بنظم امور ولایت پردخته چون اولی میزان نکام
 بود لهذا از اسب نرزی دایه تمامی ضباط و کمال و کدخدایان
 سفیدان بلوکات را خواسته و غنای تانکیده نمودند که در دست
 بذرافشانی فراخ لایحه و اربابی وقت و اتهام نمایند که تاخیر
 تقوی و امور زرع و واقع نشود

و هم چنین در تعزیه عمارات و دیوانی خصوصاً عمارات عالی قاپو
 و تانکیده زیاد نموده اند و هر روز به تبار و تجارت و نقاشی
 سایر عمارت در کار تعزیه عمارات میشنود و غریب در نهایت
 و خوبی صورت اتمام خواهد یافت

و نیز در باب انتظام امور جبهه اتهام زیاد نموده اند و هر روز
 اصناف انجا مشغول ساختن و پرداختن ایام جبهه خانه
 مبارک میشنود و در باب انتظام امور ولایت و غرضی بعضی
 زیاد ده دقت و اتهام دارند علاوه بر بعضی دیوانخانه که در روز
 بعضی نواب مغربی الیه رسیده بروفق عدالت امور آنها فیصلی یا
 بر سر عرضی نواب مغربی الیه باشد بیانی دفعه طلب در آن
 بنامید و امور شهر و محلات منظم و بندرت سرف و شرفی اگر
 اتفاق بقیه سرف و شرف با اتهام دارند و کدخدایان محلات
 و دیگر و فواخره قصیر قیسه میشنود و از اخبارش ماکولات چرخ
 مسجد الکمال و نور و دارد

۱۹۲۰

بروجرد و عربستان و بطام و هرود
ازین ولایات نیز اخباری نبود

خراسان از قریه در روزنامه خراسان نوشته
بجده الله نهایت اقیانوس را داده و دو فوریت و ازانی
سبب بریند سکرانه و دعا کونی عموم ایالتی است قبل ازین

عاشور ناخوشی و باد رارض اقدس بوده است ولی در دین
از بزرگ جناب سید الشهدا علیه الاف التحية و الشانکی رفع کرد
و در صحن قبر که نام نه دی علیه و علی آبان و انبائه الاف التحية
و الشنا و سایر تجایای شهر و ساجد مردم مشغول تقریر داری
جناب سید الشهدا و دعا کونی ذات اقدس یون شانه ها

صالح الله ایام سلطنته عن التناهی بوده اند
دیگر نوشته اند که چون ترکمانان خرس در این اوقات بنای
و تاخت و تاز را که داشته بودند ترکمانان نگه خرس را که در
اقدس کردی بودند علیجا حاجی سکرالدخان سرمنک توپخان
سار که تمام را بمنزل خود خواسته و نه را کرفه بارک و ستاد
محبوس نمودند

دیگر نوشته اند که قاتل امامزاده شاهزاده محمد محروق و خج
که داشته را ضعیف آنجا بجهت بی آبی لم یزرع و از خیر انتفاع افتاده بود
و چند درختان جو و غیره که در جلوی او ان مقبره امامزاده بود از
بی آبی خشک گردید و آنجا بجای از حلیه آبادی افتاده بود در این وقت
از راه خیر و ثواب حصول دعا کونی دولت جاوید علیه علیجا
آقا سید میرزا حاکم نیشابوری قناتی که وقف آن امامزاده بود
مقتضی و عهده انداخته و تقیه نمود آب محقونی جاری کرده و نهال بسیار
از هر گونه اشجار داده است در آنجا نشاند و اندو آنجا را خوب
بجلیه آبادی در آورده است

دیگر نوشته اند که شخصی نزد علیجا حاجی سکرالدخان بنک
آمده مذکور داشت که سه نفر شتر و بیرون شهر صاحبانند علیجا
مشا را به فرستاد شتر را آورده و ادبیای تحت وار و غنچه
و جارجی در شهر انداخته جا کشیدند بعد از سه روز صاحبان
پیدا شده شتر را تسلیم نمودند

و هم چنین دو نفر ضعیف نزد علیجا مشا را لیه آمدند و در
اسبابی از منزل با برقی برده شو سارق را نیز می شناسیم
در اکتبه بودند و نیز در کلاس فرستاده آن شخص را خواست و حاضر
کردند در مقام تحقیق برآمد اول امتناع داشت بعد از تهدید
و تعذیب اقرار کرده اموال مسروق را از او تمام و کمال بگرفتند
و او را و اخور سرقه تنبیه و سیاست نمود که بعد ازین تنبیه
خمس از قریه که در روزنامه خسته نوشته اند
چراغی خان حاکم آنجا در نظام ولایت و اسودی عتبات
خدمات دیوانی اهتمامات وافی بعمل می آورد و امور آن ولایت
به مرتبه نظم و مضبوط و عااید برابا اسوده خاطر هر کس کار
و عیبتی خود در دعا کونی ذات اقدس هایون شانه ها

دارد

دیگر نوشته اند که فوج چهارم در باجان ابوالجهمی علیجا
سیرت که بدر با معدلت مدارک یون احضار شده بودند
بهیچدسم محرم وارد آنجا شده و در روزهم توقف کرده اند
علیجا حجت الدخان سرمنک فوج مزبور که همراه فوج بود
انها را با نهایت نظم حرکت داده و امانی رنجان کمال رضایت
از معفوئی مشا را به حسن سلوک سربازان او داشته اند
و دام توقف آنها در آنجا احدی از اهل انولایت از آنها شکایت
بعد از دو روز توقف روانه مقصد شدند

دیگر نوشته اند که طبعی بیست سالگی دست چهل روز بود که هر دو چشم او سبب نباشد بود و پدر و مادرش بعد از آنکه از دنیا او بپوش شده بودند او را برده و در بقعه امامزاده که مقابرین در روز بقره دین است گذاشتند و شب بیتی و نیم محرم دو عتار است آن طفل هر دو خود را بنیادید و جمیع امانی آنجا این کدارش را بری ایمن کرده و از جانب حکم و سایرین قربانی و نذورات امامزاده واجب الحکم برده و روزی زیاد از دو هزار نفر زیارت آنجا میروند و مقرب آنجا خان پیر اغلی خان بعد از پنج قربانی و نذورات آن بقعه تبرکه اعانتی بهم بجهت حصول دعای خیر برای ذات اقدس شاهنشاهی بان طفل و مادر او نموده بودند تا بحال بخت خیر آن طفل و دختر و پسرانده اند و همه به بدبختی و تنگداری و فقر و گدازگی کرده اند

دیگر نوشته اند که چون بقا قرار امانی در نجان و باب مر فحاشی که از طرفین و کلاتعین میکردند و کلاتعین بجهت کرامت و عادت حیل شرعی استحصار بهم نموده غلب مر فحاشی به جود مر فحاشی اگر هم میکند بطور شایسته و بسیاری حقوق مسلمانان بی باور و باطل شده بهر میرفت و باطل می آنجا مید و باین جهت مدعی و غلبه خایه خرابه از کار و کاسبی باز میماندند در این اوقات مقرب پیر اغلی خان بجهت صلاح حال مسلمانان و اینکه مر فحاشی زود بگذرد قدغن نمود که بعد از این و کالات نکند مدعی و مدعی علیه خود را قیام نموده بزبانی که دارند خود حرف زده امر خود را بگذرانند روزیکه این قدغن را نمود است بسیاری از مر فحاشی زود گذشت طول نمی کشد بلکه بجهت زود گذشت مر فحاشی حالاندرت فضا

هم میرسد
خواند رو کلیایکان و سمنان این
ولایات نیز درین فضا اجزای نمود
عراق سلطان آباد از فرسید در روزنامه عراق

نوشته اند نزدیکی در روز و از آن سلطان آباد که اخر شهر و از آب دور در آن سنه که کم آبی بود هیچ آب بان در و آن میر رسید درین سال بجهت حصول دعا کوی دولت ابلیست مقرب آنجا خان میرزا حسن خان آب انبار بزرگی که کفایت آب یک سال آن محله و آن در و از راه رکنند با تمام رسیده و امانی آنجا از این فضا زیاده کرد دعا گویند

و همچنین پل دیر آباد نیز که درین سال از شدت سیل خرابه بود چون محبوس قوافل و زواری که بقیامت عالیات میرود آنجا است و از جانب اولیای دولت علیه حکم شده بود که پل مزبور ساخته شود در این اوقات ساخته شده و در کمال خوبی و کمال با تمام رسیده و زواری و عابریین برین معنی بسیار دعا گویند و شکر گویند

و همچنین بند سمور که از بناهای سلطان صفویه بود درین سال و سیل شدت کرده بند مزبور را آب برده بوده و قریه مزبور به کلی بی آب و خراب مانده از جانب اولیای دولت علیه حکم شده بود که بند مزبور بسته شود و مقرب آنجا خان میرزا حسن خان آدم و معمار فرستاده حالت یکماه است که مشغول هستند

و همچنین درین روز با تمام خواهد رسید

دیگر نوشته اند که در آستانه تبرکه که سهل ابن علی یک نفر زن دیوانه شده بود و مدت ها باین مرض مبتلا بود و هر چند اطباء بر وجه و غیره معالجه کردند مفید نیفتاده بود این اوقات کارش خراب و پاره کردن و کثرت عورت نمودن کشیدگان او با عفت و کمال او را بر وضه تبرکه آستانه برده یکشب در آنجا خواب نموده از کرامت آن بزرگوار آن شب در آنجا شفا یافته بود و صبح او را شفا نیز بود و دیگر هیچ بختی و خوبی ندارد

دیگر نوشته اند که در پنجم ماه محرم محرم در دیو آنجا بزرگ و کینه است زخمی شهر بجهت تعزیه داری در پشت بام دیو آنجا

جمع شده بودند صغیفه از ثبب بام که ده درج راه است با
طفلی که در انوش داشت بریر افتاد بر روی آجر نظامی فروش دان
کریمت جناب با عبدالحسین نه بخود او استیسی رسید و

فارس

از قراریکه در روزنامه فارس نوشته اند امور آنولایق
انتظام و انضباط است و وفور نعمت و کمال ارزانی و فراوانی
حاصل است سال را بخای نافع و موقوف در صفی ملک
فارس آمده و تمامی محصولات ترویجی و صنعتی و اشجار شمره
افت سماوی وارضی بعل آمد و بیکونه ناخوشی بجه اند در آن
ظهور و بروزند اشته است ایلی ابحا در عین اسودکی کبار
وشغل خود و دعا کونی ذات اقدس سالیون شاهنشاهی
دارند و نواب سبطان برادره و البتار و ... الله و له حکم ملک
فارس در نظم امور ولایت در راه حال عیت و انجام خد
دیوانی کمال اهتمام و مراقبت را بعل می آورند و همچنین مقررات
شجاع الملک و شیر الملک در وصول و ایصال نایات و
تفریح محاسبات کمال اهتمام را بعل می آورند و افواج قاهر
موقوف فارس از قویچی و سرباز همه روزه در میدان
حاضر شده مشغول شق نظامی میشوند و از جانب صاحب
دقت و اتمام در شق و انتظام امر آنها میشود
دیگر از قراریکه در روزنامه بندر عباسی نوشته اند جناب
از بندر عباس وارد بند مسقط شده در روز ورود در
عنایات اولیای دولت اید مدت قاهره بر خود عید سعید
داده و میبایست کلیه نموده بود و ایلی بندر کور از صبح
و شریف اهالی و ادانی غریب و بومی مشغول دعا کونی دای
اقدس سالیون شاهنشاهی بوده تقدیم مبارکبادی و تحو

نمودند و شرا لیه شرح مفاد خود را بجه اطلاع ایلی
و سواحل و غیره نوشته ارسال داشت و هر چه از رعایا و شکار
خوشنشین بندر عباسی که از بندوی و حیدر آبادی و بند و
عیره در بند مسقط بوده اند همه را کو چاند رولند بندر عباس
و احوال تمامی رعایا و خوشنشین بندر عباسی محال و تبایلی
خود نموده و مینمایند و مشغول تعمیر خانههای خود و کسب تجارت
و دعا کونی دولت ایدت میباشد و قوافل زیاده با شکار عبور مود

فیما ید

دیگر نوشته اند که چون ایام ربیات است و جهازات سفری
بکاره جات و غواصهای بنادر است بواسطه یک فضل آورد
مروازیدت در دریای جزیره بحرین و جزایر فارس مشغول
صدف مروارید از اول موسم تا بحال میباشد
قروین و قشم و کاشان و کروس و کوس و کوس
و کرمانشاهان و کرمان و کیلان و مازندران
طایر و همتا و نند و همدان و میر و ازین ولایات
نیز درین هفته اخباری بنود

احباب دول خارج

از قراریکه نوشته اند در ایالت پوزینه که از حاکم پرورش است
شهر پوزین براد دولت پرورش از بیت و هفت سال قبل ازین
استحکام میداد در این اوقات بدنه دوز و قلعهای او با تمام
رسیده و سواهی این در خارج صور از شق قلع عبارت بوده
در مدت شش سال قرارگذاشته اند با تمام برساند و یک خط
دیگر علاوه نمایند و در وسط شهر مذکور دو قلعه دیگر نیز بنا دارند
بعد از ساخته شدن تمامی آنها شهر مذکور فوق العاده محکم
مصوب خواهد بود

دیگر نوشته اند که ولیعهد قرال اسج و نور و جیاجند و قش این
 یکا کشتی مخصوص بعضی محال در نکستان ریاحت که در این اوقات
 که معاودت نموده است در دریای بالیکشتی او بکشتی نوشته و بعد از
 غرق و شکسته و لکن ولیعهد را لیه ویرانی کشتی بدست
 آمده اند

دیگر نوشته اند که از برای تاج گذاری علیحضرت امیر طرور پسته از راه
 دولت روس امانی خارج که مستقیم چون مدد و مقدار این
 زیاده از حوصله کجایش شهر مزبور خواهد بود و بعد از این که با سخا
 هر کس در محلی که باید اقامت نماید اگر سندی برابر کند از جانب حکومت
 راه با و داده خواهد شد

تاکنون چند دفعه در روزنامه ها نوشته شده است که در سپانیول
 محل احتمال واقعاتش ظهور کرده بود و جلوه آنها گرفته فقط امانی
 مملکت صراغ حسن باغواهی خبرال قالقون نام از دایره اطاعت سر
 زده بودند از جانب دولت سپانیول خبرال دوس با قشونی
 با تاجار فته امانی مرقومه را ترک اف و اطاعت دولت تکلیف نمود
 تا پنج روز متاخر کرده مهلت داده بود امانی آنجا نیز مخالفت با
 و خیر کشت خود میدیده لابد باید ایستاد و اطاعت در آمدند و
 قالقون که محرک آنجا بود سبب و نه عزیمت نمود و پیهم از خط
 دولت را لیه در شهر مزبور خبرال ساس نام تقدیم دولت مزبور اطاعت
 عصیان و یا کرمی نموده موخر چون دید که کارش پیش نمیرود
 خودش را طاک کرده و امانی شهر مزبور نیز در جیل و طبعی دولت کردید
 احوال در هیچ جا از دولت سپانیول اثر فساد و شرارت نمانده
 امن و آرام گردید است

دیگر نوشته اند که در میان آنجا که سبب احتمال و غش
 بودند در بعضی محال سپانیول از عساکر طبع و میان آنها

میشد در این اوقات اکثر عساکر مذکوره را اخراج و بجای
 آنها قشون خوب تازه ترتیب میدهند و این قشون
 حلف مینمایند الی الا بدحکومت خلافتی از آنها نسبت
 اسپانیول سرزنش

بعد از رفع این احتمالات مملکت اسپانیول بدو از
 ایالت و چل و پنج قائم مقامیه منقسم شده و چهار آنها از نو
 سوانطات وضع و احداث خواهد شد
 درین دعوا در میان عساکر دولت فرست یکفرز
 در محاکمه گیر و دارد دعوا و معرکه آن زن مذکوره معسوق
 کشته شده که مرده نتوانست صبر و آرام گیرد خود را با
 معرکه انداخته از سه جا زخم برداشته بعد از برکتش از خاک
 پانزده روز دیگر هم زنده بوده و ارشدت باس و تیری
 داشت و دیگر بجال نیامد و چاق کشته و کشته و مثل
 باز در پاریس در حین مشق کردن نظایم چانه کی از تپان
 نفر مجروح گردید در حال ادرا بر بعض خانه بودند که ملاوا
 نمایند معلوم شده بود که زن است از کیفیت احش و
 کرده بودند معلوم گردید بود که مادر لیه از امانی میر
 و بجهت اینکه معسوق نوکر بود و مامور سفر گردید و هم خود را
 کرده و رقه اسم خود را دفری نموده نوکر شد و اتفاق
 معسوق بفرقه و در دعوا در همه جا هم بود است این کفیت
 با علیحضرت امیر طروری معلوم گردید چون آنرا با تاجا
 و از وفاداری دست کشیده و در تمام دعوا بوده است
 او را با معسوق او از نوکری عفو و اخراج و بعد کفایت
 مستمری برایشان قرار دادند که من بعد با یکدیگر نرفت و
 اسود کی بسر ببرند

روزنامه وقایع اتفاقیه پنجشنبه روز سه شنبه ۱۲۷۳ شمهر مظفر مطابق لوی میل

منبعه دارالخلافه طهران

نمره بیت و لودوست

بیت اعلاآت

هر طریقی



قیمت روزنامه

هر نسخه شاهی

اخبار داخله ممالک محروسه پادشاهی

دارالخلافه طهران

اعلیحضرت آقاقدس بجا یون شاهنشاهی که در کجاست
تشریف داشتند نظر باینکه در این اوقات هوای
کمال خوبی و طمیت را بهم رسانده و عمارات بنا کرده
نیز تعمیر کرده و آبش داده اند و از ناخوشی نیز خند
که بجهت الله اثری باقی نیست و بجای رفع گردیده است لهذا
در روز پنجشنبه الیوم غیبت شهر فرموده اند دروازه را
بشهر تشریف آورده از میدان جدید بانکه والا جل
بارک مبارک که سلطانی و مصلحت عظمی تشریف فرما شد
و از جانب نواب شاهان و ارباب و اشراف و اعیان
دارالخلافه طهران تقدیم پیش و پای انداز شده و شیرینی
تا لایحت مردم و جوانان مبارک چیده بودند سرکار آقا
همایون شاهنشاهی خلد الله ملکه و سلطانه تحت مراد بفرمود
فایض السجود و زیب بخت و زینت افزا فرموده بار سلام عام
امنای دولت علیه و مقرران حضرت کردند و بسینه
و روسای نظام و خوانین عظام و سیرا سلام هر یک در
محل مقام خود شرفیاب حضور با هر النور و لکانه گردیده

لمکانه و خطابات منایت انیز بجا ب شرف امجدار رفع
اعظم فرموده فصلی از خوبی و طمیت هوا و رفع ناخوشی
محاسن خدمتگذاری عموم نوکرباب خصوصاً قریب کات
نصرت انساب درین سفر بیلا فایده داند و لولاسان
که خاطر خطیر شاهنشاهی را از حسن مراقبت در تقدیم خدمات
خرسند و خوشنود داشته بودند فرمایش نمودند جناب
هم مرتب خلوص بندگی و ارادت جان نثاری و دعا گوئی قاطبه
نوکر و رعیت این دولت جاوید هدیه علیهم السلام
مهر ظهور آقاقدس بجا یون داشتند و سلام عام منتفی گردید
در این روز ما چنانچه نوشته بودیم برای دارالخلافه طهران
و با عیدال و بجهت الله هر کوه نعمتی در کمال و فور و ارزانیست
رفع ناخوشی و با ناخوشی تب و لرز و نوبه غشی در میان مردم
بهم رسید اغلب این مرض گرفتار بود اما کسی تلف نمی شد
انهم درین دوسه روزه تحقیق کلی یافته امیدست که ان شاء الله
ازین مقدم بجا یون سرکار اعلیحضرت آقاقدس بجا یون
خداوند ملکه و سلطانه بالمره رفع شود

چون خدمت جناب متربخا قان محمد الامام العظام
عباسی خان پرنس دراموین متربی الیه سمیت الیچیکری
بربار دولت بهیسه روسیه قبول پیشگاه اقدس عیون علی
شاهی قاده و در تیسید مدیج دوستی و موالات مستسن
و نیوگیتین شواهد کفایت و مراقبت را با هر ختمه سنی و
معزی لیه در انجام ماموریت خود در حضور جسم ظهور توکائین
لید با عظمی کیگوب جبه ترمه علی و یک قطعه ن مثال جای
مکمل با لباس حرب فرمان رحمت تو امان قرین مبارک
کردید

جناب محمد نصیب پوره از وقتی که از دربار دولت
فرانسمت الیچیکری مخصوص و وزیر مختاری مامود در بر
دولت علیه کردید و وارد دار الخلافه الباسه درینمذ توقف
یونانیو ما بر میس رفتار و سلوک خود افزوده و در حکام مرا
دوستی و یگیتی دولین و نیوگیتین ساعی جمیده بطور آورد و
اتفا و عهد نامه مبارکه دوستی و تجارتی فیما بین حضرتین با حکام
قاعده دانی و تحولیت ملاحظات مودت و موالات را در هر
منظور داشت و رعایت آداب و داد و ستاد دولین و یگیتین
بطور شایسته ملاحظه نمود و اولبای دولت علیه را از خود را
خوشنود میاخت تا اینکه این اوقات جناب را لیه موقت
استدعای مرضی از دولت متبوعه خود کرده مرتب آباد
دولت علیه را با ساخت در روز و مقام صفه لفظ جناب کمال
محمود لایع التوسر کارا علیختمه اقدس عیون شاهی
شریفانه مرضی حاصل کرد بعد جناب بشرف ارفع مجد
ملاقات نمود و دواعی کردید بعد از آن جنابان فحمت نصیبان

نظام الملک و وزیر امور و نیا رجه ملاقات کرده و دواعی نمود
و از اعیان دولت کسین که فرصت ملاقات نشد بطور فکشتا
بفرستادن کلمات اظهار دوستی و دواعی کردید چون جناب میل
سجایاری با حکام کرد و لیه بود مذخوشش هماندار کردند اما او نیای
دولت علیه و تذکر لوازم اگر امات و توقیرات و فرهم آورد
سبب استراحت ایشان بطور شایسته مراقبت نمودند و اول احکام
مؤکد بحکام و سبب عرض راه از دار الخلافه الباسه الی سوغه
صادر نموده غلام چای مخصوص فرستادند که قبل از وقت در
موجبات استراحت و لذت ایشان حکام عرض را ساعی شدند
وقت غایت این هم کال که بالواریات آن از جانب دیوان
برای سواری ایشان شخص دو نفر غلام و غلام چای عاقل کار
هرا جناب منعی الیه مامور و ولید کردید که تا سرحد مق
احترامات و اکرامات و فرهم آمدن اسباب خوشی و بهر همت
باشند چون مدام توقف در دربار این دولت علیه از ایشان
و وابستگان ایشان کمال لاینت ملاحظه شد که بهیچ سبب رحمت از
برای اولبای دولت علیه نشدند رفتن ایشان مایه افسوس

سایر ولایات

از پایچان از قراریکه از تبریز نوشته اند در سنج
محرم الحرام دو ساعت زشب گذشته شبایی از جانب ق
پیدا شده راست آمده از قبله سمت مغرب عبور کرد و نور
روشنی او مانند شعله متابش بازی بود که زیاده و بقیه
مایل بود بعد از آنکه بقبله رسید و میخواست سمت مغرب عبور کند
از هم پاشیده شعلهای او بجانب مغرب رفت کل تبریز
روزر و شن کردید بعد از آن بقدر شش دقیقه متصل و آن
ماند آن اسباب و سستی از جانب اسمان سوغ شدند

۱۹۲۶

برو چرو و بطام ازین ولایات درین وقت
بنود

خراسان از قریکه در روزنامه ارض اقدس
اند امور آن ولایت قرین نظام و عالیجا حاجی شکر الله خان
سرمنک تو بجانیه در نظم ولایت و امور نوکرو عیت و انجام
خدمات دیوانی سنی و اتمام دار و شهر و محلات بواسطه
رسیدگی مشارالیه از آسیب دزد و شریر مصون است
از جمله نوشته بودند که حاجی اسمعیل نام مشهور بجلال و بندگی
سابقه در ارض اقدس مشغول هرزگی و اطوار ناهنجاری و حرکت
خلاف شرع بود و بدین واسطه مقرب الخاقان وزیر نظام
اوقاتی که در ارض اقدس بود او را تنبیه و اخراج بلد خوانند
و ادعیه بود که بیده بودند در این اوقات مشارالیه عرصه
خالی دیده مراجعت با ارض اقدس کرده باز مشغول هرزگی
شده بود عالیجا حاجی شکر الله خان از این مصلحت کینه
فرستاده بود او را بیکم نش رایج خبردار گشته بازن خود
فرار کرده مخفی شده بودند عالیجا مشارالیه مراتب را بمقام
عضد الملک و متولی باشی سرکار فیض انار اظهار داشتند
کرده بود که خانه او را باز خراب نمایند و در صدد باز ساختن
پیدا شود او را مجدداً تنبیه و اخراج نمایند عالیجا مشارالیه
حب احکم خانه او را خراب و آدم کشته است که او را
نمایند ولی تاکنون خود او بدست نیامده بوده است

حمه

از قریکه در روزنامه حمه نوشته اند مقرب الخاقان
حاکم حمه در نظم ولایت و رفاه حال عیت اتمام وافی
بجلی آورد و اسودی عیت را که سبب حصول عاکونی دآ

دیگر نوشته اند که در شب سیم ماه صفر قریه رخت ساعت
گذشته زلزله شدیدی در تبریز شد که اگر خلق از صدای زمین
بیدار شدند ولی خرابی بجائی و اذیت بکسی نرسید
استر اباد

از قریکه در روزنامه استر اباد نوشته بودند و نفر از قریه
ش هر دو با استر اباد رستاق آمده در دو دانگه دور رس
سرق کرده بودند شبها مطلع شده که سغندان را
از آنها گرفته و خود دزدان را هم بنزد عالیجا میرزا اسمعیل
پیکار استر اباد آورده بودند در ضمن مواخذه یک توپ
چیت مومی نیز از خورجین آنها در آمده بود بعد از تحقیق و تهی
رئانی اقرار کرده بودند که در ش هر دو شب برفاقه و زور
که انجام بودند رفته یک عدل چیت مومی و بعضی اسباب خرابی
سرق کردیم اسبابها را باها بجا ریخته و عدل چیت را
در دامنه کوهی در زیر خاک پنهان کردیم عالیجا مشارالیه
انهارا مصحوب چهار نفر از آدمهای خود کرده فرستاده بود
عدل چیت را از آنجا که پنهان کرده بودند بیرون آورده با
آورده بودند چیت را ضبط و دزد را تنبیه نموده و اخراج
بود بعد از چندی از عالیجا حاجی شکر الله خان حاکم شاهرود
عالیجا میرزا اسمعیل رسیده بود که دو نفر از طایفه کبر
در شاهرود یک عدل چیت مومی سرق کرده با استر اباد آمده
اگر در آنجا بدست بیایند آنها را با مال مسرقه باید بنزد
مشاریه در جواب نوشته بود که در دو دانگه بدست آمده و
شد و مال مسرقه نیز از آنها سترو و موجود است با صبا
مال آمده نشانی مال خود را داده متصرف بشود و بنورال
بناظر در استر اباد است تا صاحبش پیدا شود

و حکام شرع و عرف را نیز مراتب حاصل می کنند و این اوقات
مقرب الخاقان مشایخ قدغن نموده و خوشبختان بهرگاه
خوب نوشت که او تالاق موقوف و مشفق کسی از طایفه
دار سجاده رنجان طلاق ندهد و عقد بستن را نیز آید از علی
بلکه اذن حاصل کرده هر کدام سواد و سبکی داشته باشند
با جازمه و نوشته علمی بله اقدام در عقد و نکاح نمایند اگر
بعد از این بدون اذن و اجازه علمی بله کسی در قرار و بگوشت
رفتی را عقد نماید مورد مواخذه دیوان اعلی و دادن ترجمان

خواهد بود

سنان و عراق و قزوین و قم و کاشان
و کردستان و کرم و کرمانشاهان
کرمان و کیلان و مازندران و طایران
ولایات نیز در این مفت اجباری بنده ها و
از قریب که در روزنامه ها و نوشته اند و سه روز پیش از
محرّم و نفرمندی از دولت همدان دزدی کرده روانه همدان
شده بودند را به دار آنها گرفته با اسباب سر و قلع
برده و عالیجا غلام علی خان نایب مقرب الخاقان نقی باقی
انها را محبوس کما غزی بجای میرزا غیرت نوشته صاحب مال
از همدان آمده و مقرب الخاقان علی خان سیرتسم گایند
عالیجا غلام علی خان نوشته معلوم شده بود که سارقین
از رعیت های سیرتسم میشد عالیجا غلام علی خان نیز بنابر
سجاش سیرتسم دزد را با اسباب و تو صاحب مال روانه همدان نموده بود
همدان و یزد ازین ولایات نیز درین مفت
اجباری بود

آقای سنان شایسته است زیاده مراقبت از
جمله از عهد حکام سابق بر او فانی که از اشخاص محترم و با نام
اول مستجاب که از تبریز به دار الخلافه و از دار الخلافه به تبریز آمده
میگردند لا محاله درخت توفیق میگردند و محض ورود در
اشخاص آدم حاکم یا داروغه ولایت رفته کوچ و عیال برنگار
از خانه خودشان بیرون میگردند که حکم حاکم است باید
وارد شده در اینجا زول نماید آنها نیز لا علاج و تسبیل
خود را گرفته و سستی می نموند در این اوقات مقرب الخاقان
مشایخ در صد و تعبیر و آبادی علامات دیوانی آنجا برآ
تاکنون شش دست از عمارات مرحوم دارا در کاشانکوه
تغیر کرده است که قابل نشین میگردند اشخاص است که وقت
در دو در آنجا منزل نمایند یکی از آن عمارات باغی است که
دارای مرحوم ختم و بعد از آن ایام در و بختی که شایسته
سابق در صد و آبادی او بر نیامده بودند و روز بروز
میشد در این اوقات باغ مرزور و عمارات آن با بنام مقرب
مشایخ را اجوبه تمیز کرده و از بنای اولین بهتر شده
حال مسافین دول خارجی یا صاحب منصب بزرگی که از
خارج با آنجا وارد شوند در باغ مرزور منزل می کنند و اما لی
از اینکه از خدمت و شفقت خانه زولی فرغت یافته اند یا
و عاکوی ذات قدس یون شایسته خلدند و سلاطین
میباشند

همانکه از جن بعضی طایفه بی سواد در قرار و مزاج
خوب کن اند و از سطر طائی بهمان غامه فقط اکتفا کرده اند
روی عدم استحضار از شرایط و قوانین شریعت مطهره
بجهت مردان عهده نکاح بسته بعد از آن ظاهر می شود

فارس

از غزای که در روزنامه فارس نوشته اند امور آن ولایت
انتظام است و امورین حدات ملک فارس هر یک در محل
باموریت خود در کمال نظم و حسن مشغول انجام خدمات
علی شینا افواج قاهر که در سرحدات کریمیه بوده اند چندی
شد که مامورین نظامی را موقوف کرده بودند ولی درین وقت
که هوا ناخوش شده است همه روزه هر فوجی در محل خود
مشغول میباشد و از جانب صاحب منصبان کمال مراقبت در مشق
انتظام امر آنها بعمل می آید
دیگر از خطه لاریستان نوشته اند که مغرب انجمن قاضی
در نظم امور آن ولایت و انجام خدمات دیوانی مراقبت مامور
و عالیجاان جعفر قلنجیان سرمنک توپخانه و علیقلی خان سر
فوج خرقانی و یاوران فوج فدوی با توپخانه و فوجخانه در خارج
شهر لاریوقت دارند که چنانچه لازم باشد بمقر بانگاهان
ملکی شوند و از قرار دستور العمل نوابستاب موبدالدوله حکمران
ملکت فارس دو باب یکش معین است که همیشه در پیش قو قضا
خطه لاری باشند که هر وقت بهر جا که لازم شود قورخانه را
و نقل نمایند

دیگر نوشته اند که چند وقت پیش این در دریا می جوشید
برس اتحاد تجنناد و ساعت از روز بالا آمده طوفان عظیمی
از چهار جانب تا یک ساعت از مغرب گذشته امتداد یافت آنچه
از جہازات که در آن حدود بود بالمره سخته و خراب و در
تجارت و حجاج و صاحبان جہازات و غیره بسیار زیاده بود
رعایای قش از منکر و محل برنج نموده روانه جزیره قشم بودند
مقارن رسیدن طوفانی شد غرق گردید و از شدت فوجا

و عمل که در آن نخل بوده اند چهار نفر بروی تخته باره افتاد و کشته
رسیده و بقطعه شده بودند باقی کلا غریق نخله قشاده بودند
و همچنین خنرات دیگر هم غرق و امالی آنها غلب تلف گردید
که در روزنامه تفصیل داده بود
دیگر از قراریکه در روزنامه بندر اوشهر نوشته امور آن
از اتمام عالیجا میراحسنعلی خان دریابکی و حاکم بوشهر
نظم است در عایا و سکنه انجام و احوال و اسوده خاطر
همگی بدعا کوفی ذات اقدس جان بون شایسته حال دارند و خیر فوج
مصوره ابو ایحیی عالیجاان محمد تهرمان محمد علیخان سر
و مهدیخان سرمنک در کمال نظم و حسن سلوک با امالی آنجا
رفتار می نمایند و در ایام عاشورا در تکایا و مساجد مشغول توبه
جناب سید الشهدا علیه الاف التحیه و التسابیحه اند
دیگر نوشته اند که حلف و طاعت بپایون اندوزی که بجهت
دریا یکی جنب شده بود باد و طوفان دیگر از جانب
مستطاب موبدالدوله سجنه عالیجاان محمد علیخان سرمنک
سرمنک بانجا پرتو وصول فکنده مثالیهم با جا کران
اعلی و اعیان و تجار و معارف ولایت تا خارج شهر که محل
پوشان است باستقبال شافیه لوازم تو قیر و احترام
بعل آورده خلایع هر شعاع را زیب کیر سفارخت و مبادات
خود نموده صرف شربت و شیرینی وادای مراسم تنبیت و
مبارکباد نموده بشهر محبت کردند
دیگر نوشته اند که بدنه و بروج بوشهر را که میافتنند بیشتر آنها
در کمال سکوه و استحکام صورت تمام با فقه و قلی که باقی مانده
او را هم در کارند و این روزنامه تمام خوانند که و عالیجا
اتمام دارد که روزه با تمام برسد

احبار دول خارج

سابقا از سفاینج تباری بر وسه یکشتی در بنار خارج
 در ساحل فارس بکشتی شکسته غرق شده بود و اموال موجود
 او را از امانی بنجاقیده یعنی نام که دایم بدزدی مالوفند
 غارت کرده بودند سر کرده قون مجری دولت را بهاجنا
 پرس دل بر چینه اموال کشتی مزبور و معاینه دیدن آن
 غرق شده بود بکشتی بنجاقیده مذکور که چند نفر همراه خود برداشته
 بکشتی سوار شده از کوه بیرون آمدن کشتی نمود هر چند برف بالا کرده
 پرده کشیده بود و از جانب امانی مزبور اعلانی شد بانداختن تفکات
 نموده بودند را لیه نیز امانی سفینه کلا بزرگ داشت و غیره
 بفری بکشتی در آمد با سینه چوبه مزبور بود و است ماکا بهجوم
 برده مشا را لیه از یار خرم برداشت و یک یار و یک ضابطه
 در سایر همگان و تلف گردیده و هفده نفر نیز خدارشده اند
 گردند که دو باره خود را بر و رفعا اندخته کشتی مرا حبس کردند
 مزبور تا کنون هیچ دولتی اطاعت نکرده اند و هیچ
 شقاوت بوده اند اما بعد از آن کارشان بجا بکشد
 حکم آرینود که از مالک هندستان است بحدن رفعت است
 در روزنامه نوشته اند مشا را لیه محوسی و حبس بنجاقیده
 اند و قتی که بندن دارد تا کنون از انواع ماکولات و مشروبات
 و صلیح خورده است حتی در البضایا که دعوت کرده اند آنچه
 خود دنج کرده و در خانه خوش طبع شده از مرغ و یک نوع ماهی
 خورده و سواکی آنها چیزی نخورده است و آب شربتی خود را بده
 کشتی بخار فکست خود مانجا آورده و لاسی که مشو هر روز بخورد

شستن آنها را در آب زندن چنان خالف رویه خود میداد
 در آنجا نمیشوید و میزد و در زندن میزند و می آید از این
 حرکات دیگر از او شاگرد کرده و در روزنامه نوشته
 شده است
 راه آهنی که از طرف دولت انگلیس در هندستان ساخته شده
 از عیار هند عیاره نظام نام در میان خود گفتگو کرده اند که
 اینطور کالک را ندن در راه کار بن میست این کیفیت محرو
 سلطان است و اتفاق گردند که آه راه آهن خراب بنایند
 نامورین راه محنات را آهن با آنها توصیف تعریف کرده اند
 نموده و بجهت خراب کردن راه بلجا و بجا کشته سحر است
 چند نفر از نامورین را کشته شده و از آنها خبر خیلی آدم
 کرده ناچار بودی حقایق بلا لب کیزان شده
 در روزنامه ای سابق که از ش چند نفر زن که طبس لباس مردانه
 شده در و عواذ با قیوت سراسر ای کرده بودند نوشته شده بود
 در روزنامه این اوقات که وسایل باز نوشته اند که در ساد دینی
 وکیل اردلی یک فی تقال ساد دینی عرضه داده و کدایشان
 حویش را و اینک سال است که بهرامی زوج خود در دعوا بود
 و بالاستحقاق چندین افتخار گرفته معروض شده و گفته بود که حال
 شوهرم وفات کرده است عای عفو و اخراجی از نظام دارم خدا
 سابقه او در نظر و آل ساد دینی بسیار محسن افتاده او را بربا
 خوش از نظام عفو و اخراج و تبرقیه حال او نیز صرف نیست
 و اخراجش با و اعانتی میدهد و است

۱۹۳۰

۷

از چهل پنج سال قبل این در شهر پیکر که بای تخت خاقان چین
 میباشند سفر او قونولهای دول خارج کسی ازین اقامت
 نداشت چند وقت پیش ازین باین امر اطمینان خاقان چین مجاز
 بنسبت بهجاری اقامت سفیر دولت روسیه را در آنجا قبول
 کردند و جناب و ستوایم سفیر فوق العاده از جانب دولت روس
 بچین غنیمت کرده است

موجب معلومات ارباب و خبر افلاک چین این خط استوار جان
 شال از بیت درجه و نیم تا چهل و یک درجه میباشند و بنابر قسطن
 و بطول پانصد و بیست و یک درجه و پانزده در آن ملک کشیده
 مشهور است تا مرستان است و عدد و مقدار مالی اقلیم چین
 نوشته اند که سه هزار و شصت و پنج بار صد هزار گرس میباشند
 که شصت و شصت و سه درجه و پنج درجه و پنج درجه در میان آنها
 از ایام حکمرانان از سلطانی که در آنجا آمده اند از سطر این است
 هر گرس مسلمان و بعد صد هزار گرس بجا میباشند و باقی کتاب است
 و غیره اند طبایع و احوالات غریبه آنها حیرت افزای عقول و کلام
 از جمله سابقا اینها پادشاه پادشاه و پادشاهان که فوت می شده
 جاریه و خدمتکار و سوار و حیوانات که داشت آورده در شهر
 و بیج و هلاک کرده و همه را در آنجا دفن می نمودند و مؤخر ابر طور بود
 قانون را که گردند چون بنای اولین آنها در معبد و در درگاه
 بوده است حال آن جواری و خدمت و حیوانات را که هلاک میگرد
 بهین قدر اکتفا کرده اند که صورت آنها را در کاغذ کشیده برده و در
 مزار او میسوزانند مالک چین کتیبه میسوزاند و مالی آنجا
 کشیده از سکه صاحب خط و سواد نهاده از باب سطر و صفت میباشند
 اغلب در خدمت و نهاده و در کارهای آنها از باب زراعت میباشند
 زمین علیحدگی تخم میکارند مثلاً اشجار و درختان را ابتدا در محل

را هم سیم آهن که تلافی میباشند از خبر بره روئیه تا نوس
 شده و سیمهای آن کشیده شده بود در این اوقات سیمها از وسط
 راه پاره شده و چجه تعمیر آن قدری و جفته شده میشود و طولی
 خواهد کشید که دوباره ختم شود

و یک از طرف جمهوری سکی دنیا و دولت انگلیس با شتران قرار
 داده اند که تلافی سیم آهنی از دریا بکشند تا حال بکرات دریا
 مرز بر راسیده اند بعضی جاها عمیق دریا معلوم شده و بسیار
 آن که ریا و عمیق بود هنوز معلوم نگردید این اوقات قرار گرفته
 او لا از جانبانی که سیم کشیده میشود عمیق آن مشخص شود و بعد
 بکشند و این جهت از دولت شاه ایلیانیک گشتی بخار بید
 مرز بر فرستاده شده است چون تحقیق این کیفیت طولی خواهد
 کشید لهذا سیمهای مرز بر در آنجا کشیده میشود
 در فرنگستان از اعیان و متمولین بعضی اشخاص بجهت خبر و
 وطن و ملک خود بیاحت و ولایات که رفته اند در آن ولایات
 محنت و قیاحی که دیده اند بعد از محبت بملکت خود بجهت
 اجزاء و منافع آنها محاسن منعقد نموده اند از جمله مثلاً بجهت
 زیاده از قوه او بنیاد چل کرد اگر کسی جوانی ملک داشته باشد
 او را زیاد بکار بکند یا ضرب زند فاعل را باید بکشد سید در
 و انگلیس از مالی مرکب عجایب متعدد ترتیب داده اند و سوا
 در هر سال بانوبت در بعضی محال فرنگستان با هم صد و
 و مجلس تشکیل شده و در مجلس صد و از باب ارزانی و کرانی
 المنه و نفع و قسم گفتگو میشود و در مجلس دایره از باب نظافت
 خانه و سیرکها و دایره داخله که با آنها دایره بوده مذکور
 میباشند و در مجلس دایره در شرف و تشکیل شده است

۱۹۳۱

میکارند بعد از سیر شدن آنجا در می آورند و بجای دیگری می برند و همچنین از آنجا بایرجای دیگر مناسب بود و موقع حمل و نقل میکنند و سراسر مالک چین از کثرت تجارت و بازرگانی توانی است بنظری آید و از بسیاری خلوت که در محل خود گنجایش ندارند بعضی در نزد بناها مانند زدی خشکی می کنند و الا آن دولت چین با از ده بار صد هزار که دو کرو با قشون دارند ولی چون نظم نظامی ندارند از احتیاجت و تجارتش در پیشرفتند اما در خاست و هنر صنعت بجدین و ممتازند در پاریس پای تخت فرانسه بحارف و صنایع دایر صید هفت کتب دولتی است و درین کتب آنجا و یکبار کس درین بشار آمده است که تحقیق نمایند در دولت اسپانیول قرار شده است که سواى عمارت نظام داشته باشند و دولت و است که آورده بدو آن و بعد از ایام مذکوره در دست کس بسیار بده او را هدف شلیک تفنگ نمایند خیلی اشخاص خود را بزرگ سپردند بعضی نیز سوار خود را نداده بودند از اینها سواى مجال دیگر تنها در شهر بارسلون شانزده نفر هدف شلیک شده اند دیگر از فراری که در روزنامه جریده اتحاد اسلامبول نوشته بجهت کار کردن از سوی الی قد که در تحت اداره مصطفی یک این اوقات والی مصر یک قومانیستى بخارترب داده است و نام این قومانی را باسم علیحضرت سلطان دولت عثمانیه موسوم مجیدیه کرده است دیگر نوشته اند که والی مصر چند و پیش ازین از مصر حرکت کرد	ور آن حوالی بعضی جاها را که دشمن و تفرج نموده و با مسکنه آمده است دیگر نوشته اند که درین اوقات در راه قبه در قریه پاپاسی انفرد و بدکان یک بقالی آمده و در باب ردن پوسته با هم کرده بودند شخص تعال از راه آنها مطلع شده گفته بود که زدن عاقبت وخیم دارد و با چرب است مبارزت بکنید که قمار خوا بنصایح مشفقانه خیال آنها را ازین غرمت منصرف کرده بعضی انها قول و تصدیق کرده بودند بعد از آن خیال دیگر کرده بود که بروند در دره سیاه عمارتی را که در آنجا واقع است بزنند و اموال آنجا را سرقت نمایند بقال نیز چون دیده بود که اینها تا سرتی نمندان را میخواهند گرفت گفته بود این غرمت ثانوی نیست باشما شکر یک می شوم و سراسر میکنم آنها هم قبول کرده بودند من اول میروم و راه و خنجر آنجا را معلوم کرده بشما خبر می آورم آنها با بعضی همدستان کشته بقال از آنها بخارترب فرورفته و با هر صاحب تجارت گفته و او را خبر داده بود صاحب عمارت نیز بقال خود بیرون رفته و کدایش را بجا ب حکومت اجبار کرده چچی نفقات ضبطه میگویند آمده در آنجا کمین کرده بود بقال نیز در دزدان آمده گفته بود که درین عمارت بخرم کسی بهم نمی رسد و بطور در یک آب خوردن میتوان تاراج کرد حتی حربه هم لازم نیست دارید و بسیار سبب قیمتی در آنجا است اما من عید کنید که باشما شکر و من هم قیمت بدید بعد از آن دلیل آنها شده بشارت فرور آمده بودند در حین دخول دزدان بشارت نفقات ضبطه کردند آنها را گرفته در کمال آسانی آنها را دستگیر کرده بودند و نظر که فرار کرده و بدست نیانده بودند بقال نیز بشارت قیمتی تجربین
---	--

۱۹۳۲

استهوار نامه

از قراریکه در آنسه و افواه مذکور است یک فروید گشتی جنگی دولت تیسر مجلس در تاریخ هجری ۱۳۰۴
 نه روزه از جنبی وارد خلیج فارس شده و تیر ه آنسه و افواه مذکور است که بقدر پانزده شانه
 الی پست فروید دیگر هر کدام شمل بر سید چهار صد نفر سرباز از آتشی بادی معین در تیرت بوده است
 که متعاقب آن روانه شوند اگر چه صحت و سقم این خبر و آمدن گشتی برخلاف عادت که موهم خال
 باشد و آمدن گشتیهای دیگر منور روزنامه نگار معلوم نیست یقین حاصل است چنین خبری بحال انکار
 و در دولت نخواهد شد اما آنچه روزنامه نگار استنباط نموده است اولیای دولت علیه ایران دوستی
 قدیمی اند دولت آباد دولت انگلیس و میان دو کشور عهد اولیای دولت انگلیس را زیاده بر آن میدانند که
 بهر در مقام عهد شکنی با دولت علیه ایران برآند و بهر تقدیری توقع حسن نیت خودشان و کامل
 انصاف و فراست اولیای آن دولت دارند که اگر فرض از این گشتها حاکم شهرت داخل خلیج
 بشود حمل بر دشمنی و خصومت نمی نمایند و مقام استکشاف از منظورات اولیای آن دولت میسازند
 تا سبب جهت واقعی را معلوم سازند و تا قنونسند البته امری را که منافی مودت قدیمه دوستی
 گرانها باشد که سالها مین آیند و دولت استقرار یافته است سبقت و مبادرت نخوا
 کرد اما آنچه روزنامه نویس از امالی ملت و محکمت مسوع نیاید و از خوات احوال آنها دریافت
 میکند بعد از آنکه آنها تحقیق شود که دولت انگلیس ساعات ساعتان بحرف نامورن حج و مرزن با
 از خط مواش و دوستی با دولت علیه ایران صرف نظر کرده و با آنکه از انطرف قاری علا
 حق پیچیده واقع شده است باز اولیای آن دولت خواسته باشند بعکس منظورات دولت علیه
 ایران مبادرت بر امری نمایند که منافی دوستی و محبتی چندین ساله باشد آنوقت ملت و ملت
 ایران که مدن اسلام متدین و صفت غیرت متصفند در کمال افسوس لاند و ملای خواهند شد
 که در مقابل رفتار ایشان متوکل علی الله در مقام خطشان ناموس سلطه و عرض و ناموس وین چنین برآید

اشتهار نامه

عالمی حضرت علامه سید بنوری قندری صاحب کرامت و کبریا در تاریخ شهر صفر حشر حجاب ثانی استحضار نموده و خوشتر آنکه به استحضار می‌رساند که بحکم عالمی بالیوز دولت لکهنو متوقف و متعلقان دولت شاهی که اراده بیرون شدن از حد و مملکت فخر در انداخته و عطفه حضرت و امتیاز جانب اولیای دولت علیه صادر شود در خواست عالمی شاهی که متعلقان که اگر چه اولیای دولت است بسبب قطع مراد و این امر باطل و کفر بوده و نبیند و دیگر نمی‌خواهند که رشته توت با این دولت بریده شود لیکن ملاحظه آنکه مضایقه در قبول این خواست هر یک نوعی خدشه و سوء ظن در حق اولیای دولت علیه شود در حکم اولیای دولت علیه و الفاظ و جواب عالمی شاهی را به خود او فرستادند و آنچه روزنامه کمار استیضاح نموده است اگر چه عالمی شاهی نیز اراده بیرون رفتن از خاک این دولت علیه و اظهار با ولایت سیکه لازم رعایت مراقبت در سبب امتیاز و نابرون شدن از خاک این دولت علیه است که بکوتاه و غرض بخشه پنج ماه صفر حشر از بهشت جاپارخانه منزل میان جوبشش و مخراج غری دار الخلافه رسید که منت نفردم سر و صورت لبه بالاس بندید و در جاپارخانه شده بعنف ضرب شتم است بر سر جاپاری از منزل مزبور برداشته روانه شده اند از بی انبج که فرستند مذکور شد عالمی متر استیضاح قنول الکلیس بود که خود را با این صورت به آخر امر انداخته روانه است لغز با جان شده است که از سر حد خارج شود روز دیگر که عبارت از روز جمعه غری ماه ربیع الاخر باشد وقت عصر کاغذ بر خط الکلیس محسوب اقوم قنول لکهنو لکهنو کجاست و زیر امور دول خارج رسد و همان اقوم فیر از آنکه مهر کاغذ بکوشند و کاغذ خوانده شود شفا ما از جانب عالمی قنول بطور پیغام رسانند که روز و شب چهارم ماه را قنول بنا بر رفتن از دار الخلافه بجانب اودار و خوشتر آنکه تعلقیه عرض راه بعد از حکام قم و مهدان و کرمانشاهان در سراسر اوصار و ارسا شود که روز مزبور در معطله روانه کرد و مضمون کاغذ و چون فقط اخبار غایت خود و سفارش شما بر خود که بر علم عالمی شاهی را از تبعه دولت الکلیس می‌باشد و شمار در خوشتر تعلقیه یعنی روز غایت نمی‌نورده بود با فقر شفا هر آن آدم مطابق با و باعث تردید است که این اختلاف قول از به راه باشد درست بخون بعد از معلوم شد که همان روزنامه و خبر جاپارخانه میان جوبشش صحیح بوده و عالمی شاهی با این وضع غیر متعارف شبانه روز قبل از رساندن کاغذ جانب بر دول خارج رفته است نشستن کاغذ بخط الکلیس پیغام شفا هر می‌نشدن هم که از راه کرمانشاهان خواست رفت بجهت بی کم کردن لکهنو است اولیای دولت علیه حسن نیست خود که درباره عالمی شاهی و شمشیر که تقی است اینجاست که در این لحظه که دولت عالمی شاهی را از نظر زرقار اولیای دولت علیه که درباره بالیوز و شهر طبرمعه و آنطور جوبشش و نایاب بخود عالمی متر استیضاح در این باقی شد عبرت گرفته اند باشد که البته در حق خود ادم نوار غایت حشر نمی‌خواهند که باری آنچه بنظر روزنامه کمار بر سر بنظر حرکت عالمی شاهی است و سبب بسته باشد که مطالبات بخارج دولت از جمله طلب خراج چار سده شتم بهر حرم جابر حسین با جزئی از جارج برادر عالمی شاهی که تقی ضامن است که خود در این مدت بخیر ماطله و غدر غیر متوجه فرار در مطالبات این دولت اند و لکهنو سبب است که مبادا اظهار غایت خود و نوافقه نماید با طلب مقام مطالبه بر آید از همین جهت رفتن خود به کار کوزون مطالبات بعد از دولت هم نیست که از کسان و جمع الکلیس از ظاهر شده باشد چهره بزرگ هم می‌باشد که خواست بخارج ابرانی را گرفت و فرار کرد که هنوز هم از طلب خسارت مطالبات خود دارند لکهنو قول فرموده که بر شتم برادر عالمی لکهنو صاحب که مبالغه می‌کرد و در شش آنچه روزنامه کمار سبب است که کاش عالمی شاهی در این خود اعلام می‌کند که دولت علیه ضامن و وض در امر خود و آنچه به صورت به حشر از جهت دولت علیه با این البدر می‌نشد که بجهت این سبب که چندان خود را در قنول است لکهنو بنظر خود شش شش بدیدگی دیگر شبانه در حق تقابل دولت خود و دولت که شلار بودند خاک دولت این است نیست خود مطلق نخور و بشو شتم علی برون بروم این لکهنو که خود را بصورت لکهنو انداختم و فرار کردم چهره او همیشه سبک که بر نوع سبک است معنی آنکه بدولت بدین کوز و شلار و خیال این چند نفر سبب و سبب بنظر بنده علاوه بر اینها که با از حالت بی‌بصالح برانستم طلسم داشت چرا که همیشه از سبب سبب است

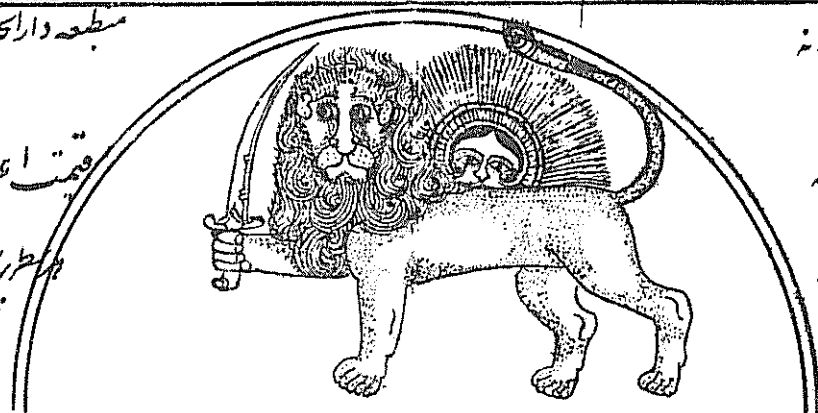
روزنامه وقایع اتفاقیه پنجشنبه بیستم شهریور سال ۱۲۷۳

مطبعة دارالخلافه طهران

نزهت و تفریح

قیمت اعلانات
هر خط پانزده

قیمت روزنامه
هر نسخه دوازده



اخبار داخله ممالک محروسه پادشاهی

دارالخلافه طهران

علیه التجهه والتکريم نموده با بعضی از خواص و مقربان
بباغ دولت آباد تشریف برده در آنجا صرف نهار نمودند
و از آنجا بزیارت بقعه تبرکه امامزاده واجب التعظیم شریف
مراجعت مبارک مبارکه سلطانی فرمودند

بعد از آیام عاشورا نیز تا بیستم شهریور ماهی و اعیان دارالخلافه
مبارکه و صنایع شریفه بازر در بعضی تنگایا و جایهای که در
عاشورا بنیست بودند مکه بستم مشغول تفریح داری جناب
علیه الاف التجهه والتکريم نمودند خصوصاً درین دینه آخر
که زیاده در تنگایا و خانه تفریح داری و روضه خوانی میشود
و مشغول ذکر مصیبت جناب سید الشهدا و دعا گوئی و
اقدس هیاتون شاهنشاهی خلد الله ملکه و سلطانیه میباشند
بعضی از مقربان حضرت کرد و درون سبک نشین و چاکران
در بارها بون هم که بجهت الترام رکاب مبارک شاهنشاهی
در آیام عاشورا در شیران و غیره بودند و مکه بنیست
واری نموده اند در اوقات تشریف فرمائی موبک هیاتون
بنکارستان و دارالخلافه مشغول مکه بنیست و تفریح داری و
زدن و لوازم مصیبت جناب سید الشهدا شدند

در این اوقات که سرکار اعلیحضرت اقدس هیاتون
از نگارستان مبارک مبارکه سلطانی تشریف فرما گردیدند
جناب شرف مجد ارفع صد عظم در منزل خود که در
ارک دارند و جناب محبت لصاب نظام الملک و مقربان
مستوفیان عظام و امنای دیوانخانه مبارکه در منازل
خود و دفترخانه و دیوانخانه مبارکه مشغول بخدمات و
دیوانی و تفریح محاسبات و رسیدگی با امور و مطالب
و ایضاً مردم میباشند و همچنین رؤسای نظام در اطاق
نظام با امور نظام حضرت فرجام هر روزه رسیدگی
و افواج قاهره متوقف دارالخلافه مبارکه از توپچی و سوار
نظام و سربازان روز مشغول مشق و قواعد نظامی میباشند
و از جانب صاحبان معین تمام کامل مشق نظام میباشند

اعلیحضرت اقدس هیاتون شاهنشاهی در روزاربعین عزیمت
زیارت مزار فایض الانوار حضرت امامزاده عبدالعظیم

چون رساله جناب شرفا مجد رفیع حدیث مسمی افجه
تقریه داری نواب بنزاده بهاء الدوله تشریف میرزا

شکست و دولت ابد مقرون استقال دارند و در این وقت
بارندگی کامل که بجهت غله و علف زیاد نافع بوده است و

ولایت شده است

دیکر نوشته اند که شمشیر مکتوب با ما س که از جانب سیاح
در ازاد خدمت و جانی و قبیله ترکان که مقرب انخافان
ایمانی حرمش بود مصحوب با ایجا عباس خان نقدار در
اوقات فروغ بخشی آن حاشیه مقرب انخافان شریف
تا یک فرسخ باستقال شافیه بعد از ادای مراسم توفیق
رب کر جلالت و افتخار نمود و همچنین خلائع آفتاب شعاع
مصحوب عالیجا محمد خان ایب میر خور بجهت سایر سرکر
استرآباد از دربار هائون ارسال شده بود با آنجا پروتو
افکنده و همگی تحلیف بکلیت هائون و ستون بخت دولت
ابد مقرون گردیدند

شب اربعین هم مجلس تعزیه داری پیش نرفته اند از که
مصبوب جناب سید الشهدا و صرف شام بمنزل خود مرا
نمودند
نظر بشمول حرمت سرکار علی حقیر اقدس هائون باشا
مقرب انخافان محمد خان میرزا ولد محمد حسن خان سردار
در این اوقات با عطای خلعت آفتاب طلعت و انوار حرم
قرین افتخار مقامات اقدس از کسا و ادای مراسم توفیق
احترام بهر امانی امیر الامم العظام سردار کل عکرم مصور
حضور با هر نور طوکانه و مورد التفات و توجهات عنایت
کرده دید

چون مصوحنان یوز باشی علما و سهریاری درین اوقات
وفات یافته بود لهذا عالیجا شکر الله خان نوری نظر
شایستگی و بابت در جای او منصب یوز باشیکری سرفراز
سایر ولایات

اذربایجان ازین ولایت درین مفعله اجباری بود
استرآباد

از قراری که در روزنامه استرآباد نوشته اند مقرب انخافان
جعفر قلیخان ایمانی که در سمت بخور و مشول قبیله ترکان
نکه بود در بیستم ماه محرم بحرام بنواچی استرآباد آمده و در
که دو فرسخ و نیم تا شهر سافت دارد توقف نموده است بجهت
فی اخله بقیه ناخوشی که در شهر بوده است فوراً و در شهر
و امور ولایت همه جهه مضمبوط و رعایا و بریاد
فراغت و سودگی رعایای و جو دفا بفرموده هائون و

دیکر نوشته اند که چون طایفه جعفر بای و اتابای ترکان
عیان مقرب انخافان ایمانی مصدر هرزگی شده و در
آن اطراف برده بودند بعد از مراجعت مقرب انخافان
شریف رالیه پیش سفیدان آنها احضار و بخدمت اقدس
مقرب انخافان شارالیه گفت عذر شما وقتی مسموع خواهد بود که
آنچه برده اید رد نمایند و رفته فریخی ایچی را که در آن
نشته اند بهم بزنید و الامور دمو اخذ خواهد بود آنها
و او طلب این خدمت شده تا آخر ماه حملت خواهند
و در بیت و دویم محرم با جمعیت بر سر قرغی می فرستند
بعد از آن خبری نیست که چکرده باشد

دیکر نوشته اند که در شب یازدهم محرم یکا عید صبح
شدیدی در آن ولایت شد و بعد از آن با شدیدی تا

طلوع آفتاب در روزین بود و در همان روز ناخوشی و یار

اتولایت برود کرد

و نیز در چهاردهم نوشته اند که یازدهم حرکت ارض واقع شد یک ساعت بطور مده و در حیت و چهارم هم یک ساعت ظهر گذشته زلزله شدید شده یک سیاه بقدردون و زورفته خراب گردید ولی شهر خرابی نرسید و کثیف نشد و در روز بیست و ششم هوای آسیر آباد بطوری تاریک شد که کسی کسیر امید درین پن رعد و برق غریبی شده و باران شدید آمده تا نیم ساعت هوا بظلمت تاریک بود

دیگر نوشته اند که طغان نامی از طایفه آتامای که بسیار مرتزکی و قاحت و تار شده بود مقرب اسحاق خان المغانی بعد از مراجعت آدم فرستاده او را از خواجین آتامای خواست آنها نیز او را گرفته فرستادند و با فضل در استراحت محبوس است تا حکم آن بشود

دیگر نوشته اند که چهار نفر سوار ترکان بر سر آرام کاه شده رفته یک نفر را در آنجا مقتول و چهار ریس کاه میشدند بود و بزرگن مقتول نیز پنج سال ایستاده آنها باز برقت خواند چهار نفر تفنگچی رفته در آن حوالی کهن کرده بودند بعد از سه روز با زمان چهار سوار ترکان بر سر آرام مزبور آمده تفنگچیان آنها را هدف کلوله تفنگ نمود یکی از آنها فوراً بر سر تیر افتاد و دیگری بعد از یکفرنج هزیت برآه عدم عجز یکی دیگر نیز زخمی شد و بادیگری که تیر کلوله نیامده بود فرار کرد مقرب اسحاق خان المغانی سب و یراق آن ترکان را با و جانی بر سبیل انجام بهان چهار نفر کک ن مقتول بودند و پنج

اصفهان و اسد آباد و ازین ولایات نیز

اجباری بنود

بروجرد و عربستان از قزاقیکه در روزنامه بروجرد و عربستان نوشته اند امور اتولایت از حسن مرقت و ابتهاج نوا مستطاب شده و الایات هشتم الدوله قرین نظام و مضبوط است و در نظم ولایت و رفاه حال نوکر و رعیت مواظبت کامل بعمل از سوازه و افواج با نظام امور سرحدات و ایالتیها که لازم بوده است مأمور و امیر زادگان عظام هر کدام که در ولایات بروجرد و عربستان و لرستان و بختیاری از جانب نواب معسری ایبه بنیابت حکومت اقدام کمال اهتمام و در نظم ولایت و انجام حداثت دوانی بعمل

دیگر نوشته اند که عالیجاه محمد خان پهلجی حاجی بنابر آن که حسب الاموال و لایای دولت علیه منصب سرمنشی مأمور و مامور کرفتن فوج عجب بود نواب معسری ایبه کیطافه شیرازی با و حلف داده روانه بندر محمده محمد ندو حکام موکد در باب ترتیب دادن فوج مزبور با لایحان حاجی جابر خان و آقا جابر خان سرتب نوشته اند که تقوی شاه را ایله نمایند که بزودی و خوبی فوج را تمام کرده به آه استکی و انتظام سان به بد بطام و خراسان و حمه و سمنان و قزوین و قشم و کاشان و کردستان و کر و س و کرمانشاهان و کرمان

ازین ولایات نیز اجباری بنود

کیلان

از قرار یک در روز نامه کیلان نوشته اند در یوم ششم
 صفر المظفر که روز عید مولود مسعود سرکار علیحضرت اقدس
 بجایون شاهنشاهی ادام الله طایفه بود امیر لادار العظام
 مقرب الخاقان عمید الملک حکمران کیلان جشن عید را
 بطور سیاه گرفته بیت و یک تیر توپ شلیک دیا
 اعظم واعیان بلد در مجلس مزبور حضور بهم رساند
 لوازم تنبیت را بعل آورده صرف شربت و شیرینی نمود
 و خطبه بلخ بنام نامی علیحضرت اقدس بجایون ادا و بعد
 دو اتم سرود دولت ابد مقرون ختم یافت و عایجه
 بلند جایگاه عطاوف صاحب قوسول دولت بنه رویتیم
 کیلان بجهت ادای مراسم تنبیت شیرینی آلات و قند و چای
 بمنزل مقرب الخاقان محضم الیه فرود آمد بعد از آن خود عیاله
 مشارایه باتفاق عایجه بان بیکر و صاحب بوردون صاحب
 نایب قوسولگری و دیگران قوسولگری آمد بعد
 ملاقات و انظار فرح و انبساط و ادای مراسم اتحاد و
 نوش و کین صرف شربت و شیرینی آلات و چای نمود
 بمنزل خود معاودت کردند و سه شب علی التوالی میزبان
 و دکاکین رشت را چرخانی و این بندی نموده عموم خلق
 از اعلای و ادانی غریب بومی بلوار عمیش و دمانی و دلاکو
 وجود فایض الجود سرکار علیحضرت اقدس بجایون شاهنشاهی
 مشغول بودند بعد از لیالی و ایام مذکوره عایجه بلند جایگاه
 قوسول دولت بنه رویتیم بجهت تنبیت چای کداری علیحضرت
 امیر اطور و سیه مجا جیش و ضیافت ترتیب داده

خود را چرخان نمود و مقرب الخاقان عمید الملک نواب شاه سلطان
 سلیم میرزا و بابر میرزا که بدین مقرب الخاقان مشارایه برشته
 بودند باتفاق عایجه امیر را محلی مباحثه و مشی مهمام خارج
 دعوت نموده اول شب را بجهت تماشای شب بازی بکنار رودخانه
 کوهر رود رفته بعد از تماشای شب بازی از آنجا باتفاق عایجه
 قوسول و سایر همزمان بمنزل قوسولگری رفته بعد از ادای
 تنبیت و انظار سیرت و دمانی و بیان مواحدت و مصافحات
 دولسین ذی شوکتین شربت و شیرینی و شام صرف کرده
 بمنزل خود معاودت نمودند

دیگر نوشته اند که چیه که اسباب کار خنجات دولتی
 بودند در اوایل ماه صفر بیل منجیل رسیدند و بعضی هم که عقب
 بودند قریب الوصول بوده اند مقرب الخاقان عمید الملک احکام
 مقرر فرستاد که از رود بار و حیت آباد و منجیل امداد نماید و
 از کرجیهای بیرون آورده در انبار دانی که ساخته شده است بگذارد
 و کرجیها را باز بسفید و در محبت بپزند که باقی اسباب
 حمل نمود و منجیل بیاورند

دیگر نوشته اند که چون بابا خان بیک فرزند شاهی مقرب الخاقان
 عمید الملک بعضی رفتارهای خلاف بدعت بنانگشته در جزو
 قرار جاریه و باریافت وجوه قمار بازی و توقعات بیجا از اهل
 ولایت نموده و بخلاف رای مقرب الخاقان مشارایه که رفاه
 و آسودگی رعایا را زیاده منظور دارد باینگونه حرکات مبادرت نمود
 بعد از معلوم شدن مراتب بیجایی مشارایه او را از شغل خود معزول
 افشا ضایع می که سابقا تیر کبلان و شاهی بود و امانی آنجا از
 رضامندی و بشارتگیری مینمود که مردم را خیرین خود را

اجبار دول خارج

در سال سیه که مجلس شورت دولت انگلیس در لندن تعطیل شد
و این ایام تعطیل با شاه انگلیس و کلاهی شورتخانه در ضمن تفریح
بسیار بود بعضی مجال را گشت و سیاحت میکنند در این سال نیز
شاه انگلیس عزیمت کرده بود که پورتو قال رفته از اینجا برون
برود بموجب روزنامه که این اوقات رسید از رفتن پورتو
صرف نظر نموده فقط با اتفاق وزیر دول خارج در اواخر ماه

بطرف استو حیا حرکت کرده اند

در این اوقات از جانب دولت فرانسه مصحح سفری
روس و ستاده شده است نشان غران فوردون از مرتبه
اول بجهت دولت روس فرستاده است

و همچنین از جانب امپراطور فرانس در دارالطباعه دولتی
کتابی از پانزده نسخه عبارت بنحیه با صنعت و تصویف و انطباق
و یک نسخه آن بعضی قرائهای فرنگستان فرستاده شده
در این اوقات یک نسخه از آن نیز نزد امپراطور روس برست
ارسال شده است

در اواخر ماه ذی حجه در ضمن تبدیل آب و هوا امپراطور فرانسه
با اتفاق زوجش تا نزدیک حدود اسپانیول بشهر بارچ که از
خاک دولت فرانسه است رفته اند و بجهت تبریک ورود
بشهر نبروز از جانب دولت اسپانیول یک سفیر مخصوص
فرستاده شده و قرار بوده است که امپراطور فرانسه بفرست
در شهر بارچ اقامت و بعد از آن بپاریس تحت پاریس
نمایند

در دولت فرانسه چنانچه در اغلب دول فرنگستان
در هر شاه یک دفعه محاسبات کرک رسیدگی کرده و قری

علاحدت ترتیب میدهند و این اوقات بموجب دقیری
در محاسبات کرک امسال در پاریس ترتیب داده اند
کرک بیت میان فرانسه که قریب چهار کروپول این است
باشد امسال از پاریس کمتر عاید شده ولی نسبت به سالهای

دیگر باز زیاد بوده است

در محالک استریه در میان صرافان و غیره بعضی غداران مخفی
نظام انضام نبود و نفع زیاد پول با مالی اینجا تبرض میدادند
و باین جهت بسیار کان در اندک مدت هر چه داشتند از
دستان بیرون رفته محاسبات بی بضاعت میشد بعد
از جانب دولت استریه در محالک مذکور فرستاده است
هر ده تومان در مدت یکماه زیاده از سه قروش که تخمیناً

عباسی است نفع نداشته باشد و اگر کسی بیشتر از این نفع ببرد
به پادشاه از جانب حکومت وادار بشود چنانچه
اگر دولتهای فرنگستان چون پروس وین و سوئیس
قشون ردیف را در یکجا جمع کردند و چندین مشق تعلیمات
نظامی دادند از اصول قدیم است لهذا در این اوقات
دولت پروسه قشون موجوده محالک خود را جمع کرده در پادشاه

ماه ذیحجه شروع مشق آنها نموده است

شهر برلین که پای تحت دولت پروسه است چون
حصار و بدنه و بروج ندارد در این اوقات و بعضی محل
مناسب آن از جانب دولت پروسه حکم شده است
باستیانها بنا بگذارد

بعد از وقوع مصاحبه تاکنون از دولت روسیه بعد پنج
و شصت هزار کیلومتر یا زده کرو و صد هزار کیلومتر باشد ذخیره
بخارج رفته است

فریم که غنیمت می کنند و جی که با مالی فریم مقرر شده است
اعطای نمایند و در تدارک تأدیه ایهای آن بوده اند
بجمله کشیدن کشتیهایی که در رود نیل مستند در این اوقات
در مصر قومیانیه تشکیل نموده و در آن ختن چند قطعه کشتی بنا
مبادرت کرده اند

از قومیانیه های دولت انجلس وکیل یک قومیانیه بزرگ
وکلین نام در این اوقات متحد شده است که از این نیز
الی آیدن راه آهنی باز

و دیگر در روزنامه جریده ایحوادث اسلامبول نوشته اند که در
بروکسل یک روزنامه نویس باولی پاشا والی کرپه بدو
روزنامه خود در باره رالیه بعضی از جیف نشر و اعلان کرده
و چیزهاییکه ایراد کرده بود چون کلاً خلاف واقع بود و این
شده بعد از ثابت کردن حرفهای ناحق او هزار و دویست
لیر او جریمه گرفته و ناحق بودن حرفهای او جریمه پس برادر
در پنج کارخانه روزنامه نشر و اعلان کرده است

و دیگر نوشته اند که در ضمن مین و توشن معاملات بین الناس
بمقتضای نظام در کانتینا دارد و این نوشته چون بعضی اشخاص
این قاعده بدو کانتینا متعاضد و حجت داد و ستد کرده در میان
و دعوی آنها ظاهر شود لهذا بعد از این در اسلامبول تأدیه
و در ایالات ساحلیه تا چهار ماه و در بلاد بعدیه تا شش ماه
بجلاف این نظام اسناد و تمکات و این قبیل چیزها بدو
متعارف و کاندو دیگر درج و تحریر شده تا در وقت ظهور دعوی
آنها از طرف حکومت محلیه آن دعوی بیسوع و اسناد
غیر معتبر و لغو بوده از درجه اعتبار ساقط و در نزد دیوان
قبول نخواهد بود

موجب روزنامه رسمی دولت روستیه علیحضرت امپراطور
روس در اول محرم با کوبه و احتشامی که مرتب داشته
بودند و اردو شهر مقو کرده در حین ورود بمقوئیه سرتو
شلیک کردند و چند نفر خارجی بنادیکری مشغول بودند
و در مقدمه کوبه امپراطوری دو فوج سواره نظام با دعوت
شدگان از وکلای ملت و در پی آنها سایر وکلای وکلان
و متعاقب آنها علیحضرت امپراطور با خوش و ندان ذکوة
و در عقب آنها صاحب منصبان نظام از امیر قومانان و
صاحبان رتبه و پس از آنها جمعی از سفراء و مأمورین دولت
با واده و روز جمعه امپراطور باین ترتیب وارد شد و در حین
بجلی قامت مفقود و یک سرتوپ شلیک شد و موجب
قانون قدیمه دولت مملو از طرف اهالی نه مسعودان
قدری مان با قدری ملک بخدمت علیحضرت امپراطور
چهار آورند بعد از تناول نمودن آن جمعی کلیه فرستاد
معاودت کل سفراء که در آنجا بودند دعوت کرده تا
شیطان کشید و تشریفاتهای سنگین نمودند و در روز
بجلیسای قرینین نام رفته تاج بر سر گذاشته و صد و یک
سرتوپ شلیک شد بعد از آن علیحضرت امپراطور با جمعی
خدم و چشم بکار و تفریح رفقه بعد از سکار که معاودت
نمودند با جرای تعلیمات و کاشای اردوی مقو که کرب
هشتاد هزار کس بود مبادرت نمودند و پس ز فرخت
تعلیمات و تشریفات قشون از اهالی مقومیت چهر کس را
یکه فضیافت کردند و از آنجا غنیمت امپراطوری را بجا

فریم می نویسند

بعد از اجرای رسم تاج گذاری علیحضرت امپراطوری بجا

روزنامه قایمیه سی و یکم بهمن ماه ۱۲۷۳



اخبار داخله و محروقه پادشاهی

دار الحکله طهران
جناب آقا میرزا محمد مجتهد بروجردی از زیارت ارض مقدسه
کرده و بحضور اعلیحضرت اقدس شاهنشاهی مشرف شده بود
لهذا در روز شنبه ۵ آبان بلاحظه احقر بمقام علمای اعلام
بازدید نمودن خاطر خطیر ملک انصافیه قبه شجانه نواب هزاره
خان میرزا حسن بکران بستان و گرن و بروجرد که منزل جناب
مغزی الیه بود تشریف فرما شد در حین بیافمانی از باران
مقرب الخاقان حاج آقا آقا محمد و خان کلا غیر فرمودند
از جناب رابعه و از جناب حاکمان و باریان و خانها و در
فیروزی گوگب واقع بود اقبال نواب آقا میرزا امیر خورشید
علی خان والی سابق بکلیان و میرزا موسی وزیر دار الحکله و
سیاحان امیر خورشید و میرزا زین العابدین مستوفی و میرزا
و عالیجا مقرر حضرت آقا فانی میرزا عباس خان شش اول
امور خارجه و بجاان میرزا محمد علی سرشته و بجاان میرزا
کاظم سرشته و اصله و بجاان میرزا که و بجاان میرزا که
هر کدام فراموششان تقدیم پای انداز و قربانی و شکست
و ساقطه و کانیات بطوریت بعل آمده و در خانه نواب امیر

از جانب نواب مغزی الیه توسط عاقله میرزا ریح مستوفی لوازم
و پیشکش و قربانی بعل آمده بعد از باز دیدن جناب مغزی الیه و اظهار
ملوکانه در باره این بار که مبارک است و بخت آورده
از جناب رابعه و از جناب رابعه و از جناب رابعه و از جناب رابعه
مقرب الخاقان امین الملک فرخ خان کیست و علیه خبر و نوبت
ولایت از زنده الروم برام و لیاد و بجه خود بایستی و الا واد و
در تقدیم رسم احترامات و تشریفات پذیرائی سفارت و اسامع
لازمه وقت راجع او در ده و در میان عرض او از سرحد و بایستی از
از وظایف مودت و صفوت حاصله مضائق نموده و از جناب رابعه
و بجاان رابعه و از زنده الروم برام و لیاد و بجه خود بایستی و الا واد و
از جناب رابعه و از جناب رابعه و از جناب رابعه و از جناب رابعه
و مستقبلین جناب امیر کیست و بجه خود بایستی و الا واد و
جناب حسین پافین که عالیجا فانی میرزا و بجاان میرزا و بجاان میرزا
میرزا امیر فانی که عاقله فانی میرزا و بجاان میرزا و بجاان میرزا
که منسوبان دارند که عاقله فانی میرزا و بجاان میرزا و بجاان میرزا
ایزید
عاقله فانی میرزا و بجاان میرزا و بجاان میرزا
مین بکر و منصب ریح مصطفی و بجاان میرزا و بجاان میرزا
سوره دردد سوره دردد سوره دردد

۱۹۴۱

با بنجاه نفر سواره نظام و دویت نفر سواره دیگر در و طاق
 حضرت کشته و سفارت کبری را پذیرفته اند و از آنجا با جناب
 و اتباع سفارت کبری دیکال تو قدر دارد و به لا شکر و این
 منزل خاک دولت عثمانی شده اند و عالیجاه محمد یک بدر
 نیز با یکصد نفر سوار استقبال نموده است بهین نسبت در همه
 عرض را تا منزل دنا چها منزل از رسته اردوم با سفارت
 کبری رفتار نموده اند عالیجاه محبت و محمد سر امیر از کلا
 پر از دولت علیه مقیم از رسته اردوم در همان منزل دنا جناب
 استقبال نموده و در روز و در حلقه و در منزل از رسته اردوم
 عالیجاه محمد شمس قاضی و قدر دار ولایت از رسته اردوم
 که از رسته محمد بن ان یالت سب تقاضا بر ایم پادیدن جناب
 آمده لازم مروت را معمول داشتند و در روز و در بنی چا
 و و فرسخی آنجا جناب جیه پادالی از رسته اردوم که یک یک
 خود را با استقبال سفارت کبری فرستاده و سر هم موالات
 و اکرام را از جانب جناب والی ظاهر ساختند در ۲۱ محرم که
 جناب امین الملک و اتباع سفارت کبری از منزل بنی چای
 شده میشتند و اردو شهر نشو در کفر خشی شرجی غایب پای میر
 با مصطفی افندی بنی انسی از جانب جناب والی با جمعی از
 یعنی غلامان با کمال اکرام با استقبال آمدند و از طرف جناب
 شیر و وی انا طولی که سردار کل آنجا باشد چند نفر از جناب
 معتبر نظام با نهایت حرمت استقبال کردند عالیجاه محمد
 میرزا بزرگ کار پر از دولت علیه مقیم اولابا قریب بدو
 تجار و دولت علیه از جمله قاسید علی تاجر و میر حاجی حسن
 ایروانی و قاضی باقر تاجر اصفهانی با هاشق محمد الفضل
 و قاضی و قاضی و شیخ الاسلام با استقبال آمد جناب مغربی

میرابی سفارت کبری را استقبال نمودند و قنول دولت
 انجلس که در از رسته اردوم بنویس و سیاحت نایب و باب
 اساع و قنول کبری دولت انجلس با قضای موالات و این
 و انجلس با استقبال سفارت کبری آمده لوازم اکرام و دوستی
 رعایت نمودند و قنول دولت قره نچون با خوش بود
 صاحب منصبان و قنول کبری آن دولت اسم با استقبال
 لازم حرمت و مودت را بعل آوردند و در نیم فرسخی شهر
 سر بار با طبل و بالابان و موزیکان صف کشیده احترام
 عکریه را بعل آورده طبل و بالابان زدند و از جانب خاسته
 ایچی کیر حوال پر سی صاحب منصبان نظام و سایرین
 و بعد از آن قریب بدوایت نفر از تجار و دولت علیه
 با استقبال آمده در کنار صف کشید و لوازم اکرام را بعل
 بعد سر کشیک با جمعی از ضابطه های پادیه پیش روی
 سفارت افتادند قدری که راه رفقه و نوبت با قاضی مفتی و
 اجرای مجلس عدلیه از رسته اردوم پیاده بودند لازم اکرام و
 احترام را بعل آوردند قریب شهر که جناب الی در چادری که
 احترام و استراحت جناب امین الملک و صاحب منصبان
 ضابطه کبری زده بودند حاضر شده و وقت نزدیک شدن سفارت
 کبری بچا در جناب درویش پاشا فریق و رئیس مجلس سکر
 و علی پاشای میر لواء و سپه پاشای میر لواء و نفر سب و و
 نفر سربازک تا صد قدم از چادر بیرون آمده جناب امین
 ایچی کیر دولت علیه با استقبال نموده بکمال احترام پذیرا
 نمودند و خود جناب الی نیز تا در چادر با علی پاشا فریق
 و مفتی و قاضی و شیخ الاسلام با استقبال آمد جناب مغربی

۱۹۲۷

پذیرفتند بعد از صرف قهوه و چای و خجیه آسایش و آرام
 جناب معزی الیه و اتباع سفارت کبری سوار شده و چندی
 مفتی و شیخ الاسلام با چند نفر از میرالای و سرکشی
 کشیکچی باشی جناب والی و ضبطیه و سوارهای نظامی با
 زیاده بجهت احترام سفارت کبری آمده و عقبتان هر سوار
 نظام روانه شهر شد تا در سفارتخانه که معین نموده بودند
 همراه بودند و از سرحد تا شهر منزل بمنزل قربانها کشیدند
 بخصوص روز و روزگار از راه مردم عایجه میرزا بزرگ و
 و تجار دولت علیه قریب یکصد ریس کوسفد و کا و قرانی
 کردند و در روز و روز و شهرید قهای دولتی و قونوگرهای
 محتاج را بجهت احترام سفارت کبری کشیده بودند و بعد از
 منزل سفارتخانه آدمی از جانب جناب و حبی پاشا و
 از راه مردم نزد جناب ایچی کبیر دولت علیه آمده بعد از تقی
 مراسم احترام و توقیر اظهار کرد که امروز مشب جناب و
 سفارت کبری را ضیافت کرده اند شام و نهار سنگین و
 بمنزل سفارت فرستاده رسم مودت و احترام را بجا آوردند
 و در روز و روز و سفارت کبری بشهر عایجه مجدت سوار قونول
 و از آنجا حالت ناخوشی با سایر صاحب منصبان بدین جناب
 ایچی کبیر آمده و از طرفین رسم اکرام و داد و بدل آمد و رفت
 آنچه بدان باشی از جانب جناب شیر پاشا نزد جناب ایچی کبیر آمده
 مبارکباد را بجا آورد و تمای تعین وقت ملاقات کردند و در
 معین جناب شیر پاشا و عمر پاشای و عثمانی که منصب لوانی داشت
 با علی پاشای لوا و سایر صاحب منصبان نظامیه بالباس
 سفارتخانه آمده لوازم احترام و مودت از جانبین بجا آمده

عایجه مجدت سوار قونول دولت روس بدین جناب
 امین الملک آمد مفتی و قاضی شهر سفارتخانه آمده لازم نمود
 و احترام را بجا آوردند عایجه مجدت سیوا تبایب قونوگرهای
 بدین جناب ایچی کبیر آمده رسم حرمت و دوستی از طرف
 منظور شد جناب ایچی کبیر روزی که باز دید جناب و
 بودند جناب والی قبل از وقت کشیکچی باشی خود را بجا
 از ضبطیه بالباسهای رسمی محض احترام سفارتخانه علیه
 جناب ایچی کبیر با صاحب منصبان سفارت کبری ترمیمات
 رفتند جناب والی تا بیرون طاق میان والیان استقامت
 سفارت کبری آمده زیاده مراسم توقیر و احترام بجا آمده
 مودت و الفت از جانبین معمول شد بعد از آنجا برخواستند
 همان ترتیب و نظام بدین جناب شیر پاشا رفتند جناب
 مفتی الیه هم شرایط استقبال و احترام را بجا آوردند و
 کرد که موز و کانیها را مخصوصا فرستاده ام آمده اند بجهت
 جشن ملاقات شما مورگان بزنند و آن مجلس نجوشتی و مودت
 احترام بجا می رسید و از قونوگرهای دولتی بجا می
 جناب ایچی کبیر بجا آورده روز ۲۵ محرم ایچی کبیر با
 سفارت کبری کباب پر دانه خانه دولت علیه رفقه سیرچی
 والی و ضبطیه و قواص بجهت احترام سفارت کبری در پیش رو
 عایجه مجدت سوار میرزا بزرگ کار بردار دولت علیه
 احترام سفارت کبری تدارک بسیار ممتازی فراهم آوردند
 در هنگام عبور جناب ایچی کبیر بجهت و چو روس کوفت
 و کبریا و قربانی کرده و قریب بجا بردار خانه
 شال از سر کوه الی اندرون کار بردار خانه که هزار قدم

راه باشد تجار تبعه دولت علیه بجهت احترام سفارت کبری
 کرده بودند شیرینی های زیاده در میان خوانین و مجامع مآدر
 کارپردارخانه چیده و حوض کارپردارخانه را پر از شربت کرده
 بنام نامی ها بون اعلی حضرت قیوکت شاهی خطبه بدو
 کردند و در روز ۲۷ محرم که سفارت کبری از رتبه الروم
 سیکرد و عت قبل مصطفی پاشا میرلوا علی پاشا لواء صاحب
 نظامیه اتفاق قاضی مفتی حاضر شدند و عایجه مجدست
 میرزا بزرگ با تجار و تبعه دولت علیه رسم شایسته عمل آورد
 و در کمرچ فرسخ یکفوج سرباز با سید و موزیکان بجهت احترام
 سفارت کبری حاضر کرده بودند بعضی نزدیک رسیدن
 کبری با طبل و سپور و موزیکان حبیب احترامات میرا
 کردند بعد از گذشتن از پیش روی فوج و احوال پرستی آنها
 که همه در حالت شش فک سپاده بودند با پایان فوج مفتی و
 صاحبان فردا فردا جناب بیچی کبیر را وداع کرده میرزا
 بزرگ با تجار دولت علیه تاسه و نیمی شایسته کردند و چون
 فریق هم از سفارت کبری با جناب حسینی الیه دانه
 در این اوقات هوای دارالخلافه طران کمال خوبی و عمدت
 و در دو افواج قاهره نظام از توپچی و سرباز همه روزه در میدان
 لارک و میدان خارج شهر مشغول شستند و از جانب
 صاحب مضبان و محلی کمال مراقبت و اهتمام در شوق تعلیم
 نظامی آنها میشود و همچنین متعلین مدرسه دارالفنون نهایت
 وقت را در فزون و علوم مرجع بخود جعل می آوند و بجهت
 ترقیات حاصل شده است از جمله حاجی میرزا محمد علی خا
 نظام که سابقا در مدرسه دارالفنون و در نزد مقرر

حکیم پاشا حکیم پاشا تحصیل علم طب و جراحی و عمل یاد کرده بودند
 در این روزها و محله عود لاجان سنگ مشاهیر طلق بارز
 با کمال مهارت بیرون آورد
 از قراریکه در سالنامه دولت عثمانی مطابق سده ۱۲۷۳ هجری مطابق
 از بعضی محالات ملک طلق آیند دولت علیه و از قراریکه بعضی
 محالات دیگر و همچنین از ایلات عثمانیه و این دولت بدست
 داخل محالات ایالات دولت عثمانیه نموده از غنای یریم خبر
 عثمانی را دولت عد کرده اند مثلاً محال قطور ملک طلق دولت علیه
 ایران من اعمال ایالت خوی را داخل ایالت دان و خنیمه ناحیه
 حکاری قلمداد نموده ملک دولت عثمانی محسوب شده اند و همچنین
 حیدرآباد و زیندان و جلای را که همیشه از محلات مختصه دولت
 علیه ایران بوده رؤسا و آقایان یریمزاده اقبال حیدر خان
 حسین خان و غیره دانه در خاک دولت علیه سکین و زمین
 دیوان اعلی مواجب و رتبه داشته اند داخل حشام بازیده
 نوشته اند احتمال کلی بلکه یقین کامل میرود و منجی که با شریح
 سالنامه مزبور بوده از احوال و اوضاع دولتی بهیچ وجه اطلاع
 نداشته بخیر خود دانسته که تعیینات و وقوع را بکار برده است
 و الا شخص آگاه با اطلاع هرگز راضی نمیشود که چنین مطلبی ادر
 جز توقیعات ددتی بنویسد و خود را نزد کافه خلق مورد
 بحث نماید زیرا که اظهر من الشمس و این من الاساست که قطور
 ایالت خوی ملک بلا نزاع دولت علیه ایران است الا آن
 محاسبات و معاملات آنجا در دفترخانه تهریز و خوی موجود
 قبایح است قدیمه ملاک قیاس قطور که رعایای این دولت است
 شری کرده اند و در نزد امالی واعیان شهر خوی حاضر است

واحدی منکر نیست و آنست که از جانب حاکم و سیردار
در سنه ۱۰۸۰ سال که امیر شاهی صابلی و مباشری آن
تعیین شده اند علاوه بر اینها دلیلی که محلی بگوید نیست
این است که نامورین و ولایتین واسطه در چین گردش کرده
و لحاظ خطوط سرحدیه و ولایتین قطور را سرحدیه و ولایت
علیه ایران تصدیق کرده اند تصدیق نامه چنان در نزد
اولیای این دولت علیه آن جنبط و سند است چنانچه
در بیان و جلالی اولاً سمت اختصاص بایند و ولایت
ثانیاً اگر بنا بر جغرافیا بر پایه بر این نیست و آنست که
دولت عثمانی بگوید که وقتی فلان قدر خانوار از جلالی
در خاک افکند بوده اند قتیهای مراتب آن بود که قتی
فرض نمایند دیگر اختصاص دادن چهره خلاصه بناید
بی اطلاعی منجم و مباشر طبع سالنامه جتی داشته باشند
از خود ندارد خبر چه داند از احوال شمس قمر

سایر ولایات

افزایان و استرآباد و اصفهان
ازین ولایات خبری نبود

بر و جرد و عربستان از قریکه در روزنامه
نوشته اند نواب مستطاب حاتم الدوله خان میرزا
بر و جرد و بختیاری و عربستان و لرستان چون سال
به یک از ولایات ابوالفتح خود بنفقه رفته و بنظم امور
رسیدگی می نمایند درین سال نیز چند وقت قبل ازین
خدمت لرستان کرده بعد از قرار انستظام امر بر و جرد نسبت
لرستان حرکت نموده و در منازل عرض راه نظر بر عادت

رعایا و رفاه حال آنها و روز آبادی اردو و میرزده اند
که بمحصل و باغات رعایا از این اردو ضرری نرسد
و لک قدغن یکد نیز کرده بوده اند که اگر از اهل اردو نیست
یکی از رعایا خلاص حسابی واقع شود مورد مواخذه باشد
از جمله یکی از اهل اردو و باعیتی نزاع کرده و آن عیب ظلم
بود مالک رازان او را اجالت کرده بود که مراتب را
نواب هژده سرزد نواب عزیزی ایضا مطلع شده و
عارض را آورده بودند و بعضی اورسیدی کرده آن
لوکر را که باو نزاع کرده بود بنیمه بفرمود که دیگر کسی
مرتب اینداریت نشود

حراسان ازین ولایت نیز درین هفته اخباری
خبر از قریکه در روزنامه نوشته اند
چراغعلیقان تجده شخصیت شایسته و حسن
شایسته شده و حاجیه میرزا و انجان را در حومه خلیات
گذاشته است در ششم ماه صفر که عید مولود مسعود علی حضرت
قدس هالون شایسته بود و حاجیه شایسته
تعلیت عید سعید را بطور شایسته از اجزای شکیک
و صرف شربت و شیرینی بفرموده و کل بازار را
و دکاکین را دو شبانه روز چراغان کرده اهل شهر
مشغول عیش و شادمانی و دعاگوئی وجود فانی بود
تا یون شایسته بوده اند

سمنان و شاهروک و عراق و فارس و قزوین
قم و کاشان و کردستان و کرمان و کرمانشاهان
و کرمان و کلان و رندران و همدان و ازین ولایات خبری

اجبار دول خارجی

ملک اسوچر نوشته اند که عبارت از بیست و دو
استقله است و هر یابی علیحد و تحت دایره جمهوریت
از طرف اینها با مورد حسمه و شریعت بموجب موری که
شده اند در شهر تریه اجرای احکام میشود از ایالات مرقوم
در ایالت نوشتار که سابقا تحت حمایت دولت پروسیه
در اختلال بیست و دو قبل ازین که در آنجا روی داد آن ایالت
هر طور بود در تحت حمایت دولت پروسیه بیرون رفت
ولی جمعی از اهالی آنجا باز بدولت مزبور مایل بودند و باینجه
با بین اهالی سائره و نامورین چند وقتیش ازین تفرقه
برودتی اتفاق افتاده در شب چهارم محرم اشخاصی که طرفدار
پروسیه بودند جمعیتی کرده و بنزد رئیس جمهوریت مهاجم
اورا گرفته و از نامورین کسبشان افتاده و مجروح
و سایر اهالی شهر را از شهر بیرون نموده در مواضع متعدد
بیرق دولت پروسیه را کشود فی الحال این کدراش بواسطه
سیسم تلخاف بشهر بزمه اجبار و از آنجا قشونی کافی لبرت
شده و جمهوریت آنجا با این قشون یکی گردیده مجددا بشهر مزبور
بجورم آوردند و خیلی مدت محاربه کردند بالاخر جمهوریت برسد
امداد غالب آمده رفعتا شد ولی از آن شخاص که بود
پروسیه این کت را گردن بسیار آدم تلفت زخم دار
سابقا دولت انگلیس از ابتدا قشون گرفته بودند در این اوقات
بجهت عدم لزوم آنها را اخراج کرده بعضی بولایت خود فرستاده
و بعضی دیگر در لندن مانده اند آنها که در لندن مانده اند
این اوقات بدولت انگلیس بیضه نوشته اند که دولت انگلیس
معاهده که در حق قشونی که از المانیا گرفته بودند کردند که آنها را

برستل امید که در تصرف دولت انگلیس است فرستاده اند
که درباره مانیزان معاهده را بحری دارند که مجبور بر رفتن این قشون
دولت انگلیس نیستند عای آنها را قبول کرده اند ولی آنها را بکمال
طرف روانی کنند و نور معلوم نیست
بموجب دقیمی که هر سال در لندن ترتیب میدهند اسال
ملک خارجی بندن از محصول ارضیه و صنایع معادل صد
بیت کرویر که بر لیرانی تخمینا بیست و دو هزار دینار چیری است
وارد شده است و این دارا امتعه و اجناس بواسطه کارخان
در آنجا مگر از تربیه شده خواه در خود ملک انگلیس صرف نموده
بخارج بفروش برود حساب کرده اند مقدار آنها معادل
نود و هشت کرویر میشود

سابقا نوشته شده بود که از جانب اعلیحضرت امپراطور
سجده اعلیحضرت امپراطور روسیه ن غران غمزد و ن نام فر
شده بود در این اوقات از جانب امپراطور روس دعوض
آن نشن بکماله ازان نشن و کانی که کتب استحقاق کرده اند
شان اندر می نام مخصوص دست داده شده و این نشن را
هر کس از خود می آویزد بکنوع لباسی هم مخصوص آن نشن است
باید بپوشد

از قراریکه سابقا نوشته بود جناب پرنس پلین که عموزاده
امپراطور فرانسه است جبه شمالی فرنگستان را سیاحت کرد
بیلاند رفته بود بجهت نزدیک بودن موسم زمستان و دیگر
مرفقه این اوقات از آنجا معاودت کرده کدراش بملک
اسوچ افتاده از آنجا جعبش را بپاریس پای تخت فرانسه
میلوسند

دیگر نوشته اند که از طرف دولت فرانس دو کشتی بخار که هر یک قوت نهصد پشته باشد و شصت توپ بکشد در کار ساختن بودند در این اوقات یکی از آنها را تمام کرده و داخل دریای منوره اندوکی دیگر نیز در راه صفر بنا بود که تمام شده داخل دریا شود و قد اینها از کشتی سه باری بلند تر است و تاکنون کشتی باین بلندی مشاهده است بجهت تجربه سیر و حرکت آنها در دریای بزرگ یکپند دریا که کوچک در حرکت خواهند بود

دیگر نوشته اند که در جزایری که در تصرف دولت فرانسه است چون آدم کم است بجهت اینکه در آنجا آبادی جمعیت زیاد شود از جانب دولت فرانسه اعلان شده که هر کس در آنجا رسته گنجی نماید و پنجاه بکار و محلی که گنجی نماید با تخم پنجاه بکار با و مجازا داده می شود و حاصلی که بجز آورده است دولت فرانسه از او میبرد

در ممالک استریه بجهت قطع شدن سیم تلفات و اینکه در محل نیز که سیم تلفات ندارند باشند در این اوقات مأمورین تلفات علیحدگی انتخاب شده در زیر حکم شخصی مخصوص داده و جمعی نیز مأمورین تقشیر بجهت تلفات معین گردیده اند

سابقا نوشته شده بود که در دولت ساردینیه و محل آن بقلعه که ساخته اند بجهت ریختن و کد استن جد عراده توپ در آنجا از جانب املی ساردینیه و جوه کافی داده شده در این اوقات محض رعایت دولت ساردینیه از طرف املی پاریس بای تحت فرانسه و لندن بای تحت انگلیس با ریختن ریختن توپها و استحکام قلعه منوره و جوه اعانه داده می شود

گذارش رفتن ولی عهد دولت اسوچ بیاحتیاج با لیک و کشتن غرق شدن کشتی او در آنجا و بیهوش بیرون آمدن خودش با امانی کشتی سابقا نوشته شده بود بموجب روزنامه که این اوقات رسید و بعد از آن بمحاکمت خود معادلت کرده است و غرق شدن کشتی را از عدم دقت ضابطان کشتی بیان کرده و آنها را

کشیده است
سابقا قوال دولت یونان با ستریه رفته و از آنجا خبر بر وسیه نوشته بودند بموجب اخبار این اوقات قوال شارالبه در او اخر ماه دیتجه از پرسویه حرکت و بمقر حکومت قوال با ویه را که برادرش رالیه است وارد شده است

در این اوقات چنانچه در چهاره شماری می کنند محل دولت فلنک که سر شماری کرده اند ذکر و امانات خود دولت منوریش کرده و دولت و شصت یکصد و بیست و هفت نفر شمار شده است

در رومه که محل حکومت پاپا بزرگ ملت کتو یک عیسوی است عا کر آنجا از تابین و صاحب منصب چهارده هزار و پانصد نفر باشند و یک شصت این قشون از املی دول خارج میباشند

بجهت ظهور اختلافات در مملکت اسپانیول اصحاب عت نوشته بودند بکار کت و زرع بهر دارند و حاصل اولاد درین سال کم بود باین لحاظ دولت منور قرار داده است که از کشتنهای آذوقه که از خارج با نولات میرود در سوا محلیه کلام موقوف شده و گرفته نشود

در دولت پور تو قال نیز درین سال ذخیره کم بود از
جانب دولت نیز بر بجهت ترفیه حال اصحاب تجارت
مست است که از اذوقه که از خارج بانو لایت داخل
رسوماتی که میگرفتند کما موقوف باشند
تاکنون مساش ضابطان دولت اسپانیول تقدیر
نمود بعد از رفع اختلالاتی که در آن ولایت روی داد
در ضمن نظامات جدید که احداث کرده اند بوجه پیش
صاحب مضبان نیز منعی افزوده اند
سجده کار کردن از انجلس الی هندوستان از چهار سال
ورلندن با ختن یفرون کشتی بطول سیصد فرس مباد
شده بود در این اوقات با تمام رسیده و در ماه صفر
نیا بود است که بدریا بند اند و این کشتی از قار که کشتی
سیصد فرس دراز می دارد و چهل ذرع کشتی در می جلود
و بوجوب دریا هر قدر موج زیاد داشته باشد سحرگاه
او هیچ خطی راه نمی یابد در طرف سحر او یک چرخ و در طرف
پای او یک دیده و سوانی اینها هفت عدد و یک کشتی
شماره و با قصد ذرع شراع او میشود و با کار کردن چرخها
و کشودن شراعها ساعتی بیست میل مسافت دریا را طی میکند
سجده انداختن لنگر آهنگی و کشودن شراع و جمع کردن دالالتین
کشتی علیحدگی چهار چرخه دارد و در وسطش بطول صد
قدم و دو عدد ذوق و در مین کشتی بجهت عبور و مرور راههای
مستقیم است و چون که از یک طرف این کشتی بطرف دیگر صادر است
و حرف حالی کردن ممکن نیست بجهت تخریب و چند و شبیه
تلفات کشیده اند و بیرون این کشتی یعنی پهنای بار و آب و

۱۹۴۸

پاره پاره و بعضی جاهای او را اگر آب بکشد و کثرت نباتات
سکنه و نفع نمی شود و اگر یک طرف او شکسته و غرق بشود بطرف
اصدیان نمیرسد و این کشتی عاده از سه پارچه عبارت است که
ساخته شده و در میان آن متجاوز از پانصد نفر کشتی است و زیاده
از شصت هزار آدم و چهار صد و بیست هزار قطار آذوقه در او حمل
و در کل روی زمین اینگونه کشتی بزرگ تا حال ساخته نشده و در
مسموع نگردیده است
از فرایک در روزنامه جدیدی که در موزه بنایح بیست و ششم محرم
چون ده شماری نظر با نظام و باطله ملک ویرجها از جمله مستغنی از این
بنایح این اصول اگر چه در سوا یا چند نوبت تخریب شده و باقی
بدلی این مقدمه کشته است نفوس موجوده را جدا دانست و چون از ملک است
بنایح این شماری لازم آمد که اشخاص و ستمه نمود و بعضی را مورثین
در سال و بلاد شاه اسلام و اسلام اشخاص ذکر کرد و این تعلیم در آن
دولت عثمانیه است بجهت حقوق بلدی برای آنها سندی بدو در مواد و احوال
و از وای و بر موقوف لازم و سیمین و محاکمات و قضا که بعضی را باقی و برود
خود را بجا بی گیری قلعه و اینها بجهت گیری این جمله و بجهت عباد الله متضرر شود علی
دکتر و بجا این تولد شود از داور و نوات تهر که کبابی این معنای سلطان
از حال که محرم شده و اولاد و قضا و قضا که با یکدیگر مجله بر چهار و پنج
و سایر قضا و امور و در شش ماه اخبار و در آن روز هر کسی خود حاضر با چون
از سر شماری تصحیح قیود داده و طرقت خود را فاش شدن و کبر احوال نمودن و ملا
کتمان نوشتن بلا امت بعد از اتمام تخریب شماری اگر انشی تعلیم
در نیامد معلوم شود جبارت کنندگان یعنی فخری شان و محکم
در مقام سؤال و مواخذة برآمده و کیفیت معلوم شده مقتضای
تقیهات آن حرکت خواهد شد

روزنامه وقایع اتفاقیه پنج شنبه شریع الاولی مطابق سال نوی ۱۲۷۳

منشبعه دارالخلافه طهران

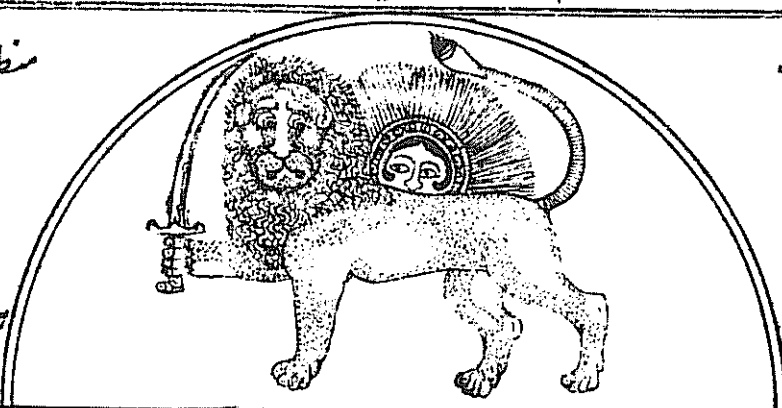
نمره سید و یک

قیمت اعلانات

قیمت روزنامه

هر سطر پنج

هر نسخه ده



اخبار واحده مالک محروسه پادشاهی

دارالخلافه طهران

امیر دستمخبران در تصرف برات سیهما کرد و تدبیرها کار برد
و سرب پرسی خان هم تا ممکن بود در شهر برات محصور استاده
و پاداری نمود و این دو نفر در جزو با هم تمهیدات کردند که
بوسیله از وسایل دست گرفتند تا شرف دولت علیه این
از برات کوتاه و آن ملک با میر دوست محمد خان مسلم شود
حتی در این اواخر تدبیری که بخیرالامیر دستمخبران رسید
که سردار سلطان احمد خان پسر سردار محمد عظیم خان برادرزاده
خود را از قندار بار دوی راه بفرستد که صورتاً نظم از عمومی
ناید اما در باطن غفلتی انداخته و فرصتی بدست آورده بدست
سرب پرسی خان علی الغله وارد شهر شود و آنجا از جانب
عمومی خود تصرف نماید اما هیچک ازین تدبیر مقید نیفتاد و
شاهزاده و الا بتاحتم سلطنته سلطان مراد میرزا والی
خراسان و کل سران و بزرگان عا گرفتند تا شرف پادشاهی
بفرم راسخ و قدم ثابت ایستادند تا بعون الله تعالی و منه
و فوت باطن شریعت مقدسه و دین حسین اسلام و اقبال پیروز

تا یون سرکار علی حضرت شاهشاهی خلد الله سلطانه در پیش
شهر صف المظفر شده و اگر که بتصرف قشون مظفره و دولت علیه
درآمد و چاه نواب شاهزاده و آلا رشت روزه از برات بد
رسید و ایضا در سده نواب مستوری لیه رانجا کپاسی تا یون
جناب شرف اجداد رفیع صدر اسماعیل علی در قریح هر راه
و حب الامر الا قدس حکم بشیک توپ و نواختن گوناگونی
و یکصد و ده تیر توپ و مانی انداخته شد و از قرار نوشجانات
والا و مقرب الخاقان قوام الدوله پیشکاران کیفیت و قوه
از این قرار بود است که چون عا کر قاهره سباب یورش غلبه
من جمیع الجهات از شغل اطراف قلعه فراموش آوردند و در اینجا
دور نادر شهر داخل خندق شد و خندق و خاکریز شهر تصرف
عا کر قاهره درآمد و بدو ار قلعه پیروا و دو طرف حصه قلعه
خاکریز دور قلعه را بنقبش زده با خاک یک نمودند و سرب
پرسی خان و سایر روسای شهری یهین حاصل کردند که بعد از این مقام
خود داری و تعلل گذشته است اگر طوعاً از در انقیاد و در نیابند
اگر مستحضر و معذور خواهند شد بناچار شفع برکنجه از در استیمن

در آمد سر تیپ عیسی خان و عبد الله خان حبشی و فتح الله
 فیروز کو بی و آمان نیاز ترکان و میر عبد العظیم یار دوی پان
 آمده شرف حضور نواب والا را دریافتند و شهر و ارک را
 بنصرف عا که نصرت مظهر دادند و ساخود دولتی در بروج
 دروازه ها نشاندند و اکنون هرات مثل یکی از بلاد ممالک هند
 در تصرف دولت علیه است و الحال شهر و قلعیاتی که اولیای
 دولت ذکر آنرا قابل نیستند در روزنامه داخل نگردند
 عواریان و فراه و سبزو و لاش و جوین و غیره که قدیم یا
 ایران بودند و فاغنه بتدی متدرجا غضب کرده در دست
 داشتند جمیعاً بتصرف دولت علیه درآمدند و اولیای دولت
 علیه ایران چون یقین و قطع داشتند که اگر هرات را قسطن
 این دولت محصور نمایند و محاصرت می نمودند سر تیپ
 حبشی خان فوراً شهر را بدست امیر دوست محمد خان تسلیم نکرد
 این بود که همیشه نخستین از سر هرات بردارند و لابد بود
 که قسطن خود را با بی نظری در آنجا داشته باشند تا خاک
 هرات از تصرف غیر محفوظ با و خطی در بنای استقلال آن
 ملک روی نهد ولی اولیای دولت علیه ایران نمیدانند که
 دولت انگلیس بچه ملاحظه این معنی واضح و آشکار صرف نظر
 کرده در سر این عمل حق بهانه جونی با دولت ایران میبایند
 و اسناد نقض عهد باین دولت علیه میدهند و میگویند که
 دولت ایران تصرف هرات است و حال آنکه با حصول علم
 یقین بر اینکه حبشی خان برای تسلیم شهر بامیر دوست محمد خان
 امیر دوست محمد خان بجهت تصرف آنجا هر دو در یکین فرصت بودند
 چنانکه سر تیپ حبشی خان آنچه زوشتجات از امیر دوست محمد خان
 و امیر دوست محمد خان در دست داشت تسلیم نواب
 نمود و دلیل این مطلب از روی زوشتجات مزبور به واضح و آشکار
 شد بهین حرکت دولت علیه و محصور شدن هرات هرات مطایفه
 با قرار نامه هرات بود عمل بعد بود نقض عهد باین احوال
 اولیای دولت علیه از دوستی دولت انگلیس صرف نظر نمایند
 محض خاطر خواهی مضایقه نخواهند داشت که از هرات گرفته
 و تصرف کرده صرف نظر نمایند و شرط برای تسلیم اولیای
 دولت علیه را اولیای دولت انگلیس در قندهار و هرات
 و خود هرات فراهم بیاورند و خاطر جمعی بدینند که هر یک
 استقلال خود بی تصرف دست اندازی غیر حبشی الی الله
 باقی خواهد بود و بان شرایطی که عهد پیش طاعت بامیر
 دولت ایران است بواسطه قرب جوار و امنیت خدای تعالی
 برقرار خواهند ماند و حقیقت دلیلی و اضمحلال این در دست
 انگلیس نمیتوان قائم نمود مع ذلک السیبه دولتهای بزرگ
 مصنف در روی زمین هستند که فراری از حبه ملاحظه
 سایر دول و مجموع عباد از روی عدل و انصاف داده اند
 بیچوقت خود را از تصدیق حق و تعویب حجابی و اصلاح
 کناره گرفته اند اگر آنهم مفید نشد حبیب الله و نعم الوکیل
 و نعم النصیر نواب الاحسام سلطه و مقری آنجا قائم اند
 و ساخان ایلمانی و سایر میران نیجه و سیرتپان و سرکان
 و احاد و افراد صاحب منصب و سرباز و توپچی و سواره و
 لشکری و سربازان و فاغنه و فارسی زبانانی که در بار و دفتر مقام
 نواب احسام سلطه بودند هیچیک علی حد بر سر هم در هرات
 و جان شاری و رشادت و غیرت دین دولت و حب وطن
 و ذکاوت و مکر و داند آمار پیداست و سنا و بد عجب را بعد
 از فتح هرات نواب الاحسام سلطه با قضای حکم دستور العمل

اولیای دولت علیه کل امانی هرات از افغانه و غیر افغانه حتی
اشخاصی هم که توبه تنگ بروی قشون دولت علیه انداخته
بودند چنان امان داده اند و غفلت نصیران نموده اند که بعد
دیناری ضرر با صدی دارد دینارده است و از گذشته ها
هر چه بوده است گذشته نموده اند و این معنی بایه امید واری و
اطمینان کل امانی هرات شده از صدق نیت بخدمت کرامت

از دربار که عایجه مقرب اخاقان جعفر قلچیان ایلخانی حاکم
استرآباد و بخجور و بعضی اولیای دولت علیه سیاه پو
جمعی از رؤسای طوایف یوت و کوکلان در سر دهنه کنول
با گروهی از خدو بان و غیره کشتن طوایف مزبور به تعیین
زیر دستان خودشان جمیع کرده مقرب اخاقان معزی
در کمال اصرار و احاح اظهار نموده اند که ما شنیدیم این روزها
کاری برای دولت علیه پیش آمده و از حدود فارس گریز
دشمنی برای دولت علیه میجو است است سرکار علی حضرت
قوی شوکت شاه اسلام پناه خلد الله ملک و سلطان حکم
با حصاری که راحت و جنود نظر نموده فرموده اند که بجای
ملک و ملت و دین و دولت بپردازند اما که آبا عن جد در
این دولت علیه خدمتها کرده جانها داده ایم با کل این
طوایف و من تبع خود حاضر هستیم و چهار پنج هزار نفر سوار
از خود آماده کرده ایم که بعضی پاره علیه یارون شاهنشاهی
برجا که مقر فرقه بند پرویم و در خاکهای اقدس جانهای
نا نیم مقرب اخاقان معزی الیه در جواب آنها زیاده اظهار
رضامندی و مهربانی کرده گفته بود که من از کمون دولت
خبر دارم دولت علیه بایستی که از دولتهائی که عهد است با

آنها دارند سرخا صمت و دشمنی ندارند و اقدام بایر
نخواهند فرموده شد که در جای خود آسوده باشید من این
نوع اظهار غیرت و ارادت شما را بتفصیل بعضی اولیای دولت
علیه خواهم رساند که بعضی خاکهای یارون شاهنشاهی خلد الله
ملک و سلطان برسانند اولیای دولت علیه از اطلاع بر سر
مزبور هم بحسین از برای عقل مقرب اخاقان ایلخانی فرمودند
و هم نوشتند که نسبت بروی طوایف یوت و کوکلان

اظهار التفات و رافت از جانب سنی ایجاب نماید
از ای این قسم صداقت و ارادت که از خود اظهار داشته
نماید

در روزیکه سرکار علی حضرت اقدس یارون شاهنشاهی
جناب آقا محمد و محمد بروی و در تشریف بردند بعد از آن
نقذات ملوکانه یکو عیبتی سنگین جنب و یکصد نفر
وجه نقد بخود جناب حسینی الیه و سه توبه عیبتی نیمه
برادر و پسران در محبت فرمودند و بجهت حصول دعای
خیر از برای وجود فالین ایچو اقدس یارون یکصد تومان
مسئدی حب القران یارون از مالیات بروی و عیبت
فرمودند که بتوسط جناب معسری الیه صرف معیشت طلب
در سه که در بروی و در جنب خانه ایشان است و سایر مخارج
در سه مزبور شود

۱۹۵۱

این روزها دستخط یارون مرحمت فرمودن از مقصد خلافت
اکبری و سلطنت عظمی با قیام جناب شرف امجد ارفع صدر
شرف صدر و ریافت شمل تجدد مرآت مرآة الحاق
خیر هدایت یارون علی حضرت اقدس ظل الله علیه ملک
در حق جناب شرف صدر پنهانی و ام مجده العالی و شید

اختیار و اقدار کتبه بجناب و الاصاب و قبض و بسط امور ملک
و ملت و صل و عقد مهام دین و دولت و عموم اهل ملک است از سبب
رعیت و بیان جنود و دیهای کاهنه و غیره ملوک از کفایتها
کافی و زحمات غیر متناهی این بطوری که میتوان گفت تا
از جانب هیچ سلطان باشوکتی در حق هیچیک از وزرا و صد
چنین اتفاقی منصف ظهور نموده بود از جمله الفاظ در بار
دستخط مبارک یکی این است که شمارا در کتبه امور دولت
وکیل مطلق بکار خود فرمودیم چرا که شمارا با غیرت و غیر
دین و دولت میدانیم چون تمامی اعیان دولت و ارکان
سجادت زیارت دستخط بایون فایز و امضون حضرت
آن علی التوفیق گاه شده اند سایرین را که در پای تخت
ابد مدت شرف حضورند باشند فوز این سعادت مقدر
لهذا بجهت اطلاع دور و نزدیک از وجوه اعیان مالک محرو
و وضع و شریف و عموم خلائق مضمون اجالی دستخط بایون
شرح مسطور فوق در ضمن این روزنامه مندرج گردید

سایر ولایات

آذربایجان از قراریکه در روزنامه آذربایجان نوشته اند
انولایت و کمال انتظام است و امالی در عاید عین اسودگی
بقای وجود فایض انجوداقدس بایون شاهنشاهی استغاثه
دیکر نوشته اند در روز ششم ماه صفر که روز مولود مسعود سیرکار
اقدس بایون شاهنشاهی بود شب آن روز را کل بازارهای
چراغان شده و نواب مستطاب هزاره و آلا نصرت الدوله
نایب الایاله آذربایجان و متحد دربار سپهرام مقرب
قائم مقام بحجره چند نفر از شاهیر و معارف شجاریومی و غیر

رفته صرف شربت و شیرینی نمودند و در روز غرور نیز سلام عام
و مراسم عید مثل سایر ایام تبریکه بعمل آمده اجرای شلیک توپ گردید
شعرا و قصاید غزلیات در تنبیت روز مولودش کرده بودند در اطاق نظام
که مقرب الخاقان قائم مقام آنجا نشسته بود و میرنجه کان و سر
و سر مکان و دوجه اعیان و اشرف حضور داشتند قضا بدخود را
مور تخمین و صله دایم گردیدند

دیکر نوشته اند که حاجی محمد صادق تاجر قزوینی مبلغ سه هزار تومان
وجه نقد منات و امیر یال همراه مکاری روانه قزوین نموده
در منزل میانجی الاغ مکاری که وجه غرور را بار داشت با بار
شد صبح الاغ پیدا شد ولی بارش را برده بودند مشایر الیه
مراتب را مقرب الخاقان قائم مقام اظهار داشته یک نفر این
خصوصا مور و روانه میانجی گردید بعد از ورود با آنجا وجه غرور را
امالی آنجا مطالبه و در مقام شد و برآمده بود شب همان بار را
برده بدربخانه عالیجناب میرزا مهدی حاکم شرع میانجی انداخته
بودند و باستحضار عالیجناب الایام کمال حبش عاید شده
دیکر نوشته اند که این اوقات غله در ولایت آذربایجان بسیار
در تبریز کمین هزار مثقال بدو عباسی فروخته میشد یکی بجهت این است
که چون در خاک دول همجو آذربایجان ساکنانی بودند غله زیاد
بآذربایجان میبرد دیکر آنکه امسال بالذات غله در آنولایت کمین
بود هر قدر در سالهای دیگر بخیل می آمد امسال نصف بلکه کمتر
حاصل بدست آمد حتی در ارومیه و انزلی و قزوین غله وجود
ندارد و از تبریز میبرند باین جهت چند روز غله در آن
تبریز قدری کم شد مقرب الخاقان قائم مقام محض ملا
رفاه و آیش مردم قرار داد که هم بخارج ولایت غله کم ببرند
مقدار مفت هزاره و از غله از غله دیوان معین و قدغن نمودند

یکصد و پنجاه بار کندم بمیدان قیام بپرند و از تعبیر بازار گشایی
 که تفریب و شند از روزیکه این قرار داده شده است نان فراوان
 و سبزه فقر و ضعف افافه کلی حاصل و نهایت اطمینان و امید
 به عاقلانی وجود فایض اسب و اقدس هائون علیحضرت شاه
 اشتغال دارند و فی الواقع بلا خطه کی حاصل و بدون غلبه
 نان یکمن بزرگشتال بد و عباسی که یکمن لوزن شت عباسی
 چش می شود هیچ کران میت و این قرار داد مغزی الیه الیه
 ماهی فراغت مردم گردیده و نیز قرار داده است که اشخاصی که در
 غله انبار دارند هر یک برضای خودشان قدری غله بخجارتان
 بدهند که بهیچوجه راه حرف و عذر از برای آنها باقی نماند

و دیگر نوشته اند که جناب وزیر مختار دولت فرنه در روز چهار
 پانزدهم ماه صفر وارد تبریز شد حسب الامر نواب اشرف
 نصره الدوله و معتمد دربار سپهر مقام مقرب الخاقان قائم مقام
 میران خج و سیرتپان و سرهنگان و صاحب مضبان نظام
 و بیگلربیگی و کدخدایان و معارف شهرت با خلق پوستان
 با استقبال فرستاد اسب یراق طلای سواری خود و مقرب الخاقان
 قائم مقام را که بسیار خوب ممتاز و زیاده میل تان دارد
 برای سواری جناب مغزی الیه بخلعت پوشان و شند
 و با کمال اعزاز و احترام وارد شده در خانه حاجی آقا خان
 و کدخدا که پیش از وقت معین شده بود منزل گردند و از حجه
 و خانه و منزل و احترام ریاد الهمار رضامندی و خوشحالی
 اسب سواری مقرب الخاقان قائم مقام را وزیر مختار بسیار
 کرد و معلوم شد که میبایان اسب دارد مقرب الخاقان قائم مقام
 محض ملاحظه فرماید است حکام دوستی و ولایت و شکوین همان

برای وزیر مختار و سه طاووس شال ترمه بسیار خوب برای سفر
 مترجم و نایب او فرستاده و خود نیز فردای روز و رود بدیدن
 وزیر مختار رفته و وزیر مختار نیز یکروز فاصله باز دید نمود بعد اسب را
 برسم امانت در تبریز گذاشته شمشری بمیل خودش خواش نمود
 مقرب الخاقان قائم مقام شمشری که خودش را که بسیار ممتاز بود
 مٹ الیه داد

و دیگر نوشته اند که پل میانج و قول اوزن خرابی بهم رسانده عبور
 از او صوبت داشت مقرب الخاقان قائم مقام معارف فرستاده
 خرابی آنجا را پالاضه تومان بر آورد نمودند و تنخواه داده است که تعمیر

بروچسرو و عربستان

از قرار که در روزنامه بروچسرو نوشته اند امور اولایت احسن
 مراقبت و اهتمامات نواب مستطاب هزاره و الایثار حث الموده
 حکمران بروچسرو و بختیاری و عربستان و لرستان قرین انتظام
 و انضباط است و در امر لوکرا و باجمعی خود نهایت دقت و اهتمام
 نموده اند توپچی و سرباز و سواره و توپخانه و قورخانه و اسبان
 در هر وقت تمام سان دید و هر یک از اسبان توپخانه را که
 اسقاط شده بود در عرض اسب خوب دادند و همچنین سباب و سینه
 سواره و سرباز و غیره را هر چه ناگامی داشته است تدارک دید
 در غرضه ماه ربیع الاول با احتشام تمام غنیمت عربستان را
 داشته اند

و دیگر در روزنامه عربستان نوشته اند که چار عشار یرا یرانی
 اعراب ایلات روم خصوصاً اعراب منتجع و بنی لام در سنوایه سابق
 بدزدی و قطع طرق اشتغال داشتند در این اوقات از نظم
 و عزم نواب احشام الدوله بخلاف سنوایه سابقه هیچک از قبایل
 عشار بر نور حرکت خلاف نمیتوانند نمود

دیگر نوشته اند که فوج بهادران توان اول فوج قاهره بود
 عالیجاه مقرب الخاقان آقا جانخان سرتب که مشغول
 محاربت و قراولی بند محرمه بود و در جزایر بقا قانون حاکم
 قراول گذاشته حفظ و حراست مینمود در این اوقات که فوج
 بیات ابوالفتح عالیجاه محمد مراد خان سرتب بجای آنها بود
 بندر نرور گردیدند عالیجاه آقا جانخان در آنجا توقف نموده
 تا فوج بیات رسیده اند و دوسه روز دیگر مانده است
 قراول مستحضر در هر یک از قبایع جزایر و جاهای دیگر
 که لازم بوده است از فوج بیات گذاشته و قراول فوج بهادران
 برداشته و روانه شوشتر شده در آنجا توقف دارند
 و جمعی از توپچیان ساخولی شستره نوشته اند که در کمال
 میباشند و عالیجاه عبدالعزیز کروس سلطان توپچیان مبارک
 نهایت اهتمام در انتظام امر آنها و مراقبت تمام در انجام حدمات
 مرجوعه بخود دارد

دیگر نوشته اند که فوج بهادران توان اول فوج قاهره بود
 باشی سرکار فیض آثار فرستاد و جماعت جبار آوردند و معلوم
 شد که جنس و فرد دارد و آنها از اذیت و طاعت و جلب منفعت نامزاکران
 کرده اند و باهمه قدغن آید کرده و التزام از آنها گرفت که نان را
 بقرایمیت اول بفروشدند و اگر تخلف نمایند مورد مواخذة حق
 باشند
 دیگر نوشته اند که قورخانه مبارکه را که از دربار حایون بادی
 اقدس حمل شده و از آنجا بهرات بار و دومی نواب مستطاب
 شاهزاده و الایثار حاکم سلطنت والی مملکت حراست میفرستاد
 مصحوب الدیار آقا جمعی است او و بهادران و چهار صد نفر
 قزوینی و غیره سرتب شیخ جام که قورخانه رسیده بود و بجز
 بعضی مفیدین که از ارض اقدس اخبار با شراخس کرده
 بودند جمعی از اشترار ترکمانان سرخس بسر قورخانه آمده بودند
 که شاید بتوانند دستبرد دی زده کاری پیش ببرند اول
 جمعی زیادشان را در کین گذاشته سوار کی خود را نمودند
 بودند بلکه جمعی که همراه قورخانه بودند ترکمانان را که دیدند
 نایند و از قورخانه دور بشوند تا سواره از کین در آمده خود را بقورخانه
 بزنند تا سواره و سرباز بهم چوچا اعتبار آنها کرده بهمان
 و نظامی که داشتند میرفتند بعد از آنکه ترکمانان دیده بودند که
 این تدبیران مفید نشد از کین در آمده بنیات اجتماع با
 حمله بسر قورخانه آورده تیررس که رسیده بودند از توپ
 که همراه قورخانه بود شلیک شد همینکه فهمید بود که توپ
 همراه است چنانچه عادت قدیم آنهاست که این دو صد ایه
 گریزانند قوراجلوشان برشته پشت نهیمت داده فرار کردند
 عالیجاه پرویز خان هم باموین زار و قورخانه را سالم بآوردند

خراسان

از قراریکه در روزنامه ارض اقدس نوشته بودند امور
 انولایت قرین انتظام و کسب بخار خود مشغول و بدعای دولت
 امه شمول قیام و اقدام دارد جنس چند روز تسخیری بهم رسیده

۱۹۵۴

قزوین

از قراریکه در روزنامه استخرا نوشته اند ولایت در نهایت از رخ
و فراوانی و تمام ایالتی و سکه از غنای بومی بدعا کوئی ذات است
همایون اعلی حضرت شهر یاری خلد الله که و دهم شوکت و یکبار
خود و خدمات محوله دیوانی مشغول باشند ششم شهر صفر
المظفر که شب مولود مسعود مبارک پادشاه چهارم و خاندان
خلد الله که و سلطان بود مقترب استخاقان پیش کار حکم نمودند که
از ششم الی شب یازده و کاکین و خانان را تا نماز غایت نمود
و چراغان نمایند و تمامی اهل بلد از جمله مبارکی مولود مسعود مشغول
عیش و عشرت باشند و در شب اول شاهرادکان عظام و کسار
پیش کار شرفیاج حضور و آب شرف و الا بودند و شیرینی و شکر
و شام را در آنجا صرف نمودند و شب دیگر از آب و الا بیشتر
سوار پیش کار رفتند و شب تمام شاهرادکان در منزل شکار
مهمان بودند و این سه روز و شب شاهرادخانه و شادمانی
میروند و تمامی اهل بلد مشغول عاکوئی و دوام دولت بودند و در شب

اول دوم شش بار می نمودند

سجده جامع که هر چند سال بود خراب شده و سبک است
در این فکر نیافته بودند که در تعمیرات آن بکوشند و سرکار
پیش کار را سال باعث بانی تعمیر آنسجده شده اند و از خود
و ایالتی ولایت تا بحال قریب هزار تومان بنا کاری شده است
و از جمله در سه موسمه بجای آبی که در وسط شهر و در میان خیابان
واقع است چند سال بود که خراب شده بود و طلب
سکنان میکردند و جری موافقات هم دارد بعضی شخص
میخوردند و سرکار پیش کار چند نفر از معماران رسانده
مخارج تعمیر آنرا باز دید نمودند و از خود دو سبب توان

نقد تحویل جناب ضابط آسجی سید ابوتراب
که از جمله فضل و علایق است نمودند که بمخارج بنا کاری
و تعمیر در سه مرتبه نوبه نمایند قریب و ماه است که در می
بهشت بهشت نفرینا همه روزه همه روزه مشغول بنا کاری
هستند انشاء الله تعالی عشرت با تمام خواهد رسید

اجار و دول خارج

از قراریکه در روزنامه های فرنگستان نوشته اند خیلی
وقت پیش از این در اینو سحرة از دامن کوه افسوب
نام نهری جاری بود و در فتره ای که این نهر زیر کوه رفته
و وسعت داده بود و ده سال پیش از این مهندسین
استخرا را رسیدگی کرده حکم کرده بودند درین عمرت
این کوه منهدم خواهد شد هر طور بود تا این اوقات
خراب نشده بود تا چند وقت قبل از این که بارندگی
زیاد و در فرنگستان رود می آید در آن شایان کوه مزبور
و طسرافش نیز زیاده بارندگی شده از شدت سیل
در نهر مزبوره کوه سراسر زیرش خالی شده و کار منهدم
گردید و صدای آن دلوله انداز صواش و ناپست
بیخ فسیح از اطراف سمیع گردید و از صدای هواناک
آن مردم قرین وحشت گردیدند ولی چون بجهت قدغن
سابق مهندسین تدبیری بود که کسی از آنجا عبور میکرد تلف شدگی
آدم رودی نداده بود

در سواحل نیاید و بنا طوفانی بهشت تمام ظهور کرده نماند روز
منته بوده است سواکی شبنمائی که در دریا غرق شده
در لنگرگاه محل مزبور از کشتیهای بخارائی که لنگر انداخته
بودند بقدر سیصد کشتی بکلی نشت است

و نیز نوشته اند که چند وقت پیش از این در سپهر در ایالت ایزدین
نام در بلوک حناجه و با بیاچین در وقت غفلت هوا که ماه تاب
و آفتاب بقضای خود بوده کم کم هوا بایل سپاهی شده بکثرت بخار
سرخ نمایی از بندگی نکر و این سپاهی رفته رفته زیاد شده تا مانند
شب بسیار تاریک گردید تا بیک روز و نیم همد بوده بعد از آن هوا
صاف شد و جیتی از برای آن نفخیده بودند که باریدن آن بخار و
تاریکی هوا بجهت سبب که سوزنده که در آن نزدیک بود است
استیلاط کرده اند سابقا در ایستگاه انقاره زلزله شدید و
که ظهور کرده بود در همان روز و سه محل اسپانیول بعضی محال سابق
و مالطه و جزایر و پوناستان نیز همان زلزله ظهور کرده است
تا نند عمارت بود که در سال گذشته در پاریس پای تخت فرانسه
شد درین سال در دولت بلژیک عمارت بلور کشوده بشود و بجهت
دولتین فرانسه و انگلیس است و شبانی که میرود اخذ کرد که آنها موافق
از وقت بود مشهور صراف و در شیلند جدیدی پیش از این در شهر نورد
بعد پانزده هزار تومان جواهرش هرقه شده بود و بعضی از آن
جواهرات در سجا بهای معتبر نصب شده بنظر اورسیده با پنجه اعلان
کرده است که هر کس این جواهرات را هرقه کرده است اگر باور پس
بدهد پست هزار فروش که معادل چهار صد تومان است با و میدهد
این جمله معلوم است کسی که پانزده هزار تومان جواهرات برده باشد
نمی آورد پس بد که چهار صد تومان بکشد با پنجه اعلان صراف نورد
محل است و خنده است و نیز نوشته اند که در این اوقات از
ایالتی چین دو خانوار بعنوان سیاحت پاریس پای تخت فرانسه
آمده اند چون بیات و کمال آنها در نظر اهل آنجا بسیار عزیز است
مسخره است هر کس آنها را می بیند نمی شود که خنده نکند و اینها چند
کارهای نادیده که موجب خجسته و عزیز بنظر می آید می کنند و چون

در فرنگستان چای بعلی نمی آید و از چین بصوبت با بیاچین
از چین شخم چای بقدر ویت نفر از ایالتی چین بخواهند با و
و در جزایر سببه بجهت عمل آوردن چای از دولت بنگله پس و فرانسه
داد شده بود این دو خانوار که پاریس آمده اند بجهت عمل آوردن چای
آنها نشان کو با باشد در صحراییکه چای در جزایر بعلی باید در سبار
که سبب است نیز در کمال سهولت بعل خواهد آمد از حکمرانان الماینا
برادر قزاق کلکتر و ق سابقا بدولت روسیه رفته بود و از آنجا نیز عریض
یخی دنیا نموده با بیاچین رفته است سبب اینکه مشارالیه وطن مالوف
ترک کرده و بختی دور دست مثل نیکی دنیا رفته است معلوم دیگر
حرفه میزند در این اوقات آنچه معلوم شده است مشارالیه بقدر
یکت که در و صد هزار لیر در ولایت معروفه بود و است بجهت معلوم
فرض اراک عدم استطاعت از آنجا بیرون رفته و در بر و سبب
بند شده به نیکی دنیا رفته است و نیز نوشته شده است که چند سال
قبل از این دولتهای فرنگستان در زیاده کردن قوه بجهت خود زیاده
استقام کردند حتی تا این نزدیکیها دولت پرستی مطلقا سفین حربه
نداشت از چهار سال قبل از این دو قطعه کشتی شرع دارد و قطعه
کشتی بخار و دو اسقونه و یک کشتی کتیه با تمام رسانده است
و این اوقات یازده قطعه کشتی بخار در دست دارد که می سازد
در این اوقات امپراطور ستریه بجهت تبدیل هوا با اتفاق عبال خود
بشهر وندیکت رفته و بقدر یکماه در آنجا اقامت کرده و بعد معاودت
روایت میکنند از اطباء که در دولت استریه میسند از روی صحنه های
آنها یعنی همپارخانه با کلام از این اطباء که از سبب مرض بعضی
فوت شده اند بعلال آنها از جانب دولت استریه عظمای ستریه
بجهت معاش حکم شده است که بدهند

روزنامه قایم اتفاقیه بتاریخ یوم پنجشنبه چهاردهم شهر ربیع الاول مطابق سال لوی میل ۱۲۷۳

نمره سیصد و دو

منطبعة دارالتحذیر

قیمت روزنامه

قیمت اعلانات

هر نسخه دوازده

هر خط پانزده



اجبار و احسنه مالک محروشه پادشاهی

دارالتحذیر طهران

از آنجا که قرار کار روزگار بر این است که راحت و آسایش را
در مقابل مشقت و زحمت و خورشید را غلبه بدهد و در شاخ و کل
جای خوار است و با جام مل و خمر و خمر از قضا و قضا
روزگار روز و شب و شب چهارم شهر ربیع الاول که مرده فتح
برای بنده عرض حضور بایون شاهنشاهی خلد الدایام سوره
عن التناهی رسید و حکم بشلیک توپ دادند و قرار سلام عام
برای روز دیگر نمودند از تقدیرات حضرت یزدانی و حکمتی
بالله سبحانی بختیاعت بعد از آن نواب هزاره و الالباب و
دولت پایدار سلطان معین الدین میرزا بکرم نقل امه اجل او
جاء اجلهم لاینا خرون غه و لایستقدمون بنوعیش مرغ
روح یغیش رخت رطوبی کشیده بفرغات جهان میرا
دارین جبهه حاضر بایون شاهنشاهی قرین الم و اصف که دیده
جشن و سرور این فتح عظمی البعده تا خبر و تعویق گذارند
بعد از آن نظر باینکه این فتح بزرگ نایه شکوه دین و دولت

بود حاکم مردم از خاکپای بایون استعدا کردند که بشکرت
این محبت یزدانی چند روزی بپادشاهی و عشرت و دانی
قیام و اقدام نمایند ایجا بپادشاهی از جانب سستی ایجاب
بایون حضرت یزدانی شد که بپادشاهی و شادمانی بپردازند
شب پنجشنبه بمقام ربیع الاول اسباب تشبیه و چراغان در میدان
بزرگ و دیوانخانه و باغ بزرگ پادشاهی فراهم آوردند و جمعی
از اشراف شاهزادگان و محترمین و انبای ملک برای صرف غذای
شام بحضور محرمت ظهور اقدس بایون دعوت شدند روز دیگر
که عبارت از پنجشنبه بمقام ماه شعبه سالام عام در دیوانخانه
پادشاهی در نهایت زینت و آراستگی منعقد شد هر یک از شاهزادگان
عظام و ائمه و امرا و دربار سپهر ام و وجه اعیان خدمت
سپاهی و اهل قلم در مقام و مرتبه خود ایستادند و سرکار اعلیحضرت
شاهنشاهی خلد الدایام و سلطانه تشریف فرمای تالار بزرگ سلام
شده بالای تخت مرمر را بفرموده فایض السجود اقدس بایون
زیب و زینت افروزدند و دل و دیده واقفین حضور بر نور تابان

از زیارت جمال مبارک روشن و حرم فرمودند و روی خط
 هایون را بسوی جناب شرف امجد ارفع صدر اعظم فخر
 داشته فضلی از خدمات نواب شاهزاده والا تبار حاکم
 والی مملکت خراسان و مقری انخاقان قوام الدوله و ساکنان بلخی
 و سایر سرکردگان سپاه نصرت پناه از میرنجبه و سرتیپ
 صاحب مضبان بزرگ و کوچک اردوی هرات حتی آحاد و
 سپاه طفر پناه با لفاظ در بارهایون تعداد و اظهار شود
 و نسبت بخود جناب شرف امجد ارفع صدر اعظم فخر
 کثیره مبذول و مقرر داشتند که اگر چه این فتح بزرگ صورت
 خدمات و زحمات کر نصرت پناه و سرتیپان و سرکردگان قون
 ظفر نمون شد اما باطن از نتیجه زحمات و شب بیداریهای جناب
 صدر اعظم بود که شب و روز بخوابیدن و خود را بر حمت و
 انداختن تا این نتیجه بزرگ با تمام این مرتب گردید جناب
 شرف صدر اعظم ای نیز در مقابل این مرحمتها زبان بدعا
 شای ذات ملکی صفات ملوکانه کسوده و از شکر در خاکهای
 اقدس تقدیم رسانیدند و زمین خدمت و وضاعت را
 ادب بوسه دادند و مجدداً شکر و سپاس و زینورک در میان
 و زباری جاری شده و صد و ده تیر و پانصد علیحده
 محمد حسن خان زنگنه نایب شیک آقاسی باشی درباری عالیجا
 امیر حسین خان برادر مقرب انخاقان سامخان المغانی و محمد
 صند و قدر نواب شاهزاده حاکم سلطنته را که حامل عریضه
 شاهزاده مغزی الیه مشتمل بر تفصیل مقدمه فتح هرات بود با
 در شای سلام بحضور اقدس هایون آورد و معرفی آنها
 با حاصل مضمون عریضه در کمال فصاحت عرضه داشت و
 عریضه را عالیجا مقرب انخاقان میرزا محمد تقی مستوفی ملقب

۱۹۵۸

در پیشگاه اقدس هایون بقانون متداول این دولت ابد
 مقرون در کمال فصاحت و طلاق بموقت عرض اعلی رسانید
 و مضامین آن کوشش دکل مالی سلام گردید و ادای خطبه
 نامی اقدس هایون و اختتام بدعای بقای دولت و از
 شوکت ابد مقرون گردیده عالیجا میرزا محمد علیخان شمس
 قصیده غرآر بابت فتح هرات برشته نظم کشیده بود و معروض
 پیشگاه اقدس ملوکانه داشت و مورد تحسین و انعام و خلعت
 و سلام عام دیوانچه بزرگ منقشی گردیده بعد از آن چون
 مالی دار انخاقان از تجار و کسبه و غیب و بومی صغیر و کبیر
 ارک حج شده و بابت جشن چیده بودند اعلیحضرت قوی شوکت
 شاهنشاهی تبار سردرب دیوانچه مبارکه که مشرف بیدان
 ارک است تشریف فرما گردیده کل اهل دار انخاقان از زیارت
 ملکی صفات ملوکانه اظهار سرت و شادمانی نموده و صحاب
 مورد انعام و اکرام ملوکانه گردیده جیب آمانی و مالشان لال
 نقد و نامحدود کردند

روز پنجشنبه نهم شهر ربیع الاول که روز سلام عام و اول
 فتح هرات بود سرکار اعلیحضرت اقدس شاهنشاهی خلد الملک
 سلطانه خواستند التفاتی شایان جدیدت بجناب شرف امجد
 ارفع صدر اعظم فخر مبذول فرمایند جناب صدر اعظم
 در ازاد فرمایش ملوکانه ای طور عرض پیغامی بچاک پی مبارک فرستادند
 که التفات و مرحمت خاطر اقدس هایون الی الان در همه حال برضا
 من مینویس گرفته فوق آنچه ملاحظه شود مبذول فرموده اند علاوه بر این
 دستخط مبارکی سه روز قبل از فتح هرات بافتی من صادر و انوار
 مرحمتها در ضمن آن اظهار فرمودند که مختصری از آن در روزنامه
 هفت قبل طبع شده بود برای حال و مال من کافی است هر چه

کنم و جان نثاری نمایم تا فی اینقدر رحمت بزرگ علیحضرت
پادشاهی را بجا نیاورم و با این احوال دیگر جای رحمت تازه
در حق من باقی نمانده است اگر چه این تفصیل از قول جناب صدارت
پناهی بعضی حضور اقدس همایون رسید اما خاطر اقدس اعلی از
بذل رحمت تازه در حق آنجناب منصرف نشده بعد از ساعتی مقرب
حاجی علیخان حاجب الدوله را با فرمایشهای مقررده ملوکا بخدمت
جناب صدارت پناهی فرستادند و مقرب آنجنابان مشارالیه
حاشی که اعیان و اکابر و اعظم دربار اقدس پادشاهی در
جناب شرف امجدار رفع حضور و شست آمدند و فرمایش ملوکا را
لفظاً بلفظاً ای طور ابلاغ نمود که سرکار علیحضرت اقدس همایون
شاهشاهی میفرمایند که اگر چه تمام رحمت را در باره جناب
اعظم متدبر چاهریک را در از خدمت بزرگی مبذول فرموده
از قبیل ثبات امیرنویانی عظمی و تصور همایون و عصا
مکمل بالماس و قلعه ان الماس و شمیر مضع و شمشیر و غیره
و دستخط همایون مثل بکل درجات اختیار و اقتدار در امر مایه
و حکام و نوکران نظام و غیر نظام و در حق و وفق معات دولت
و همچنین دلائل التفاتهای دیگر که هر کدام در مقام خود رحمت
شده است ولیکن چون این فتح بزرگ را که در دین و دولت
و قوت یافت از حاصل خدمات و ثمرات و تدابیر صاحب
اعظم می دانیم لازم دانستیم که علاوه بر التفاتهای سابقه التفات
خاصی در مقابل این خدمت خاص مبذول فرماییم لهذا ملوکا
که از سلاطین سلف انار الله بر اینهمه ارثا بما رسیده است شایسته
دیدیم که در چنین روزی مناسبست برودت هوا برای پناهی
جناب صدر عظمی نیرستیم و مقرب آنجنابان حاجب الدوله و
سمو را بره رضائی چهل بند بسیار غنی علی که بندای آن مرغ

بجواب همین و از ملائیس خاص همایون است آورده سرودت گرفت
و جناب شرف امجدار رفع در کمال امیدواری و شکر گذاری
باستقبال حلف مرططت همایون شتافتند و دست ادب
بر روی چشم گذاشتند و زیبت نیت برود و شش افتخار خود نمودند
و سلام عام پادشاهی هم با همان حلف مرططت شرف شد
در تب سیم چراغانی چون رای جهان آرای همایون علاقه یافت
که جناب شرف امجدار کرم صدر عظمی هم را در این جشن یکی از
مخصوص سلطانی ضیافت فرمایند لهذا در شب مزبور جناب شرف
مخصوصاً وعده خواستند مقرر فرمودند از شاهزادگان عظام و
دولت هر که را خواستند با وعده بخواهند مسرعه بیاورند و جمعی از
شاهزادگان عظام و مقربین دربار شکفته را همایون را با اتفاق
خودشان بیایع کلستان که از عمارات مخصوصه سلطانی است برد
ندارک سنگین بسیار خوب از شربت و حلوبات و شام مثل براب
اطعمه و اشتهای کونا کون دیده شده بود صرف نمودند و درین شب
کل عمارات مبارکات سلطانی را از بیوتات حرم و صحن و فضا و
خیابانها و دره و حوضها و هنرها و غیره لمورات فراوان از شرف
چیده چراغانی بسیار خوب کرده بودند که قریب پنجاه اشع کافور
علاوه بر قنادیل و شمعها فروخته شده بود و تاکنون باین شکوه
و ار استکی چراغانی نشده بود درین شب چون اسباب شبنم
سنگین که تاکنون باین سنگینی شبنم نریخته بود و در میدان ارک
فراسم آورده بودند از علیحضرت شاهشاهی پناهی از شب گذشته
بدر در ب دیوانخانه تشریف فرما گردیده توپ انداخته شد و
باتشاهی گردیده فقره فقره تا شام فرمودند و درین شب جناب
شرف امجد چهره ترمه سنگینی که از جانب سی الجواب ملوکا بخدمت

پیش خلعت خجیات القعات شد بود تیشا بمقر انخاقان عین الملک
دادند و هر یک از پیشچستان و خلوتیان و علمه فرستاده و دارا
و اهل طلب فرمود حال انعام شایان و القعات بی پایان بود
و چون سه شب کل بازارها و کاروانسراها و کاکین را تجارت
و غیره بطیفس چراغان خوب کرده بودند بطوریکه از دور
در مدتی و جابجا بر اجناس نفایس مانند بشتی آراسته شده
و امیدواری تمام بجای دولت قوی شوکت داشته خجیات
امجدارفع بعد از صرف تمام بکار و نهادهای دولت که میسر تجارت معتبر
دارا اختلاف است و پیش سفیدان جمیع اصناف در آنجا حاضر
شده بودند برای دلجویی و مبارکباد آنها تشریف برده جمیع مرد
که در معبر جناب صدرت می بودند مورد القعات و نوازش
و تحسین فرمودند و بر امیدواری و جان نشانی عموم خلق افزود
روز دوشنبه عا بنجین رسیدن مرده فتح هرات سرکار اعلی
قدس تاجون شیرازی اولاد هزار تومان بمقر انخاقان
پاشا خان که مرده و رود چا پاران فتح را معروض خاکپایی
داشت انعام فرموده و بخود چا پاران نیز انعام خلعت ملوکانه
داده شد و سه هزار تومان با حلقه علماء و سادات دار
و بعضی از قاجاریه حجت شده و رسانیدند و نیز علا و پرد
هزار تومان که سابقا بجهت تعمیرات عتبات عالیات بجهت
و الزامی آقا شیخ عبدالحسین سلمه الله تعالی داده و روانه فرمود
بودند و هزار تومان دیگر درین روز بجهت صرف تعمیرات
عالیات هرجا که جناب مغزی الیه مصلحت داشت مجبورا حجت
و ارسال فرمودند و نیز از راه غایات ملوکانه بعضی از خاکرا
در بارها یون که پیش از پیش درین مواد تقدیم خدمت کرداری

کرده و رخت کشیده بودند مورد خلعت و انعام و القعات
شدند از جمله چون نواب هزاره حاجی محمد ولی میرزا قبل از ورود
مرده فتح بخود استخراج رسیدن مرده فتح هرات را کرده بود
که در این اوقات خواهد رسید درین روز که مرده فتح رسید
فرمایش ملوکانه رفت که بجهت کبر سن نواب مغزی الیه با یک
بغایت ملوکانه نماید لکن یک قبضه عصای سر مرصع بنوازش
رحمت فرمودند و مبلغ دولت تومان هم بمقر انخاقان
رضای بنجم باشی که چهار ماه پیشتر روز تجر شهر هرات را با انصار
تعیین کرده و نوشته بود و مطابق آمد غایت گردید و مقر
میرزا محمد تقی تنوخی سان الملک متخلص سپهر هم که عریض
در سلام عام خوانده بودند مورد القعات گردیده و کثوب جبهه
هم با و خلعت رحمت شد

چون مقر انخاقان میرزا محمد حسین دبیر الملک و احکام یونس
نظام در تجر احکام و نوشتجات و لایات مالک محرم و عیون
و خراسان و هرات خصوصاً تقدیم خدمات شایسته کرده و بطوریکه
منظور نظر اولیای دولت علیه است از عهده برآمده بود خدمات
و زحمات او در خاکپایی اقدس تاجون شاهنشاهی بوجه حسن
درجه قبول یافته لکن موازی یکثوب خیمه ترمه کشمیری مخصوص
بسیار اعلی از جامه خاص برسم خلعت و یک قطعه شان از
مرتب اول تیرسی با انعام یک رشته جامیل مخصوص شان فرمود
بمقر انخاقان شاه را الیه حجت شده و بر موجب و
مقرری هم که داشت اضافه کردند

چون مقر انخاقان میرزا عباس خان فشی اول و
امور خارج خدمات شایسته کرده و تقبسی که مکنون خاطر اولیا
دولت علیه بود از عهده خدمات مرجوعه بخود برآمده و زحمات او

۱۹۶۰

عالیجاه میرزا محمد علی بن شمس الشرافیه که در روز سیم
عام معروض شیکاه حضور بابر النور اقدس تاجون شاهنشاهی
داشتند بود این است که نوشته میشود

مقبول نظر کیا اثر خاقانی گردیده بود باعطای یکشوب جبهه ترمه
سکین اعلی قرین افتخار و مباحات آمده ریب برودوش
مغایرت خود نمود

چون جناب محمد تصاب میرزا سید خان وزیر امور دول تاج
از حسن کفایت و کار دانی و مراقبت و اهتمامات در امور مهمه و
وراضی اشتن سفرای دول تاج به راز خود خاطر اقدس تاجون
شاهنشاهی و امنای دولت علیه راضی و خوشنود داشته و محاسن
خدمتگذاری و کفایت جناب معزی الیه مقبول و سخن خاطر لطف
افتاده و عده عنایتی جدید فرموده بودند لهند این اوقات
باعطای یکقطعه ن قشال بیمثال هما یون مکمل بالما قش
اعزاز و اختصاص فرمودند

و همچنین مقرب الخاقان حاجی میرزا محمد خان دبیر مهمام خارجه نیز
در انجام خدمات مرجوعه بخود آثار کفایت بطور بسیار مذموب
شمول رحمت ملوکانه آمده بود در این اوقات باعطای یکشوب
جبهه ترمه سکین اعلی از جامه خانه خاص قرین مغایرت و مباحات
آمد

چون عالیجاه محمد تیراه مصطفی قلیخان حاکم سبر و اردو نظم
امور انولایت و انجام خدمات دیوانی لوازم خدمتگذاری و
جان نثاری را بعل آورده بود خصوصاً در اوقات عبور که
حضرت آشروما مورین سمیت حیران کمال خدمتگذاری از او
بظهور رسیده خدماتش سخن خاطر اقدس تاجون شاهنشاهی
و امنای دولت قوی شوکت علیه افتاده در این اوقات از
جانب سنی اجواب ملوکانه یکشوب جبهه ترمه باو خلعت مرحمت
امنای دولت علیه مصحوب عالیجاه طرباشی برادر عالیجاه
که بزیارت ارض اقدس روانه بود در سال فرمودند

شاهنشاهی و امنای دولت علیه راضی و خوشنود داشته و محاسن خدمتگذاری و کفایت جناب معزی الیه مقبول و سخن خاطر لطف افتاده و عده عنایتی جدید فرموده بودند لهند این اوقات باعطای یکقطعه ن قشال بیمثال هما یون مکمل بالما قش اعزاز و اختصاص فرمودند

و همچنین مقرب الخاقان حاجی میرزا محمد خان دبیر مهمام خارجه نیز در انجام خدمات مرجوعه بخود آثار کفایت بطور بسیار مذموب شمول رحمت ملوکانه آمده بود در این اوقات باعطای یکشوب جبهه ترمه سکین اعلی از جامه خانه خاص قرین مغایرت و مباحات آمد

چون عالیجاه محمد تیراه مصطفی قلیخان حاکم سبر و اردو نظم امور انولایت و انجام خدمات دیوانی لوازم خدمتگذاری و جان نثاری را بعل آورده بود خصوصاً در اوقات عبور که حضرت آشروما مورین سمیت حیران کمال خدمتگذاری از او بظهور رسیده خدماتش سخن خاطر اقدس تاجون شاهنشاهی و امنای دولت قوی شوکت علیه افتاده در این اوقات از جانب سنی اجواب ملوکانه یکشوب جبهه ترمه باو خلعت مرحمت امنای دولت علیه مصحوب عالیجاه طرباشی برادر عالیجاه که بزیارت ارض اقدس روانه بود در سال فرمودند

تایون شاهی شتعال دارند و مقرب انخاقان جعفرخان
ایلیخانی نهایت اهتمام در امنیت و انتظام آن صفحات بعمل آورده
بطوریکه از جاهانی که جمعی با اسلحه و احتیاط عبور و مرور
حال یک نفر و دو نفر بی تفنگ و سلاح دیگر در کمال اطمینان
و خاطر جمعی عبور و مرور می نمایند و از اشرار و جهال ترکان
احدی قدرت دست اندازی و حرکت خلاف حساب ندارد
و مقرب انخاقان ایلیخانی در کلوه که یکفرسخی استر اباد است توقف
داشته است

دیکر نوشته اند که طغان نام ترکان که همیشه اوقات بقطع طر
و سکنه دما و شترت و ادمشول بود و مقرب انخاقان ایلیخانی
چندی قبل او را گرفته مجوس نموده بود درین اوقات به ای
اعمال ناشایست او بیستش رسانیده و شتر او را به
مسلمین رفع نمود و عالیجاه محمد علیخان فوجردی را باده نفرسار
بمیان او به ترکان فرستاده بود که زن طغان مزبور را
جهال ترکان خسته بودند از در مخالفت و راندن شریف
در مقام تحذیر و علامت جهال برآمده لا علاج زن طغان مزبور را
مصحوب آنها روانه نزد ایلیخانی نمودند

دیکر نوشته اند که عالیخان نوروز علی بیک پیشخدمت جناب
جلالت آباء نظام الملک مبلغ یک هزار و چهار صد تومان و هجده
اولیای دولت علیه بجهت تعمیر عمارات دیوانی و توسعانه و قور
خانه آنجا فرستاده بودند رسانیده و بتحویل عالیجاه میرزا
اسمعیل خان پیکار استر اباد نموده قبض رسیدگی دریافت
کرد که عالیجاه مشارالیه وجه مزبور را بمصارف مقرر شده
آنجا نمارا در کمال استحکام و خوبی تعمیر نماید و در این اوقات
مشغول تعمیر آنجا شده اند

دیکر نوشته اند که شش نفر در ایام اغتشاش سال در حصار
باسیری افتاده و آنها را بنحیق برده بودند در این اوقات
از حقوق فرار کرده بمیان طایفه ترکانان پوت افتاده بودند
ترکانان مزبور آنها را برسم پیشکش نزد مقرب انخاقان
ایلیخانی آوردند
کاشان

از قراریکه در روزنامه کاشان نوشته اند امور اتولایت
قرین نظام است و عالیجاه محمد حسن خان حاکم آنجا کمال
اهتمام در نظم و ولایت و سود کی رعیت و انجام خدمات
دیوانی دارد اوقات محرم و صفر را مردم مشغول تغزیه دایر
جناب سید الشهدا علیه آلاف التحية والثناء بوده اند و در
روز ششم صفر که روز عید مولود مسعود اعلیحضرت قوی شکست
شاهی خلد الله مملک و سلطانه بود لوازم جشن و سرور عید
مولود را بعمل آورده تا سب تمام بازارها و کاروانسراها
چراغانی کرده مردم بعشرت و شادمانی و دعا گوئی ذات
قدس تایون شاهی مشغول بوده اند

دیکر نوشته اند که بجهت اینکه ابریشم در دولت حاجه ترقی بیارند و اینک
جامه که حاصل ابریشم بجل می آید بایات خارج پیرز و بجان کسری آورده اند
در کاشان قیمت ابریشم ترقی کرده و یکشنبه بنورده تومان بیست تومان
میشود بعضی کارخانهای شعبانی که ابریشم کار میکردند بجهت نرسیدن
ابریشم معطل و بیکار گشته اند لکن چون بعد بازار شب عید است و سبب
استهلا ترقی قیمت ابریشم در کاشان از خارج امید دارند که زیاد
بیایند و عمل شعبان کاشان منظم گشته تلافی مافات
از سایر ولایات وارد دولت خارج اخبار بود و در مغمه آمیده نوشته میشود

روزنامه وقایع اتفاقیه پنجشنبه بیستم شهریور سال ۱۲۷۳ مطابق اول لوی سنه

مطبعة دارالخلافه طهران

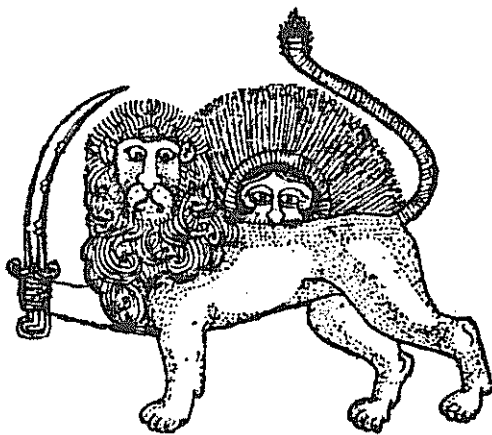
نزهت سید و

قیمت اعلانات

قیمت روزنامه

هر خط یک

هر نسخه ده



اجبار داخله مالک محروسه پادشاهی

دارالخلافه طهران

در نظر اقدس هیاتون محلیین افتاد بعد از مبارک
سلطانی مدحیت فرمودند

چون اعلیحضرت قوی شوکت شاهنشاهی خلد الله علیه و
اغلب اوقات زیارت بقاع عبرت و رغب و طالب سبب
لهذا در روز پنجشنبه گذشته عزیمت زیارت روضه کبریه
امامزاده واجب الشعمیم حضرت شاهزاده عبدالعظیم فرموده
شدند بعد از زیارت بقعه تبرک بیاض دولتی شاهزاده
عبدالعظیم شریف فرما شده بنابر ادراستجا صرف فرمود
و طرف عصری مبارک که سلطانی معاودت فرمود
در روز شنبه اعلیحضرت قوی شوکت شاهنشاهی شریف
قورخانه مبارکه دولتی کردیدند کارخانجات را علی
کردش و تماشا و صنعت کاران و استادان را تحسین فرمودند
و حاصل هر یک از کارخانجات قورخانه و حبه خانه از
تفنگ سربازی و قهقار و تفنگ و قذره نظامی و اسباب
توپ کشی و کلوله و فشنگ و امثال اینها که از کار درآمده
و در کمال خوبی ساخته و پرداخته و در انبارها چیده شد

در روز دوشنبه هفدهم که روز عید مولود جناب خمینی
خیر بشر صلوات الله و سلامه علیه بود اعلیحضرت قوی شوکت
شاهنشاهی مانند اعیان و بزرگ باسلام عام دادند امنای
دولت علیه و شاهزادگان غظام و ارکان دولت و اعیان
حضرت و سمران و صاحب منصبان نظام و سایر اهل
هر یک در مرتبه و مقام خود ایستاده اجرای شکر و تهنیت
و زینب و زینب که شد عالیجا میرزا سید رضای خطیب باشی
خطبه بلع بنام حضرت خاتم الانبیا صلی الله علیه و آله و آ
بدعای بقای وجود فایض السجود هیاتون شاهنشاهی اسلام
خلد الله علیه و سلطانه نموده بعد از آن عالیجا میرزا محمد
شمس الشرا قاصد عزاک در تهنیت این عید سعید برشته
نظم کشیده بود معروض پیشگاه حضور مهر نورانی داشته
مورد تحسین شد و عالیجاها و انشا را ایها هر دو بخت آفتاب

از جانب وزارت خارجه فرستاده شد و در کمال قیام وارد گردیده ساعت لغروب روز نهم پورمانده وارد منزل سفارت شدند عالیجاه محیی خان مترجم وزارت خارجه و مخصوص جناب شرف المجدار فرخ از جانب ایشان رفت پرسی و مبارکباد منزل نمود عالیجاه میرزا محمد منشی وزارت خارجه از جانب جناب وزیر امور خارجه رفت احوال پرسی و تبریک فدای آن روز دوشنبه جناب شاد دفر با لباس سی و نشان ملاقات جناب شرف المجدار فرخ و بعد ملاقات جناب محبت لصاب وزیر امور خارجه آمد و کمال تکریم اظهار مودت و دوستی درباره جناب شاد دفر دولت بهیسه فرانس بعل آید و این دو روزه قرار شرفیابی ایشان بحضور همایون اعلیحضرت اقدس شاهنشاهی خلد الله ملکه و سلطانه داده شده در کمال احترام پذیرانی از جانب مصلحت گذارد دولت دوست و متحد این دولت علیه تعالی تفصیل آن در روزنامه هفت آینه پشالله تعالی نوشته خواهد شد	شاهنشاهی سرفراز گردیدند و سلام عام منقشی شد جناب محبت لصاب سیوموره وزیر مختار دولت بهیسه مقیم دارالخلافه چندی قبل حسب احضار موقتی از دارالخلافه عازم و روانه دولت متبوعه خود شد که تفصیل آن در روزنامه های گذشته نوشته شده و اگر چه سیوفنو تالیب اول سفارت برتبه شاد دفری که عبارت از مصلحت گذاری با درغیاب سفارت باقامت دربار دولت علیه بود لکن بهیسه روانه نمودن خود بملکت فرانسه تا سرحد دولت علیه قبل از حرکت سفارت رفته بودند و بنا بود که متعاقب حرکت سفارت از دار جناب مصلحت گذار مغزی الیه نیز وارد دربار همایون شوند اما بهیسه مرضی که بنزاج بهیسه ایشان عارض شد و طولی نتوانستند بلافاصله مراجعت نمایند این روز که از سرحد مراجعت بدار الخلافه میکردند از جانب حکام و مباحثین و ضابطه عرض راه الی دار الخلافه علیه در هر یک از بلاد همالک محروسه و سایر منازل لوازم احترامات و تکریمات لافته را بعل آورده و پذیرانی جناب مصلحت گذار مغزی الیه کردند در روز یکشنبه هفت آینه که وارد دار الخلافه می شد عالیجاه محمد مستر اه محیی قلیخان یوزباشی با سی نفر غلامان خاصه پادشاهی با امور استقبال گشته و دور رس یراق طلا از اصطبل پادشاهی با جلو دار فرستاده و عالیجاه آن مقربا بحضرة انجاقانیه میرزا عبدالوهاب دوم وزارت خارجه و میرزا عباس خان منشی اول وزارت خارجه و عالیجاه کیا مستر اه داود خان سر تپ مترجم دولت علیه استقبال کردند و دور رس اسب یکدیگر هم
---	--

علی آقای قاپوچی باشی خود بهمانداری فرستاده در کمال
 ادب با موتیت خود را ابلاغ کردند و از اینکام حرکت
 سفارت کبری بمان احتراماتی را که وقت ورود بای
 مرعی داشته بود بمحصول داشتند و جناب حسین پاشا
 که از سرحد ارزنة الروم بهمانداری معین شده با
 کبری آمده بود دایموریت خود را با تمام رسانیده و در
 کرده مراجعت نمود مقرب انخاقان حاجی میرزا احمد
 وزیر مقیم این دولت علیه متوقف بمحصول چند روز
 پیش از ورود سفارت کبری بعزم استقبال بطراز
 آمده بودند عالیجاه میرزا ملکم خان را با حافض آقا و کل
 طراز بن مکمل منزل با استقبال فرستاده خود در
 طراز بن مستظرف و در سفارت فرمای آن روز در
 پن راه عالیجاه و قدر دارا قندی که از جانب دولت
 عثمانی رئیس دقرا آن ملک است باده نفر از صاحب
 اهل قلم سفارت کبری را پذیرائی نموده از جانب
 جناب والی پاشا تهنیت ورود کلمه بعد از صرف
 نهار و قهوه و قلیان باتفاق روانه شهر شدند
 و در فرسخی شهر مقرب انخاقان حاجی میرزا احمد خان با
 وفات تهرامه سیو پونش از قونول دولت فحیمه
 سفارت کبری را استقبال نمودند و بلافاصله تجار
 تبه دولت علیه رسیده استقبال کردند و ریح فرخ
 بشهر مانده جناب والی پاشا و عالیجاه بان معقی و قاضی شهر
 و پاشایان عظام و صاحب منصبان بالباس رسمی
 چادرسی که برای پذیرائی سفارت کبری رده بودند
 یکدسته سر باز هم حاضر کرده بودند بعد از پیش رفتن

سلام سر باز جناب پاشا و همراهان تعارفات رسمی
 آورده و اردو چادر شدند بعد از صرف قهوه و قلیان و
 صحبتها بمنی براتحاد دولتین علیتین روانه شهر شدند
 و دو دسته سر باز در طرف راست و چپ در جلو بودند
 و در پیش روی آنها ولت سرید که صاحب منصبان
 روانه بودند و هر دو طرف راه از تماشاچی کجی جمعیت
 شده بود که عبور خالی از صعوبت نبود بخارجیه دولت
 از اول شهر تا منزل سفارت کبری فرمایان نمودند و عمارت
 نشیمن جناب والی پاشا بجهت منزل سفارت معین شده بجهت
 احترام ورود سفارت کبری میت و یک تیر توپ
 شده و در درب عمارت دو دسته سر باز ادای احترام
 عکسیه نموده در حین ورود عمارت جمعی از صاحب
 دیوانخانه انیشیان و نویسندگان بالباس رسمی
 بودند بعد از انظار رسوم و آداب از جانب سفارت
 نسبت بانها مهربانی شده داخل طاق جناب والی پاشا
 که مخصوصا بجهت نزول جناب المچی کبیر تعیین شده بودند
 بعد از صرف تعارفات رسمی جناب والی پاشا با سایر
 پاشایان و صاحب منصبان و عالیجاه قونول و ان
 برخواسته بمنزلهای خود رفتند عالیجاهان قونولهای
 دولتین فحیمین فرانسه و نکهت و نکهت و نکهت و نکهت
 سفارت کبری پرده بیرق برافراشتند و اوقات توقف
 تا روز حرکت از طراز بن از جانب پاشا و صاحب
 و قونولها رعایت رسوم احترام و احوال پرسی و لود
 نسبت بفرات کبری بعمل آمد و مخصوصا عالیجاه قونول
 فرانسه مکرر بدیدن جناب المچی کبیر آمده یکسب را ملروما

مهانی مخصوص فراهم آورده و سبب تشریف آوری و لوازم دیگر
 مهیا نموده سفارت کبری را بمنزل خود دعوت کردند
 مجلس مجتبهای مودت امیرنقضی شد روز ۱۱ صفر
 حرکت سفارت کبری بطرازین بود لوازم احترامات بطور روز
 در و دراز جانب جناب پاناکار دریا بجلال جناب عالی
 بعد از سوار شدن اجزای سفارت بزور قها و دایع
 مراجعت نمود و نوزده تیر توپ دران آنا از شهر انداخته
 شد عالیجاه و قدر دار اندی و دو صاحب منصب که مهاند
 بودند با اتفاق عالیجاهان قونولهای فرانسه
 تاختی سراسی کرده و ساعت بزور بانه و دایع نمود
 مراجعت کردند در آشی حرکت کشتی قونول فرانسه
 بانداختن چند تیر فشنگ بفرات کبری سلام دادند
 عالیجاه کپتان و سایر اتباع کشتی که از دولت فوجیه
 بودند نهایت اینست و اجرام بطور رسید روز جمعه ۱۷
 صفر که کشتی از بغاز گذشته در جلوسلا مبول تیره سوار
 شدن زورق استیاد عالیجاهان مجتبه سراسی میرزا
 عبدالرحیم خان نمای اول سفارت دولت علیه مقیم
 اسلامبول و میرزا احمد منشی اول سفارت و حاجی
 مهدی منشی و سایر آدملهای مقرب انخاقان حاجی میرزا
 احمد خان باستقبال آمدند یک قطعه قایق پنج جفته دو
 که مخصوص وزرا و شیران است و در آن ده نفر غله و یک
 رئیس و دو نفر چادوش قراول بالباس نظام بودند
 نموده بیدق شیر و خورشید را بزورق نصب کردند
 یک کالسکه دولتی و دو رئیس میرا خور دولتی و شش نفر جلوا
 در و نفر جلوا در جانب جلالتاب صدر عظمی با امیرا خور
 و دوازده نفر قواص با بعلی که عبارت از فراتش با دیگر
 اسب از اسبان خاصه علیحضرت سلطان برای سواری
 ایچی کبیر و پانزده ریس اسب خاصه برای سواری اتباع
 کبری در کن رودریا حاضر شده جناب جلالتاب عظمی
 دولت عثمانی هم دورش اسب از اسبان خاصه خود را
 سواری سفارت کبری فرستادند در آشی رسیدن
 سفارت با بیدق شیر و خورشید با سکه که مقابل عمارت
 از اتفاقات علیحضرت سلطان بجات معموله آیام جمعه سوار
 زورق پادشاهی و عازم مسجد بودند عموماً کوکب سلطانی و
 ورود سفارت کبری در روی دریا مقارن افتاد و سفارت
 اینمغنی را نظر با اتحاد و دولت علیه لامیه بغال سیک گرفتند
 بلافاصله سفارت کبری سوار زور قها شده صاحب منصب
 کشتی برای احترام بیدق دولت ابد مدت چند تیر توپ تیر
 کرد و سفارت کبری از همان مکان که قواصان زور قهای
 سلطان را نگاه داشته بودند کلبه را آمد جناب ایچی کبیر
 مخصوص علیحضرت سلطان را سوار شده و اجزای سفارت
 بر اسبهای دیگر سوار شدند از کن رودریا الی سفارتخانه که
 تقریباً هزار و پانصد قدم مسافت دارد از چپ و راست
 جمعیت نموده ترحم این دولت علیه در کوچهها قربانها نمودند
 و در سفارتخانه هم پاندار و شیرینها مرتب بود روز دوم
 ورود سفارت کبری با اسلامبول عالیجاه مجتبه سراسی
 تشریفاتی که صاحب درجه صنف ثانی اولی است از جانب
 با بعلی برای مبارکباد آمده مأموریت خود را ابلاغ کرد روز
 سیم ورود چون روز یکشنبه بود جناب فحامت نصایب
 امور خارجیه با بعلی نیامده بودند جناب ایچی کبیر در روز

چهارم درود عالیجاه نریمان خان نایب اول سفارت
بیابالی و ستاده بجه ملاقات جناب این وقت خوا
بعد از مراجعت عالیجاه نریمان خان و آوردن جواب
فاصله تشریفاتی و دویم هم بمنزل سفارت کبری آمده اند
که در که فردای آن روز که سه شنبه پنجم و رود بود شست
از دست عت گذشته با تشریفات کامله مبارک روز و رود
جبه پذیرائی سفارت کبری بیابالی حاضر خواهند بود
مربور سها و قوا صها و طومات پذیرائی را بطوریکه
دولت عثمانی رسم است که برای سفیر دولت بزرگی
میتایند بر در سفارتخانه حاضر نموده جناب ایچ کبری
سفارت کبری بالبا سهای رسمی تریب سوار شدند
ملاقات جناب جلالت آت ب صدر عظم و جناب فحاج
نصاب ناظر امور خارجه بیابالی رفتند بعد از ورود
از ابتدای صفه الی انتها ضبطیه از یک طرف صف کشید
استاده بودند و در ابتدای صفه دیگر دم در اطاق جناب
فحاجت نصاب ناظر خارجه چهار نفر و اول نظامی پس
کرده احترام بجا آوردند و همینکه پرده اطاق را بجه و خل
جناب ایچ کبری و اجزای سفارت کبری برداشته جناب
فواد پاشا ناظر امور خارجه بالباس رسمی نزدیک در
اطاق جناب ایچ کبری پذیرفتند و در صدر مجلس جادا
و مقرب انخاقان وزیر مقیم را در پهلوی خود نشاند
سفارت کبری هم تریب نشسته ترجمان دیوان
قبولی افندی و تشریفاتی دویم از جانب نظارت خارج
رجعت جلوس یافتند بعد از نیم ساعت با کمال مصاف
مشول صحبت گفتگو نیکه مبنی بر اتحاد و نهایت سلم و صفا

دولتین علیتین سلامتین بود شده جناب ایچ کبری اتباع
سفارت کبری را بنام و منصب معرفی نموده بعد از صرف
شربت و هوه و قلیان خواستند جناب فحاجت نصاب
ناظر امور خارجه نظر با اتحاد دولتین از اطاق خود تا بیرون
در مشایعت نموده مراجعت کردند و از آنجا الی منزل جناب
آت ب صدر عظم و جناب فحاجت نصاب و ایره صدر
عظمی صاحب منصبان بجه احترامات سفارت کبری
بنگاه عمو جناب ایچ کبری و اجزای سفارت کبری
مکرم را بعل آوردند ترجمان دیوان و تشریفاتی دویم
دو روز دیگر منزل صدارت ضبطیه با صف کشید و عظیم
نمودند و چهار نفر و اول در دم اطاق جناب جلالت
صدر عظم سلام نظامی بعل آوردند جناب جلالت آت
پاشا صدر عظم دولت عثمانی بالباس رسمی جناب ایچ
کبری را چند قدم فاصله از پرده در اطاق پذیرفتند و بجا
خود برشته جناب ایچ کبری و اجزای سفارت کبری
بعد از صحبت و احوال پرسی و ادای رسوم هربانی گران
جانب جناب جلالت آت ب عظم الیه نسبت بجناب ایچ کبری
و اتباع بطور رسید صرف شربت و هوه و قلیان نموده
جناب جلالت آت ب شرف امجد صدر عظم دولت علیه را
بجناب این ابلاغ نمودند جناب جلالت آت عالی پاشا
صدر عظم با کمال ادب و منتهای میل خاطر مرسله را
جناب ایچ کبری کبر گرفته بعد از معرفی اتباع سفارت کبری
جناب ایچ کبری بهان طور دهان تشریفات بمنزل مراجعت
نمودند قبولی افندی و تشریفاتی دویم تا دم در محوطه دایره
جناب جلالت آت ب صدر عظم در مقابل پیش رو جناب ایچ کبری
کبری

چون نواب هزاره محترم والا با حمت الدوله حرمه میرزا
حکمران اصفهان در رعایت شرایط رعیت پروری و دلا
داری و انجام خدمات دیوانی و آبادی ولایت و اسودگی
رعیت لازمه کفایت و کفالت مرعی داشته بودند خاصه
در جمع آوری و تنبیه سرانجام قوی که به کام احضار دربار
کردون مدار بوازمه ناخوشی و بازبین راه برگشته فرار
کرده بودند آنها را در قلیل زمانی جمع آوری کرده و تنبیه
بدر بارهایون فرستادند محاسن کفایت و اتمام
نواب مغزی الیه در خاکپای مبارک مقبول افتاد و قطعه
مثال بمثال همایون کثان حمت و ایت حمت است
برای تریذ افتخار و اعتبار نواب مغزی الیه حمت فرمودند
فرمان مهربان هم شرف صدور یافت

چون عالیجا مشرب الحضره العلیه میرزا محمد زکی مستوفی
وزیر اصفهان در خدمات محوله تجود محاسن کار دانی را
ظاهر کرده بود موادی یکثوب جبهه ترمه کشیری بشیر
او حمت و غنایت گردید

چون عالیجا عبدالحسین بیک غلام شینیت و خزانه دار
اصفهان در رسم خدمت داری و انجام خدمات محوله تجود
اتهامات و افیه بنهور رسانیده بود لکن محض حمت ارجاء
سنی بجواب علایون بلقب خانی سرافراز شده فرمان مبارک
شرف صدور یافت و یکثوب جبهه ترمه کرمانی هم برسم
باو حمت شد

بملاحظه لیاقت و رویه سنی عالیجا نتیجه انجمن العظام کجی جا
مترجم وزارت امور خارجه و استحضار او از رسوم و ادب
و مهارتی که در آنجا خارج دار حسب الامر الاقدس الایلی

شمول التغات در حق او علاوه بقهر حبی وزارت امور خارجه عظمی
منصب اجدانی صدارت عظمی رجب حکم نظامی قرین است

سایر ولایات فارس

از قراریکه در روزنامه فارس نوشته اند امور
از اتهامات حسن مراقبت نواب مستطاب هزاره
والا با رمونید الدوله حکمران مملکت فارس قرین
انظام و انضباط است و عسوم مالی فارس از عا
و ادانی در کمال فرغت و اسودگی بدعا کوئی دات
اقدس مایون شاهنشاهی خلد الله ملک و سلطانه
دارند و کسی قدرت شرارت و هرزگی و خلاف حجاب
بهیچ وجه ندارد و امور بنادر فارس در کمال نظم است
افواج قاهره نظام از توپچی و سرباز خواه در خود
و خواه در سرحدات و بنادر هر جا که بتسند همه روزه
در مشق نظامی اهتمام دارند و مراقب خدمت و نظم
مأموریت خود میباشند و با مالی ولایت با نهایت
حسن سلوک رفتار مینمایند و از جانب صاحب منصبان
مراقبت تام در مشق نظامی و انظام امور آنها بعمل می آید
و همچنین امور حقوق و شوارع فارس منظم و مضبوط
و در همه منازل مستحفظ و قرا سوران مراقب حفظ و ا
و عابرین و مترددین بجا طبعی عبور و مرور مینمایند
و اگر دزد و قطاع الطریق هم باشد بواسطه مراقبت
و مواظبت مستحفظین سرباز و ایامی حمل کشید نمیشوند
سرفت نمایند و همچنین امر شهر و محلات بسبب مراقبت کلا
و داروغه و کدخدایان در عین انظام است

و همچنین اعظم واعیان و لایست چون میل نواب معزی الیه
در بنای مساجد و شاعر اسلام و تعمیر بقاع تبرک و آبادی
و حصول دعای خیر جهت وجود فانیض الحی و اقدس تالیف
خلد الدوله و سلطانه ملاحظه کردند آنها نیز بکارهای خیر و نواب
اقدام نموده اند از جمله مقرب الخاقان حاجی قوام الملک
که از بنای تالیه و قریب شصده مفسد ذرع طول و عرض
میشد تا آنکه از نور کمال احکام ساخته باناسش موقوف آمد
و سواي آن مسجد مدرسه و حسینیه و آب بناری در محله که خود
ساکن است درین سال بنا کرده و با تمام رسانید که بسیار
شکوه و خوشنود و فضایلند و مقرب الخاقان شجاع الملک
نیز بقعه تبرک سید میر محمد و مدرسه حکیم که اتصال بان بقعه دار
و در وسط شهر واقع و بکلی خراب شده بود و در کمال احکام
از نو بنا کرده می سازد و در خوبی طرح و استحکام بنایست به
بنای سابق ندارد بسیار بهتر و محکمتر از سابق ساخته شده و
با تمام است

و دیگر نوشته اند که نواب امیرزاده ابوالقاسم همان که
نواب مستطاب هزاره و الا تبار مؤید الدوله بجهت انتظام
و آن صفیات مأمور گردیده بود امور آن مصفیات را در کمال
خوبی منظم کرده در این اوقات مراجعت بخدمت نواب
مؤید الدوله نمود
و دیگر نوشته اند حاج شیخ عبدالعزیز پیش از هجرت
امام مسقط در این اوقات شرفیات خدمت نواب مستطاب
گردیده مورد التفات و در خانه مقرب الخاقان شجاع الملک
منزل بجهت رالیه دادند و بعد از چند روز خلعت با التفات
فرمودند

در روز ششم صفر که عید مولود مسعود اعلیحضرت قلیو
شاهنشاهی خلد الدوله و سلطانه بود نواب مستطاب هزاره
و الا تبار مؤید الدوله حکمران مملکت فارس مجلس شهنشاهی
مستعده نموده شب آنروز شهر را آنکس این بندی و چراغانی
نموده انالی شهر از اعالی و ادانی بعیش و دانی مشغول بود
در روز نوب نواب معزی الیه مجلس سلام عام مستعده نموده
اعلام واعیان و اشراف و خوانین عظام و سران و صاحب
نظام و در سلام منور حضور بهم رسانده اجرای شلیک توپ
گردید و ادای خطبه بنام اعلیحضرت اقدس تالیف
و اختتام بدعای بقای وجود فانیض الحی و خیر دانی
ایام سلطنته عن لبتنا می شده صرف شربت و شیرینی نمود
و مجلس سلام منقضی گردید

و دیگر نوشته اند که چون نواب مؤید الدوله در آبادی و
ابتتام ریاد دارند چنانچه در روزنامه های سابقه نیز نوشته
عمارات دیوانی و ارک و باغ شهر و سر باز خانه ها و باغ
تحت قاجاریه و باغ نوب مسجد وکیل را بعدد مباحثین
امین و کاردان محول نموده در کمال خوبی و استحکام
شده و بعضی قسم که فی الحقیقه نامقامی دارد و عمده و بنا در
تعمیر میکنند و درین روز با تمام خواهند رسانند و کنبه
علیه السلام هم که در وقوع زلزله خراب شده بود بجهت آنکه
از نزول برف و باران خرابی باصل بقعه رسد خن
منور لازم بود نواب معزی الیه مباشرت کفایت
حجرات که در صحن واقع و خراب شده بودند در کمال
از نو ساختند

اخبار دول خارجی

از فرانکه در روزنامه جریده الحوادث اسلامبول نوشته شد
در روز جمعه اوایل ماه صفر اعلیحضرت سلطانی تشریف
فرماده در مجلس مخصوصه شامانه آنجا قدری اقامت
نموده از آنجا مجلس شورت تشریف آورده در حلقه
که در کلاهی قیام و سایر امورین حضور داشتند عقد کهن
مشورت شده و مذاکره بعضی امورات مهمه را انجام
نموده و اهل مجلس شورت مورد التفات سلطانی
عباران اعلیحضرت سلطانی بمنزل خود مراجعت نمود

اغتیه قدیمه از جانب دولتین منور و قطع کشتی جنگی
بشهر ناپولی ارسال شده است بعضی از روزنامه نویسان
کمان میسرنده که دولتین منور سخته خط بسته خودشان این
دوکشتی را فرستاده اند

دیگر نوشته اند که امپراطور فرانسه و امپراطور اتریش
از وقتی که ممکن تحت امپراطوری شده اند تا حال مدتی
میکند و ولی تاکنون رسم تاجگذاری را اجرا نکرده و
همه از برای تاج گذاری معین کرده بودند لکن در این اوقات
قرار تاج گذاری آنها را در اوایل بهار آینده بعضی روزنامه
نویسان در روزنامه های خود می نویسند

و نیز نوشته اند که از جانب اعلیحضرت سلطانی حکم
شده است که از دولتیهائی که سفرای آنها در مجلس
پاریس بوده اند در این روزنامه سفرای آن دول که در
هستند مجلسی بجهت تکامل کار رود خانه طونه و آن سرحدات
منعقد نمایند و نامهای وارد داده آنجا را تمام کنند

باین جمهوریه بونیوز امپراطور االی آنجا چند پیش ازین
و تفاتی حاصل شده بود در این اوقات رفته رفته شده
کرده در دویم هشتوس گذشته از االی سانه نام
تقدیر پانزده هزار آدم ببر کردگی لوئیز نام و مخ لواچی
نموده بشهر بونیوز امپراطور که مقرر حکومت جمهوریه منور است
هجوم آورده بجهت نبودن عا که در شهر منور یا عیان
آمده رئیس جمهوریه و ضابطان را از محل خود بیرون نمود
آنجا را متصرف شدند زمام حکومت و عیان زیست
آنجا حال بدست یا عیان و لوئیز افتاده است

جناب لونی پلین عمودا اعلیحضرت امپراطور فرانسه که نسبت
رفته بود این اوقات از جزیره یلان شش ریس سب بجهت
شارالیه هدیه فرستاده است جنس این اسباب بسیار
کوچک است اینها را که فرستاده است قدری از کوه
برگرفته اند

در روزنامه اخبار دول خارجی نوشته اند که دولت
ناپولی از خیلی وقت قبل ازین امتیازاتی که با االی آنجا
داده بود پنج شش سال است که آنها را لغو نموده و
خود بنای تعدی گذاشته است بجهت رفع تعديات او
و اعاده امتیازات سابقه چند پیش ازین دولتین
انگلیس و فرانسه مدولت منور مذاکرات متعدد فرستاده
و مضایح مشفقانه تبلیغ کرده بودند پادشاه ناپولی
اصلا بنحی آنها التفات نکرده و بسبب رضا اصفا ننمود
این اوقات بجهت اجرای آن مذاکرات و برقرار نمودن

عالیجا محمد شاهره حسین خان که حب الامر و کیا دولت علیه زنجیدی قبل مامور اردوی بهرات بود و قبل فتح و محکام اقتحاح شهر همه را در آنجا حضور داشت و مشغول خدمات بود این روزها با عالیجا سردار مجید خان افغان و اسمعیل بیگ آدم مقرب انخافان افغان اینجانی در ۱۹ شهر ربیع الاول سیزده روزه از بهرات وارد دیر باجهای هایون عریضه از نواب شاهزاده و الا حاکم سلطنت والی مملکت خراسان نجاکای اقدس هایون علیهم شاهنشاهی خلد الله ملکه و سلطانه آورده و عالیجا مقرب محمد حسنان زکریا بیگ قاسمی شاهی عالیجا شاهی را با عریضه نواب سلطنت بوقف حضور باهر النورهایون مستقر شد در حالتی که عقد سلام عام در میگاه آهسته در باغ مخصوصی شاهنشاهی منعقد و تحت طاقس رفو وجود شاهنشاهی زیب افزاشه بود مضمون اجالی عریضه و ادین مشارایه را معروض داشت و عالیجا مقرب انخافان محمد تقی لقب لبان الملک عریضه را بنظر معهود این دولت بتفصیل خوانده بعضی رای غیرهایون و بسع عموم اهل سلام یکه از عدد و اشرفی پنجاهاری بکه بهرات بنام نامی هایون جانب نواب معزئی الیه و شصت عدد و اشرفی پنجاهاری نیز بهان سکه از طرف عالیجا سریت عینی خان برپیش نجاکای هایون آورده بودند و در همان مجلس سلام عام از نظار اقدس اعلی گذشت و موقع تحسین یافت و از قریبه نواب سلطنت و ضمن عریضه معروض داشت بود و بعد آنکه قشون با علوی دولتی در ارک و شهر و دروازه و بر و بدنه بهرات ممکن شدند و نواب شاهزاده و الا بتبار و سران	سپاه در کمال نظم و سکو در شهر قرار گرفتند و ضاع جشن و آیین بندگی فراموش آوردند و سپاهی و عیت از زنجانی محاصره با سودند و عموما مشغول عیش و شادمانی شدند و بهرات از شاهزاده رافت و حسن عیت داری نواب سلطنت حاکم سلطنت و نظم عا کر منصوره که بقدر دوزخ خلاف قاعده نظام از احدى پرور نمیکند کمال افسوس را دارند که چرا باغواى ارباب غرض مدت مدیدی تن سحرابی و ضرر مالی جانی خود در داده از چنین لغت و خیر و صلاح واقعی محروم ماندند و فاعنه بهرات چنان میدانند که اتفاق بیستی میان جهال فرق اسلامیه و عهود گذشته چندی برقرار بود هنوز در این عهد مجتبه بهم باقی است و از استیلا عا منصوره انواع صدمات را خواهند دید اما غافل از اینکه شیعه و سنی هر دو اهل اسلام و امت حضرت سید الانام علیه و اله الصلوٰه و السلام هستند و اگر جزئی اختلافی در فروع مذہب این دو فرقه اسلامیه باشد دلیل آن نمی شود که باهم مثل گذشته طریق معادات گیرند و با اینکه مضمون الاسلام تله واحد همگی برادران دینی یکتا از یکدیگر و همه و دشت داشته باشند که یا هنوز حکم محکم شاهنشاهی که با در همین روزنامه دولتی در باب تنبیه جهال که اسباب میان مسلمین میدند که شود مالی آن صفحات شده بوده است چون منظور نظر اقدس هایون شاه اسلام پناه خلد الله ملکه و سلطانه آن است که کل فرق اسلامیه بهم برادر سلوک نمایند و این مغایرت و نفاق که از جهال فریقین ناشی شده بود از میان برخوایسته شود لهذا همان روز سابق در ذیل این فقره روزنامه نوشته میشود که بازگی
--	---

عموم خلق شود و تصور نمایند که آن حکم منحصر به آن کس نیست
 بوده و دیگر در صد و اجری و احوال آن نخواهند بود بلکه بدانند
 که اولیای دولت علیه این رسم را که باعث آمیزش و
 اتفاق فرق اسلامی است دائم در نظر خواهند داشت
 و هر کس تخلف نماید مورد بازخواست خواهد شد و روزی
 که لفظاً بلفظ تجدید میشود این است
 از روی که بنای دین اسلام بهجت حضرت خاتم رسالت
 انام صلوات الله و سلامه علیه کم و برقرار کردید و نقل مسلمانان
 باهم برادر و در اصول دین و قبله و کتاب باهم متفق و
 یکری بوده و هستند و اینهم که دین اسلام افضل الدین و
 برتر و ترقی و مسلمانان رو به کثرت و جمعیت گذاشته
 میکند از باب اتفاق و اتحاد و در رفع مباحثات و
 و اگر در بعضی از مسائل فرقه‌های بین فرق اسلامی
 اختلافی باشد چنانکه هر یک از مذاهب ائمه اربعه
 در بعضی مسائل متفاوت است برادران دینی را بهشت
 تفرقه و یکسان نمی‌خواهد بود چنانکه فرقه‌اشی غریبه نیست
 جعفر میرا در کمال رتبه محترم میدانند بهمان نسبت اهل
 و جماعت را نیز برادر دینی خود دانسته و میداند
 و در اشرف اماکن و محترمترین مقامات عبادت مثل
 بیت الله الحرام و مسجد مطهر حضرت سید الانام و سایر
 بقاع طبر که دینیته بالا شتر اک و بالم و ات داخل میشود
 و از حسن معاشرت و آمیزش با یکدیگر کمال خرسندی
 و خرمی را دارند و علی‌رغم جهل شیعه از روی نادانی
 و بی اطلاعی از مراسم مذاهب اثنی عشری گاهی مرتکب شده
 برخلاف رای علمای دین بسین بوده است و از ایشان که

کسی از این باب محسوس نبوده و چگونه میشود الحیاد با سبب
 رفض اصحاب بر روی ایشان رضوان الله علیهم مقبول
 رای عالم مشرع با عاقل فطن بشود و معلوم است که در هیچ
 و در هیچ ملت و طریقت علمی و عقلاً کما ینبغي نتوانسته اند
 رجز تمام و منع جهل از اقوال و اعمال ناشایست ایشان
 نمایند مثل اینکه الحیاد با لیسوع میشود پاره از جهل
 و عوام بی اطلاع از دین و مذهب خود تجری بنمایند و با
 باطل بیت رسالت و طهارت زبان درازی می‌کنند و
 ناسر نمی‌گویند لهذا لازم افتاده که اعلام بشود کما ذل
 اسلام که کمال مراقبت در دین بسین و مراسم شریعت
 خود نمایند و قانون ادب و خضوع و ترحم و ترضی را کاملاً
 ندانند و استماع اسامی مبارکه بر زبان دین و خلفاء را
 از دست ندهند که اگر فی الواقع نادانی از راه جهالت
 اینگونه سخنان را یک بر زبان راند حکام و مباحثین امور
 دیوانی و مورث دارند با علی درجه زجر و تنبیه اورا به
 و تادیب نمایند و نگذارند بی سبب برادران دینی اسلام
 از یکدیگر نفار خاطر پیدا نمایند و پادشاه دنیا اسلام
 باهمدیکه دولت متفق و متحد و برادر واقعی و رعایای
 باهمدیکه برادران دینی بوده و هستند و بدیهی است که اولیای
 دولت علیه غمانی نیز نمیتوانی را بدقت هر چه زیاده در ملاحظه
 خواهند نمود و بهین نسبت تبعه و رعایای خود در برمی
 و هجواری با این دولت قدغن خواهند نمود که جهل خود
 از ناسر گرفتن باطل بیت رسالت و طهارت بر فرض و
 مخالفت نمایند تبعه جانیین بل کل فرق اسلام را که در
 کره زمین هستند لازم است که بوجود پادشاهان اسلام

وامرای دربار پادشاهی و اعیان دولت اشخاص مفصله با سبب

مقرب الخاقان امیر الامراء اعظم مقرب الخاقان امیر الامراء اعظم
مقرب الخاقان امیر الامراء اعظم مقرب الخاقان امیر الامراء اعظم
مقرب الخاقان امیر الامراء اعظم مقرب الخاقان امیر الامراء اعظم

مقرب الخاقان امیر الامراء اعظم مقرب الخاقان امیر الامراء اعظم
مقرب الخاقان امیر الامراء اعظم مقرب الخاقان امیر الامراء اعظم
مقرب الخاقان امیر الامراء اعظم مقرب الخاقان امیر الامراء اعظم

مقرب الخاقان امیر الامراء اعظم مقرب الخاقان امیر الامراء اعظم
مقرب الخاقان امیر الامراء اعظم مقرب الخاقان امیر الامراء اعظم
مقرب الخاقان امیر الامراء اعظم مقرب الخاقان امیر الامراء اعظم

مقرب الخاقان امیر الامراء اعظم مقرب الخاقان امیر الامراء اعظم
مقرب الخاقان امیر الامراء اعظم مقرب الخاقان امیر الامراء اعظم
مقرب الخاقان امیر الامراء اعظم مقرب الخاقان امیر الامراء اعظم

مقرب الخاقان امیر الامراء اعظم مقرب الخاقان امیر الامراء اعظم
مقرب الخاقان امیر الامراء اعظم مقرب الخاقان امیر الامراء اعظم
مقرب الخاقان امیر الامراء اعظم مقرب الخاقان امیر الامراء اعظم

مقرب الخاقان امیر الامراء اعظم مقرب الخاقان امیر الامراء اعظم
مقرب الخاقان امیر الامراء اعظم مقرب الخاقان امیر الامراء اعظم
مقرب الخاقان امیر الامراء اعظم مقرب الخاقان امیر الامراء اعظم

مقرب الخاقان امیر الامراء اعظم مقرب الخاقان امیر الامراء اعظم
مقرب الخاقان امیر الامراء اعظم مقرب الخاقان امیر الامراء اعظم
مقرب الخاقان امیر الامراء اعظم مقرب الخاقان امیر الامراء اعظم

مقرب الخاقان امیر الامراء اعظم مقرب الخاقان امیر الامراء اعظم
مقرب الخاقان امیر الامراء اعظم مقرب الخاقان امیر الامراء اعظم
مقرب الخاقان امیر الامراء اعظم مقرب الخاقان امیر الامراء اعظم

مقرب الخاقان امیر الامراء اعظم مقرب الخاقان امیر الامراء اعظم
مقرب الخاقان امیر الامراء اعظم مقرب الخاقان امیر الامراء اعظم
مقرب الخاقان امیر الامراء اعظم مقرب الخاقان امیر الامراء اعظم

مقرب الخاقان امیر الامراء اعظم مقرب الخاقان امیر الامراء اعظم
مقرب الخاقان امیر الامراء اعظم مقرب الخاقان امیر الامراء اعظم
مقرب الخاقان امیر الامراء اعظم مقرب الخاقان امیر الامراء اعظم

مقرب الخاقان امیر الامراء اعظم مقرب الخاقان امیر الامراء اعظم
مقرب الخاقان امیر الامراء اعظم مقرب الخاقان امیر الامراء اعظم
مقرب الخاقان امیر الامراء اعظم مقرب الخاقان امیر الامراء اعظم

مقرب الخاقان امیر الامراء اعظم مقرب الخاقان امیر الامراء اعظم
مقرب الخاقان امیر الامراء اعظم مقرب الخاقان امیر الامراء اعظم
مقرب الخاقان امیر الامراء اعظم مقرب الخاقان امیر الامراء اعظم

مباهاست نمایند که قوام دین و ایستادن سلسله منوط بوجود پادشاهان

عظیم الشان اسلام است هیچ اختلافی فیما بین وجود و عدم وجود پادشاهان

بوده و با اینکه علمای دوی الاحترام دین من و عطا و بزرگان

ملت انی عشری خلفای راشدین را اصحاب رسول محترم میدانند

و الفاظ خلاف ادب نسبت بایشان خلاف تین میباشد

دولت هم محض اتحاد دولتین و استحکام شرع و شریعت است

درین کار و دفع و منع این شهرتها که نسبت میدهد و نص

و فرض خود میداند و به حکام و مباحثین موافق این روز

واضح و احکام محققه قدغن شدیدی نمایند که اگر جانی مختص

و نادانی و وسوسه شیطانی حرفی بخلاف زبان راست

زجر و تادیب و تخریر شرعی و عرفی خواهد بود

در روزنامه هفت گزیده ذکر شد بود که کیفیت شرفیابی جناب

عزاف کنین و شرف و رفاهت بهینه فرانس بحضور هر طور

مکایون علیحضرت شاهنشاهی در هفت و یک نوشته خواهد شد

از اعانم درباری بالباس رسی و ن و حایل	چون اعلیحضرت آدس شاهی را رفت و حجت بود که از منزل
جناب بپالت نصاب نظام الملک جناب فحمت نصاب وزیر امور	حال غموم چاکران درگاه و مقربان پیشه است خاصه انان
دو نخلارجه	که استعداد فطری و صدق جلی همراه است از جمله نتیجه الوزار
هائون واقف حضور آدس اعلی بودند و مقرب انخان	مقرب انخان میرزا داود خان فرزند سعادت جناب شرف
امیرالامرا اعظام کشیکچی باشی دربار هائون تیر با چل تیر از	ارفع صدر اعظم که در حدیث سن و عنوان شهاب جصاف
علام پیشدستان خاصه در پیشگاه حضور هائون عقد سلام	رزان شیش در پیشگاه حضور هائون جلوه ظهور یافته هر روز
سبب بودند جناب شرف در فراموشی خود را تمبر جمعی عالج	خط ترقی در دیار کمال و میر تری در مراتب علم و کفایت
یحیی خان بطور شایسته عرضه داشته باشا ره علیه پادشاه	ظاهر نمود اعلیحضرت آدس شاهی مضب حلیل و رات
اذن جلوس یافت و مورد مطلقات و تقدمات پادشاهی	لشکر را که بزرگترین نصاب است و سالها در زمان دولت
کر دید و سرکار آدس اعلی از میل خاطر هائون توقف	شاه شهید آقا محمد شاه نور الله مضجعه حضرت خاقان حلا
سفارت آندولت در دربار دولت علیه و اعما در حسن خیر	فتحی شاه میر و موقوف سجاد امجد امیرزا اسد الله خان محرم
جناب مغزی الیه بالفاظ در بار پاره فرمایشات ملوکانه	و بعد از او در او خرنان دولت خاقان مغفور شاهانه
او افزودند و بعد از مرضی از حضور هائون همان ترتیب	تا اوایل این دولت پایدار متبت و سال بعد کفایت
بنزل جناب جلالت آباشرف امجد ارفع صدر اعظم دولت	والله ما جیش جناب شرف امجد ارفع صدر اعظم محترم
علیه آمدند و کمال مودت و مهر بانی از جناب صدر اعظم	یافت اکنون بالارث و استحقاق موقوف مقرب انخان
حق جناب شرف در دفتر معمول افتاد و چون روز دوم در	مغزی الیه شد و در روز جمعه ۲۲ زمان مهر لجان مبارک
در بار دولت علیه که جناب شرف در فریدین رسی از جناب	شرف صدویافت و از جامه خانه خاص پادشاهی یکسب
اشرف امجد ارفع صدر اعظم محترم کرده بودند از جناب	چینه ترمه اعلی برسم خلعت مقرب انخان مغزی الیه
بنالت نصاب نظام الملک جناب فحمت آباش وزیر	در روزنامه دولت بیک که بزبان فرانسه طبع گشته و از
خارج نیز دیدن رسی کرده بودند لهذا روز شنبه ۲۳	بفارسی ترجمه شد در بیان حالت حالیه دولت علیه
چهار ساعت بغروب آفتاب مانده جنابان مغزی الیه	با دولت انخلیس نیت اعلیحضرت شاهی و اولیای دولت
از جناب شرف در دفتر لعل آوردند و ساعت بغروب روز	علیه در این سنده حاضره فقراتی نوشته اند روزنامه
مانده جناب جلالت آباشرف امجد ارفع صدر اعظم	مطلب از روی تحقیقات و اطلاعات خود بطوری میان
تشریف بنزل سفارت برده رسم باز دید و مهر بانی از	که مطالعه کنندگان آن روزنامه هیچ تردید و شک باقی
شرف در دفتر لعل آوردند و کمال مودت و تقدیم	نمود

که دولت علیه ایران مطلقاً میل بر اجابت سفارت دولت انگلیس
مدر بار دولت علیه و خود دوستی دولین فحمتین ندارد اما چون
مال خاطر اقدس پادشاهی بخش اولیای دولت علیه از
مسوولک و تکالیف مذکور مأمورین دولت انگلیس است و
ندارد که اولیای دولت انگلیس عالماداً باین طرز رفتار
خودشان راضی بوده باشد و هنوز کمال انصاف و قاعده
دولت و ملت بزرگ انگلیس که در همه دنیا مشهور و صاف
هستند امید آنرا دارند که بعد از اطلاع بر حقیقت رفتار
مأمورین خود که درین مدت مطلب با اولیای دولت
کرده بودند دست از دوستی چند سال این دولت بردارند
و اصلاحی در احوال و اطوار مأمورین خود نشان نمایند
لذا لازم شد که در ضمن روزنامه دار الخلافه از مکتون اولیای
این دولت که گویا روزنامه نویسان فرنگستان چنانکه
باید و می‌تواند مطلق نبوده اند اعلامی شود تا معلوم گردد که
دولت علیه ایران در مقام انکار دوستی دولت انگلیس
سال برقرار بوده است نیستند و این بد رفتار بسیار فقط از
مأمورین اند و ملت میدانند و حالتی که در این دولت ملت
روی داده است در روزنامه دولت بلجیک نوشته اند
بنی بر سوپوک مأمورین انگلیس است نه راجع خود دولت و اولیای
دولت انگلیس و دولت ایران تا ممکن است میخواهد که قوت و قوت
در مبنای دوستی این دو دولت واقع شود و امید دارند که
خاتمه کار بودت و انصاف و بشین بجای خوش منجر
شود چون لازم بود که مطلقاً کنندگان روزنامه از روزنامه
دولت بلجیک هم استخراج حاصل نمایند و مطلب دست
شود و ترجمه روزنامه مذکور لفظاً بلفظ در ذیل این روزنامه ثبت
و آن این است

ترجمه تفصیلی که در روزنامه بروکسل پاریس تحت بلجیکا تاریخ
سیم ماه اکتبر ۱۸۵۶ عیسوی مطابق شهر صفر المظفر ۱۲۷۳
هجری است نوشته اند

مستار که پولتیک فیمین سفارت انگلیس و دولت ایران مایه
سیا عظیم در ایران شده است اهل ایران که با طبع حکام
و مدت زمانی است که تنگ آمده اند از یک صبح ناگهان غلبه
جنگ و شکرشکی است ابتدا کرده اند و بیدار شدن از بیکاری
طویل خود در ضمن اظهار تجدید روابط خود با سفارت
حرف اول خود می‌تواند که دارد و باعث قطع مرادده را تقصیر
موسیوموره میدانند و قبول بخواند که در مصاحبه که لایین
خودش نباشد ملت تحسین میکند غیرت دولت را مجتهدین
علامه تعقیب میکنند سفارتخانه‌های خارجه را از داخل کردن
در کارهای خانگی عیال سلیمان مختصر اینکه حال چند ماه است
که در ایران بقدری حمت یوما فیوما درازیداد است که اگر
انگلیس تا کی بکند یقیناً دعوی فیمین دو مملکت ناگزیر خواهد بود
دعوی با ایران تا شش رجه با یک بجای واضحی است از برای
انگلیس زیرا که اگر راست است که منقبتی است از برای دول بورپ
علی الخصوص سخته فرانسه که دولت روس در انتهای مشرق
انگلیس را مشغول دارد بدین است که انگلیس باید از قبح و ضرر خود
هزار مرتبه خوف و وایمهش زیاده باشد تا از شکرش که
سستی فضا از برای ایران واقع شود هر وقت باشد خواهد
یادیر نتیجه آن درمند محسوس خواهد شد آنچه در ایران عموماً
میرود این است که بعضی آمدن انگلیس بندر بوشهر روس
خواهد بود و قبل از آنکه اولی بشیر از برسد روس کارهای زیادی
کرده خواهد بود و در نیت بگویند که قبل از آنکه کار بکنان انجام
د آن این است

تکالیف انجلس قبول خواهد کرد ولی نه چنان است زیرا که دولت
ایران پس از آنکه غمی را اختیار کند ضرر و خطری خود را فرماید
و این عمل را با عدم بصیرت نموده بلکه این کار را اختیار نکرد
مک شورت طویل و باز هشت ساله مدتش سالان مورین
مکرر مذکر مید و منفصل متغیر کردن دولت ایران وجود آنها
این مدت از برای کار گزاران دولت ایران مانند کابوس بوده
ازین میتوان معلوم کرد که اهل ایران بچه حد باید که انجلس
در دل داشته باشد خود پادشاه بکرات منفعل گردیده است
و هر روزی یک نایه اوقات تلخی از برای او حاصل کرده اند
بقدری از کیفیت عالی خود متفر شده است که حکومت یک ده را در
غیر محکوم باشد بابت ترجیح باین سلطنت مید جمیع مایاتی که از
ابتدا سلطنتش دیده سکوت کرده است ولی حال غیرت و کینه او
زیادتی بر جوشیده و حلش کرده است و چنان معلوم میشود که حال
تاج و سلطنت را بنحو اید مکرر از برای انتقام هیچ مضایقه نخواهد
کرد و در امداد خوشتن از دول خارجی و اگر لازم شود در نهایت
و رغبت نصف مملکت خود را میدهد که امداد بکنند او را در کشور
شیر انجلس از دولت ایران هر که یکدفعه پادشاه را دیده باشد
میتواند یقین کرد که این نوع سلوک و کیفیت از برای شخصی باین
موافقت نمیکند جوانی است غیور تند مزاج فخر طلب و خود را می بین
اسودگی و زیاده از وصف طالب جنگ خروج انجلس از طهران
از برای اید عیدی بود از آن وقت قلب او که مدتها می گذشت
دولت خارجی نمرج بوده ابتدا کرده است باز شدن شرف و شرف
و حالت ساکت و غیر مختلف در خانه تبدیل شده است بغیرت و
که در جمیع امانی ایران نیز منتشر گردیده صدر عظمی اگر چه قدری
بخواه انجلس است مجبور شد از حرکات انجلسها در موقوفات

جانب داری آنها بعد از رضات زیاد که از برای مانع
نزاع کشید فهمید که بدون بیرون رفتن انجلس از طهران کار خود
بکلی خراب خواهد شد و از آنچه در قوه دارد از برای صلح با انجلس
ولی آنچه معلوم میشود حتی المقدور راضی بکلیفای مشکله انجلس
مایل بصلح است بنا بر صلیت و بالطبع طالب جنگ است زیرا
اعتقاد وی اوست که مقام شایسته حقیقی او رئیس پس بود
در اعتنا شایسته عهده پولیکند است رفق و وفق جمیع امورات را
در دست گرفته با بصیرت تمام بر اوضاع مملکت خود در چاره
هر نوع امور سرشته و مهارت خاص و جداگانه دارد آدمی است
بسیار خلیق و با حوصله و شدت حلیم در هر چه با و روی دهد
بنهایت متبذد الی رای که بر کار وی که ریش قرار بگیرد هیچ چیز
او را دران کار نمیتواند مانع شد و منزه از افسوس در مهارت و
نگهانی بیشتر و بهتر بر می کند با وجود غل زیاد که مقتضی
بر محنت دست همیشه خنده رود و مسرور است و چیزی که در
وجود شخص اوست و در مشرق زمین نظیر ندارد خسته شدن
او از کار گذارت و فی الحقیقه این نوع طاقت از قوه نبوده است
مختصر حبیب ترین و دلیر ترین خلق ایران است جای شک و
شک که اگر اطرافهای او غیر اینهمه خوب و ندان بود که هر
او را محاصره دارند و اگر در بند بعضی عتاید شخصانه می شد
و اطلاعش از حقیقت اوضاع فرمانکنان کامل بود بلا حرف
حال کل آسیا را تغییر و تبدیل میداد و باید اقرار کرد که در این
اوقات عیوب مفصله او مایه پیرفت کار شده و او را مردی
کرده است فوق العاده در شین متقل ایران پسرای دوج
با پنجره مرد اطراف بسیار تاخت و تاز می نمایند حاکم فای
و پسرای حاکم کرمان رفته اند بجهت دفع شرافا غنه مذکور

از آنها هنوز خبری نرسیده که بدانم در چکارند قشون
ایران هنوز در اطراف هرات میباشند بعضی مذکور میکنند که
شهر هرات محاصره است و برخی بر آنند که اهل آن شهر محاصره
شده اند سردار قشون ایران را حرف دولت ایران اینست
که قشون در اطراف هرات نماند است که حقیقت دفع سردار
و افغان کابل که قذافر و اطراف او را دارند آنچه یقین است
این است که بدون شاهزاده و قشون ایران دو سید خان
حال در هرات میبود بلکه دور نبود که جمیع خراسان را صاحب
شده باشد

سایر ولایات

استرآباد از قریب که در روزنامه استرآباد
امور ولایت قرین نظام و کمال ایلست و آمد و کی
از برای رعایا و مالی آنجا حاصل است و مقرب انجاقان
حضرت قلیخان اینجانی نهایت مراقبت را در امنیت ولایت
رفاه حال رعیت بعمل می آورد و همچو الله هر چیزی در ولایت
در کمال ذواافی و ارزانی است و مقرب انجاقان اینجانی
که در خارج شهر بوده است در ششم این ماه وارد شده است

دیکر نوشته اند که در این اوقات خوانین و ریش سفیدان
دوازده طایفه میوت کلاً جمع شده بند از ترک را خراب
کردند و قراغچی باغی را آتاز آنجا که چاند لعل کس
طایفه خود رفتند و آنچه اسیر که ترکها مان یاغی در میان
مقرب انجاقان اینجانی از آن اطراف برده بودند نیز
آنها را جمع کرده سواره خود نیز مقرب انجاقان مشارالیه
آوردند و الترام سپردند که بعد ازین در مقام خدمتگذاری

باشند و تاکنون اتفاق نیفتاده بود که خوانین و ریش سفیدان
دوازده طایفه میوت کلاً یکدیگر با هم با هم بیایند و هم چنین
سی نفر اسیر که از خنوق کرینجه میان طایفه میوت که ساکن
میباشند آمده بودند آتاز آنجا که تاز خان آنهاست
اسرای مرزبور را مصحوب لیسر عوی خود و چند سوار نیز دایم
دستاده آنها را ایلست و خدمتگذاری کرده بود و نیز آقا
سردار که بارش سفیدان که نیز مقرب انجاقان مشارالیه
آنها را اطاعت و خدمتگذاری این دولت جاوید است

را نمودند

دیکر نوشته اند که در دهم ربیع الاول آدم از خنوق مرزبور
ایلیانی آمد و خبر آورد که یک هزار و پانصد خانوار کولان که در
خیوتی ساکن بودند از آنجا فرار نموده بخت کولانی که در تحت
اطاعت ملین دولت قوی است هستند آمدند و اینها را طایفه
ایلی میباشند و دو هزار خانوار نیز از طایفه میوت خنوق
پناه بسایه رفت و عطف دولت جاوید مدت آورده است
اترک شدند

دیکر نوشته اند که در نهم ماه ربیع الاول که چاروار دشت
شده فتح هرات را آورد مقرب انجاقان اینجانی یک طایفه شال کلا
حلفت داده حکم کردند که در قمارخانه شاد یا نه زده همه مالی آنجا
آغاز سرور و شادمانی نمودند

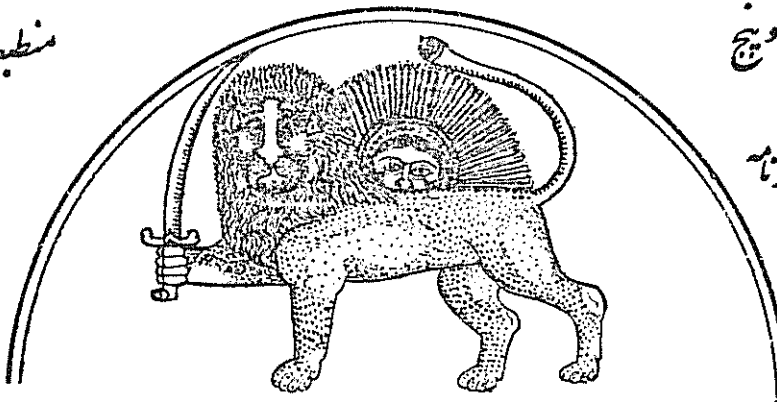
دیکر نوشته اند که چند نفر الواط و اشترار که در غیاب مقرب انجاقان
ایلیانی مرتکب هرزگی شده بودند بعد از ورود آنها را فرستاد
کلاً را گرفتند بعضی را بعد از تنبیه و تادیب مرخص نمود و بعضی
دیکر را محبوس دارد

روزنامه وقایع اتفاقیه پنجشنبه یازدهم شهریور سال ۱۲۷۳

نمبر سید و پنج

قیمت روزنامه

هر نسخه ده شلر



منطبعة دار اختلاف طهران

قیمت اعلامات

هر خط پنج شلر

اجبار داخل ملک محروسه پادشاهی

و طهارت سلام الله علیهم اجمعین متکاست و فتوحات عظیمه را بان منابع فیض و رحمت منوط میداند لهذا بعد از حصول این و ظفر و وقوع چنین فتح عظیم از جانب خاور و دراز از جانب که در راه دین و دولت بر وجود فانی سجد و بایون قبول فرمود بودند شایسته چنان دیدند که همچنانکه در باطن استفاضه و استمداد از درگاه حضرت احدیت و مقربین بابرکاه صمد عز و علا و تبارک و تعالی میفرمایند در ظاهر نیز این عالم معنی صورتی اتحاد شود و دین و دولت را ظهور و ظاهر علی بنی مثال یمثال مبارکه حضرت سید الاولیاء و سند الامام یعسوب الدین امیر المومنین علی ابن ابیطالب علیه الصلوه و السلام از روی صورتی که در عهد ان حضرت نقش کرده و از خزان سلاطین سلف یاد آیند بجز آنکه عامه این دولت غنی شرف داد بود نقل کرده و بجوهر کرانه های ثنین قیمتی بهترین و صنی و خوشترین صیانتی مکل شده و اعظم و اقدس نهانی مخصوص سلطت کبری و خاصه ذات هایون خلافت پیر اوردند و برای اونچنین این شان عظیم المثال هایون حکم از مصلحت	دار اختلاف طهران سرکار عالی حضرت قوی شوکت شاهنشاه دین پناه ملکه و سلطانه در ترویج شعار دین مبسوس و اعلامی علماء شریعت حضرت سید المرسلین صلوات الله علیه علی الطیبین و تجلیل علمای ملت و توقیر اشرف امت وقتی وقتی و هرگاه بی نگاهی فرموده اند که بجهت تعالی از میامن توجهات پادشاهی پشت اسلام قوی شده و در دولت سیراب و روی گشته و از آنجا که نیت پاک و خیر ملوکانه مهبط الهامات غنییه است و هر چه از ان خاطر فیض ناشی و صادر شود بالتضرع و خلاصه عقل و حکمت خواهد بود آثار سبزه مستحبه چند در دین و دولت گذاشته اند که آنرا مبارکه سلاطین سلف انرا الهی بر سرهم باند قایق ملهم شده و امروز هر یکی از ان آثار که علم فی رسنار از آنجمله یعنی که در این اوقات ممتد و با و تاد مبارکی و مینت مکرر این است که چون قلب مبارک بجهت باطن متدلس و لای متوجه و دست نوسل خدیوانه بعزوه الوافی اهل بیت عصمت
--	--

و جلالت شرف نفاذ یافت که مجلس شنبی ملوکانه و عیسی
 حدیوانه ترتیب شود که جمیع علمای ملت و وجوه و ارکان
 دولت و اعظم و اعیان شوکت از هر صنف و قسب در
 مجمع دعوت شوند و میر مجلس از جانب سنی بجانب علوی
 جناب اشرف امجد ارفع صدر اعظم باشند و بعد از صرف
 و اظهار شادمانی بسلام حضور اقدس همایون حاضر
 و در آن محضر سلام عام که جمیع علمای اعلام دارالخلافه
 نیز در انجمن همایون پادشاهی حضور داشته باشند
 بمثال همایون بدست یکی از علمای دین و جناب شریف
 صدر اعظم در ساعت سعت مبارکی و اقبال پیرایه جو
 اقدس همایون کردند و رجب هجری شریف علیه خیر و
 در روز چهارشنبه بیت و منعم شهر ربیع الاول بهمان
 منبوره در تالار تخت مرمر و طاق نقاشخانه و اطراف قیامی
 فوقانی انعامات عالی بنیان پادشاهی مجلسهای معتقد
 و شیلا کشید شد شیرینیهای الوان چیدند و شیرینها
 کونا کون ترتیب دادند و صنفی از اصناف و قسبی از قبیل
 نوکرمای دربار عظمت مدار شهر یاری بنیاسبت و بجا
 در یکی از اطراف قهای منور نشسته تهنیتها گفته شد و شکر آنها
 بعل آمد و انواع حلوات و شیرتیهها صرف شد و در سائیم
 یکصد و ده تیر تیرت بعد از اسم جناب بی ولایت بی بی
 معینه بار سلام در پیشگاه اقدس اعلی یا قند و علمای دولتی
 و سادات عظام در انجمن خاص پادشاهی هر یک علی
 مرتبه قرار گرفتند و از آن جلوس یافتند و جناب شرف
 امجد صدارت پناهی نشان همایون را در میان سنی طلب
 گذاشته بنفقه الشریف با اتفاق جناب فضایل نصاب
 عمده العلماء العظام و نخبه الفضلاء الکرام شیخ رضائیه

تعالی که بحسب سن و قدمت زمان از دیگر علمای اعلام
 و نوع اختصاصی در دعا کونی دولت ابدایت علیه دارند
 و سایر معارف از مجتهدین آوردند و سرکار علی حضرت
 پادشاهی از راه تعظیم بصورت همایون حضرت ولایت پناهی
 صلوات الله و سلامه علیه از طاق خاصی که تشریف همایون در
 آنجا داشتند تا پای پله های عمارت باستقبال تشریف
 فرما شدند و نشان همایون را گرفته بتالار گلستان که جمیع علمای
 تشریف از زانی داشته فراتر تحت سلطنت را افزودند و همایون
 زینت افزودند و بعد از توجه ملوکانه بجانب توقیر و جناب علی
 نظر محترم بصوف سلام و روی خطاب همایون بر آداب
 صدارت پناهی معطوف فرموده با الفاظ در بر بار خجانه ادا
 فرمودند که هر یک از جاگران حضرت ماکه در راه خدمت پناهی
 کشند و رنجها بینند ثبوت الطاف حدیوانه ما امیدوار و مستطیع
 ستمای خدمات هر یک از آنها شانی و نشانی ارزانی میفرمایم
 ولی ذات همایون ما اگر محاسبه داتی در راه دین و دولت پناهی
 و رنجانی برود و خوشی تن اختیار فرمایم بالتصوره باید از
 درگاه حضرت ملک الملوک جل شاناه عظم منته و مقربین
 آن بارگاه چشم بر مواهب و عطایا باشیم و استظهار بارت
 در بار جویم این است که این نشان تمثال بی مثال همایون
 که دلیل توسل بانوار مقدسه الهیه است برای خود اختیار
 فرمودیم و جناب صدارت پناهی نیز در ازاد فرمایند
 ملوکانه عرضهای حکیمانه بموقف عرض رسانیدند و عرض کردند
 اگر چه عالی ایران و ملت اسلام توقیر و احترام شایسته را
 خود فرض میدانند لکن اگر کاهی احتمال شایسته ریا در آن بود
 این تعظیم و تکریم بر مردم واجب است که از صمیم قلب بی

۱۹۸۲

ریا و سعه بعل پاورند و خطبه و قصیده تنب بکمال فصاحت در موقت سلام خوانده شد و علیحضرت اقدس هالیون بعزم تشریف فرمائی ساحت باغ سلطانی که صندلی طلا در کنار برای وجود مبارک حاضر شده بود در میان تالاکشی فرمود هر یک از علما و اعدا بعد واحد بدست مبارک از اشرفیای جدید هرات غنایت فرمودند و آن هم مراسم تبریک راجع آوردند و بعد تشریف فرمای فضای باغ شده در بالای صندلی طلا قرار گرفتند و هر یک از چاکران درباری که در سلام حاضر پیش خواسته اشرفی جدید هم هرات بدست مبارک مرتب و کل علما و اعیان زبان بدعای بقای وجود مبارک باز کرده سکر کذاری با تقدیم سائیدند و عرض کردند تا اینجا می نام خواهد بود سر و اوقدم پیرمغان خواهد بود و بعد از انقضای سلام و افضال و انعام جناب جبرافندی شازده فرود عثمانی تیر که نظر بجهت جامعه اسلامی دعوت با عیش ملتی شده بود اولین مرتبه از آنجا که آمده صرغ سبزی و شربت در آنجا کرد و بعد شرفیاب حضور اقدس شده تنب گفتند و مورد تفقد و لطافت طوکانه شدند و هم در آن روز افواج و سواران دارالخلافه در میدان بزرگ پادشاهی حاضر بودند کینه های تمام عیار از خزانه عامه با اسم آنها مرتب غنایت شد و در بزرگ بدست امیر الامر العظام سردار کل و مقرب الخاقان العظام میرزا داود خان وزیر لشکر و مقرب الخاقان این لشکر آنها تقسیم کردند و آخر اجازت سلان آنروز راجع شرف ارفع صدر هم محض سکرانه چنان روز بزرگ در طبق چاکری واردت گذاشته پیشکش حضور با هر الهو هالیون اعلی نمودند و انجام خدمت مجالس همانان را در عهد مقرب الخاقان	حاجب الدوله گذاشتند و احمی خوب از عهد لوازم این خدمت برآمد در سال گذشته که حب الامر قدر بکجام ولایات و جوار دارالخلافه طران اخبار شده بود که برای عید سجد ببقبل عقبه علیه شانه حاضر شوند در نه اینهم همان باید معمول دارند و سی و چهل روز قبل از عید باید حکام خود با ولیای دولت علیه نوشته اذن بخوانند بعد از آن و مرضی بدر کرد و ننداریند چون مقرب الخاقان مصطفی قلیخان میرنجه در بنا دربار مشغول خدمتگذاری و در انتظام امر اسخلو و حفظ حد اهتمامات کافی بعل آورده بود لهذا از جانب علیحضرت شاهنشاهی دامت شوکت یکتوب کلچس تن مبارک بر خلف بافتار او مرحمت و انعام کردید و همچنین عالیجاه رضا قلیخان سرتب فوج عرب هم در عباسی ویرنا در فارس خدمات خوب کرده بود و محض یکقطعه نشان از مرتبه اول سرتپی با یکرشته حایل سرخ و یکتوب جبه ترمه کرمانی از جانب سنی الجواب هالیون در حق او مرحمت شد نظر بجا حسن خدمتگذاری مقرب الخاقان عین الملک که خاطر اقدس هالیون شاهنشاهی و امنای دولت علیه از خود راضی و خرسند داشته بود در این اوقات مستوجب شمول مرحمتی مجد آمده یک قصه قنده مرصع از جانب سنی الجواب اقدس هالیون با مرحمت کردید که سبب مرید مغفرت و مبادا مقرب شارایه بود پیش ایشان در لوازم خدمتگذاری اقدام نماید
---	--

۱۹۸۳

حبوبات و ماکولات کمال و فور را دارد و نرخ اجناس
نسب ب لهای دیگر تنزل کلی دارد و رعایا و برابرا از ارز
و فراوانی ولایت اسوده خاطر مدعا کونی ذات اقدس جلوان
شاهنشاهی اشتغال دارند

در ضمن روزنامه فارس نوشته بودند که رشید جلوان
ریزه که از خاک بطن می آید و آب دهن خود خانه می سازد و
بیا بد میخورد سبزه سبزه آهین و بلور چینی و شیرینی و تنباکو که بسیار
میخورد و دوا نمائست و در ایام بهار مانند مورچه راه میرود
در کریمیت بهم میرسد در جرم و فور دارد و صبر بسیار
چاره برای او نیافته اند مگر اینکه حصیری از بزرگ درخت خرما
بیا فند که سله میگویند این حصیر را که در زیر فرش می اندازند
رشید از او نمی گذرد و هر چه در روی آن فرش باشد از زیر
این جانور سالم می ماند اما حسن نام جبری دسوی زمین خوا
دریش بلندی داشته است بر روی خاک افتاده بود و تا وقتی
که بیدار شده بود رشید بر آتش او رخنه بود

دیگر نوشته اند عرض راه لار منری است مشهور بچاه تلج کاروانسرای
باسه آب رود آن منزل ساخته بودند آب بسیار را بدو ریخته و پر
شده بود و آب آن منزل منحصر ب تلج چاه شده بعبارت
بسیار بد میکند در این اوقات عالیجاه علی قلی خان
سرمنگ فوج خرقانی یکی از آن آب بنار را که بقدر کفایت
متر دین آب میدهند بنا و عمده فرستاده خالی کرده تعمیر نمود
و بجهت عابرین و متر دین از این معنی رفاه و آسوی کلی حاصل

دیگر نوشته اند که امور بنا در فارس در کمال انتظام است و
بنا در و سرحدات کمال مراقبت را در خدات محوله بخود دارند

چون مراتب صداقت حسن خدمتگذاری عالیجاه
مقرب انخاقان حاج میرزا احمد خان مصلحت گذارد و ملک
مقیم دربار دولت عثمانی و مراقبت و اهتمام مشارالیه در
روابط و احکام شرایط مودت و موالات و سلامت و مصداق

بابین دولتین علیتین ایران و عثمانی مشهود رای اولیای
دولت علیه کشت در این اوقات مقرب انخاقان مشارالیه را
منصب و ریز میقتی در دربار دولت عثمانی بموجب فرمان
مبارک منصوب و نامه هایون با علیحضرت سلطان عظیم
حاکم عثمانی قلمی و انقاد و یکشوب جیه ترمه برسم خلعت
و جبه مقرب انخاقان مشارالیه رحمت و عنایت شده و
کاشته او با سلاسل ارسال کشت و همچنین بادم مقرب انخاقان
مشارالیه که بدار انخلا فاعده بود یک قطعه مدال جسته

چون عالیجاه مقرب انخاقان نصر الله خان سر تیپ فوج
که با فوج در اصفهان است مراتب خدمتگذاری خود را
در انتظام امر فوج مزبور و انجام خدمات دیوانی مشهود
خاطر افاضت هایون شاهنشاهی و اولیای دولت علیه داشته
ستوجب التفات آمد لهذا در این اوقات یکشوب جیه ترمه
کرمانی برسم خلعت با و جسته شد

سایر ولایات

فارس از قراریکه در روزنامه فارس نوشته اند
امور آنولایت احسن مراقبت و اب مستطاب نهاده اند
مؤید الله و له حکم ان مملکت فارس قریب انتظام است و اسال
بار انجای خوب و موقوع در اغلب صفحات فارس آمده است
خوبه کرده محصول و افز برداشت کردند بجهت الله و عله ویر

خوبی ساخته و پرداخته موجود و مهیا میشود و جبهه خانه	اصفهان از فرایک در روزنامه اصفهان نوشته اند
برابرتنبر از سابق و اندر و کار است	امور ولایت احسن مراقبت و رعایت داری نواب
دیگر نوشته اند که چون از دربار معدلت مدار حکم	شاهزاده و الایا حجت الله و له حکمران اصفهان قرین
بود که نواب مستطاب حجت الله چادر و فالقه	و انقباط است و همه روزه از مطلع آفتاب الی غروب
تجهه فوج قشائی روانه فارس نمایند موافق دستور	با امور ولایتی و انجام خدمات دیوانی رسیدگی و دقت
چادر و فالقه بقدر لزوم برای آنها روانه نموند و	کامل نیما و کسی قدرت حرکت خلاف هیچوجه ندارد و اگر
در مدارک افواج با امور اصفهان نهایت دقت را بنویسد	احیانا سرعت و شرارتی اتفاق بیفتد زود در مقام رفع
که از باب ضروریات و سیورت و موجب نایمانی	برمی آید با امور نظام هم رسیدگی تمام مینماید چنانچه
باشند که در هنگام مأموریت آمده و مهیا و هیچوجه	توپیچی و سرباز متوقف دار سلطنت اصفهان را قرار داده
در کار آنها نباشد و تمامی فوج فریدن و قراءه نامه را نیز	همه روزه در میدان نقش جهان اصفهان حاضر شده مشغول
قدغن نموند که تمام نموده سان بدیند و همچنین محصل	مشق نظامی میباشد و از جانب صاحب منصبان کمال اهتمام
بمالار ربعه روانه نموند که از سابق و لاحق از فوج محال	در مشق و انتظام امر آنها میشود و نواب معزی الیه خود نیز
اربعه آنچه غایب و متوفی داشته باشد عوض از آن	بعضی اوقات تجهه تشویق بفرستنی آنهاست
گرفته و کمال نظم روانه در بارها یون یا	دیگر نوشته اند که امور طرق و شوارع اصفهان کمال انتظام
دیگر نوشته اند که در باب وصول و ایصال مالیات	دارد و قراول و مستحق در همه جا مشغول حفظ و حرارت میباشد
بده است و بقایا موافق دستور العمل نواب شاهزاده	و عابرین و متردین با سودگی و اطمینان عبور و مرور میکنند
عالیجاه میرزا زکی وزیر همه روزه با اتفاق مستوفیان	و سواران و غلامان فاش که با امور بقراولخانههای سمت
و سر رشته داران در دفتر نشسته به تجویز معاملات	فارس و قراول خانههای سمت طهران مستدکی حکم
مشغول و عالیجاه محمد حسن خان از جانب نواب معزی	نواب شاهزاده کمال مراقبت و مواظبت را در حفظ و حرارت
محصل وصول آن از مؤدیان است و وصول مینمایند	را بهما دارند
که روانه در بار معدلت مدارها یون نمایند و چون	و همچنین در نظم امور جبهه خانه مبارکه نواب معزی دقت و وسوسه
هنگام مشق زراعات میباشد نواب معزی الیه	تمام دارند تمامی اصناف صنعت کاران همه روزه مشغول
داده اند که بار عایا برقی و مدار سلوک شود که هم	ساختن اسباب جبهه خانه و قورخانه و لوچخانه میباشد و
از کار زراعت بازمانند و هم مالیات را بر پایه	از قبیل آهن و کک و فستک و بر متعلقات قورخانه کمال
ادانایند	

خوار و کلیایکان

از قراریکه در روزنامه خوار و کلیایکان نوشته اند
مقتل الخاقان محمد ابراهیم خان در نظام امر ولایت و
آسودگی رعیت و انجام خدمات دیوانی مراقبت تمام
بعل می آورد و رعایا و رعین فراغت مشغول زراعت و عتی
خود و دعا کوئی ذات اقدس هائون شاهنشاهی یسند است
بواسطه افت و شورش حسن خان حوری قریب سیصد نفر
از اوطا و شرار بد و راجع شده هر که میکردند و دست
بملک مال رعیت می نمودند در اندک وقتی همه را دستگیر
هر کدام که زیاده مصدر شرارت و ادب و دین است و
کامل نموده و سایرین را که خندان مقصود نبوده بلکه با عو
منفدین داخل آن جماعت شده بودند بضمایب خندان
معتبرین ولایت مشخص شده در حضور علما و مجتهدین عظام
توبه کرده و التزام دادند که اگر بعد ازین مرتکب دستبرد
سیاست دیوان علی باشند و قریب پانصد خانوار را
انجا که از تعذبات اشترار مزبور ترک وطن خود کردند
مستغرق شده بودند بحسب احکام اولیای دولت علیه آنها را از
بر و جرد و عربستان و عراق و محال اصفهان و جاپلق
جمع آوری نموده و مایه و مدد معاش بآنها داد که مشغول
رعیتی باشند و حسن خان حوری که درین چند سال
این همه آذ و خرابی ولایت رعیت شده بود چندی در کوها
فرزین و در حوالی بختیاری مخفی و متواری بود چون دید که
عاقبت گرفتار خواهد شد و سیاست خواهد رسید چاره خود را
مختصر در آن دید که پناه بنواب سلطان بنزاده و الالباب
حکمران بر و جرد و بختیاری و عربستان و لرستان ببرد خود را

بآنجای انداخته و بالفعل در اردوی ذات اقدس الهیه است

حمه

از قراریکه در روزنامه حمه نوشته اند امور آن ولایت هر چه
استقامت و کمال از زانی و فزونی در آنجا حاصل است و آن
انجا آسوده خاطر بدعا کوئی ذات اقدس هائون شاهنشاهی
اشتغال دارند

و دیگر نوشته اند که مقرب الخاقان چراغعلی خان که بجهت تشخیص
شاهسون حمه رفته بود امور آنجا را نظم کامل داده و بدست
فرمان آن اطراف هم سرکشی کرده و مدت خالصه را نیز آنجا بذر
لازم داشته است داده و امور آنجا را بطول داشته معاودت
نموده و اهالی و مدت عموماً بنایت رضامندی از حسن سلوک رعیت
داری عالیجاهش را الهیه داشته اند که در مدت منازل عین
راه بهیچ مخارجی انکی قبول نگردیده است

و دیگر نوشته اند که در مدت و پنجم ماه بربع الاولی که فرمان
دستخط مبارک در باب فتح هرات بافتی مقرب الخاقان
شرف صدر و یافقه بود با آنجا بر تو وصول انداخته و اولاً در مسجد
جامع جمیع اهالی و عیان و تجار و کسبه و رعایا جمع گشته فرمان
مبارک را خطیب در بالای منبر خواند مضمون این فتح نامدار را
کو شرف خاص عام نمود و جمیعاً آغاز سرت و شادمانی کرده
بدعای ذات اقدس هائون شاهنشاهی صدا بلند نمودند بعد
از آن اجرای شلیک توپ کردید و یک تیر توپ شادمانی
انداخته شد و در شبانه روز بازارها و کاروانسراها را چرا
و این بندگی کرده بلوارم سرور و جشن و شادمانی پرداخته
و مقرب الخاقان مشایخ و کاتبان هم شیلان کشید جمیع
اعاظم و اعیان و اشرف و تجار و کسبه را ضیافت خوب نمود

اخبار دول خارج

سابقاً نوشته شده بود که علیحضرت امیر لور فرانس با چو خود بجهت تبدیل هوا تا شهر بارج که نزدیک سرحد است رفته بودند موجب اخباری که درین روزها رسید در غرة ماه صفر پارس بای تحت فراموشی فراموش شده

دیگر نوشته اند که درین اوقات که علیحضرت امیر لور فرانس از شهر بارج معاودت می نمودند غنیمت کردند که راه آبن سپانیول و فرانس را بهم متصل نمایند از شهر بارج الی پای تحت پارس با حقن سه خط راه آبن بترتیب قومانیه فرمایش کرده اند هنوز هم کسی درین قومانیه نوشته شده است و وجه مصارف لازم از جانب دولت حکم شده است اعطاء قومانیه معین شود که راه فرور بر بارند

دیگر نوشته اند که دولت انگلیس بقا قشونی در هندستان از ملت مجوسی آنجا که مردمان رشید و جنگی هستند گرفته بود چون این ملت نشن در کشتی و عبور از روی آب را میپسند مذمب خود میدانند در وقت نشن اسمی آنها در جنگ با دولت انگلیس قرار دادند که در سک قشون درین مشروط باینکه آنها را بجایانی که باید از دریا عبور کرد مانع نمایند چند و پیش ازین لازم آمد که آنها را بجایانی که از دریا باید عبور داد نفرستند یکسره آنها را بکنار دریا آورند که بکشتی سوار نمایند آنها شرط و قرار اول را بمیان آورد از نشن کشتی انکار و تحاشی نمودند و درین حال کجا بنیاد و بیفایده بودن این قشون معلوم و بعد ازین دولت انگلیس قرار داده اند که اگر ازین ملت کسی بخواهد داخل قشون شود

باید نشن در کشتی و سفر در بار را قبول کرده نوشته اند اما بدید ما او را داخل قشون بکنند معلوم نیست این کیفیت میکرد یا بآمر قشون مجوس را که اغلب قشون هند از آنهاست موقوف نمایند

دیگر نوشته اند که چند وقت پیش ازین در لندن شخصی بدون آداب باری و شعبده تماشا خانه رفته از صاحب تماشا خانه خوش کرده بود که خلق را تماشای کاژ و شعبده ای او را تماشا صاحب تماشا خانه ادعای او را بدون آداب باور کرده بود و با صاحب تماشا خانه بمبلغی زیاد نذر بسته بود و کارهای خود شمرده بود که چیزی در دست میگرد که از آن هر صد بخوابد می آورد و بصنعت در میان شب که چکی رفته دامن او را که بکش از هر مقامی از آواز که طالب بادم خواهد زد و گذشته از آن هر کس را از این سال عرش خبر میدهند که طالب تماشا باشد

باید چهار ساعت از شب گذشته در آن تماشا خانه حاضر شویم این دعویها را غرابت داشت چند هزار کس بجهت تماشا در ساعت موعود آنجا حاضر شده بودند بعد از آنکه بسیار معلوم شد که این فقرات اصلی شده و صاحب تماشا خانه تمسک بجایز شده بود صاحب این صنعتها امشب ناخوش شده است جمعی از تماشاگران افسوس شده بمنزل خود رفته بودند و جمعی دیگر اتفاق کرده بودند که مانع و بیم ما این تماشا خانه را خراب کنیم با بچه صاحب تماشا چند مقابل و جی که از آن شعبده باز برده بود بجزیه داد کرد

در اوقات شش هفت ماه قبل ازین در یکی دنیا زلزله شدیدی بود و عین آن زلزله هم در آن روز در سمت چین در جزیره سیمو واقع یافته بود و وقوع این دو زلزله بزرگ را دیگر نوشته

بودند بعد از آن یکی از اصحاب براق درین باب تحقیقات کرد
و نوشته است که فاصله وقوع این دوزخ را با یکدیگر
ساعت و هفده دقیقه بوده است و وقت این دوزخ با
چهار هزار و نهصد و هفده است که عبارت از اینقدر
فرسج باشد و تقسیم کرده است سرعت سیر این زلزله را
که هر سیصد فرسج را در یک ساعت طی کرده است

اعلانات

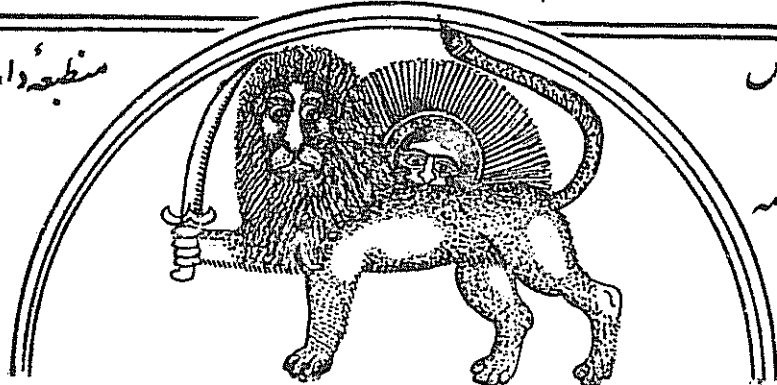
در روزنامه های سابق اشاری شده بود که عایجه میرزا
میرزا محمد حکیم باشی کل در علم حکمت و طبابت یک مجلد کتاب
تالیف نموده است و با نوار ناصیه که آن یک مجلد است
بر سه کتاب کتاب اول در فن تشریح است بر سبیل تفصیل
مجموع اجزای بدن را از خبری و کلی خواهم شرح بیان کرده است و در
ضمن بجا به پیش از حد تصویر کشیده است که هر لوحی که بخواهد
دارد و در هر جز از اجزا تصویر خواهد آن خبر از اجزا که را خواهد
از اجزا صغریه ای از و فنی و علام هندسی گذاشته شده است
و بعد از تصویر ات فنی نهاده که با آن اجزا که را یا صغریه ای با همان
سابق بعینه اشاره دارد میکند و در تزیین این فن دو فقه نوشته
شده است فقه اول در کیفیت تشریح کردن آدمی که هر یک را
چگونه باید کشید تا اجزا بدین صورت و در ضمن این ادوات و آلات تشریح
نوشته شده فقه دوم در کیفیت محافظت کردن آدمی که با او
و در هر سلاشی شود و با همان حالت باز و این کتاب تشریح را به شرح تصویر
وارد کتاب و در هر طبعی است که حال اسباب هر یک از اعضا را
هر یک از قوی را که میکند مثلاً منقسم شده اند و چه خواست که مکنون منجی
چنین در جمیع کیفیت است و خلقت چون است و اشیاء اینها و این کتاب
ثانی را اصول طبیعیه می نامند که این کتاب هم در حاجات است که بخواهد از ابتدا

روزنامه وقایع اتفاقیه پنج پونجم شنبه دوازدهم شهر ربيع الثانی مطابق اول شهریور ۱۲۷۳

منطبعة دار الخلافه طهران

قیمت اعلان

هر خط پنج



مهر سیدوس

قیمت روزنامه

هر نسخه شهر

اخبار داخله ممالک محروسه پادشاهی

دار الخلافه طهران

در این اوقات چون هوای دار الخلافه طهران با اینکه غیر تب
برستان است کمال خوبی و اعتدال را دارد و افواج قاهره
همه روزه در میدان خاج دروازه دولت مشغول مشق می
شوند و بجهت اموصحت و تندرستی افواج قرار شده است که روز
شنبه از هر فوجی یک دسته را فتنک کلوله داران قورخانه
مبارک که میدان که در بالای میدان اسب دوالی نشان گذار
تیراندازی نمایند در روز پنجشنبه گذشته اعلیحضرت آهس جان
شاهنشاهی ایدالتجیش سوار شد تماشا می شد افواج قاهره
شدند اول ملاحظه مشق و حرکات آنها را فرمودند بعد از آن
نواکر تفکیکی طایفه شش خلو حیدر انزلی و غیره که احضار شدند با
شده بودند با کمال ارادت و کفایت و بطرافت و حسن
رسیدن جوانان خوب را مد صاحب مضبان آنها را
طلا و سایرین با قطارهای نقره و فلکهای آنها کلا با
نقره بسیار با شکوه و ارادت تمام از نظر اقدس بایان
شاهنشاهی گذشت موردین و التفات شد حسب الامر مخصوص

کر دیدند که رفته کماکان در سرحدات خود با و موکب
از آنجا بفرستادند و چون تپه حرکت فرموده تا حوالی عصر در آنجا
مشغول کار و تفریح بودند بعد از صرف عصرانه در قصری که در
ساخته اند مبارک مبارک که سلطانی معاودت فرمود
از آنجا که غایت کماله شایسته حال عموم اعیان و اهل دولتی و نزدیک
لهذا از سرداران فاعلیه تقدیم خدمت این دولت و تپه علیهم
و بیعت در دو تپه ای جان می نمودند و در اسلطان نظام
پیر مرحوم سردار که در آن اوقات شرفیای خاکی بودند
شده کمال التفات و اجابت می نمودند و جواب اقدس می نمودند
در حق او بجز آمد و از سایر سرداران و رؤسای افغانه نیز
خجرا سان آمد و غرضم اینست که یک پان دهمه انداخته اند
محمد صدیق خان پیر محمد خان برادر محمد خان حاکم سابق
با دو نفر از مخالفان آنجا که جبار خان و محمود خان با و در آنجا
نواب امیر ده علی میرزا پیر نواب مرده ام الدوله ان عین لری
و بر دو منصب بر تنی سواره با جلا و بختیاری و فنی و کر و بر سر اوزار
فرمان مبارک صادر خلعت یونسم حجت شد

در روزنامه های گذشته در وجوب سفیر کبریا دولت علیه السلام
 فتح خاں بالا مبول نوشته شده بود و بموجب اخباری که درین روز
 بعضی ادیای دولت علیه رسید کیفیت عزیمت جامع برای آن
 نامه بایون اعلیحضرت بنای هی بحضور اعلیحضرت سلطان
 دوام التدا یام جلالها ازین قرار بوده است
 روز یکشنبه سیم شهر ربیع الاول که جناب امین الملک را با تذکره
 رستیه برای شکلاش بحضور اعلیحضرت سلطان دعوت کرده بودند
 پانزده ریس سلطان و دو ریس ب مخصوص خود اعلیحضرت
 با زین و یراق طلا ساعت در قرائح در سفارت رستیه حاضر کرده
 نفر میرا خورشیدی و هفت نفر دیگر در نزد اسبهای مذکوره بودند
 و نفر سیم از انبیا قوا صبا شهای با بجالی آمد ساعت در قرائح
 شش از سفارت رستیه جناب سفیر کبریا امین الملک یکی از اسبهای مخصوص
 سلطانی سوار شده خان وزیر مقیم صاحب مضبان سفارت کبری
 هم سوار شدند ازین پس جدید که در روی دریا واقع است مقرر کرد
 از سفارت رستیه الی سرای اعلیحضرت سلطان بقدر نیم ساعت راه
 داشت همه این راه از دو طرف دکا کین و خانه و آبادانی بود
 راه بقدر بیست جا قراونی نهایی سکر و ضبطیه بود کلا حین مقرر
 امین الملک صفیه سلام میکردند تا مرسیدن در باب اول
 اعلیحضرت سلطان صاحب مضبان سفارت کبری سوار ای جناب
 امین الملک و خان وزیر مقیم از اسبها پائین آمده و رهروی جناب
 امین الملک را میرفتند در در باب دوم جناب امین الملک هم از آن
 منزل کرده بقدر ده نفر سکر با لباس پاکیزه سلام دادند
 گرفتند کامل یک تشریفاتی در آنجا استقبال نمودند همینکه از در
 دویم داخل شدند عمارت خوبی بود مشرف بدیو و بیرون عمارت
 یعنی در محوطه عمارت بقدر صد نفر سکر با لباس پاکیزه نظامی

پیش فک کرده سلام گرفتند حین داخل شدن عمارت مذکوره بقدر
 بیت نفر مونیکا پنج خاص سلطان با لباس سرج صف کشیده با
 مونیکا نهایی نقره آلات که مخصوص سلطان است تعظیمات نظامیه
 آوردند بعد از دخول عمارت کامل یک تشریفاتی در سید یک تبرجم
 و عاصم یک که در دار الخلافه طهران با لباس رسمی پیش افتاد
 از پله کانه با لارفتند آنجا صفه بود بسیار بزرگ جناب فواد پاشا
 ناظر امور خارجه در وسط صفه با لباس رسمی لازمه پذیرائی را بکار
 و بالاتفاق داخل طاق بزرگی شدند جناب امین الملک را در صند
 طاق نشاندند خان وزیر مقیم هم در دست چپ جناب امین الملک
 بعد از یک صندلی نشاندند در آنجا بقدر نیم ساعت اقامت کرده
 امین الملک با جناب ناظر امور خارجه صحبت و ستانه میکردند چوق و قنوه
 آوردند تا می چوقها و طرف قنوه مرصع بود جمیع اتباع سفارت
 در آنجا بودند همه آنها چوق و قنوه دادند بعد از صرف قنوه چوق
 تشریفاتی آمده بحضور اعلیحضرت سلطان دعوت کرد از آن عمارت
 الی موقی که خود اعلیحضرت سلطان تشریف داشت ربع ساعت
 بود جناب ناظر امور خارجه درین وقت مسره جناب امین الملک
 راه میرفتند خلاصه از آن عمارت که بیرون شدند داخل یک
 گردیدند در آنجا بقدر صد نفر سکر و نفر سرنسک با لباس سرج
 پاکیزه پیش فک کرده سلام گرفتند از آنجا که گذشتند یک در
 بزرگی بود از آن در باب داخل یک باغچه وسیعی شدند که در میان
 آن باغچه حوض بزرگی واقع و طرف شرقی باغچه دریا و طرف
 دیوار محلی بود که سر سردیوار را با آئینه موقی ساخته و میان
 آن انواع اقسام درخت میوه ترتیب داده بودند و خود وسط
 اطراف باغچه مشتمل با انواع گل و ریاحین بود در دم در باب اول
 اعلیحضرت سلطان با پنج نفر اقوان خود با لباس رسمی پذیرائی

۱۹۹۰

بعد از اجرای تعظیم پیش جناب این الملک قاعدند در آنتر
 با نچه پیکان بزرگی از سنگ مرمر بود عدد آن پیکانها بقدر
 پیکان بود از جانبین در گوشه هر یک نفر از اول خاص
 که عبارت از بیت نفر با شاز بایں تا با لاصف کشیده و با
 کلی پوشیده و کلاه سرخ که نو ظهور است و از محل تریب داده اند
 بر سرشان گذاشته و هر یکی یک البقی در پیش روی آن کلاه
 زده و طبریزین در دست تپاده سلام گرفتند از آنجا که داخل
 شدند در دم در بباشن باین چی که اشیک آقاسی باشی باشند
 نشان و لباس رسمی با چند نفر استقبال کرده با کمال
 بعد از اجرای تعظیم پیش جناب این الملک قاعدند از آنجا
 بود بزرگ در دو طرف آن صفه از غلامهای خاص سلطانی
 با لباس کبود صاف کشیده و بشیرن کلاه سرخ گذاشته و با
 زده استیاده بودند سلام گرفتند از آنجا که مرور کردند بیک
 وسطی رسیدند که پردای زنبوری آویزان کرده بودند در آنجا
 بقدر نیم دقیقه تجمه شکاف بیرون آمدن اعلیحضرت سلطان
 شد بعد از آنکه از آنکه داخل شدند از اول در بپیکان بود
 تا بالا علی التحین بقدر پنجاه پیکان بالا رفتند در نصف راه پیکان
 از جانبین پیکان بود یعنی دو شش استیاده بودند در نصف راه
 و قبه بزرگی آن صفه را پوشیده بود یعنی سقف آن صفه شش
 قبه از بلور سرخ بود و عکس آفتاب که بان قبه افتاده بود همه
 محوطه و هر چه در آنجا بود از اطلاق و ایوان و اشیاء و غیره کلاً
 از عکس آن سرخ رنگ شده و چیز بسیار غریبی منظور میشد در
 طرف صفه غلامها صاف کشیده سلام گرفتند از پیکانها که با
 رواقی بود بسیار خوب از آن رواق اعلیحضرت سلطان بایں
 شدند از آنکه از رواق که ششده اطلاق بزرگی صفه مانند

بود در صدر آن یک فرش سبزی زیر پای اعلیحضرت
 سلطان فرش کرده بودند اعلیحضرت سلطان در روی آن
 فرش سربا استیاده بودند نشان مرضعی استعمال کرده و
 یک لباسی از روی البت خود پوشیده بودند که فرما نمیکردند
 سردست و بیخ آن مرضع و ششیر مرضعی بسته بودند جناب
 امین الملک اتباع سفارت کبری همه با البت رسیدند و با
 از رواق که داخل شدند بقاعده ایران لازمه تعظیم را اجرا
 داشتند و بعد چند قدمی که پیش رفتند و تعظیم نموده استیاده
 جمیع اتباع سفارت هم آنها یک اهل نظام بودند نظامی
 کردند و موافق قاعده و آداب صاف کشیده استیاده شدند
 فیما بین اعلیحضرت سلطان و جناب این الملک بقدر چنان
 بود ناظر امور خارجه در طرف راست و در جناب این الملک
 استیاده خان وزیر مقیم هم بدو قدم فاصل از جناب
 امین الملک استیاده بود و جناب این الملک بعد از حاضر شدن
 در حضور اعلیحضرت سلطان و معروض داشتن تقریراتی
 که بابت ابلاغ ماموریت خود را بان واسطه نایب نامه بان
 اعلیحضرت شاهی را بلا واسطه خود با اعلیحضرت سلطان
 ابلاغ نمود اعلیحضرت سلطان هم از آنجا یک استیاده بودند
 یعنی از روی همان فرش یک قدم پیش آمده نامه ها یون را
 با دست خود از جناب این الملک گرفت و در نزدیکی اعلیحضرت
 سلطان نیز بسیار خوشی گذاشته بودند نامه ها یون را
 بناظر امور خارجه دادند و اشاره فرمودند بروی همان
 میز گذاشت اعلیحضرت سلطان از سلامتی ذات محضه
 سرکار اعلیحضرت اقدس شاهی سؤال فرمود جناب
 امین الملک عرض نمود و وقتی که کمال میل را باز دیاد دوستی

اعلیحضرت سلطانی داشتند این بنده را مأمور نمودند و بعد از
احوال جناب این الملک سوال فرمودند که آیا درین سفر جناب
ایلیخان خوش گذشته است یا خیر جناب این الملک
نمودند که از شدت شوق زیارت اعلیحضرت سلطانی در
نهایت خوشحالی و انبساط طی مسافت نموده تا باینجا
جلیل مشرف شده ام بعد از آنکه اعلیحضرت سلطان فرمودند که
نهایت امتنان و مسروریت از دیدن نوکرهای محترمه اعلیحضرت
پادشاه ایران دارم جناب این الملک عرض نمودند که قدر
منزلت این بنده بواسطه درک شرفیابی حضور اعلیحضرت سلطان
بعد ازین در خدمت اعلیحضرت ولی نعمت خود هم شتر از این
خواهد شد اعلیحضرت سلطان بواسطه این بیان مطبوع خاطر
نسبتتمی فرمودند و بعد از آنکه اعلیحضرت سلطان تبسط
جناب ناظر امور خارجه احوال خان وزیر مقیم را استفسار
فرمودند و خان وزیر مقیم هم اجرای تعظیم را بعمل آورد و بعد
مرخص شدند بعد از بیت دقیقه مکالمه واقع گردید از اول
الی آخر اعلیحضرت سلطان سرپا ایستاده بودند چنانچه
هم با کمال آداب تعظیم نموده باز با شش پایی و منشی اول
و تشریفاتی و سایرین پیش جناب این الملک افتادند
از زمان پله کانه که پائین آمدند بیک طاق بسیار نظیف
گرفتند و در دم در بلاق بعد از بیت نفر از طلاهای محلی
سلطانی بآلباس کبود و کلاه سرخ و البقدار ایستاده ام
گرفتند جناب این الملک ناظر امور خارجه و جمیع اتباع
داخل طاق شده در آنجا هم بعد از پنج دقیقه قامت کرد
شربت آوردند و صرفت و بعد از آنکه برخاستند و بر سر
آن طاق جناب ناظر امور خارجه با جناب این الملک و خان

وزیر مقیم و سایر صاحب مضبان سفارت خدا حافظ نمودند
باز ایشانیک آقاسی باشی و منشی اول و سایرین پیش افتادند و
دم در بلاق آخری محوطه عمارت آمدند از آنجا ایشانیک آقاسی باشی
مکرم کرده خدا حافظ نمود از پله کانه ای مرمر پائین آمده در حین
باز منشی اول بار نقاشی تا دم در بلاق آخر پیش افتادند و در
موقعی که در بالان گذار شده است عکرها و سایر خدام ایستاده سلام
میکردند و در دم در بلاق دوم منشی اول و کامل بیک تشریفاتی باقی
تعظیم نموده و خدا حافظ کرده و رفتند جناب این الملک با خان
وزیر مقیم و در دم در بلاق دوم سوار شده و اتباع سفارت تا دم
در بلاق اولی در پهلوی جناب این الملک بودند در آنجا سوار
شدند ساعت در قرار نه و در سفارتخانه مبارکه گردیدند
مقرب آنخاقان محمد یوسف خان سریت حاکم یزد و عالیجا
میرزا شعیب وزیر یزد که باذن و اجازت اولیای دولت علیه
بتعقیل عتبه علیه غرمت کرده بودند در این اوقات وارد دربار
جانبازارهایون گردید جناب مستطاب اشرف ارفع محمد
صدر اعظم مستقلین برای ورود و مقرب آنخاقان شارالیه از اول
و در استکان خودشان با استقبال فرستاده با نهایت احترام
وارد شده اول خدمت جناب اشرف ارفع رسیده با طلا
کمال عطوفت و مهربانی سرفراز و بعد از آن شرفیاب حضور
آقایون شاهنشاهی گردیده لازم مرجمت ملوکانه در حق
مقرب آنخاقان شارالیه مبذول افتاد

در روزیکه مثال پیشال حضرت امیر المومنین صلوات الله علیه
ریب پیکرهایون اعلیحضرت شاهنشاهی خلد الله ملکه سلطانه
محض التفات و محرم در حق امیر الامراء العظام مقرب آنخاقان سرفراز
کل عا کربا هر یک ثوب طبعیه ترمه استرخر که از لباسهای مخصوصه تن

۱۹۹۲

مبارک بود بهرزی الیه جنت و عنایت فرمودند

چون مقرب الخاقان حاجی علیخان حاجب الدوله بموارا وقت
سجس خدمتگاری و کفایت کار دانی خاطر اقدس بایون
شاهنشاهی و امنای دولت علیه را از خود خرسند دار خصوصاً
در شیلان جشن ن مبارک مثال بمثال حضرت مولای
مومنان سلام الله و صلواته علیه که از جانب جناب شرف
ارفع با و رجوع شده بود از عهده مجالس ضیافت خوب
لهم امور و عنایت جدید آمده با عطای یک اصله چوب
سرمشق که از لوازم شغل حاجب الدوله او بود قرین افتخار
مبایعات آمد

چون عالیجا به تبحر این العظام مقرب الخاقان محمد ابراهیم
سرتیپ افواج فریدن و سه دهی همیشه در خدمات محوله خود
مساعدی مشکوره معنی داشته بطور شایسته از عهده خدمات
جان نثاری برآمده بود و افواج ابواب جمعی خود را در کمال شکر
و نظم و آسستگی نگاه داشته بود خدمات او بوجه حسن در
هایون علی حضرت هشتای مقبول و ستیخ افتاده فوج چهار
اصفهان را نیز علاوه بر افواجی که داشت با و ابواب جمع فرمودند
که افواج شش اصفهان سپرده با و بوده در کمال شکر و آرا
نگاه دارد و فرمان بایون هم درین باب شرف صدور یافت
عالیجا به میرزا مهدی قشقی نظام که بکالتش نظام و ثنای
مراتب استعداد و شایستگی او مشهود و ملحوظ خاطر اقدس بایون
شاهنشاهی و اولیای دولت علیه گردیده در این اوقات افرا
فرمان مهرمان مبارک منصب جلیل نایب اول عساکر قاهره
خطاب مستطاب خانی سرفراز گردید

عالیجا به مقرب الخاقان آقا جانخان سرتیپ فوج بهادران
چون در ماموریت عربستان و محسره خوب خدمت کرده
و نوابت طالب آسم الدوله حکمران عربستان و لرستان
و بختیاری و بروجرد اظهار رضامندی از خدمات
مدر بار بایون نموده بودند محض مرحمت ملوکانه یک قصه
شبه تمام یراق طلا با فرمان مهرمان سرفراز گردید

و همچنین عالیجا به مقرب الخاقان محمد اداخان سرتیپ فوج
نیز در ماموریت آن صفتی از عهده انجام خدمات محوله
سجود خوب برآمده و نوابت هراده آسم الدوله را از حسن
خود راضی و خرسند داشته بود لهذا از جانب
ملوکانه بکثرت جنبه کرمانی اعلی برسم خلعت با و محبت
کردید

چون عالیجا به مقرب الخضره العلیه حاجی محمد علیخان حاکم کنکاد و نظم
ولایت و انجام خدمات دیوانی و حسن لوک بازو و مترددین
مراتب اتمات خود را مشهود خاطر اولیای دولت قاهره
بود و لهذا درین اوقات لغوه فرمان مبارک با فتحا رشا علیه
صد و یاقه بکثرت جنبه ترمه از خایه خاص برسم خلق در حق محبت
عالیجا به علی قای سرنسک خایه از فوج و نایب اجدان با شتی چون
در کمال صداقت تمام مشغول خدمت بود فوج کمره را از قرا
فرمان مبارک سپرده او فرمودند و حسب الامر مقرر
شد که معجلاً بکرمان رفته مشغول سربرسی فوج ملبور
که مامور آنجا است بشود

سایر ولایات

اصفهان

از قریکه در روزنامه اصفهان نوشته اند فوج چهارم که مأمور فارس بودند وارد اصفهان شدند و نواب سبط شاهزاده و الایب حجت الدوله حکمران اصفهان ملا خطه آراستگی آنها را نموده مورد تحسین شدند و بعد از دو روز در اصفهان روانه فارس گردیدند

دیگر نوشته اند که قات قریه کو شک من اعمال بلوک مابین از جمله قریه عظم است و خدسال بود که غراب بی آب و باغ خنارت دیوان و پریشانی رعایا گردیده بود علیجاه مقرب الحضرة میرزا کی پیشکار اصفهان حب احکم نواب اثر از شهر صفر سنه ماضیه تا او اخر شهر ربیع الاول بده بسته مقتی های صاحب و قوف بجار انداخته اغلب روزها روزی سشت مضاف چرخ کار میکرد ریز که طول عرض قات منور زیاده از سایر قنات آنجاست و فاصله هر جای بجاه دیگر از یکصد و پنجاه ذرع بیشتر است و در چند جا پیش بسایر صلب و سخت است که بابت از کلک سنگ ترش شده شده آب جاری شود تا کنون بقدری آب جاری گردیده که چهل خردار بندر کاشته شد و بار هم مقتی و عمل کا کار در کارند که تا کامی آنجا را تمام نمایند و کان دارند که بعد اتمام تنقیه آن آب زیاد جاری بشود و این معنی زیاده با اتمید واری و دوا کوئی رعایای آنجا گردیده شاگردان دولت جاویدت علییه شدند

دیگر نوشته اند که وفور نعمت در آن ولایت حاصل است و سجد الله از هر گونه اجناس و ماکولات کمال وفور ارزانی را دارد

بروجرد و عربستان

از قریکه در روزنامه بروجرد نوشته اند در یوم دهم شهر ربیع الاول فرستاده علیجاه مقرب الحضرة میرزا ربیع مستوفی خدمت نواب طاب نهاده و الایب خاظم میرزا حکمران بروجرد و عربستان و لرستان بختیاری وارد و مرده فتح هرات را رسانده بود نواب معنی الیه اولاً

کیطاقه شال کشیری بزرگانی بگردن فرستاده منور باشد و یک طاقه شال کشیری بسیار ممتاز هم برای علیجاه میرزا ربیع که چهار روزه مرده این فتح و پذیرا رسانده بود و در آن فرمودند تا در بیت و دویم ماه منور که فرمان هاتون بشا در باب فتح هرات با فتح نواب معنی الیه شرف صدور یافته بود در حرم آبا و فیلی بر تو وصول انداخته نواب معنی الیه تا سه روز سلام جشن و شادمانی منعقد نموده و در هر سه روز اجرای توپ نموده و نقاره خانه شادمانه نواختند و بجهج ولایات ابواب جمعی خود اخبار نمودند که سه روز نقاره شادمانه نوازند و شلیک توپ نمایند و در همه ولایات حب الامر معمول داشته ملو از جشن و شادمانی بپردازند خاصه در محجره که سه روز ملو ازیم اقدام نموده بقاء عدا عراب که در مقام عیش از هر خانه بیدقی بالا می کنند تا سه روز از هر خانه بیدقی بلند گردند و نواب اکبر میرزا نایب الحکومه بروجرد نیز حب احکم نواب حجت ام الدوله شایسته شهر بروجرد را چراغان و این بند می نموده و فرمان ملو مبارک را در مساجد که محل اجتماع جمیع فضلا و متعین و عمویم اهل آنجا بود در منابر خوانده مضمون این فتح نمایان را گو صغیر و کبیر و برنا و پیر نموده همگی زبان بدعای از دیاد شوکت دولت قوی شوکت کشودند و هم چنین نواب جلال الدین میرزا نایب الحکومه

دولت قوی شوکت کشودند و هم چنین نواب جلال الدین میرزا نایب الحکومه

لرستان در خاوه که محل اردوی او بود بلام نوشته شد
توپ نمود و تمامی ایلات و طوایف لشکرش و خاوه
سده و دلفان امر شد که شبها در کوه و صحرا آتش افروخته
بر اسم شادمانی اقدام نمودند و اسم چنین عالیجا عبداللہ
نایب بختیاری و جاپلق حبس حکم بر اسم عیش و شادمانی برادر
تمامی ایلات بختیاری و دماط جاپلق لازمه سرت و سر
بعل آوردند

فارس

از قرار یک در روزنامه فارس نوشته اند مقترب انخا
مصطفی قلیخان میرنجه بنا بر نجه لار و بندر لنگه غلظت
و از انجا بختیک رفته قرار امورات انجا را هم داده حرکت
کرده در بیت و دویم ماه صفر وارد بلوک رگنا باد شد
در انجا توقف دارد

دیگر نوشته اند که فوج کزازی که مأمور بستان بودند بعد از
ورود بخرم آباد نواتها را حاکم الله و له سه روز آنها
نخا داشته سیورت عرض راه آنها را تا دزفول حمل نمودند
چا در مارا که در بر و جرد کام کرده بودند کلاً را تحویل فوج
کرده آنها را روانه بستان نمودند و سه روزی که در
بودند کمال نوارش با آنها شده خود نوات معزتی الیمین
فوج مزبور رفته صاحب مضبان و احاد و افراد آنها را مود
التفات نمودند و قورخانه مضبوط از هر نوع اسباب بعد
سید ما بجل قاطران بکارهای شتری وجه گریه نقد
مصحوب فوج مزبور روانه نمودند و مقرر شد که متعاقب
هم پی در پی قورخانه روانه شود

حرم

از قرار یک در روزنامه حرم نوشته اند سابقا از انسانی
علیه حکم شده بود که مقترب انخا قان چراغی خان حاکم
موجب سوار و خانواری سرناخته را با آنها عاید سازد
مقترب انخا قان مژ را لیه زیت و ششم ماه ربیع الاول
شروع بدادن تنخواه سواره مزبوره نموده یکدسته را کما
شده بودند تنخواه آنها را نفرین بدست خود با آنها تسلیم نمود

دیگر نوشته اند که امالی لار بواسطه مورتی که منصور
صفحات توهم بخود راه داده خرمهای خود را کوبیده و غلظت
انبار کرده شهرت داده بودند که امسال غله در لارستان
کم یا است بعد از آنکه بعد رسه هزار جزو غله بجهت سیورت
مقشون محل و نقل لارستان شده و تحویل گردید نزع غله
در آنولایت تزل کلی بهم رساند و امالی لار این عمل
کردن غله بسیار نادم و پشیمان گردیدند و معلوم شد
ثلث غله انبارهای دیوانی انجا درین سینه مضرب
کردستان

کردستان

از قرار یک در روزنامه کردستان نوشته اند کمال
مقترب انخا قان مژ را لیه زیت و ششم ماه ربیع الاول
شروع بدادن تنخواه سواره مزبوره نموده یکدسته را کما
شده بودند تنخواه آنها را نفرین بدست خود با آنها تسلیم نمود

و استقام در آن ولایت حاصل است و رعایا آسوده و
بدعا کونی ذات اقدس بایون شاهنشاهی اشتغال دارند
و مقرب الخاقان و الی در انجام خدمات دیوانی و حصول
موجبات آسودگی رعیت کمال مراقبت و اهتمام را بجای می
آورند
از قراریکه در روزنامه جو از و نوشته اند در ایام محرم
خود بصحرای رفته بیای درخت مازوج رسیده بودند زن
اصرار بسیار بر شوهر خود کرده بود که در پای درخت قبری
مکتب نماید تا او بالای درخت رفته مازوج بچیند شوهر
شده و زن بالای درخت رفته بود ناگاه ماری آن صغیره
در بالای درخت گزیده بود بطوریکه فوراً اجزایش متلا
شده از درخت فرو ریخته بود شوهرش از شدت خوف
و واهمه رو بفرار گذاشته بجزایر و آمده مردم را خبر کرد
جمعی با او بیای آن درخت رفته هر قدر تفحص کرده بودند
مار را نیافتند بودند
دیگر نوشته اند که قریه قلیجان که از مضافات جو از و است
و بیشتر از ده دوازده خانوار سکنه ندارد و در چهارم محرم
ناگاه آتش بجایهای آنها افتاده بطوری دفعه تمام خانه
شتعل شده بود که نتوانسته بودند خاموش نمایند تمام
اهالی آن قریه از بزرگ و کوچک از خانههای خود فرار کرده
بصحرای کرختند و شب راهمه در صحرای سمر بردند صبح که بخانهها
خود آمدند در هیچ جای آتش اثری نیافتند ولی تمام خانهها
و اثاث البیت و چهار پایان خود را سوخته و کستر
دیدند
دیگر نوشته اند که در این اوقات یک نفر از فرشتان مقرب
ن

والی که بجهت اخذ مالیات دیوانی یکی از دوات حول و خوش
قبصه سنج رفته بود در اینجا بپیش شخصی که موسوم بقبله رسته
و سابقاً از قراریکه مذکور کردید از قطاع المطر لقمهای مشهور بود
آن فرشتا را زخم زده و جواب گفته بود مقرب الخاقان
بعد از استحضار یک نفر لوگو خود را با چند نفر سربازان
رسته نام و پیش کرد که آنها را گرفته بیاورند رسته نام با سپر
خود فرار کرده در قریه دیگر پناه بپیش علی بیک کله بردند در خانه
انگشتند تا مورین رفته بودند آنها را بگیرند صاحب خانه گفت
بر خواسته طرفین نزاع و زد و خورد کرده و برین دعوا سب علی
مقتول گردیده و رسته قلع را با پیشش گرفته بسندج آورده
و الان هر دو نفر محبوس هستند
کرمان
از قراریکه در روزنامه کرمان نوشته اند امور آن ولایت حسن
مراقبت و رعیت داری امیرالامراء العظام سپه دار و رعیت آن
و عموم رعایا و برابانها ساطندان و آسودگی مشغول کارند
در عتی خود و دعا کونی ذات اقدس بایون شاهنشاهی
و امور طرق و شوارع و دوشه جات مضبوطه در همه جا
و مستحق مشغول حفظ و حرارت میباشد و زوار و قوافل با کمال
خاطر جمعی عبور و مرور میکنند چنانچه در این اوقات زوار
حربان و قافله خراسان و فارس و یزد وارد شده و کمال
سکرامه و رضامندی از امانت راهها داشته اند و قافله
امتعه خود را بمصرف رسانده متاع کرمان خریداری نموده
روانه محال خود گردیدند
و همچنین امور شهر و محلات در کمال استقامت است و داروغه و کدخدایان
مستوجب نظم شهرند و از احدی خلاف حساب بپوچهاشی و صایده
ن

روزنامه قایم القایه پنجشنبه پنجم ماه ربیع الثانی مطابق سال لوی میل ۱۲۷۳

منطقه دارالخلافه طهران

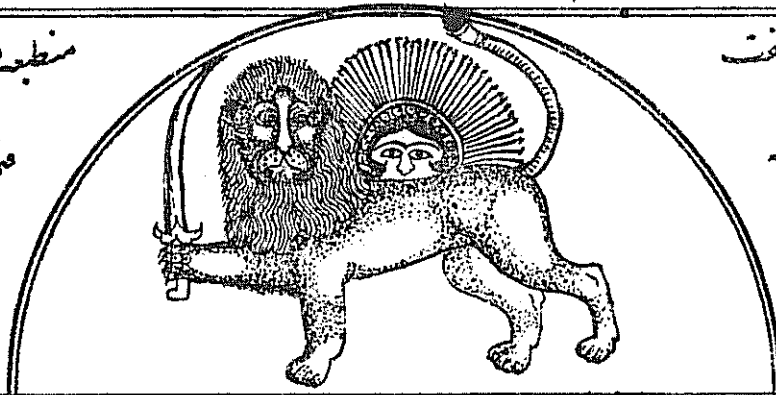
نمره سیصد و هفت

قیمت اعلانات

قیمت روزنامه

هر خط پانزده

هر نسخه دوازده



اخبار دوله ممالک محروسه پادشاهی

دارالخلافه طهران

نتیجه الامار العظام سردار سلطان علی خان مظفرالدین
که از قتل با رجز عمده بوسی غنیمت دربار گردون
کرده بود با اتفاق جناب حاجی ملا عبداللہ کہ از فحول علمای
افغانستان است وارد شده و ورود آنها در روزنامه
سابق نوشته شده بود در این روز کاشف اندر
حضور نمایون علیحضرت قوی شوکت شاهی خلد
ملکه و سلطان شده و مورد مرحمت ملوکانه گردیدند
جناب جلالت آب شرف امجد ارفع ختم صدر عظمی
رسیده از جانب جناب معین الملک کمال تقی و مرآت
در باره ایشان بعل آمد
افواج ملکه اصفهان کہ ابوالحسن مقرب انخافان محمد
سرتیپ است مقرب انخافان مشا را لیه حب الامیر
هایون با افواج خود ما مور فارس گردید و موازی
کلیجه ملبوس تن مبارک از جانب سنی ابوالحسن
هایون شاهی برای مزید مغایرت و امیداری در
دو نفر سید که پدر و پسر بوده اند از دارالخلافه طهران
پاره اقمه بزازری خریدہ روانه حران شده بودند
و نفر از اشرا و سران آنها شده در بین فرصت
پدر و پسر هر دو را کشته اموال آنها را برداشته و قتل
بودند در ترشیر عالیجا مقرب الحضر العلی
قاجار که حاکم آنجا است آنها را گرفته محبوس کرده
اموال مقتولین را با تمام از آنها گرفته کیفیت را با
دولت علیه معروض داشته بود حکم جہا منقطع
اقدس هایون شاهی صادر شد کہ قاتلین را
برده در مشهد مقدس موافق حکم الهی کہ و لکم فی القصاص
حیات بیات برسانند و اموال مقتولین را فور
ارض اقدس مقرب انخافان عضد الملک متولی
باشی سرکار قبض اثار بسیارند تا در شہ آنها که پیدا
شد مقرب انخافان مشا را لیه اموال مرثیه را بوی
مقتولین رد نماید

بعد از رفتن عالیجاه موسیو قنصل دولتی
دوره و جناب موسیو قنصل رز در دولت بهر
مدیر با راند دولت علیه و اطلاع و استحضار اینکه رعایای
دولت انگلیس در عین سفارت دولت بهر دوره سپرد
دولت فرانسه است و لیای این دولت امی رعایای دو
انگلیس را از جناب رز در دولت فرانسه مطالبه نمودند که با
درسم بشناسند و سفارش بلیغ نمایند که مراقبت کامله
و امانت و اسودکی آنها را دام که خلاف قاعده از آنها ناشی
نشود بعمل آورند عجب اینکه دوسه نفر هندوستانی و غیره که
رعیت مخصوص دولت انگلیس بودند و در دار الخلافه طهران
مباشند در میان سیاهه نوشته شده بود اما چند نفر
اشخاصیکه از اهل ایران هستند و بعضی هم نوکر موب
ایند و لیکن و برخی هم میباشند و ندارند و خلاف
شان و احترام خود میدهند این سناد را با ایشان داده
که عالیجاه قنصل مشایر الیه سامی آنها را به سیاهه
باشد در جزو سیاهه نوشته شده بود از جمله نواب مستجاب
شاهزاده فرهاد میرزا است که اسم او را هم قنصل مشایر
در جمع تبعه انگلیس داخل سیاهه کرده بود بعضی اینکه نواب
از این مراتب مطلع شدند بدون اینکه با ولیای دولت علیه
خبر دهند که غدی جناب رز در فرانسه بنی بر عهد میل و
خودشان بحایت دولت انگلیس در سفارت فرانسه نوشته
با آدم خودشان فرستادند و جناب رز در فرم جواب
کاغذ ایشان را مشعر بر خارج کردن اسم نواب مغربی الیه
از سیاهه رعایای انگلیس و حمایت سفارت فرانسه که بجای
سفارت انگلیس نوشته فرستادند نواب مغظم الیه با ولیا

دولت علیه واقع را بنحویکه نورانها نموده کاغذ جناب رز در
فرانسه را برابر و خوشش نمودند که در دفترخانه وزارت امور
صنعت و ثبوت باشد که من بعد هیچ وجه من الوجوه ازین مقوله ذکر
نشود لهذا مضامین سوال و جواب توابعی الیه و جناب
دولت لفظاً بلفظ درین روزنامه نگاشته میشود و آن این است
سواد کاغذ نواب فرهاد میرزا جناب رز در فرم
جناب رز در فرم دایم مجید مذکور شد که آن جناب درین
اشخاصی که سامی آنها را با ولیای دولت ایران معلوم داشته
که در حایت تبعه انگلیس هستند اسم اینجناب را هم نوشته اند
و اینجناب تحت افزاید که من در حایت هیچ دولتی نیستم
و چاکر اعلیحضرت شاهنشاه هجماه روحنا فداه مسم و مولی
ولی نعمتی بنحویکه وجود مسعودها یون روحی فداه ندارم لهذا
میدهم که اینجناب ازین فقره اطلاع بهم رسانیده و اگر صلاح
بداند مراتب را بنحویکه حلالیت آب و زیر مختار دولت انگلیس
مری و دام مجده اعلام دارند تحیرانی یوم است با شهر بیج
سواد و جناب رز در فرم نواب فرهاد میرزا
خدمت سرکار شوکت مدار نواب مستجاب و الاعرض میشود
از قراریکه مرقوم فرموده بودند که اسم شریف نواب و الامور
سیاهه که از جناب عالیجاه بلند جایگاه دوست مکرم مهربان
سیونس قنصل دولتی بهر انگلیس در دست مخلص بود
است با سامی اشخاصیکه تبعه دولت بهر انگلیس نوشته شده
مرقوم کردید است و نواب والا حایت هیچ دولت و پا
مایل نیستند و قبول نیفرمانند مگر چاکری و بندگی سرکار اعلیحضرت
اقدس شهبازی را و نیز فرمایش رفته بود که مراتب اینجناب
جلالت لصاب مشفق مکرم مهربان موسیو موره وزیر مختار دولت

بهتیه انگلیس اظهار نماید حسب الفرائض سرکار نواب و الا
 ورزیده حمایت را از نواب و الا برشته اسم شریفان را
 از جریده اشخاص مرقوم نموده چون لازم بود عرض شود
 فی شب دوشنبه ۱۰ شهر ربیع الثانی ۱۲۷۳
 عالیجا میرزا هاشم خان نوری که در سفارتخانه انگلیس
 و جناب سرتیموره وزیر مختار دولت مزبور من غیر حق در سر
 سنوال و جوابها با اولیای دولت علیه کرد و سختیها نمود
 اینکه با مال ترک مراد و با اولیای این دولت نموده سفارت
 انگلیس از خاک ایران بجاک دولت عثمانی نقل نمود بعد از ترک
 مراد و رفتن از ایران و اراک کان در سفارتخانه انگلیس
 بهت عالیجا سرتیمونس قونسول دولت مزبور رسید و او
 کمال مراقبت داشت که مبادا خان شالیه رو به دولت خود
 بیاورد و وقتی که قونسول شالیه هم اراده غیبت بیرون
 رفتن از خاک ایران را نمود چون از قرار دستور العمل دولت
 متبوعه خودش رعایای مخصوصه دولت خودش را میبایست
 بجمایت سفارت دولت فرانسه بکند و در سفارت فرانسه
 از دربار این دولت علیه غیبت کرده بود میرزا هاشم خان
 بی دلیل حجابی تبعه دولت خود فرض نموده موقتاً تا آمدن
 شازده فرد و دولت فرانسه بفرست دولت عثمانی فرستاد
 و غافل از اینکه شخص نوری که خانه زاده نوکر دولت علیه ایران
 بوده است محض اینکه چند وقتی بخالات دور و دراز باطل خود
 حرکت نماید و سفارتخانه انگلیس برود و اولیای این دولت
 دوستی دولتم ایران و انگلیس و احترام سفارت انگلیس متعرض
 او نشوند تبعه انگلیس محسوب نخواهد شد و فوق قوه و قدرت و قضا
 نظم داخله دولت ایران خواهد بود که ابداً نتوانند او را مثال
 او را تبعیت دولت خارج بشناسند پس از آنکه خارج از قضا
 شازده فرد و دولت بهتیه فرانسه وارد دربار دولت علیه
 جناب شازده فرد و دولت علیه عثمانی میرزا هاشم خان دلفی
 دولت فرانسه تسلیم کرد و میرزا هاشم خان دید که دیگر نمیگفت
 ندارد که او را اغوا نماید و پیش برآمده طغف سکوک و رقبا
 خود کرد دید برکنده شده با افسوس حوزده اصلاح امور خود را
 منحصر باین دید که دست خراست بدامن غنایت و محنت
 اولیای دولت علیه بزند بموجب نوشته و اظهارات شایسته
 مکرره بجناب شازده فرد فرانسه اشعار نمود که من کمال اطمینان
 جان و مال و احترام خود را بر اسم اولیای دولت خود میسپارم
 احتیاج بجمایت دولت انگلیس و حمایت سفارت فرانسه
 که آلا ن بجای حمایت انگلیس است مذارم و سبر نوگری و عسرت
 خود میروم و در پناه ولی نعمت خود خواهم بود و راضی
 نیستم که حالا و آلا سفارت انگلیس و سفارت فرانسه بکلمه
 حرف درآمده من بزند جناب شازده فرد فرانسه مراتب
 اعتقاد و اظهارات میرزا هاشم خان را در ضمن مسئله
 رسمیه با اولیای این دولت اظهار داشته خارج کردن
 از تحت حمایت سفارت فرانسه که بجای حمایت سفارت
 انگلیس بود اعلام نمود و میرزا هاشم خان خودش بی تو
 احدی از خارجه با اتفاق عالیجا مقرب بحضرة العلیه میرزا
 شرفیاب خدمت اولیای دولت علیه کرده و عفو و اعراض
 ملوکانه شامل حال او گردیده ببدل مرحمت و غنایت عطا
 حلف سرفراز گردیده در کمال امیدواری و اطمینان خاطر
 سبر نوگری خودش برقرار گردید و اولیای دولت علیه ایران

[illegible]

سایر ولایات

آذربایجان از قریکه در روزنامه آذربایجان نوشته
بحال امنیت و انتظام در آن ولایت حاصل و عموم ملی و رعایا
آسوده خاطر بدعا کونی ذات اقدس بایون شاهنشاهی
اشتغال دارند

دیگر نوشته اند که در روز نهم ماه ربیع الاول که روز
مولود مسعود جناب خاتم الانبیا صلی الله علیه و آله بود نواب
شاهزاده والایان حضرت الدوله نایب الدیالیه ملکت آذربایجان
و معتمد دربار سپهر امم مقرب الخاقان قایم مقام بقرا محمول
بر اسم این عید سعید را بتقدیم سائید سلام عام الخاقان
شکرت و بجلال مدوهم در آن روز مبارک فرمان مطاع
هایون که مشتمل بر فتح قطعه هرات و اتصال با عیان دولت
جاید بنیاد و منظم شدن عساکر منصور بود شرف و
ارزانی داشت الهی آذربایجان که از دل و جان فدوی
دولت ابدش هستند و پیوسته از دیاد شوکت اعلیحضرت

شاهنشاهی خلد الله ملکه و سلطان را از خدای عالمان خواهانند
ازین خبر بهجت اثر که دلیل بر کمال اقبال بخت بلند پادشاهین
سجده یکم فریدی بران منصوریت قرن فرح و سرور و خوش
موفق گردیدند و دعای استقامت شوکت بیروال و استقامت
دولت ابد اتصال را اوراد غده وصال و بدگر احمد الله
از بهب غنا بجزن رطب اللسان گردیدند نواب مستطاب نصره الله
و مقرب الخاقان قایم مقام جارچی انداخته جا کشیدند
شهر تبریز بازار و دکانین خود را این سببه شب چراغان
کنند و روز نهم در میدان سر بازار خانه متصل بکار
عام شد و جوه اعیان و اشرف و ائمه و خوارین و میران بجهت و

بسرگردگان عظام و صاحب منصبان نظام و تجار و کسبه و
رعیت کلا در میدان منور مجتمع شده خطیب فرمان قضا جرایم
کوشر خاص و عام کرده جمهور اهل بلاد اظهار شکرت کرداری نمودند
بعد از آن شکرت توپ شده پنجاه و پنج تیرت دیانه انداختند
بعد از انقضای شکرت سلام اعیان و اشرف و سرگردگان

در اطراف قهائی که قبل از وقت برای هر طبقه مخصوصا علیین
شده بودند نشستند از جانب نواب شاهزاده نصره الدوله و مقرب
قایم مقام شیرینی آلات با طاقهای منور فرستاده شد
اسبابین و طبیب نیز آمده بود روز دوم و سیم نیز همین
منوال مراسم جشن و سرور مرتب بود و هر روز بدستور پنجاه
تیر توپت دیانه شکرت شده و شبها کل بازار و کاروانسرا
این بندی و چراغان بوده هر شب رادرمیدان سر بازار
تجارتی خوب فراهم آورده و ادعیش و شادمانی را دادند نواب
شاهزاده نصره الدوله و مقرب الخاقان قایم مقام مبارک آمده
الهی ملکت ابرهم اعلیحضرت اقدس بایون شاهنشاهی دامت شکرت
امیدواری دادند جناب لاله ات حاجی میرزا حسن قاضی نیز
سه شب در خانه خود چراغانی کرده هر شب جمعی را بضایق دعوت
نموده شب آخر مقرب الخاقان قایم مقام و جمعی از علما و اعیان
دعوت کرد

دیگر نوشته اند که فوج نهم خوی ابوالجحی عالیجا ابراهیم قاضی
سرتیپ که برکاب بایون احضار شده بودند در دوم
ربیع الثانی وارد استلطنه تبریز شدند و موجب
ثانی رادرا طاق نظام مقرب الخاقان قایم مقام باستحضار
عالیجا ان لشکریان عظام بآنها عاید کرده در پنجم
روانه دربار جابندارهایون شده اند

عراق

از قراریکه در روزنامه عراق نوشته اند از اتهامات مقرب
میر حسن خان کمال ایت و انتظام در انولایت حاصل
ورعایا و برابا اسوده خاطر عای ذات اقدس خایون
مشول میباشند

دیگر نوشته اند که مرده فتح هرات که بانولایت رسید عمو
انولایت را چنان فرح و انبساط روی داد که در محک ارجاع
خلق را اینگونه شادی و خرمی روی نداده بود بوصول این مرده
مقرب انخافان میر حسن خان بعوم محلات عراق آدم و ستاد
اعلام کرد که در همه قراء و نزارع حتی شلاقانی که پنج شش غلوار
داشت بطریق عید نور و چراغانی نموده بلوارم جشن و سرور داد
و در بلد سلطان آباد عمو مردم بازار را و دکان را این بنی
کرده بسج علمای اعیان مله و تجار و کسبه و عتبی یکی در
بزرگ دولتی که ساخته شد و جامع بلده مسطور محسوب شود جمع
و مقرب انخافان میر حسن خان مدبره منور اند بعد از ادای صلوة
نظم و عجز با جنبه تقیاج حاجی سید قاسم الله تعالی ادای خطبه پنج
اقدس خایون و اختتام بدعای بقای دولت و شوکت ابد
شد بعد از آن فرمان مهملان خایون که با بلای این عظمی
بافتخار مقرب انخافان شارالیه والای عراق شرف صدور یافته بود
در سر منبر قلمت و مضمون آن را کوشه خاص عام نموده کل
زبان بشکرانه و شاکشود بعد از صرف شربتی و شربت مبارک
و تهیت کفنه بنارل خود در محبت و مشول عیش و شادمانی
و شب همه بازار را و خانها و کوچه را چراغانی بسیار بشکوه
در دیوانخانه بزرگ دولتی اگر سبب تش بازی خوش
آورده بلوارم سرور و شادمانی برداشتند

مازندران

از قراریکه در روزنامه مازندران نوشته اند نواب
شاهزاده لطف الله میرزا حکمران انولایت در نظم امور ولایتی
رفاه و آسایش رعیت و انجام خدات دیوانی اهتمام کامل بعمل
دیگر نوشته اند که نواب شاهزاده لطف الله میرزا با ثبات
میرزا اسد الله وزیر در سیم ماه ربیع الاول بجهت رسیدگی
رعایا و سرکشی کارخانه شکرریزی دیوانی غمیت بلده با فرود
نمودند بعد از ورود با بنجا فرمان مهملان مبارک که در باب
فتح هرات بافتخار نواب شاهزاده والای مازندران شرف صدور
یافته بود در برابر فرودش بر تو و وصول افکنده صغیر و کبیر
شریفا آغاز مسرت و شادمانی نموده حسب الحکم نواب معنی
کل ایل آنجا در مسجد جامع با فرودش جمع آمده و نواب معنی
خود با بنجا حاضر شدند و خطیب فرمان مهملان مبارک
در بالای منبر خوانده مضمون آن را کوشش زد عمو هم
نموده همگی زبان بشکرانه و دعا و شاکشود اظهار فرح و
نمودند پس از انقضای مجلس منور نواب شاهزاده حکم
نموده همه بازار را و دکان را این بنی و چراغانی نمودند
کل ایل شهر بلوارم عیش و سرور پرداخته با یکدیگر رستم
مبارک در ابل آورده و در حضور نواب شاهزاده هم
سبب تش بازی خوب فراهم آورده و عیش و سرور
و جشن و شادمانی بسر بردند و پنجه در سایر بلده و قصا
بلوکات مازندران اساس چراغانی و این بنی فرام آورده
میرزا شیخ حاکم با فرودش هم در فرام آورده تش بازی
بود لیکه تشال ترمه از جانب نواب شاهزاده با خلق جمع
کردند

خراسان

کاشان

از قرار یک در روز نامه خراسان نوشته اند که
فتح برات که بارض اقدس رسید جمیع اهل و اعیان
ارض اقدس که بسبب هجاریت مابرات سابقا
بیش از اهل مالی سائر بلاد هلالک محروسه متفر شده
از اسرار اتولایت ادیت و آزار دیده بودند و سالها
که تخیر این خانه زنبور و کمر میوزیان مغرور را آرزو میکرد
از وصول این مژده دلپذیر برنا و پیر جان تازه و حیات
بی اندازه یافته کلاه شط بر هوا و صدای شطاب بر سنگا
صغیر و کبیر و صنیع و شریف این روز را عید مبارک
و عطیه ایزد تعالی و تبارک شمرده با یکدیگر رسم مبارک
و دعای دوام دولت و ازدیاد شوکت جاوید دنیا در
پیشها کرده بلوازم جشن و شادمانی و سرور و کامرانی
اقدام نموده و همگی از صمیم قلب دمان و بدعای دولت
علیه رطب اللسان بودند که ترنجانان کروی حسنی و حسنی
ازین قبیل اشخاص که بظاہر اظهار حسنی میکردند
در باطن از این معنی کوفته خاطر بودند با بچه جناب مقرب
سیر از محمد حسن عضد الملک و متولی باشی بوصول این خبر بخت
حکم کرد و تقاره خانه سرکار فیض آثار را بشاد و یانه فرو کوفته
اول این فتح از جند را کوشه خاص و عام نمودند و کل باران
و کاروانسرا و صحن های سرکار فیض آثار را منتهی به روز
این بندی و چراغان نموده داو عیش دادند و شبها از
خانها اسباب شش بازی بهو نموده دقیقه از لوازم
فرو گذاشت کردند و عالیجا شکر الله خان هم شبها را در گوشه
که از کسی خلاف قاعده سرزنند

۲۰۰۴

از قرار یک در روز نامه کاشان نوشته اند که
انتظام و فراوانی و ارزانی در اتولایت حاصلات و عالیجا محمد
حاکم کاشان در نظم امور ولایت و رفاه و آسودگی رعیت و انجام
خدمات دیوانی نهایت مراقبت را بعمل می آورد و کسبه و رعایا
آسوده خاطر بکار و کسب و عیسی خود و دعا کونی ذات اقدس
همایون شاهنشاهی اشتغال دارند و امور شهر و محلات منظم است
و از احدى خلاف حساب شرارت بهیچ وجه ناشی و صادر نمیشود
و اگر بندرت سرقی اتفاقی یقینا با تمام عالیجا هش رالیه
اموال مسروقه پیدا شده بصاحبش تسلیم و در توبه میشود
دیگر نوشته اند که فرمان جهان مطاع همایون که در باب فتح
سیر افرازی عالیجا محمد حسن خان شرف صدور یافته بود
باجای پر تو وصول افکنده و مضمون فرمان همایون را در مساجد
و محل اجتماع مردم کوشه و عموم اهل و اعیان آنجا نموده
این بندی و چراغان کرده صغیر و کبیر و برنا و پیر آغا
و شادمانی نموده سه روز و سه شب کل بازار را دکان
و کاروانسرا و چراغان بود و شبها اغلب دیوار را نیز
چراغان کرده مردم درین شبانه روز مشغول عیش و عشرت
و دعا کونی دولت جاوید مدت علیه بودند و از قرار یک
بودند و اینگونه جشن و چراغانی و این بندی که بشادمانی
این فتح دلپذیر در کاشان شد در پی حقت شده بود
از وصول این خبر بخت اثر و این مژده روح پرور خاص
قرین فرح و انبساط و از صمیم قلب دعا کوی دولت جاوید
نبیا دکر دیدند

روزنامه قایم اتقاییه تبایخ یوم شنبه بیستم شهریور سال لوی میل ۱۲۷۳

منطبعة دار الخلفه طهران

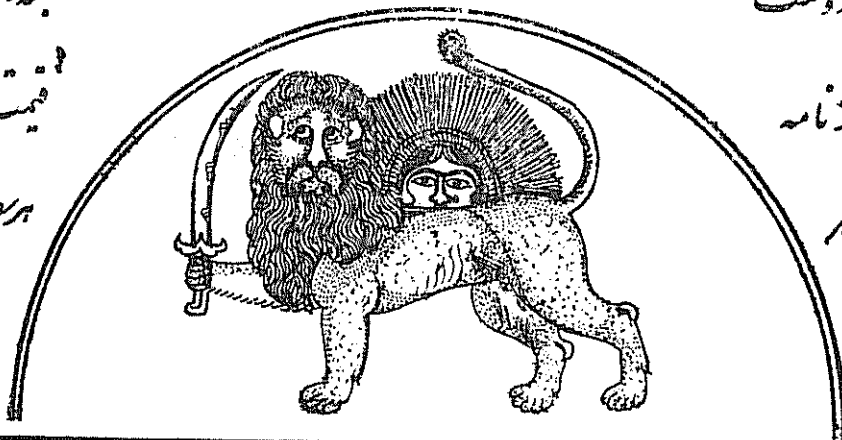
نمبر سیصد و ششت

قیمت اعلانات

قیمت روزنامه

هر خط پنج سطر

هر نسخه ده سطر



اجبار و اخذ مالک محروسه پادشاهی

دار الخلفه طهران

بیان که از جانب سرکار کت برتین باین سواصل مأمور
و فرستاده شده بعد اتمام و مقوض گردیده است
لازم نمیداند که علت آمدن خود را اظهار نماید چرا که منضم
کاغذهای استهزار نامه که موقوف است از جانب نواب
فلک جناب فرمانفرمای مالک هندوستان صادر گشته و
وین است و از همان استهزار نامه نخبه های متعدد درج
نوشجات موقوف نموده برای سرحد داران دولت علیه
فرستاده بودند و یکی از عیارات استهزار نامه این است
حسب احکام سرکار مکه معظمه نواب استطاب معالی القاب بفرموده
کو رزخبرال صاحب بهادر در اجلاس کونسل اماده اند حکم فرموده
بر ملک ایران هنگامه کار و زار بلا اجمال شروع بشود این
فرقه مستغنی از توضیح و بیان است و البته جمیع اصحاب دول
دانت که آن اعلان نامه را با این استهزار نامه که لغا القاد
اعلام جنگ است بدولت ایران از کار گذارند سرکار مکه
دولت ایران ثابت میکند از همین حق خود را در اینکه دولت ایران

چون از قرار استهزار نامه دولتی نمید که حسب احکام نواب
هندوستان انطباع یافته بود صریح و آشکار است بدولت
عمدگنی بدولت علیه ایران داده اند و درین فقره برودتی که
فیما بین دولتی حاصل شده است خواسته اند دولت ایران
محل ایراد و بحث نمایند لکن لازم شد که پرده از روی حقیقت
این کار برداشته شود تا با جمیع روی زمین معلوم گردد این
استهزار نامه و امن سی فروند کشتیهای جنگی دولت انگلیس
بخلیج فارس بغیر حق و انصاف است کشتیهای جنگی انگلیس
فارس آمده در برابر پو شهرستاد و باین زبان اعلام جنگ بر سر
داران دولت علیه ایران کردند که کاغذی که پتان جوش بالین
دولت انگلیس مقیم پو شهر نوشته بود باین عبارت که بر کافه
حکام و کارپردازان ولایات و بلدان واقع در حدود و سواحل
خلیج فارس معلوم و واضح باد که سردار جنرال فارستر که صاحب
که صاحب آن افرات میا و حکم کل سنگا حربی و قشون است

هرگز میل با نهدام بنیان مودت چندین که دولت انگلیس شد
 و ندارد اول سبقت اعلام جنگ از طرف کارکنان دولت
 انگلیس و ثانیاً می تواند دولت ایران بجمع دول و ملل روی
 ثابت کند حمایت و انصاف خود را در رعایت مودت دولت
 انگلیس عدم نقض عهد خود و بهانه جوئی دولت انگلیس را در آنجا
 که کارکنان دولت انگلیس بهانه جوئی کرده بجنونت منجر شده
 اول اینکه اصل مسئله که باعث برودت فیما بین اولیای
 ایران مستر موره مامور دولت انگلیس بواسطه مداخلات غیر مختار
 او بود در امور داخله مملکت ایران که آخر کار را بجائی کشاند
 نوکر موجب خوار این دولت را خواست تبعیت بر دلبستگی که
 روزنامه های ایران دولت ثبت و درج است مستغنی می بینیم
 از شرح و بیان آن این مقدمه را بهانه کرده بیدق دولت را
 خوابانده ترک مراد کرده و سفارت را از خاک دولت
 ایران بیرون برد و حال اینکه اصل صاحب مسئله یعنی میرزا
 بنو کری اول خود دشمن عاودت کرد و از یک طرف هم بهانه جوئی
 بر سر افتادن عمو ماه هرات خصوصاً کرده اند چنانکه اولیای
 این دولت را در شهرها زانامه لعنه شکن و بدعهدی منسوب
 کرده اند و الا برای اینکه بر هر کس معلوم شود که دولت ایران هرگز
 خیال بدعهدی با دولت انگلیس نداشته است و مامورین این
 همه جا نقض عهد کرده اند لازم است که حقیقت این اخبار بطور
 و اجمال درین صفحه مندرج شود و الا بموجب عهدنامه منعقد
 فیما بین این دو دولت که بواسطه سفر فرحان بنیانجی ۲۵ شهریور
 ۱۲۲۳ مطابق ۱۹ مرداد ۱۲۲۳ عسوی و بتوسط سرکرده زلی تبارج
 ۲۹ شهریور ۱۲۲۳ مطابق ۱۴ مرداد ۱۲۲۳ عسوی و فیضا بتوسط
 السیانیج ۱۳ ذیحجه ۱۲۲۹ مطابق ۴ نوامبر ۱۲۲۹ عسوی انعقاد
 یافته است دولت انگلیس نباید مدخله داشته باشد در امور ایران
 میشود فیما بین این دولت و مملکت افغانستان که مرحق تو سطر خواهد
 برضای طرفین اول نقض عهدی که از آن دولت بطور سبقت
 هرات در ایام شاه مرحوم بود که کشتیهای جنگی خود را بخلیج فارس آورد
 اظهار خشونت کرد تا اینکه شاه مرحوم دوستی آن دولت را با جرای
 حقوق این دولت ترجیح داده از هرات فتح شده دست برداشت
 و مراجعت کردند بعد از آن جناب بشیل صاحب امور آن دولت
 ایام این دولت بنای رفقای برودت انگیز را گذاشته بجهت
 اولیای این دولت باز رعایت دوستی آن دولت را بر همه چیز ترجیح
 داده بجاء در باب هرات فیما بین قرار شد که اولیای دولت ایران
 قرار با جناب بشیل صاحب نشستند مشعل بر سر و طایفه که عهد
 که دولت ایران مداخلات و مراد وانی که سابقاً در عهد کامران با محمد
 خان در هرات داشتند کافی سابق داشته باشد اما دولت انگلیس
 من الوجوه داخله مراد و در هرات نباشد و الا آن قرار باطل
 لم کین انکاشته شود موافق قرار و رسم کل دول بیات جناب بشیل صاحب
 نسخه قرارنامه مذکور را بعینه مبادله با اولیای دولت ایران
 و نسخه امضا شد خود را با اولیای این دولت سپارد و تصدیق از جانب
 اولیای دولت انگلیس را و هیچیک از آنها را نکرد و علاوه بر این جناب
 مشایخه موافق کاغذ رسمی خویش که آن در دولت علیه ایران ضبط است
 باطل کردن قرارنامه مذکور کوشید و از جمله دلایل ثابته که جناب بشیل صاحب
 و همکاران او که بعد از مراجعت جناب بشایر علیه سفارت
 بودند بدست اولیای این دولت علیه دادند از این قرار
 در همان قرارنامه صراحتاً قید شده بود که مضامین آن
 قرارنامه را اولیای دولت ایران بسید محمد خان نوشته
 و با اتفاق آدمی که از سفارت انگلیس در مشهد مقدس با

بسیار محبتان داده شود مطلقاً شیل صاحب اعتماد باین قرار داد
نکرده سلطان خان آدم خود را بهرات فرستاد و بخیال
اغوای هراتی افتاد و چون اولیای دولت با نوشته سخی
بشیل صاحب اظهار کردند که رفتن سلطان خان بهرات
خلاف قرارنامه است در جواب با نوشته رسمی باین
عبارت نوشت که دوستدار خود را در مراد داده و آمد
شد بهرات الی غیر الهاتیه از آدمیدان که هر کس را
میل دارد در هر اوقات هر چند دفعه که میخواهد از هرات
استخاص که باشد خواهد فرستاد بدون رجوع باین
این دولت و یاد برون اعلام و اشارت باین عبارتی
همس واضح معلوم شود که در اول و به خود جناب بشیل صاحب
و اعتماد باین قرارنامه نمیکرد و خود بهت خودش ثابت نموده که اگر اولیا
ایران آن قرارنامه باطل و کان لم یکن شمارند که احتیاج و ایراد
بر اولیای دولت علیه ایران نبوده با اما اولیای این دولت محض
دستی و کلیس شرایط باطل شده آن قرارنامه را محفوظ میداشتند
بعد از آن اسم خواه خود جناب بشیل صاحب بامورین
بعد از او ستر و علناً مراد داده و آمد و شد را با بهرات بنا گذاشتند
چنانکه طامس صاحب رشذفر آن دولت روزی که ملاکرم
مستوفی هراتی میخواست بهرات برود او را برده در خارج شهر
طهران پول داد و تطبیع کرد و کاغذ تسلیم محمد خان نوشته شد
و اد که بعد از تسلیم محمد خان جان کاغذ از میان نوشتجات
امیر برون آمد باین عبارت در تاریخ شهر شعبان ۱۲۷۰
جناب جلالت آما . مستوفی آدم کاروان و وافی بود
چند فقره حرف زده ام اول آدم دولت بهینه انگلیس را در هرات
بناشد آنچه از اسباب و توپ و تفنگ و سایر آلات

شمار ضروری باشد مضایقه نخواهد شد و از تنخواه نقد نیز آنچه
شود و در کورما ذون است که بهر چون این فقره را عالیجاه
مستوفی نیستند یکفتم که یکی از پسرهای خلیفه الدوله تا خدمت
جلالتاب فرما نفرما برود در انصورت آنچه بخوابد هیچ وجه
معتل نخواهد رفت بشرط آنکه آنچه بدون افغانستان در حقیقت
خلیفه الدوله بیاید کارگذاران دولت بهینه پس بی حلیت بنا
و افغانستان یعنی افغان زبان که در آنجا سکنی دارند تعلق
بجناب خلیفه الدوله خواهد داشت با کاغذهای دین و صبح
که از مامورین آن دولت در دست است علاوه بر مراد و باقی
بر اولیای دولت ایران لازم بود که موافق نص قرارنامه آن
فقرات را کان لم یکن نگارند و بهمان حقوق قدیمه که در عهدنامه
دولتی مندرج است باقی بماند لکن با نظر بملاحظه دوستی
مستحق مرفوع حرکات بامورین آنها شده بسکوت گذرانند
تا بعد از فوت کمدل جان که امیر دوست محمد خان آمده همدار
افصاحب نمود و حال آنکه بنایت از خود و تنجا و زنا بد خاش
بلند پروازی کرده بطبع هرات افتاد و مامورین انگلیس هم در این
ساکت بودند بلکه بهانه جوی خود می افزودند تجدید که در چهارم
امیر دوست محمد خان وارد قندهار شده و در نهم شهر نورستر نمود
بعدق دولت انگلیس را خوا با بنیاد از انظر قسم الی بهرات از
اعیان و اشراف از قبیل شاهزاده محمد یوسف و میر علی
و سردار احمد خان و محمد حسین خان بیکر یکی هزاره و حاجی غلام
و عباس خان و سایر عظام و اعیان بمکی عریضه باین مضمون عرض کردند
که سواد آن عریضه در اینجا معاینه نقل میشود و آن این است از آنجا
بر چاکران عقیدت و فحاش و غلامان عبودیت انتظام لازم و مستحق است
که همواره بعبایض صداقت فرائض در مقام اظهار بندگی و

برآمده مراتب امورات را عرضه داشت بنموده با درینوقت رافع
بفرستاد و در آن شرف بنین بوسی مقیم گردید و ارسال بن عریفه
عبدیت فریضه در لویه اظهار چاکری و ارادت گردانید و حیات
پیرا کردید که چون علامان خود را از چاکران صادق العقیده میبار
در طریقه دو تنخواهی و عبودیت لازم دارد که بعضی مورد حالات
کسائی نموده باشد که در این ایام از جانب قدامت احوال رسیدگی
دو ستمخان بامواری شایسته هزار شکر و توپخانه و استعدادهای
ولایت قضا گردیده و بر احوال مقدمه هرات ظاهرا اطلاع
در ورود غنیمت استحضار یافته و حرکت آنهم بحکم دولت بهی
انگیز میباشد سردار محمد صدیق از وصول امیراک قضا گردیده
بکرسک آمده و سردار رحمت خان استقبال میفرموده رفته و
بشده آورده هوای آمدن هرات را از قرار نوشتجات تجار
خاطر داده غنیمت این خبر را در اسناد و اقوال خاص و عوام نهاد
و مفت روزه سیورت حواله کرده اند که بعد از وقت روز
هرات حرکت کرده باشد هر چند مردم هرات که چنگ امیدواری
باین دولت کردند و عدت علیحضرت قدر قدرت سلطان
شاهنشاه ظل الله علیان بنه تروخا و روح العالمین فداء
مرحمت نواب مستطاب کباب شرف اعظم افخم امجد و الا
فداء استحکام داده و البوابه مخدومگی و جان نثاری چه
امیدواری کثاده توقع آن داشته و دارند که در زمره
دولت گردون لبط علییه شخراط یافته و صنوح این مقدمه
معلوم گردیده باشد اگر چه نواب شرف امجد و الا در مقام
و دلجوئی این مردم بر نیامده و بالتفات نامچه قسم مبارک
و اصدا ر چند خلعت مفتخر و سرفراز نموده اند حال که مخالفین
علیه را حیل فاسکانون دماغ راه یافته از اطلاعی که بر او ضاع

هرات دارند که سید محمد خان بجنون و سودائی که مجبوس
بود لشکر و رعیت را خراب و اوضاع را پریشان کرده با این
فاسد اقدام نموده اند چون دست امیدواری این مردم بدین
گردون عدت علیه باشد و چشم توقع بجهت نواب مستطاب
اشرف امجد و الا رو خافده دارند که آدم دست معتبری با
فرموده که آمده از اینجا طرف قضا و امیر و سرداران بارگرا
رفته اعلام دولتی داده باشد که ولایت و حاکم هرات متعلق
دوران لبط علییه باشد و همراه هم از منتقلات هرات اگر
هم موافق و خدمتکار دولت علیه باشید باید بچیک از خاک
ولایت عبور کرده دخل ولایت دیگر ننمایند اگر شایان را سر
دولت صمیمه خاطر گردید و خیال دیگر بخاطر رسیده یقین
که هرات و حاکم هرات متعلق دولت علیه است و لشکر و حکم
که باشد خرج از هرات خواهد شد و حکمی در انضباط و درستی
لشکر هم امیدواری هست که صادر کرده که بهر ای مقرب انجا
ساخان اینجانی قدم فراموش نهاده اقدام نمایند که حالت
که خداخواسته از خرابی هرات مرارت و کمالات کلی ظهور
یافت و بعد از مدت و پشیمانی را فایده سخا هر بود زیاده
و زبان درازی شود از جانب این دولت علیه ساخان این
بی قشون برای اطمینان و تسلط هراتی روانه داشته و
حاکم السلطنه با قلیل قشونی در جام توقف نمود و غافل از آنکه
امیر دوست محمد خان در ضمن بعضی از افغانه هراتی را با سیر
تطبیع و تحریک کرده بر شاهزاده محمد یوسف شورش گردانید و
از هرات بیرون کن یا خود را بهم بیرون میکنیم سجدیکه کار
شاید ساخان که بجز است آنها رفته بود حرات جان خود را
مقدم دیده باغ شاه رفت با اینکه قشون و جتیمی سراندا

اتجاه نموده استند بقلعه ملک رفته انجا تهیه قلش را دیدند
و برای انلاش سباب چیدنند لایه و ناچار شد آدم نزد
حسام السلطه سلطان مرد میرزا فرستاد و بیدار مرارت خود را
تقلعه شکیبان رساند و اب معزی الیه مقرب الخاقان پاشا خان
سرتیپ را فرستادند که خود را بشکیبان رسانیده او را مستخلص
از اینها بدتر در محاصره پاشا خان و پاشا خان در غوریان
راه بر آنها گرفته مجار به مقتله اقدام کردند و از انطرف سردار
احمد خان را از هرات باد و هزار سوار فرستادند که این قتل
سافغان و پاشا خان را در معرض تلف در آورند و اب محاسن
که ایستور دیدند با همان قلیل قشون خود را بمحاصره پاشا خان
پاشا خان رسانیدند آیا با این خلاف هراتی که قشون دو
اول از ترسل میرد و سجد خان بدعوت خویشند و آخر
او برای همان سباب قتل استند اولیای دولت غیر از
در مقام تنبیه هراتی براید چه چاره داشت و کدام دولت خود
میتواند این بی غیرتی را بهوار نماید با اینکه بداند در برابر عدیست
اگر انجا را تصرف کند هرگز ایندولت را اسوده نخواهد گذاشت
بلکه خلل بافت خراسان خواهد داشت قطع نظر از اینکه اگر کسی
خارج مدعی هرات میشود و موافق همان قرار نامه بر عهده دول
ایران واجب لازم بود خود سرتیپ عیسی خان و متابعان او
محل استقلال حکومت هرات شدند باین معنی که خود آنها امیر و
دعوت هرات کردند و خواستند هرات را با تسلیم نمایند
اولیای دولت علیه ایران عیبتن بهم رسانند که همان سرتیپ
و اتباع او را بهم دفع نمایند تا هرات به دست غیر نفیقه و در
بماند و انکهی حالا که معلوم میشود موافق نوشته ای که از امیر
و غلام حیدر خان پسر بدست آمده است صریح اغوی و تحریک

کرده اند هراتی را باینکه ثابت قدم بایستند که از دولت انگلیس از
طرف پیش در قشون بجای آمد و از طرف کابل و قندهار پول و قورغان
و استعداد به پیشک رسیده است اینها همه محض ملاحظه بغای دوستی
دولت انگلیس اولیای دولت علیه ایران مضائقه داشته و ندانند
که هرات را با حصول اطمینان از عدم اعتناش آتیه بیکطرف حاکم فغان
و اگذارند و قورغانه منقده با جناب شیل صاحب قوت دهند و
رعایت اجرای احکام از انما نیند و ترضیه جناب سرتیپ را بهم رسانند
موافق شان دوشین بند اما کار کاران دولت انگلیس محض بجزئی فغان
دیگر نیز بر این دو فقره که از دول مطلبین و کلامی فغان منخبر همان دو فقره
افزوده که هیچ مناسبت دخلی بمل منته حاضر نداند از این معلوم است
سرتیپ بعضی مخالفت با عهده قدیمه که سلاطین بزرگ امضا داشته
بر عهده پادشاه دول پونجا که دولت علیه ایران بهیچ کاریکه موجب نزاع و
باد دولت انگلیس و حاجت سوال است باینجه این پیش گیرند و قبول تکلیفی
تسلیم آن ممکن و مقدور باو باعث کسر قشون دولت و خفت فغانین
محض غایت دوستی آن دولت مضائقه اند لکن در صورتیکه کالیف آن دولت
و با لاق باو محض حکم غیر حق دلیل نباشد باینجه جری دارد و طلب غور ایران
که باو کار کا خدا بداند و باو شرفیست هر چه تواند خط خود را در برابرش نماید
برای خونی دولت انگلیس کویا این فقره کافی باشد که بیکر تبه جناب و کلیف
اندولت مقیم اسلامبول و بیکر تبه جناب لار و کلانزین و زیر دول خارج
اندولت بخانه فامجد صدر امامت جناب لار و کلیف حسن چند سلامبول
بعایلی محصلی که از این دولت در ب دو فقره که عبارت از ترک هرات با فغان
و ترضیه سرتیپ با اظهار کرد و از جناب اولیای این دولت نوشته که جناب فغان
این الملک الیچ مختار است می آید گفتگو و قرار این امر را تمام خواهد کرد و هنوز در
بود و با سلامبول رسانیده بود که معلوم شد که بکجا خواهد کشید و راه زمیر که الی حال بخانه
این شتهای نامه را نوشته اند و اعلام جنگ کردند از همه عجیبتر این است بعد از آنکه الیچ

کریدند و با عطای یکشوب کلچر خرابه ترمه ریاد ممتاز از غلبه تن مبارک	و از اسامبول شد و اظهار کرد که من مورم درین باب سوال و جواب کرده
قرین امتیاز و افتخار شدند	رفع بودت حاصله انجام با و بی غشائی کرده در اول اورا جواب داد
چون محاسن قدوت و منسکد اری در مرتب اتمامات متقرب انجاقان	که نادیکر سوال و جوابی نخواهیم کرد آخر هم بعد از آنکه بنای گفتوگو را گذاشتند
مهر علیخان شجاع الملک در انجام قنات دیوانی بعض خاکپای هایون	و تحلیفا شاکر که چون مطلقا مقبول با بقعه داخل دستور العمل و بنویسند
اعلیحضرت قدر قدرت شاهنشاهی سید سماعی حیدر متقرب انجاقان مغزی الیه	که با و یکا وقت خود اظهار کند قرار دادند که چهل روز مهلت با و قرار
پیشگاه آقدس هایون علی موکجنین و قبول یافت و اورا سوار اعلای مرتب	در ۱۷ شهریور الاول دادند در در بروج فی فارس بر یک بندر کوکچائی
در تهای درجه و توسعه دایره ابرضا آوردند لهذا منصب سرداری	که همیشه صد نفر آدم مستحق آنجا بود از توابع بوشهر جمله برده بدو داده
منصور نامور و متوقین فارس سرافراز فرمودند فرمان هایون سر نصرت	انها که در کنار دریا بودند و دست یار توپ انداخته کار جنگی خود را در آنجا
یافته موازی یکشوبی زری نظامی از ملبوس بدن مبارک مستر	اورده اند و لیای این دست یارند که دولتهای بزرگ با انصاف با این
او مرحمت و اتفاقا شد	استاد و نقض عهد را نسبت باین دولت قبول خواهند کرد یا معلوم
چون علی قشونی و قورخانه فارس با مقرب انجاقان مهر علیخان	تکلی روی زمین که دولت نکلیس نسبت باین دولت خیال بهانه جوئی
بود و حسب الامر قدر قدر جها منطاع ماثرا لیه مأمور بندر بوشهر	بیجا بی رایشنا ده داشته و دارد
کریدند لهذا نظر بطور محاسن عتیکد اری و کار دانی متقرب انجاقان	چون مراتب ارادت صدق عقیدت نواب مستطاب هزاره والا فریاد
میرزا انیم شکر یوباشی فارس سیدی امیر که نصرت ماثرو نظام	در پیشگاه آقدس هایون شاهنشاهی خلد الله ملکه و سلطانه مدبره و ضو
امر قورخانه آنجا در غیاب مقرب انجاقان سردار مغزی الیه لعهد اتمام	و شایسته شمول عواطف هدایا نه کردید لهذا محض محبت التفات شاه
محل و موازی یکشوب حیه ترمه برسم خلق بافتخار او مرحمت و عنایت	یکشوب کلچر ترمه بسیار سکنین از ملبوس خاص بدن مبارک بنوای مغزی الیه
و نیز وصول بصلایات فارس که با مقرب انجاقان شجاع الملک بود بنبوه متقرب	مرحمت شد
حاجی محمد ششم خان امیر دیوان فارس معج که هم مشغول نظام امور دیوانه آنجا	چون نواب مستطاب هزاره والا ابابا رنویذ الدوله صاحب میرزا
عرض و داد مردم با و هم در وصول بصلایات دیوانه سماعی مشکو و لعل	ملکت فارس در انتظام مهمام صدرات و انجام قنات دیوانی و نظم قشون
موازی یکشوب بجه ترمه اعلی در حق او جانب سنی انجواب هایون مرتب	نصرت بنون مراقبات کافیه داشته و از خط و خطیر آدرس هایون کمال عجز
چون عالیجناب میرزا شجاع الملک بنوای متقرب انجاقان	شاهنشاهی خلد الله ملکه و سلطانه از نظر مراقبات اتمامات نواب مستطاب معظم
با و سماعی متضرر و معروض شد بود این قنات که از کردار و رواج و نام و نام	قرین شد و دست لند بوجب فرمان مهر علیخان هایون اختیار امر و نهی کرد
فی السابق بنده سگداری دولت جای آتیام و اقدام نمود برای جبران بی و پستی او	مأمور فارس را بعد نواب مغزی الیه محمول و معوض فرمود و در بقیه آنها
منزله خدمتی بدیوان اعلی کرده و محض کرفتن بواجب و مع ذلک محض محبت	صورت لزوم از سردار ابرار و عزل نصب از سریر پت تابین از جانب
بارس بن توپخان نیل و لوی نیل و لوی نیل و لوی نیل و لوی نیل و لوی نیل	اعلیحضرت قدر قدرت شاهنشاهی خلد الله ملکه و سلطانه مآذون و مختار
بیت تومان بوده تا عنایت فرمودند که از پریشانی و قروض متخلص	

سایر ولایات

اثر با بجان از قراریکه در روزنامه دایرسلطنه تبریز
نوشته اند سابقا قدری کدم تسخیر بهم رسیده و مان فی الحقیقه
کران شده بود و مقرب الخاقان محمد دربار سپهر قائم مقام
هفت هزار خوار غله دیوان علی تجار از ان بقیه یکین گشتی کمتر
از نرخ بازار داده و انبار داران را نیز ترغیب کرده بود که
غله تجار از بفرشند و در انبار نگاه دارند چون غله از غله داران
باز در فروختن غله خود تعلل ننهند در این اوقات مقرب الخاقان
شارالیه انهار را خواسته و قرار داده که هر یک از غله داران دو
سه دکان از تجار ان و اخو حال خود بکرون گرفته هر قدر
ضرور میشود بدهند و خوار هزار امثال را چهار تومان و نیم
بگیرند که عذر جماعت تجار از ان بانه موقوف کرد و بعد از انکه قرار
مذکور داده شد صاحبان غله تجار از ان بکرون گرفته و قرار
دادند ان فراوان شد و از قرار یکین هزار امثال و شای
نرخ داده شد و از تفصیلات الهی بارانهای با منفعت نر
بکرات بارید و زارعین کشت و زراعت خوب کردند و امید
است که ان سال آید غله فراوان بچل یاید

دیگر نوشته اند که دو فوج مرغه که بر حسب حکم اولیای دولتی
احضار مدبر بار بایون شده بودند درین باب شروع کرده
مقرب الخاقان جعفر قلیخان قاجار میر سید نوشته شد که بعد
انکه مواجب ماهه دو فوج از محل پرداخته شد فوجها را با خود
برد داشته تبریز بیاورد که در اطاق نظام سه ماهه فی
انهار را نیز پرداخته روانه رکاب نصرت انتی بایند نظر بر
در تبریز ناخوشی بود مقرب الخاقان شارالیه و صاحب منصبان
از مقرب الخاقان قائم مقام خواهش کردند که آمدن فوجها را

تبریز مقوف داشته لشکر نویس بفرستد که سان فوجها را
در مرغه دیده مواجب انهار را برساند که از انجا برکات
انتساب روانه شوند مقرب الخاقان شارالیه هم بر حسب
انها عالیجا میرزا علی شکر نویس را مأمور مرغه کرد که جواب
سه ماهه فوج را در انجا پرداخته روانه شوند و آنچه بطریق
لازم بود در تبریز مهیا نموده روانه مرغه کرد و از قراریکه
بودند بنا بود است که در اوایل ماه ربیع الثانی دو فوج
از مرغه حرکت نمایند

و همچنین توپچیان طوافی هم نوشته اند که دسته
مواجب خود را در اطاق نظام با ستحضار لشکر نویس
گرفته روانه تبریز بایون شوند

عراقی سلطان آباد

از قراریکه در روزنامه این ولایت نوشته اند بنده
از بنای سلاطین سلف بود و در بنده لویه پل بواسطه
شدت بارندگی و سیل در اوایل سال آب کده بود و ان
قریه خراب و بی آب ماند بود و از اولیای دولت جاوید است حکم
شده بود که مقرب الخاقان میرزا حسن خان حاکم عراق بنده
از بنده مقرب الخاقان شارالیه هم حسب احکم معارف
و عمل و تنخواه و سبب فرستاده بنده فروردین بهر و محکم از بنای
اول بسته از نکانی که از دو طرف کوه بود در مدتی پنج ماه از
سنگ و آهک و آجر بلند کردند و در ماه ربیع الاول صورت
اتمام یافت و آب قریه منوره در نهایت خوبی جاری شد
و اهالی آنجا زراعت و عیسی خود و دعا گوئی ذات اقدس
شاهی مشغول شدند و کمال شغف و شکرانه و حسرت
از انمغنی بهم رسانند

دیگر نوشته اند که چون برب حکم اولیای دولت قاهره
 شده بود که فوج قدیم کراز ابوالجی علی بنی خان سپهر
 مستحجار و از غلبه ان شود مقرب انخاقان میر حسن خان
 بمحض حصول اکامی از حکم اولیای دولت علیه آدم بهبه بولکات
 کراز فرستاده سرب و صاحب منصبان فوج مزبور را اعلام
 نمود که باید دور و دره در استانه که در سر راه برود و واقع است
 حاضر شوند که روز سیم روانه محل مأموریت گردند و خود نیز با
 روز سوار شده باستانه رفت و در عرض مدت سه روز عزم
 فوج را بموجب تدارک در محل خودشان داده تا منزل پیر
 که خاک کراز بود و برده نموده و از آنجا علیجا میرزا سمیع کراز
 باز همراه فوج نمود که اگر موجب یا تدارک سربازی نرسیده با
 یا از وی سربازی نیامده باشد بموجب او را کار سازی کند و
 بمحض ساندن اشارتیه میرزا خاک برود و رفته تا گامی آنها را
 انجام داده مراجعت نمود بعد از افاصله دور و حکم مأموریت فوج
 و از آن ابوالجی علیجا و مقرب انخاقان محمد حسن خان سرب
 علیجا و رحمت الله بیک یا و فوج مزبور آورد و باز بدستور
 کراز بمحض حصول حکم سرب و صاحب منصبان دو فوج مزبور را
 اعلام نمود و مشغول دادن موجب و تدارک آنها شد و فاصل
 پنج روز و فوج را نیز بموجب تدارک به سربازی سرب
 روانه داشت و با حکم مأموریت دو فوج و از آن حکم رسان
 موجب و تدارک فوج سربند هم رسیده بود که آماده باشند
 تا حکم مأموریت آنها هم برسد همان روز آدم سربند هم
 اعلام نمود و آنها هم کل موجب و تدارک فوج خود را تمام
 پرداخته و آدم مأمور مراجعت نمود با بچه در مدت ده روز جمعا
 فوج را بموجب تدارک داده با کمال استی و اسکی روانه محل مأمور
 دیگر نوشته اند که در اوقاتی که مقرب انخاقان میرزا حسن خان
 سبته روانه کردن فوج کراز باستانه رفته بود بعضی از ارا
 استانه را ملاحظه نمود که کورده و باستانه بود و سبب از
 استفسار نموده امانی استانه مذکور داشته بود که چند نفر
 از اهل بهمان باستانه می آیند و این زمین را قطعه قطعه می کنند
 و آب می بندند بعد از آن میسوزند و از خاک نه آن خورده و طلا
 اراضی زراعت و خرابی که خانه بود و حال هوار شد و بعضی
 میخند بطالع خریدار احتمال میرود مینسی را که به چهار تومان
 ده پانزده تومان طلا از آنجا بعل می آورند و احتمال میرود که
 مایه نیز بعل نیاید معلوم شود که در خاک آنجا خورده طلا هم میر
 اما همان امدادینا می تواند از خاک خارج نمایند و امانی خود را
 سرشته این کار را ندارند

دیگر نوشته اند که چون مرحوم یوسف خان سپهدار که ارک قلعه
 سلطان آباد را بنا کرده بود در میان ارک در جنب عمارت دیوار
 یکطرف ارک را چند دست عمارت مخفی که مشهور بخانه غلامان بود ساخته
 و غلامی نیز در آنجا ساکنی کرده و مبرور بکلی منهدم و ویران شده
 و چنان هم اتفاق افتاده بود که از میدان و سرب و باره در
 ارک که درین دوره تعمیر شده و خیلی با سکو و منظر می آید داخل ارک که
 میشد اول خرابی بسیار منظر می آمد و نقص کلی برای عمارت بود که
 جنب خرابه واقع شده است و بنظر ما خوش آیند بود مقرب
 میرزا حسن خان درین اوقات داده است آن خرابی را کلا
 هوار نموده و باغی بسیار خوش قطع و بار و غنایش طرح انداخته
 و نهالهای او را با تمام درین روز داشت نه بسیار جای با
 و صفات است که خلوتها و عمارت خوشخانه دیوانی را میتوان
 بان باغ دور و گردخی بسکو عمارت افزوده است

هرات

از قراریکه در روزنامه هرات نوشته اند نواب مستطاب
حاکم سطره را انتقام امر آن ولایت و رفاه و آسایش عتبات
کافی بعل آورده اند و بحسب عت داری عمده مالی آن ولایت را از
اعالی و آذافی از خود راضی دارند و مردم آن مان با کمال
و امید داری براجم این دولت جای دیدت علیه مشغول دعا
و ات اقدس ها یون شاهنشاهی خلد الله ملک و سلطانه پیا
نواب معزی الیه ضبط بروج و بدنه و دروازه و محلات را
بعده اتمام عالیجاه مقترب انخافان حسن خان سرتیپی
و اگر کرده اند عالیجاه مش رالیه هم در حسن معاشرت با
مردم کمال مراقبت و اتمام راجع می آورد و روزی یکبار
برسبیل ستمار بدرواز و اطراف شهر و چهار سوق گردش کرد
سرکشی و رسیدگی با مردم و میباید مالی آنجا بخصوس
و اعیان اغلب اوقات بمنزل مش رالیه آمد و شد و اظهار
از عواطف این دولت جای دیدت علیه میباید عالیجاه علیه
یاور را با سبیل نقر سر بار و صاحب منصب در چهار سوق
و پای تخت نشاند است که روزها ب تنظیم امور و رفع منایع
معلقه بامبار مشغول استند و شبها از همین سبیل نقر
در چهل مقام که محل عبور مردم است و اول که استه میشود
خود عالیجاه علیه الله بیک یاور با صد نفر سر بار علی الاطلاق
که چها و محلات گردش میکند و از قرا و اما سرکشی میباید که هم از
امورات اتفاقیه مطلع شوند و هم اگر احیاناً بعد از ظن کثیر
هر کس باشد تا صبح در و اول نگاه میدارند و صبح بمقتضا
احوال و قرار کار او داده میشود و دستجاب سر بار که ضبط
در وازنه و بروج کتاشته شده است هر یک در مقام خود

روز و شب در تنظیم امور و انجام خدمات متعلقه بخدمت
و موالفت بعل می آورند
دیگر نوشته اند که سابق بر این معمول بود است که باری که
داخل شهر میشده است قرا و لان از صاحب ان با خبری
میکرفته اند نواب مستطاب حاکم سطره این قاعده را ترک
داشتند و قدغن نمودند که بعد ازین از باری داخل شهر
میشود احدی در دروازه چیری مطالبه نماید تا رعایا را
مرحله در کمال باشند
دیگر نوشته اند پیش ازین شرب مکررات و خرید و فروش
و ارتکاب مناهی و طای در هرات بطور وضوح و آشکارا بوده
نواب معزی الیه درین باب بم بعد از افتتاح شهر قدغن نمود
و اول در شیر خانها که داشته و چند نفر زن فاحشه
که بودند آنها را پیش قاضی بلد فرستاده توبه دادند و کسی
مرکب هر کی و شرب شرارت نمیتواند بشود
نوروز نام صفار بچار سوق آمده لعبد الله بیک یاورها
کرده بود که بیت روز قبل ازین که زمان محاصره بود عباس
بقدره توان اموال و اسباب متروکات خانه ام برده است
مش رالیه فرستاده عباس نام را حاضر کردند بعد از تحقیق
و صدق مدعا متروکات معصوبه را کلاً مسترد و حبس نسیم
و نیز ضعیفه نیزد عالیجاه علیه الله بیک آمده مذکور داشته بود
که شش روز پیشود که دختری هفت ساله یافته ام و صاحب
معلوم نیست مش رالیه خارجی بجهت آن دختر داده گفت او را
متوجه باشند تا صاحبش پیدا شود بعد از چهار روز
مادرش پیدا شده دختر را تسلیم او کردند

کردستان

از قراریکه در روزنامه کردستان نوشته اند زمان جهان نظام
مبارک که در باب فتح بهرات شرف صدویافته بود در بیستم
ماه ربیع الاول بانجا پر تو وصول افکنده و مقترب انخافان و
کردستان با جسیج اعظم واعیان و مالی ولایت تاصیل
دو فرسخی سنج باستقبال شرافت و از انجا با اعزاز و
وازدحام تمام با نفاذ خانه و شیک توپ و زنبورک وارد
قصبه سنج گردیده و ادانی انخافان و بومی مسجد داران
که مسجد جامع قصبه بزور استجساح آمده فرمان مهر لعلان
خطیب در بالای منبر خوانده مضمون ظفر نمون آن را گوشه
خاص و عام نمود صغیر و کبیر و بزرگ و پیر از سرست و دامانی
بجست و کامرانی نموده و دکانین و بازار را این بندی و چرا
کردند و شبانه روز مردم مشغول جشن و سرور بودند و
عشرت و مسرت را بعل آورند و همچنین در سایر بلوک کرد
ان جوانه و داوران و غیره همه جاشبانه روز این بندی
و چراغان نموده کل رعایا و برابرای بدعای دوام دولت و
شکست اعلیضت قوی شوکت شاه اسلام پناه علیه الله
که و سلطان طیب اللسان گردید

کیلان

از قراریکه در روزنامه رسته نوشته اند امور انولایت از انجا
حسن عیت داری امیرالامراء العظام مقترب انخافان عمید
قرین کمال انتظام است و رعایا و برابرا اسوده خاطر عاکونی
اقدس یون شاهنشاهی اشتغال دارند و در روز ششم
ربیع الاول چارچاغل فرمان مهر لعلان که در باب فتح بهرات
شرف صدویافته بود وارد رست گردیده امیرالامراء

عمید الملک برای ابلاغ این مرده دیند بر مسجد جامع آمد و کل
نوکری دیوان و جمیع اعظم واعیان و جناب مجتهد الزمانی
حاجی ملا صادق با سایر علمای بلد حضور بهم رسانده فرمان مبارک
خطیب سرفر خوانده مضمون مسرت مشیانش را گوشه و اعلا
و ادانی نمود و عموم خلق را مسرتی تازه و انبساطی بی انداز و
بازار را دکانین رازیب و ازین داده چراغانی نمودند و
عمید الملک سرور و مجلس عیش و انبساط منعقد نموده فرمان مبارک
سواد کرده با طراف محال کیلان از سر قد انزلی و لایحان
خومن و شفت و دیلمان در انکوه و ستاده همه جا عیش
و شادمانی و این بندی و چراغانی شبانه روز فرخنده بود
و تمامه روز در رست و سر قد انزلی هر روز شک توپ شد
اعلم و مجتهدین و اعظم واعیان بلد و تجار و کسبه فرقه فرقه
بجوقه در مجلس مقترب انخافان شارالیه حاضر شد و صرف شربت
شیرینی می نمودند عالیجا عطا لوف صاحب قنول دولت به
از بابت ادای رسم تنبیت با اتباع قوسو لکری بدیدین
عمید الملک آمد انهار کمال مسرت و شادمانی نموده صرف شیری
و چای کرده فرمان مهر لعلان را خواسته زیارت نمود
سواد انزوی آن بردشته و بی نهایت انهار بجست و سرور
کرده بمقترب انخافان معزی المیه انهار نمود که فرح و انبساط
تبعه دولت بهیه از استماع این مرده دیند پر و این فتح
فیروزی اثر نفسی است که چنین فتحی سجد اعلیضت امیرالامراء
روی داده باشد با بجمه صغیر و کبیر از وصول این مرده و
پرور بطوری انهار مسرت و نشاط و فرح و انبساط نموده
بلوار عیش و شادمانی و این بندی و چراغانی بردا
مزیدی بران متصور نبود

اخبار دول خارج

که خرابی بسیار بعضی شهرها رسیده و تفصیل آن در روزنامه

از قراریکه در اخبار دول خارج نوشته اند مسکوکات مسک
 در ایام جمهوریاخر در فرانسه گشته است بعضی طلاات
 و از بر بستی و رانها بود اعلیحضرت امیرالطوفان فرانس
 که این مسکوکات انبیان مردم برداشته شود حکم کرده اند
 این مسکوکات را هرکس دارد تا ده روز مهلت است که او
 بجانب حکومت تسلیم و عوض آنرا وجه رواج بگیرد و بعد از ده
 هرکس از آن مسکوکات و رد دولت قبول نخواهد کرد و در
 او را هم در کل لایقانه منع و ممنوعه اعلان گردیده

سابق نوشته سیلاب آنوقت بعضی محال مار زیاد
 آورده بود حتی در ایالت مارنی فرانسه بر تبه مار آورده
 که بشماره درمی آمد و مردم از مضرت آنها آسوده بودند
 و از خانه ها گریه بیرون می آمدند دولت فرانسه قرار داد که
 این مار را را نگذاشته بگیرند و هرکس هر قدر گرفته باشد آورد
 یکی نصف و آنکه ده شاهی پول ایران باشد یکمیر و در
 چند روزش نروده هزار مار تسلیم و یونان کرده پول آنها
 گرفته و باین قرار اند که مدتی نخواهند کشید که بکلی این مار

هر جا باشند بگیرند و اثری از آنها نگذارند

و دیگر نوشته اند که مملکت سیام هندوستان تاکنون هیچ دینی
 اختلاط و آمیزش و آمد و رفت تجارت نداشت و از خارج
 قطع امتداد و اشیا نمیکشاد داخل مملکتش شود چندان
 از طرف دولت انجلیس برسپیل ثنوبن و طوری دیگر با
 قرار داده شد که فقط دولت انجلیس راه تجارتش با آن

دیگر نوشته اند که نقره در ولایت چین و هندوستان
 از سایر ولایات کمتر و غریز تر است و سبب زیاد هم
 زینت از نقره بسیارند و نقره زیاده بر قیمت خود در این
 دو ولایت بفروش میرود باین سبب از باب تجارت
 آنچه در فرانسه و انگلیس نقره بود بسلفی زیاده از قیمت

مصحح باشد

و دیگر نوشته اند که حکمران مملکت سیام بجهت تحسین و
 انجلیس و روس که در دعوات آنها رجاحت از آنها معلوم بود
 از برای چند نفر از سرداران دول مزبورشان شمسیای
 روانه کرده است و ایلمی مذکور دو سه ماه قبل ازین با
 رسیده و در وادرا نوسه بود مذموب روزنامه که این
 اوقات رسیدنش را لیه وارد پاریس پایتخت فرانسه شده
 و اموریست خود را ایفا نموده با دولت فرانسه هم قرار
 تجارتی مانند اینکه با دولت انجلیس گذاشته اند میگذارد

بآن ولایت فرستادند بطوریکه در این دو دولت نقره
 بسیار کم یاب بلکه بدرجه تمام شدن رسیده است و این
 تجارت حال با المانیا سرایت کرده رفته رفته نقره
 بر چیده میشود بجهت گرفتن جلوه این معادله چند وقت پیش
 صرافان المانیا را نگذاشته در یکجا جمع کرده و قرار دادند که
 ازین پولی که داد و ستد مینمایند باید نصف آن را
 نقره باشد

نقره باشد

بجهت فرستادن بولایات خارج هر روز در پوسنه خانه لندن
 روزنامه تسلیم میشود روزی هزار تومان گریه چا پارکی این روز
 میشود از قرار هر روزنامه گیشاهی پول ایران

و دیگر نوشته اند در آمدن سیل زیاد در فرانسه چند وقت

دیگر نوشته اند که در سمت جنوبی یکی دنیا در ایالت قانزاز
ایسکه از بلاد حار است اما لی آنجا با مزارع نمی توانند بپردازند
با بجه از اهل افریقا که بهوای کرم متعا دهند غلام سیاه می خردند
و بکار زراعت باز میدارند چون سمت شمالی یکی دنیا قان
از دیش و غلام و کنیز خریدن و ملوک دشت مخالف قان
انهاست تا کنون بکرات در مقام مخالفت برآمده اند و
سمت جنوبی قبول نکرده و دست ازین عمل بریده با
قرار گذاشتند که درین خصوص اکثریت آرا از کدام طرف
باید بآن راضی باشند لاجل الحاکمه نظر فین با و کلای
تجین بشهره شین تن که متفرع حکومت جمهوری یکی دنیا است
کرده بودند چونکه در شهر مذکور باین مجلس ملی و مجلس اصلا و کان
و خوانین از چند و پیش ازین تفرقه و برودت اتفاق افتاده
بود و مجلس های مذکور دعای ظاهر ختام پذیر شده باین
امالی مرقوم روز بروز ازین منازعه اشتداد یافته بعد ازین
در اینجا طوارفتش ملحوظ شده مجلس های مذکوره بجهت عدم
اتفاق آن رای یکدیگر را بهم زده عا و ما نظر نکردن هیچ کاری
الزام نموده اند حتی تا کنون عا که جمهوری مبرور در تحت نظای
داخل بودندشان مایه اختلال شده اینها را بیک اصول و
مربوط نمودن تعینات محاش آنها را قرار دادن از جانب
مجلس ملت قرار داده شده و رئیس جمهوری نیز با آنها متفق
شده بود ولی مجلس خوانین و اصلا و کان مخالف رای آنها
بوده و ایراد بعضی گفتگو نموده اند و این حال امتداد یافته و
خرابی اساس بنای حکومت آنها گردید چندی پیش تجیه
و ادون ماده عسکریه از جانب رئیس جمهوری در اغتشاش
امالی این دو مجلس دعوت شد و درین خصوص سه هفته تمادی

مذکره نمودند باز بجائی نرسید رای خوانین و اصلا و کان
بار رئیس جمهوری متفق نشد تنها رای رئیس جمهور با مجلس ملی
و بجهت مقدر نشدن بیرون آوردن پول از خزانه قرار متفرق
شدن عا که بجای که خواهند و فروختن کشتیهای جنگی بدو
دادند و با اعلان آن مجبور شدند فی الحقیقه این عدم اتفاق
جمهوریه مبرور درین نزدیکیها موجب بی ثباتی آنها خواهد بود ولی
موجب روزنامه که بعد رسید نوشته اند که رئیس جمهوری با
و مجلس مجددا دعوت کرده محاش تعینات عسکریه را از
لازم بیان نموده و بجهت انحصار علی الحساب و جی از خزانه در آوردن
امرو موافقت اصلا و کان و خوانین را نمائند و آنها نیز فقط
فقره را رضای داده اند

بجهت آن در آوردن چیزی نیکه بدربار می افتد چون دیده نمی شود
اخراج آن از دریا متعسر است در این اوقات شخصی در زند
دورینی به بلندی دو ذرع اختراع کرده است و تجربه رسانده
در جایی که آب دریا پائزده ذرع عمق داشته باشد دریا را خوب
بان دورین میتوان دید و هر چه افتاده باشد باستانی
میتوان آورد و همچنین در روزنامه دیگر نیز نوشته اند که بلجی
هم شخصی بجهت دیدن ته دریا بستانی یک نوع آلتی احداث
کرده است و محسّنات او اهم تجربه کرده اند که بجهت در آوردن
چیز از ته دریا بسیار کار میخورد

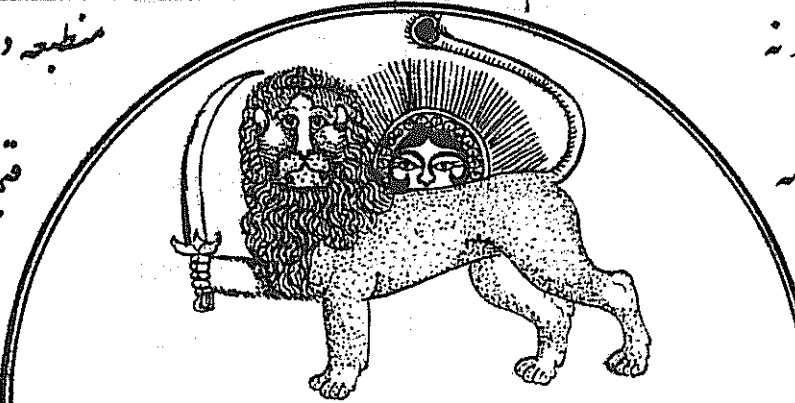
دیگر نوشته اند که از امالی استان تا کنون دولت روس قشون
ولی علیحضرت امپراطور روسیه این قانون را موقوف نموده قرار
داده است که از اهل استان کس بزبان روسی عالم باشد بخواند
در دولت روس خدمت نماید بجهت لیاقت و شان در نظام
قبول خواهد شد

روزنامه وقایع اتفاقیه پنجشنبه یازدهم جمادی الاولی مطابق سال لوی ۱۲۷۳

منطقه دارالخلافه طهران

قیمت اعلانات

هر خط پنجاه



نزد سید و نه

قیمت روزنامه

هر نسخه ده

اخبار داخله ممالک محروسه پادشاهی

دارالخلافه طهران

درین اوقات هوای دارالخلافه مبارکه بعد از است
وافواج قاهره از توپچی و سرباز و سواره نظام همه روز
در میدان ارک و میدان خاج دروازه دولت مشغول
مستقیم باشند و بعضی روزها نیز سربازان قدس بپای
شاهنشاهی غیبت تفریح و تماشا فرموده سوار میشوند چنانچه
در روز شنبه گذشته سوار شده بکاخ اطراف
کردش و تفریح فرمودند و حوالی غروب آفتاب بارک مبارکه
سلطانی مراجعت نمودند

چنانکه در روزنامه های گذشته نوشته شد اکثری از سرداران
معتبر و خوانین معارف افغانستان غرم تقبل عتبه علیه السلام
ابد مدت را نموده اند و در این اوقات علی التواتر بدر بار
شاهنشاهی می آیند چنانچه بعضی از آنها که آمدند نوشته شده
درین روزها هم نتیجه الامر العظام سردار سلطان احمد خان
پسر مرحوم سردار محمد عظیم خان وارد دربار بایون گردیده
از جانب انسانی دولت علیه لازمه توقیر و احترام در استقبال

و تعیین منزل و معاندان و غیره مثالی بهیچ آمد
امروزه در دارالخلافه طهران احسن ایتمات نواب مستطاب
والا بتبار و شیرمیز قرین انتظام است و اگر بزرگرت دردی
اتفاق بیفتد بایتمام نواب معری الیه اموال سرود و پیدا و حبس
میشود چنانچه در شب غره اینها در دی بچه عالیجا حاجی علی کرک برآ
رفته قدری سال و اجناس برده بود و فردای آن شب داروغه
شهر و بیرون دروازه دزدان با مال بیت آورد مال حبسند و دزد
محبوس شد تا حکم آن شود

چون امیر چاچا خاوندین اوقات خوبت نظم است و پوچات و دود و بی عیب
چنانچه مرده فتح هرات یا زنده زنده بطرازان رسانده بودند و در این
روزها یکم شب جبهه ترمه کرمانی بجایجا اسمعیل خان پارچی باشی و یکم شب
شال ترمه کرمانی بجایجا میرزا سید حسین مبارک چاچا خاوندین
عالیجا حاجی موسی خان تحویل اکل قورخانه مبارکه و در راه انداختن قورخانه
بولایات و سرحدات نهایت تمام را بجل آورده و خوب انجمنه
مذا دین روزها محض حمت یکم شب جبهه ترمه بجایجا مبارک
عنایت شد

سایر ولایات استرآباد

از فراری که در روزنامه استرآباد نوشته اند امور ولایت
اتهامات مقرب الخاقان جعفر قلیخان ایلمانی در عین انضمام
و انالی اینجا در کمال امنیت و آسودگی خاطر بدعا کوئی ذات است
تا یون شاهی اشتغال دارند

دیکر نوشته اند که در این اوقات بقدرده هزار خانوار بر کمان
کوکلان خنوق نشین با هزار خانه اسیر قلیاش که در خنوق
ساکن بودند باز و بچه آمده در قاری قلعه ساکن شدند چون
پناه باین دولت جاوید مدت علیه آورده بودند بملا حظه
ایکه مباد از باغیان خنوق و ترکمانان اضداد با آنها دست
شود مقرب الخاقان جعفر قلیخان ایلمانی ممکن آنها را در قاری
مصلحت ندید عالیا محمد رحیم خان و یوزباشی قلیخان را با
سوار روانه قاری قلعه نمود که آنها را از اینجا کوچانده بچین
کاپوش بیاورند و در اینجا سکنی بدهند

دیکر نوشته اند که در این اوقات برادر خان خنوق با برادر
میوت خنوق نشین بجزم تقبیل علیه شاهی خلد الله ملک و
وارد استرآباد شدند مقرب الخاقان ایلمانی لوازم احترام
و ضیافت را از آنها بجا آورده چند روز در اینجا توقف کرد
اسی از برادر خان خنوق و زور برده بود مقرب الخاقان ایلمانی
آدم باطراف فرستاده دوروز بعد در تاش که سیزده
استرآباد است پیدا کرده بنزد مقرب الخاقان شالیه
آوردند بنزد برادر خان خنوق بالنصام تعارفاتی دیگر از
فرستاد و شالیها این روزها از اینجا روانه دربار
تایون خواهند بود

دیکر نوشته اند که مخدوم قسلی سلاخ این اوقات مرکب
شده یک نفر اسیر و چند فرد کاد و کوسفند برده بود
ایلمانی خوانین میوت را خواسته شالیه را با اسیران
از آنها مطالبه نمود آنها نیز تعهد نموده فرستاد و آن اسیر را
با چهار نفر اسیر دیگر که دوسه روز قبل برده بودند بنزد مقرب
ایلمانی فرستادند ولی خود مخدوم قسلی از بیم مواخذه و سیاه
متواریت و هتور بدست مده است

دیکر نوشته اند که در این روزها نوکر استرآباد در
ایلمانی تماشای دید از جمله علامهای یوزباشی قلیخان
که صد و ده سوار بودند در کمال آسودگی بمکی با اسب ویران
خوب و جوانان رنبد و نمایان بنظر آمده و مقرب الخاقان
ایلمانی آنها را بسیار پسندید و یوزباشی قلیخان را خیلی
نوازش نمود

کیلان

از فراری که در روزنامه کیلان نوشته اند در ۲ شهریور
عالیا محمد سیراه تنکا بوسکی صاحب قنصل دولت بته روس
مامور قاصد کیلان وارد شهر شد کردید عالیا میرزا محمد علی مباشر
مهام امور خارج از جانب امیرالامرا العظام مقرب الخاقان عید
باجعی از اعیان شهر تاج خارج شهر شالیه استقبال نمود با کمال احترام
وارد شدند بیکر سبب رفاق طلا بجهت سواری عالیا قنصل مباد
سبب یک مقرب الخاقان عید الملک بجهت احترام عالیا شالیه فرستاده بودند
و رود بیم بی فوچان بمل ساری روانه نمود و رسم دید و باز دید بظرف
آمده آنها کمال بود و دوستی نسبت بهم کردند و عالیا محمد سیراه
محمد علی مباشر هم خارج کمال نمود و بیکر کی مقدم رسانده و دید
و ملاقات و ستاره از بیم نمود و عالیا عظمی صاحب قنصل با توابع
یوم بعد از ورود عالیا قنصل جدید روانه سمت خاک دولت بته روس
کردیدند

دیگر نوشته اند که در این اوقات جمعی از قطع الطریق با هم اتفاق
 کرده شبها را بنیات اجتماع بر سر خانهای رعایا و دماقین
 اموال و اسباب آنها را بگارت میبردند مقرب الخاقان عمید الملک
 بعد از استحضار بمجلس جمعی از آدمهای خود را مأمور نمود و وقت
 کرد که از رعایا و دماقین مزبور هر کس چیزی بسم مخارج و غیره
 مورد مواخذه و سیات باشند باید بنجایندگی و اتفاق دماقین
 مرقوم را قین را هر کجا باشند دستگیر نمایند مأمورین حسب الامر
 رفته محل مکان دزدان را مستحق کرده شبانه بر سر آنها ریخته بودند
 ولی چون شب هنگام بود و اغلب دزدان فرار کرده بودند مگر
 علی حسین نام دزد معروف با یک نفر دیگر دستگیر شدند آنها را
 نزد مقرب الخاقان شارایه آوردند آنها را تلبیه مضبوط کرده
 تا رفقای خود را قلمداد نمایند و مقرراتی که از اطراف در مقام
 تفحص دزدان مزبور برآمده در هر جا هستند آنها را گرفته بیاورند
 تا اموال رعایا و دماقین از آنها مسترد شده بعد حکم آنها شود
 علی الحساب رعایا از تعذبات دزدان آسوده شده اند و کما
 دارند که بزودی همه دستگیر شوند
 کراماتشان
 از فرار مکمل در روزنامه کراماتشان نوشته اند امور افلاک
 از اتهامات نواب مستطاب عماد الدوله قزین نظام کامل
 کمال آسودگی از برای امالی آنجا حاصلست هر کس بجا مشغول
 و کسی قدرت حرکت خلاف ندارد و نواب مغربی الیه در نظم و
 و رسیدگی با مأموریت و انجام خدمات دیوانی لازمه اهتمام
 بعمل می آورند
 علایجه ذین العادین خان سرهنگ فوج کلهر با سر بار در کراماتشان
 همه روزه مشغول شش میباشند و از جانب صاحب منصبان

کمال اهتمام در مشق و انتظام امر آنها میشود
 و هم چنین علایجه احد الدخان سرینب فوج کوران طلع
 با جمعی سواره سنجابی و فوج در سه فرسخی قصر شیرین نشسته متوجه
 امورات محوله بخود میداند
 دیگر نوشته اند که قورخانه جدید که در کراماتشان بنا شده
 این روزها قریب با تمام است و هر چهار پنج روز یک مرتبه خود
 نواب عماد الدوله بکشتی و قماشهای آنجا میروند و بسیار جا
 با صفا و شکوه شده است
 دیگر نوشته اند که اسال زوار از هر ولایتی زیاده از سالهای
 دیگر زیارت عیالات میروند و طرق و شوارع حد
 کراماتشان در کمال اقیست است و مستحطین مشغول حفظ و تحرا
 میباشند که زوار و قوافل با تسودی و اطمینان عبور و مرور نمایند
 دیگر نوشته اند که دو نفر زوار ترک که از عیالات مراجعت کرده بودند
 در منزل ماهی دشت در کاروانسرای منزل کرده بودند یا بونی
 داشتند در آنجا فروخته بودند و نمیشد برخواستند بقیه رختی با سبی
 از زوارمانی که بعبات میرفته اند برشته و بکار و نهاده و گفته بودند در
 بازرگانی میخواستیم برویم آنهم خالی از غرض در رکسوده و آنها بیرون رفته
 صبح صاحب اسب خبر شده که بیان کار و انفراد را گرفته بودند
 کار و انفراد را هم صاحب مال را اطمینان داده و خود عیالات
 سوار شده متعاقب دزدان تا کراماتشان آمده و در راه
 که منزل کرده بودند رفته و دزدان را در خواب دیده بودند
 رفته نایب داروغه را خبر کرده با اتفاق آمده بودند است و بقیه رختی
 از آنها مسترد و بکار و انفراد تسلیم کرده قضی گرفته بود که بصل
 برساند و دزدان الان محبوس میباشند

دیگر نوشته اند که آبادی شهر کرمان نسبت سابق خیلی زیاد
شده است بطوری که زمین خرابه در شهر مانده است و جانی که بقایا
بافت تومان وشت تومان داد و ستدی شد حال بصدوق
خرید و فروش میشود و همچنین مزارع و قرار دارالدوله اکثر موقوف
و آباد شده باغات و بساتین احداث نموده اند و نواب مستطاب
عمادالدوله سالی دو دفعه اکثر بلوکات را گردش میانید و
مردم را بر اراعت غریبی میکنند

خراسان

از قراکیه در روزنامه خراسان نوشته اند کمال افت
انتظام در آن ولایت حاصل است و رعایا و برابرا سوده خاطر
بدعا کونی ذات آقدس هائون شانشای اشتغال دارند
اجناس و ماکولات اگر چه نسبت بقدری تغییر دارد
فراوان است و یکجا پیش ازین نوشته اند بهای ارض اقدس
چند روز بدست سرد شد بعد از آن باز طایم گردید تا
کنون باز ندکی نده است

شاهرود و بطام

از قراکیه در روزنامه بطام و شاهرود نوشته اند امور
آن ولایت قریب انتظام است و عالیجاه نتیجه انجوائین العظام حاج
حاکم آن ولایت در رفاه و آسودگی رعیت و امنیت طرق مسافر
و انجام خدمات دیوانی اهتمام کامل بعمل می آورد و عابرن
و متردین آسوده خاطر عبور و مرور می نمایند و از اشرار و کجایان
که اغلب اوقات دست اندازی بر واره و متردین می شد
اوقات بکلی موقوف است هیچ اثری از آنها در آن ضحیات
نیست و مع ذلك عابرن و متردین را ذل و آزار و اذیت
مستحظ نموده اند و از نازل سامان خود میکدراند

حما

از قراکیه در روزنامه حما نوشته اند امور آن ولایت قریب
مراقب عالیجاه معرب انجوائین چراغعلی خان حاکم حما قریب
انتظام است و کسی قدرت حرکت خلاف و بیجا بی نسبت
بدیکری ندارد و رعایا آسوده خاطر بدعای ذات آقدس هائون
شانشای اشتغال دارند

دیگر نوشته اند چند وقت قبل ازین کرمانی حسن نام آقندی
نیزد عالیجاه میرزا و لجنان نایب الحکومه آمده مذکور داشته بود
که تقی نام آقندی شب آمده بقدر یکصد تومان نقد حبس
از خانه من سیرت برده بود صبح رفتم که او را گرفته شبیه
گفت در بیرون باش تا من الایع خود را بیاورم و با
شهر برویم قدری در آنجا مکث کردم ناگاه دیدم صدای
شیون از خانه او بلند شد با بهانه آن خود بدرون رفته
دیدیم تیغ دلاکی را بکلوی خود کد داشته بقدر نصف کلوی
خود را بریده است بهزار مهر که تیغ را از دست او گرفتیم
نایب الحکومه دستاورد او را بشه آوردند و از خود شتر تحقیق
نمود بعد از آنکه کلوی خود را بریده بود هفده بخیه زده بود
ده بخیه آن گرفته و هفت بخیه دیگر پاره شده بود از قراکیه
بعد خبر رسید و روز بعد از آن مقدمه بهمان زخم در کد
و لاک شده بود

دیگر نوشته اند که در ولایت حما چند وقت پیش ازین
قدری کران و کم باب شده بود ولی از اتهامات متهمین
چراغعلی خان که مابینار واران حکم کرده غله بخیان فرستاد
نان فراوان و از نان شده و بالفعل کمال فراوانی و از نان
حاصل و مالی آنجا آسوده خاطرند

اخبار دول خارجی

از قراریکه در روزنامه مجریه الحاد است بهاسبول نوشته اند
در ۳۱ ماه صفر در خبریه زدوس حرکت ارضی وقوع یافته بود
بقا و ثانیه امتداد یافته بود نتیجه اینکه آنجا خود را از خانه
بیرون انداخته بودند مردم آنجا مضرتی نرسید بود ولی غلبه
بسیار خرابی رسیده موجب روزنامه که بعد آمد است نوشته
بودند که نتیجه کمال شدت این زلزله یک واپور پسته که بقدر
میل مسافت از خبریه مرز بوره در دریا حرکت میکرد کمان واپور
زلزله را احساس کرده و از ترس اینکه مبادا کشتی بسایه
در میان کنگر انداخته بود ازین زلزله بعضی محل دیوار قلعه آنجا
و مساجد و کلیساها و دیوارن بتکی خراب شده و در محله های مسلمان
و ملت یهود از خانه های که قابل سکنی بودند پنجاه باب خانه خراب
و از محله روم از یک هزار خانه فقط دو خانه که بتوان سکنی کرد باقی
مانده و بعد از آنکه مسندم گردیده و محله فرنگیان که دویست باب
خانه بود با قریب سیصد کارخانه کتلا خراب شده جانی که قابل
سکنی با نماند و دوسه قریه از توابع خبریه مرز بوره نیز خراب
نفر بیشتر آدم تلف شده بودند

و همچنین نوشته اند که موجب روزنامه که از گرد آمد هم در
سیر دهم صفر در آنجا هوا بهم خورده باد سیاه شد و دید
گرفت تا ساعت ده از شب رفته یعنی یک ساعت بعد از وقوع
رو و سواصوات دشت دیگر از هوا استماع شده و در عقب او
از شمال رو بخوب زلزله شدیدی دلوله انداز صحرای بیابان
گردیده رفته رفته شدت کرده تا دو دقیقه امتداد یافته بود
در آنوقت شب که این زلزله وقوع یافت اغلب مردم در خانه
خود در خواب بودند ولی از صدای هیبت که قبل از وقوع

در وی داد و ده بیدار شده از خانه بیرون دویدند و چند
با شخاص ضرری نرسیده بقدر دولت تلف و بسیار
مجرور و زخمی شدند و اربکال شدت این زلزله در حوال
مذکور که بهانی که بود هیات اصلی آنها هم خورده و دکا کین
بسیار نیز خراب شد و الی گریه با قایلیم مقام قضیه با اتفاق آنجا
رفته و از جانب دولت عثمانی بجهت بومیه آنها و استی
و چاراضطراب شده اند فی الحال از طرف نان و دو خایر متوسعه
و سبکسانی که بی منزل مانده بودند چادرها تدارک دیده
آنجا توزیع و تقسیم نمودند و همچنین از اسبابول هم بوصول
خبر مقدار وانی آورد و یکبار دیگر با آنجا روانه نمودند که
آنجا تقسیم شود

از قراریکه از روزنامه اسپانول نوشته اند سر وکیل دولت
نام و این نام بسایت و اخبار آن و دودخ از اسپانول
شده بود و تا این اوقات در پاریس پای تخت فرانسه
در این اوقات ملک اسپانول او را بعد از خسته و سر وکیل دولت
مرز بوره باز بجهت او مغضوب داشته اند

و همچنین می که سابقا احتلال ملک اسپانول شده بود بعضی از آنها
شده و مجوس گردید بودند و اغلب ببارد و تلخی و خیل شده اند
و الا که موجودات آنها از جانب دولت اسپانول محاصره و کانی که جان
و مضرب بودند ربه و مضرب آنها را نیز زخم نموده بود در این اوقات که
سر وکیل دولت مرز بوره بدر دمرخت کرده از جانب ملک اسپانول
تقصیر را بایات بکلی غوغا شده و آنها که مالک دیگر رفته اند در صورت
مراجعت برقرار شدن آنها با موری نو حکم شده است ولی ربه در
سابق آنها با مالک و اموان حکم شده است که بآنها داده شود
کنار شش از جانب ملک اسپانول اعلام شده است

دیگر نوشته اند که در شهر مدیس هندوستان که در
 شرقی هندوستان واقع است از جانب فومپا بنید
 اعلام شده است که در سال آینده یک عمارتی مانند
 بلور که در لندن و پاریس بجهت گذاشتن نقایس و متعده
 خلق کشوده بودند برپا نمایند و مثل آن عمارت هم در حیدر
 آباد عمارتی برپا شود و درین عمارتها قرار بر این است که از
 امتعه و نقایس دول دیگر چیزی گذاشته نشود فقط از محصولات
 ارضیه و صنایع هندوستان در آنجا بجهت گذاشته
 شود
 سابقا نوشته شده بود که حکمدار ملک سیام هندوستان
 بجهت صاحب مصلان دول فرانسه و روس و انگلیس که در
 آثار شجاعت از آنها بجل آمده بود شش قطعه نشان شمشیر
 خود را مصحوب امور مخصوص ارسال داشته بود و در وقت
 مرور بپاریس پای تخت فرانسه در روزهای سابق نوشته
 شده بود بموجب اخباری که این اوقات رسیدت رالیه
 اعلیحضرت امپراطور فرانسه شرفیاب و نام خود را اطلاع مورد
 التفات امپراطوری شده است اوضاع طبقات و فساد مزبور
 و مسرائان او نوشته اند که کلاهی سیاه بسیار بلند کبر
 و جبهه سرخ پیشه و در حالتی که بجائی میرود در دست آنها
 ایناکی شکر و یکی سایر چیزها و تخته ای دیگر میکشند و گویان
 مرحله را اظهار احتشام میمانند و این و ستادگان حکمران
 سیام و نفر بودند و قتی که بحضور امپراطور میرفتند سوار
 شده و او آنها را در عقب آنها بان بیات که مذکور شد
 بودند و مالی پاریس خلقی بسیار بجهت تماشای آنها در کوچه
 کرده بودند

دیگر نوشته اند که در پاریس پای تخت فرانسه تاکنون
 از برای اهل اسلام قبرستان علاقه نبوده در این اوقات
 اعلیحضرت امپراطور فرانسه جهت دفن جنازه اهل اسلام
 هفتشت هزار دوزخ زمین مشخص کرده و دور او داده اند
 و دیوار کشیده اند و یک مسجد نیز در آنجا بنا گذاشته اند
 دیگر نوشته اند که در نوزدهم ماه صفر در ایستان در شهر لوه
 از ملت یهودینی نقوس در ضمن اجرای این در معبد خود جمع
 شده بودند درین بین یک شخصان بزرگ که در بالای معبد
 بود بزمین افتاد از صدای آن یهودیها و اهجه کرده بودند
 که معبد شاید میخورد خراب بشود هجوم آورده بودند که از
 معبد بیرون بیایند از بکه روی اهرم ریخته بودند در
 چند دقیقه بعد رنجابه نفرانها در زیر دست و پایا پال
 و هلاک گردیده بودند و مثل این هم در بیت و سیم ماه مزبور
 لندن اتفاق افتاده است شخصی مشهور بعلم و فضل بعضی اشخاص
 اعلام کرده بود که حاضر شوند و درس بگویند خلق زیاد جمع
 تقریر و تماشای درس او در آن مجمع حاضر شده بودند چند نفر
 کسبه برهم با هم یکدیگر تمهید کرده بودند که این مردم را بواهمه
 بکشند و در برنجوردگی آنها کارشان از پیش برود و در
 در میان این مردم هر یک در طریقی نشسته بودند ناگاه اها
 خود حبه و فریاد گمان بیرون دویده بودند که اینک زله
 مردم از واهمه بر سر هم ریخته و هجوم آورده بودند که بر
 بیایند گذشته از آنکه کسبه بر با مبالغی از آنها زده بودند بعد
 بیت سی نفر در زیر پا مانده پایا پال و هلاک شده بودند

روزنامه وقایع اتفاقیه پنج یوم شنبه روز ششم شهری الاولی مطابق سال لوی میل ۱۲۷۳

منطبعة دار الخلافه طهران

قیمت اعلانات

هر خط پنجاه



مره سیصد و ده

قیمت روزنامه

هر نسخه ده شلر

اخبار داخله ممالک محروسه پادشاهی

دار الخلافه طهران

بموجب استهانت نامه دولتی ماموریت مقرب انخاقان امیرالاعظم
میرزا محمدخان کسکی باشی دربارهایون و مقرب انخاقان امیرالاعظم
فضلعلی خان بیکر یکی و امیر تومان و سایر مامورین که نوشته
بنکام روانه شدن مامورین معززی الیه از جانب سنی انجوا
قدس یون شاه دین خلد الله ملکه و سلطانه لایحه
و توجهات ملوکانه در حق هر یک ایشان بعل امتحان
نفیس تایون تشریف فرمای باغ دولتی که مقرب انخاقان کسکی
نقل مکان با نجا کرده بودند و انواع همتهما در حق او بعل
اوروند و از جمله اسبی از اسبان خاصه پادشاهی بایراق
طلو و مرصع باو و یک ثوب جبه ترمه و تلک بسیار خوب
مقرب انخاقان فضلعلی خان امیر تومان التفات و عنایت
فرمودند و از انجا بیاع نظامیه متعلق بجناب جلالت آیت
ارفع امجد فخرهم و امجد اجلاله العالی تشریف فرماید
صاحب مضبان و سران سپاه ابواب جمعی معززی انخاقان معززی
از توپخانه و سرباز و غیره احضار و بهر یک ایشان بدل

ملوکانه فرمودند و همگی در کف حرمت باری و امیدواری
بر اجماع علیحضرت شهریار بیگال ارادت و جانفانی
روانه محل ماموریت گشتند
نتیجه الامراء العظام سردار سلطان احمد خان پسر مرحوم سردار
محمد عظیم خان کابلی که شخص مجمل و کامل دازا عاظم سرداران
و خوانین کابل است و بهندی بزرگ ارسته است و باو
کفایت و شجاعت انصاف دارد برای خدمتگذاری دولت
جاوید آیت عنایت شرفیابی یکبار مبارک نموده بود چنانکه
در روزنامه مفسر که شته نوشته شد با عزار و اکرام تمام
دار الخلافه الباهره کردید در روز یکشنبه معتمد جادی الاولی
اول خدمت جناب جلالت آیت شرف امجد صدر اعظم
لارمه توقیر و اکرام از او بعل آمده بعد از آن شرفیاب حضور
لامع النور سرکار علیحضرت اقدس تایون شاهنشاهی
ایام شوکه عن التناهی نده با لطاف خاطر تایون مفتخر
مبارک گردید
نواب سردار شاه دوله خان پسر مرحوم نواب محمدزبان

خدمت شد اندک سه هزار نفر سواره و پیاده و او طلبان دین
و موجود داریم علاوه بر نوکرد ولتی بهر جا اولیای دولت علیه
و ما مور فرمایند سر و جان بر کف گرفته خدمت نمایند حکمی که از جانب
اولیای دولت علیه لازم بود در جواب عرض مقرب الخاقان علیه
و امانی عراق صادر شد و الله تعالی عنقریب از سایر ولایات
ممالک محروسه اسلام جان شان را خدمتگذار فزون از خدمت
و او طلب خدمت علاوه بر نوکردیوانی در سر خدمت حاضر خواهد
بود

امورات قشونی

در این اوقات که هوای دارالخلافه طهران اعتدال دارد و
قاهره نظام متوقف دارالخلافه مبارکه از توپچی و زنبورکچی
سواره نظام و سرباز نیمه روزه در میدان ارک و میدان
خارج دروازه دولت مشغول تیر اندازی و مشق و تعلیم و تعلیم و
نظامی میشوند و از جانب صاحب مضبان و متعلین کمال سی
و اهتمام در مشق و انتظام امر آنها بجهل می آید و همچنین امور
قورخانه و حبه خانها در عین انتظام است و تمامی اصناف
کارخانجات مشغول ساختن اسلحه و اسباب نظام و غیر نظام
در ریختن مگوله توپ و تفک و ساختن فشنگ و بر آلات و ادوات
حرب میباشند و در هر باب امور قورخانها و حبه خانها
انتظام را دارد و از جانب کارگذاران دیوانی نهایت مراقبت
و اهتمام در انتظام امر آنها میشود و علی التوالی اسباب قورخانه
و توپخانه تهیه و تدارک دیده شده و بر حداثت ممالک محروسه
هر جا که لازم باشد فرستاده میشود

علیجاه عبدالقادر خان سربشپ با سواره شکی جمعی را الیه
آذربایجان حاضر رکاب نصرت انتاب هایون شده و

کابل در روز دوشنبه ۸ جمادی الاول با کمال اغراض و کرام
وارد دارالخلافه آتفا هر کرده برای خدمتگذاری دولت علیه
ایستام و او طلبان آمده است و از جانب سنی ایجاب هایون
احترامات از فرستاده مستقبیلین غیره بجهل آمده و روز قبل در کمال
شایستگی وارد گردیده و اگر چه هنوز شرفیاب حضور هایون نشده
و خدمت جناب شرف امجد ارفع نرسیده است لکن از توپچی
معروف است و ملاحظه میشود در معرفتی الیه نیز از اشخاص
کامل و کافی است و بکالات و هنرهای زیاد موصوف است
و هر یک از سرداران معتقی الیه سواره های رشید افغان سرباز
دارند و او طلب خدمت مستند که با همان سوار مخصوص
به یک از اطراف دولت علیه که از جانب سنی ایجاب هایون
مقرر شود روانه شده و در مقابل خصم دولت مصدر هر نوع
جانتانی و خدمت بشما تا رای اقدس هایون در اموریت
انها بکدام جانب اقتضا فرماید و چه نحو و بچه استعداد و عدد
ایشان را ما مور خدمت فرمایند

بعد از آنکه خبر تورقشون بخلیس بی محابا و رود آنها بشهر
اطراف ممالک محروسه ایران انتشار یافت غیرت ملت
عصبیت امانی مملکت بچوش آمد در هر جا و او طلب خدمت
شدند از جمله مقرب الخاقان جعفر قلیخان اینجانی بیکر کی است
عریضه عرض کرده بود که سه هزار سوار و او طلب خوب مستعد
دارم و استعدا دارم که خودم را هم با سوار حاضر فرمایند
و در سرحداتی که قشون دولت مشغول جنگ هستند ما مور خدمت
نمایند مسئول و در خاکپای هایون مقبول افتاده امر مقرر
که بزودی سوار مزبور را بر داشته بیاورد و همچنین مقرب الخاقان
میرزا حسن خان حاکم عراق و عموم امانی عراق عریضه عرض کرده و

۲۰۲۴

حمت

از قراریکه در روزنامه حمت نوشته اند عالیجا مقرب الخاقان
چراغعلینجان حاکم حمت در انظام امرولات و رفاه و اسود
رعیت و انجام خدمات دیوانی نهایت مراقبت و اهتمام راجع
می آورد و در اواخر ربیع الثانی سببه سرکشی و رسیدگی دانات
خالصه فت و در هر جا که مذبذبه و تخفیف و غیره لازم بود داده
رعایا اسوده خاطر مشغول امر زراعت و عیسی خود دعا گوئی
دات آقدس هائون شاهنشاهی خلد الله ملکه و سلطان بهمان
و ابرکمال مراقبت و رسیدگی مقرب الخاقان مشارالیه احدی
ارضضا باط و مباشرین دیناری باحدی تقدی در ریادتی
مکنند و رعایا و زارعین ریاده از این معنی دعا گو و شکر گویان
و نیز نوشته اند که کمال ارزانی و فراوانی در آن ولایت
و کندم ریاد و بشهرنجان می آید بطوریکه بازار خبازان
و نانشان بروز دیگر میماند و خریدارنداشت درین خصوص
بیزد مقرب الخاقان چراغعلینجان آمده شکایت ارک دی
بازار خود و عدم خریداران سببه ریاد و آمدن غله با ولایت
مقرب الخاقان مشارالیه محض سلامتی وجود فایض السجود
شاهنشاهی خلد الله ملکه و سلطان بهمان دیوانی خبازان را که
سی تومان بود تخفیف داد مردم آن ولایت جماعت خبازان معنی
راضی و کر زبان باری دات آقدس هائون کشود
دیگر نوشته اند که دو فوج مراغه ابوجهج مقرب الخاقان خجیر
قاجار بهر سببه که احضار بدر بار معذلت مدار هائون شده
در ورود و برخیزان مار و انشدن از انجام کمال خوش سکوکی از
سببه حسن مراقبت مقرب الخاقان مشارالیه ظاهر کرد بطوریکه کس
که اینها روآرند یا سبب از اهالی ولایت کمال ضامنند از حسن
استند

کروکس

از قراریکه در روزنامه کروکس نوشته اند از اتهامات
عالیجا مقرب الخاقان رین العابدین خان حاکم کروکس
کمال امانت و انظام و فراوانی و ارزانی در آن ولایت حاصل
و هوای آنجا نسبت باینها دیکر بسیار معتدل و خوب است
و فرمان مهرلعان مرده فتح هرات که در ماه ربیع الثانی بجا
پر تو وصول افتد بود و در بیجا روجا بیهای دیکر کروکس
شبان روز این بندگی و چراغانی کرده بلوارم عیش و میسر
و شادمانی پرداخته و درین هفت شبانه روز مقرب الخاقان
رین العابدین خان شربت و شیرینی و شام و نهار با رعایا
و اشراف و اهالی ولایت و غیره داده و همه مردم بدعا گو
دات آقدس هائون شاهنشاهی خلد الله ملکه و سلطان استغفار
داشته اند

کرمانشاهان

از قراریکه در روزنامه کرمانشاهان نوشته اند نواب
عبداللّه و له حکمران کرمانشاهان در نظم امرولات و رفاه
و رفاه رعیت و انجام خدمات دیوانی و رسیدگی با امور
نصرت و فرجام و سایر نوکر کمال مراقبت و اهتمام راجع
و افواج قاهره متوقف آن ولایت را فوج فوج مدار الدوله
کرمانشاهان خواسته بعد از رسیدگی بان و رسان
موجب و چند روز مشور در کرمانشاهان مرضی محل و مکان
خودشان مینمایند و هم چنین در امر توپخانه و اسبان
و اسبان توپخانه و انظام امر آنها مراقبت تمام راجع
و قرار گذاشته اند که از اسبان توپخانه هر چه کسر باشد
فرجهان خوب اتیاع کرده داغ توپخانه نمایند

اخبار دول خارجی

از قراریکه در روزنامه اسلامبول نوشته اند که شش
دفعه زلزله و خرابی که بجزیره رودس روی داده
در روزنامه هفته گذشته نوشته شد هشتم ماه ربیع
هم از صبح در جزیره مزبوره بنای بارندگی شده و رفته رفته
اشد اید یافت نامزدیک غروب آفتاب طوفان بسیار شدیدی
ظهور کرده و بچند محل صاعقه نزول کرده بود و از جمله یکی از
صاعقه بامردن شهر است بروی بار و ط خانه انجا
بقدر رسیدن ارقطار بار و ط که در انجا بود فوراً آتش گرفته
و از شدت صدای مهیب آن جزیره مزبور از لرزه سابق
سجرت آمد در جوار بار و ط خانه مذکور یک مسجد و بقعه
خانه و دو کالین بسیار خراب شد و در زیر این خرابیها آدم هم
مانده بود فی الحال پاشا که والی جزایر بحر سفیدت با مأمورین
و سایر سید پسترازانهارا که در زیر خرابی مانده بودند سالها
بیرون آوردند و بعضی را هم دیر برون رسیدند در زیر
خرابی هلاک شده بودند
و همچنین در چهارم ماه مزبور ساعت در سبقت در یک
در محل چور نام از کتبه بنا جو در خانه حسنی افندی از تبعه
عثمانی که پاپاس و موم مکن بود قضا آتش ظهور کرده در عقب
عساکر شانه و مأمورین دیر رسیده هر قدر با طحای آن
بودند بجهت تنگنا بودن محل مزبور و شدت وزیدن باد سوز
انجا چند شعبه شده تا بهقت استقامت دیا فقه و تخمیناً شصت
خانه سوخته شد

دیگر از اخبار دول اوروپا نوشته اند که دولت روس تاکنون

در کار فغانج و با بجه خدمات دیگر از تبعه دول غیر کیر
دخیل کار و صنعتی میکردند در این اوقات اعلیحضرت امپراتور
روس این قانون را برسم زده و قرار داده است که از
تبعه هر دولت که خواهد باشد یکصد در صنف چهارش
کامل باشد و به مالک روس برود علاوه بر اینکه در کار
که برای آن صنعت است بکار بازمی دارند در حق او تبعه
ایضا نیز داده می شود و این فقره را چند وقیش این
در روزنامه اعلان کرده بودند بموجب اخباری که درین
رسیده است فرار داده اند که امین اشخاص اگر کسی در
دولت متبوعه خودش ششم و مقصر باشد در کار
دولت مزبور قبول نمایند

دیگر نوشته اند که در شش سال قبل ازین دولت است
انجا که خود با سکن مروت میداد یک صاحب کارخانه
در دادن مروت بدیوان تقب کرده و بقدر سی نفر
از صاحب منصبان عساکر در تقب او شرکت و اتفاق
کرده بودند و وجهی که تقب کرده بودند بقدر دویست
هزار تومان پول این ولایت بود بعد از آنکه حیانت صاحب
کارخانه و صاحب منصبان بموجب او از خودشان معلوم
دولت شد همه آنها را محبس انداخته و اموال موجود
صاحب کارخانه مزبور نیز ضبط دیوان کرد

در شش سال قبل ازین امانی طوسفانه را سر شماری کرد
بودند یک طیمان و ششصد هزار کس که سه گروه و صد
کس بچک این ولایت باشد سر شماری ذکر و امانات
ولایت مزبور شده بود در این اوقات که محمد و اسر شماری

اخباری که این اوقات رسیده است سفیرین را بهما
در اوایل شهر ربیع الاول بپاریس و لندن رسیده
به ولت های خود بیان کیفیت نمودند درین خصوص بجهت
بعضی چیزها علیحضرت امپراطور فرانسه سفیر انگلیس را که
از ناپولی معاودت نموده بلندن رفته بود از لندن پاریس
دعوت کرده است

دولت ناپولی در این اوقات امانی ولایت خود را
سرشماری کرده است ذکور و اناث ثانیان که بیچده کرده
این ولایت باشد بقلم درآمده اند و از اینها دو طایفه که
کردن با فقط اهل جزیره سیسیلیا باشند

دیگر نوشته اند که دول فرانکستان اغلب با یکدیگر خوشی
قرب نمودن و باین وسیله مابین دوستی و محابنت را
مکمل داشتن از اصول قدیمه آنها و از چند صد سال قبل تاکنون
معمول میدارند و خیلی از دول مزبور باین اصول عایت کرده
با یکدیگر قریابت حاصل کرده اند در این اوقات نیز برادر
امپراطور استریه پرنس متسیلین دختر قوال بلجیقا را اراده
که تزویج نماید و از قریب نوشته اند بعد از این رسم عروسی
آنها اجماعی خواهد شد

دیگر نوشته اند که در قصه بلجیک و انگلیس هیئت پنج نفر طفل در کنار
حوضی بازی میکردند سه نفر آنها ناکامه بحوض افتادند آنها که بزرگتر بودند
از خوف فرار کردند و یکی که از آنها کوچکتر است چهار ساله بود غیرتش قبول فرار
نکرده حوض را بحوض انداخته و هر طور بود آن طفل را الم بیرون آورد
و بجهت اینکه طفل چهار ساله اینکو غیرتمندی حقیقت کمال غایت را دارد
مردم آنجا را بجا گذاشته و آن دولت مزبور یک قطعه بن باد و طوفان

کرده اند یک طایفه و شصت هزار کس بقلم آمده است
که سه کرو و سیصد هزار کس باشد و باین حساب
این شش سال دولت هر کس نمانده اند

شهر و نیت که از ایالت کلی فارس و درجه غربی نیکی
واقع و در تحت حکومت جمعیته یکی دیانت اول جانی
بود که بهیچ وجه دولت نفر در آنجا سکنی داشتند و فرزند نام
شخصی که حال رئیس جمهور میشد و در مقامی که مرتبه یوزباشی
داشت یعنی ده سال قبل ازین بتفیش امور آنجا مامور شد
بایالت مرقومه رفت و بجهت اینکه در معدنیات سرشته
کامل داشت شهر مزبور را با معدن طلا دیده بود در
بقدر قوه و بصاحت خود از آنجا بعضی مزینها خریده بود
بعد از آن معاودت کرده این کیفیت را بهر کس نشود
اعلان کرد و در ثانی با بنجامین حاجت نموده منافع کثیره
اوشده بود از آنوقت از هر ولایتی مردم بجهت در آوردن
طلا با بنجامین رفقه جمیعت کردند و طلای بسیار حاصل نمودند
چنانچه در روزنامه های گذشته نوشته شد حال جمیعت
آنجا که اول دولت نفر بشیر نبود بدولت هر کس
و شهر معطس شده است

بموجب اخباری که چند دفعه در روزنامه ها نوشته شده است
در ضمن معاملات بلکه از جانب دولتین انگلیس و فرانسه
تکلیفات و اختلالاتی که بدولت ناپولی شده بود بجهت عدم
قبول دولت ناپولی سفرای دولتین مزبور که در ناپولی
بودند بربط تعلیماتی که در دست داشتند قطع نمائید
شده و بکمال دولت متبوعه خود ملاحظه کردند و از قریب

روزنامه قاجار اتقا تیسارنج یویم سیم بهر دی کی یو کی سالی لوی سیل ۱۲۷۳

نمره مسجد و یازده

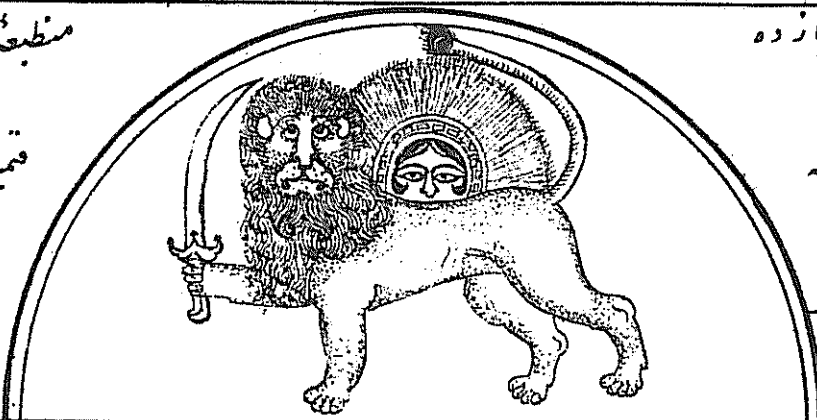
منطقه دارالخلافه طهران

قیمت روزنامه

قیمت اعلانات

هر نسخه ده شاهی

هر خط پرنی هر



اخبار داخله ممالک محروسه پادشاهی

دارالخلافه طهران

چون قاعده معمول کل دول این است که بادولتهائی که
 طریق سلم و صفوت دارند مراتب دوستی و مسالمت آنها را به
 خود اعلام نمایند چنان بادولتهائی که بنای فحاصبت بشود عیا خود را اعلام
 در این اوقات که قرار دارد ولت علیه ایران دولت کلتس نزاع و حجاجت
 انجامید لازم آمد که بعوم ممالی ممالک محروسه ایران بموجب فرمان
 این فقره اعلام علی بن فرامین مطلق ولایا محروسه شرف صدور یافته
 از جمله فرمانی که بعد از افتتاح زوایا نهاده و اعلام التبارک و تبارک
 دارالخلافه صدور یافته بود که گوشه دعوای ملی و انحلاوه علیه ایران
 علماء اعلام و دولتی اعز و الامراء و اعیان و اعا و ارکان و بر طاعت
 از وضع و شریف نایب بود و در روز شنبه ۱۱ شهریور دی ۱۲۷۳ مجمع عمومی در
 پادشاهی و در انحلاوه منعقد گردید که مضامین این فرمان هیول از استماع
 چون ممالی ملک وقت بعد از اطلاع جمالی برکنایات خطیر هیولان ظل اللهی که
 ممالک قاطب امم و ملت بعوم ضلالت و لی الامر و ام مستند هر کدام فراموش
 اوصی داد که میخواستند بمع هیولان خسروا برسد و عامه سراسر این معنی
 دسترس نبود لکن از سبط حضرت علماء و مجتهدین کثر الله الهم از جناب شرف
 امجد ارفع فخر صدر ام دام ظل الله استعدا و درخوا نمودند که لیسر

داشته در آن مجمع عام حضور بهم رسانند نام دم عرضهای خود را بلا واسطه
 با حاکم ملت معروض دارند و حضرت علماء شریعت و حضرت صدرت شاهی
 نوشتند که بجایانه درین روزنامه نقل شود بشرفع میسر اند از قرار که
 شاهزاده والا اردشیر میرزا حاکم دارالخلافه اعلام فرموده بود که گویا دستخط
 مبارک از جانب شاهی بخواهیم بیاوریم و این شاهی ان الله تعالی بافتخار
 صادر شده که بابل ملت اطلاع فرما و در مجمع و اجماعی گذارده اند که
 شاه جمع فرمان هیولان را بخوانند بدین معنی که در مقام اقبال امیر
 هر یک بیانی عرض شد تا خوانند و برای همه ممکن نشود اسنادی خود را بخوانند
 هیولان معروض دارند لکن لازم است جناب ملت عالی که رئیس کل ملت و شخص اول
 دولت مطلقه جانب شاهی بخواهیم بیاوریم و این شاهی ان الله تعالی بافتخار
 خواندن فرمان هیولان مردم عسرا بیض خود را معروض داشت و معصوم خود را
 عرض داشت چون اینطور است عا بنش مردم بطولای محترم بعضی صاحب
 رسید ایجا بالمشور لکم در سجد حضور میسر شد و جمعی از اعیان دولت و ارکان
 حضرت هم در خدمت بوده ان حاضر شدند و عالیجاه خطیب شاهی
 با لارقه دستخط و فرمان هیولان را که افتتاح بفرامین ملت
 دول محتاجه متوقفین دارالخلافه شده بود با و از بلند شروع
 نموده و بسج حاضرین و متعین رسانید

سواد و سچا مبارک که در صدر
فرمان هایون مجتبی و فرزند کریمه

میدانیم لیکن با پیوستن مقام عهد شکنی با بارخواست و عساکر گیتی
 جنگی خود را داخل صلح فارس نمود و بنده معظم این دولت را
 که عبارت از بوشهر باشد علی العفله آمده متصرف شد و اقوال
 و تعهدات عظیمه ای که پسر را در اسلامبول که در حفظ رشته
 دوستی و مسالمت با ایلی که پسر بکلیس در میان دشت بیخ بکلیس
 و محل اعتبار است اینطور بی مبالائی و تکلیفات غیر محققه در حق
 دولت ما روا داشت لهذا ما نیز بعد از ملاحظه چنین رفتار خصومت
 دولت بکلیس بجهت حفظ ناموس این دولت خود متوکلاً علی الله
 همه جاهای ده ایم ایلی ملت و هدیان عزیز با یکدیگر بغیرت و عصمت
 و مردانگی معروف شد و سالها در سایه محبت پادشاه و اسلام
 و اجداد کرام ما انرا الله بر اینهم بغیرت و ابرو گذرانده مجتبه
 و اوقات پدید آمده الله ما را شما نخواهند که شایسته بغیرت
 شایسته و مردانگی استوار خواهند داشت بکلی مردم بعد از این
 این الفاظ و فرمایشهای بغیرت آیت متفقاً باللفظ اظهار ارادت
 اطاعت نموده عرض کردند که در راه پادشاه رؤوف و عفو
 اسلام پناه و حفظ ناموس ملت و دین خود با جان مال و
 عیال اولاد و پسران ده ایم و از بدو ایثار میجویم درین راه که
 عین سعادت و بختی دنیا و آخرت است فرو گذاریم که در خصوص
 از جانب شهر فارغ امجد صدارت پناهی ام ظله العالی استند عی
 که این عرض شده عاصی و فانه مخلص ایشان را عرض ای حضرت
 اندس هاجون حضرت ظل اللهی صان الله فاشو که عن سبیل
 برسانند و نیز عرض اظهار کردند اگر چه پسر کار علی حضرت قوی بود
 ظل اللهی روح فاده مالکیت رفای نام ما باشد و ما کلاط
 ایجاد و بندگی و رشته اطاعت برده کی را بر بفرمودن جو
 داریم و همه خانه را دان و ازاد کرده شدگان این دولت

بر همه معلوم و نگارست که ما همیشه تا می توانیم و تا آن حد که خلقت
 بغیرت و عصمت دین و دولت در میان نایب الله راضی بشفقت
 و جدال قائل نیستیم و فیکه بشر این فرمان را کارکنان دولت
 بکلیس که خود را دوست قدیم این دولت میدانستند این فرج
 و حرکات متفرقه و دشمنیهای آشکار و پنهان خواهند دولت اسلام
 ذیل خود کنند بر صحنه ظهور و بروز رسد و ابد ایلی بخیر دولت
 اسلام ندانسته باشند و روز بروز بر تکالیف شایسته خود بفرمان
 بسته ایم تا در قوه داشته باشیم بر واجب بلکه بر جمیع اهل اسلام
 عموماً و شیع خصوصاً لازم است که کمر بستگی بر میان بسته باد
 غرور خصم از دماغ او بخواست خداوند تعالی و توجیه پیغمبر
 صلوات الله و سلاطین علیه و آله و رضی علی هدیه الصلوة و السلام
 پسرون کنیم تا اینکه بدانند و بفهمند که ملت دولت غیور ایران
 و اسلام مملکت خود را که سالهاست بغیرت و غث و شکست
 راه رفته اند و بر همه حقوق داشته ذیل تدبیر دولت بکلیس
 حوشت من که پادشاه مملکت من درین راه ناهمه جاساده ایم
 نوکران و رعایای غیور ما را شما نخواهند که شایسته فی شری

جمادی الاولی ۱۲۷۲

و تحمل مضایق فرمان هایون اسم این بود که نواب آیت الله عیون
 حفظ عموم و رعایت مواظبت دولتی را با هر یک از دول مجتهد
 بسجوار خود شرعاً و عقلاً و جبلاً لازم میدانیم و قد ام تقض
 عهد با دولت بکلیس کردیم و دوستی او را که قدمت عهد
 و پسندیدمی با دولت ابدی الدوام ما داشت عزیز و محترم

۲۰۳۰

۳

سلطنت پشیم قبول انقال و امر و نواهی سرکار است
 بایون که بمبار اولو الامر پیشند بر همه ما با فرض و متحمست
 چون دین مسئله حاضر و مقدمه واقع با پی مذمت و جبهه
 ناموس عصمت در میان است اگر چنانچه با فرض مقام منع از
 مدافعه و مجاهده ما با بر پائید دست از غصب و غارت دین ای
 و حقیقت خود بر داشته مانعت نیز نتوانیم بود چنانچه
 نایبی نیز بهر یک از مردم جدا گانه اظهار امت و عطف نمود
 ایشان را بر اسم اقدس بایون پادشاهی استبد و لرزی انداخت
 بطور خوب و شایسته مقتضی شده چنانچه شرف اجداد رخ
 و اعیان و ارکان دولت بعد از و ادع حضرت اعلام و
 هم بانی نسبت بشان بر جهت فرمود
 در روز دوشنبه شانزدهم شهر جمادی الاول و فوج مراغه
 ابو جهمی متوکل بخاقان جعفر قلیخان جابر سپهر که
 احضار رکاب فروری شایسته بایون شده بودند در میدان
 ارک حاضر شده صف نظامی کشیدند و همچنین سواره
 شاهسون افشار و سواره قورت پیکو که سان داده
 و تدارکات لازم آنها دیده شده بود در میدان فرود
 شده در پشت سر افواج فرورده سر تاسر میدان صف کشیدند
 و اعلیحضرت قوی شوکت شاهنشاهی آید الله چه چیز خطه
 افواج و سواره فرورده شرف فرماییدان ارک گردیده
 اولاً ملاحظه آحاد و افراد و فوج مراغه را نمودند و کمال
 ارستکی و نظام را داشتند متوکل بخاقان جعفر قلیخان
 و سایر جمعیضبان و آحاد و افراد هر دو فوج مورد
 تحسین و نوازش و التفات طو کانه گردیدند و بعد از
 آن سواره شاهسون افشار و سواره قورت پیکو که
 آمده با اسلحه و اسباب ارستکی تمام و سببان فرمودند
 کاری از نظر مهر ارشاد بایون گذشته سواره فرورده و سرکار
 آنها تا ما مورد التفات و تحسین گردیده در همان روز بخاک
 روزنامه همه کشته نوشته شده روانه محل مایون گردید
 نوابشاه دولت خان پسر حرم نواب محمد زمان کابلی که از
 معسیرین خوانین کابل و کجال کفایت و جرات موصوفه و مورد
 او بدر بار بایون سرکار اعلیحضرت شاهنشاهی آید الله
 در روزنامه همه کشته نوشته شده بعد از ورود اول جناب
 اشرف فرغ انجم صدر عظم را ملاقات نموده از جانب جناب
 اعظم کمال محبت و ربه او بعل آید بعد از آن شرفیاب حضور با
 اعلیحضرت قوی شوکت شاهنشاهی گردیده نهایت حرمت و کرامت
 در حق او مبذول فرمود و امید داری تمام بر اسم خسروانی مهر
 بالچکه سرداران و جوانین افغان که الان در دران بخلافه
 هستند از رئیس مرؤوس و ضمیمه و شرفیاب و بیاضد فخر
 کسان گانه و کاری پیشند باصرار و شوق تمام از ادب
 دولت علیه درخواست از دارند که بمقت فارس بکرمان
 بسان آن اطراف نامور شوند و در آنجا دود و دود مریدی
 مردانگی و شجاعت داده مصدر خدمات نمایان شوند لکن هنوز
 از ادبایی دولت علیه حکم صریح درین نشده است
 چون خاطر خطر همان شاهنشاهی از محسن خدمتکار می گذشت
 نواب خطاب شاهزاده والا بنار حشام الله دله خان میرزا
 حکمران عربان و کرستان و بر و جرد و بخشاری و بن حرم
 در زماندست که همیشه اوقات در انجام خدمات فی کمال کفایت
 و کار دانی بعل آورده لهذا در این اوقات محض غایت طرک

یکموب کلچا بره ترمه بطانه خزان ملبوس خاص بدن مبارک
باد سخط هایون مشعر بکمال مرحمت ملوکانه شرف اصد
یا فقه انقاد کردید

و همچنین محض ظهور محرم ملوکانه در باره نواب امیرزاد
اکبر میرزا نایب الحکومه بر وجه فرمان مهر لعلان هایون
باقی نواب مغزی الیه شرف صدور یافته یکموب چتر خوب
جانب سنی ایوانب اقدس ملوکانه باو مرحمت کردید که در
نواب مستطاب حبش ام الدوله در انتظام امر بر وجه و مضاف
و انجام خدمات دیوانی لوازم تنهات انجمن میاورد
نظر با تنهات عالیجا محبت سراه بهر صاحب در انجام خدمت
محو له بخود و سعی در تعلیم شاگردان مدرسه دار الفنون
خدمت شمس حسن خاطر اولیای دولت قاهره افتاده در این
اوقات از جانب سنی ایوانب اقدس هایون با عطای
یک قطعه نشان دشان تیرپی با حایل مفتخر گردید و فرمان
مهر لعلان مبارک هم شرف صدور یافته خلعت مهر تعلیم
باو مرحمت کردید

هوای دار الخلافه طهران درین اوقات بسیار خوب و با اعتدال
اگرچه تا این روزها بارندگی که بابت بشود شده بود ولی
در شب چهارشنبه گذشته بارندگی بسیار خوب و در روز
مجدد اشروع بارندگی نموده در اول بارندگی هوا انقلابی
به سرانده که موسم تشویش بود ولی رفته رفته انقلاب طوفانی
فرکش کرده قدری مگر که ریزه آمده بعد از آن باران زیاد
آمده بارندگی کامل شد بطوریکه سبب مبد واری زیاد
بجبهه صاحبان املاک و اهل زراعت گردید

امور شهر دار الخلافه و توابع آن حسن مراقبت و کفایت نواب

مستطاب بنام محمد بنم والا تبار در شیرمیرزا حکمران دار الخلافه
و مقرب الخاقان میرزا موسی وزیر نهایت انتظام را دار الخلافه
کلا ترو که خدایان حسب الامر موافقت تمام در نظم شهر
محلات و انجام خدمات محوله بخود دارند و خلاف قاعده
و سرقت بسیار کم اتفاق می افتد و اگر بندرت حرکت حلا
از کسی سر بزند در مقام مواخذة و تنبیه می آید یا اگر سرقتی روی بد
سارق بدست آید تنبیه و سیاست و اموال سر و قضا
تیم میشود از جمله علام نامی که بکرات مرتکب دزدی شده و تنبیه
گردیده و یک دفعه سیاست کشنده گوش او را بکام نواب هرازه
بودند باز دست از دزدی برداشته در این اوقات بکام
آقا حسینقلی چینی فروش رفته بعضی اسباب دزدیده بود و او را
گرفته محبوس داشتند تا این اوقات بکام نواب مغزی الیه شرف
شرع مجدد او را مبعوض سیاست در آورده دستش را از عمل سرت
قطع کرده و مهار نموده در بازارا گردانده اخراج کردند
و همچنین دی نامی بکرات دزدی نموده و تنبیه شده بود و فایده
نکرده باز در این روزها مرتکب دزدی شده بود و دستگیر گردید اگرچه
دستش بکام شرع بریدنی بود اما بکام نواب مغزی الیه کوشش را
بریده و مهار نموده در بازارا گردانده اخراج نمودند

اعلامات

کتابی که عایجا مقرب الخاقان میرزا فتح حکیم باشتی کل در علم حک و طبای
تألیف و موسوم بانوار ناصریه نموده بود که تفصیل آن در شماره ۳۰۵
این روزها مهیا نوشته و اعلان شد مجددا اعلان میشود که هر
طالب نسخه از آن کتاب بشود حرکات روانسرای دولتی در
اطاق عالیجناب آخوند ملا محمد حسین تاجر تبریزی هر نسخه دو
پنجاه اردینار فروخته میشود

اخبار دول خارجه

موجب روزنامه که سابقاً نوشته شده بود مالک مجله
یکی عبارت از سی و شش جمهوری و از جانب این سی و
جمهوریه بجهت امور داجنده و بولشقه در شهر و پیشین
که در حتمه شمالی نیلی و واقع اسب مجلس ملی و مجلس
خوانین و صلوات کان منعقد میشود و این دو مجلس در تحت حکم
یک رئیس جمهور و یک مستشار نظارت اند و مقتضای
خودشان رئیس جمهور و مستشار هر چهار سال یک دفعه تبدل
میشوند و بجای با اتفاق امالی و اعضای این دو مجلس
دیگر نصب میشوند درین اوقات رئیس جمهور و مستشار
ختم پذیر گردیده و لازم شده است که بجای آنها
دیگر تعیین شوند و چون که اهل سب جنوبی یکی دنیا با اهل
در بعضی جهات مخالف یکدیگر انداخته و در طرف جنوب
و کیز سیاه خدین و بام زراعت و غیره بازداشتن
و قانون قدشان است و طرف شمال این قانون را لغو
و خلاف آزادی نمیدانند و در تعیین رئیس جمهور و
بودن نام سفیر سابق لندن را که مایل بقای قانون
انظرفی بریاست جمهور اختیار و طرف دیگر جناب موسیو
که محلی از احوال او در باب معدن طلای کلی فارینا در حتمه
مسطر شد انتخاب کرده اند امالی مرقومه بجهت این هم از طرف
خودشان در این نوبت دولت و نو و شش نفر وکیل کرده
و بشهر و پیشین ارسال داشتند و در مقام رییج الاول در اینجا
منعقد شده تا بار قبول رای طرف اغلب اکثر کنند انصاف
مجلس و فرق شده فرق انداختن اصول قدیمه و زمره قهاری
منفق شد و چون طرفین در عدد اسخاص مساوات داشتند

و اکثریت از بیچ طرف ظاهر شد لهذا در خصوص نصب
رئیس جمهوریه فراری داده شده و بهمان حالت باقی

در سمت شمالی قطعه اوروپا که عبارت از ترکستان باشد
ایالت لاپونیه نام که در تحت حکومت اسوج و نوروجنا
حسب الموقع سالی سه هفتصد و شش و در وقت پیچوج

غایب میشود و درین مدت اصلاً تارکی لمحوط نمیکرد و بعد از
مدت مذکور رفته رفته باز بجای میرسد که اوقات
ظاهر می شود و اینجا فوق العاده از بلاد بار و محسوس

در هر سال نه ماه دایم بارندگی و برف است سه و دیگر
شدت برودت زایل شده در ضمن این سه ماه امالی
انجا بامیز زراعت مبادرت نمایند هر طریقت بجهت

و برکت زمین در عرض میت روز در غنما برکت می کنند
عرض گاه میوه میدهند و بعد ازین مدت وقت در غله
بعد از برداشتن غزنهها در عرض چند روز در غنما با

خران می کنند و شروع ببارندگی برف و برودت
هوا می شود تا نه ماه دیگر درین حال برودت و آنولایت
شدت کرده و بیش از یکماه و نیم وقت از برای زرع

و در نوشته اند باین جهت کل محصول انجار اسرا زده
و سوزانده چیزی بچل نیامده است و امالی انجا زیاد
و چار فقره واضطرار شده اند از جانب دولت اسوج
نور و جی قرار شده است که با آنها امانه داده شود

هم که بسیار فقیر و بی چیز شده اند و از داده اند که بجا
دیگر سکنی بدهند

چنانچه در روزنامه‌های سابق نوشته شد بجهت قبول
دولت ناپولی تکلیفات و اختلالات و تسهیل
و انگیس سفرای طرفین قطع بخاربه نموده ولایات خود را
گردن چون سفرای قونولهای دولستین منور به از
مملکت ناپولی فرستند و کسی از آنها نداند که ساحت
خود را که در ناپولی هستند بناید لهندا پادشاه ناپولی در
اوقات بکل حکام و مامورین ولایات خود اعلام کرده
که کمال احترام را در حق تبعه دولستین فرانس و انگیس
دارند و احد با آنها راحت نرساند

و نیز نوشته اند که از جانب پادشاه ناپولی سفیری با
مأموریت مخصوص بجانب روم ارسال شده است اگرچه
منظور از فرستادن سفیر روم به طور معلوم نیست اما آنچه
رونامه نیون فهمیدند که یا توسط جناب پاپای روم
باین دولت ناپولی پادولستین فرانسه و انگیس ملاحظه
باشد

دولتهای فرنگستان بجهت کشف معلومات و استخبار
اراضی و اقلیم عالم سیاح و مامور فرستادن و کتب
از اوضاع بلاد بعید و قریه نمودن از قانون قدین
منافع و فوائد عیدیه آن بکرات ظاهر شده است
اوقات از جانب دولت روس بجهت سیاحت
چین و استرالیا و سایر ممالک بعید و احوال معلوم
نمودن جمعی را باینجا نفر از اصل دکان مامور و قطع
کشی تریب دوده از بطری بورغ روانه کرده اند و از
فشته اند در کشتیهای منور و ذوق پیچیده برای
منور و چنانچه کرده اند

حکمران مملکت سیام هندوستان چنانچه در روزنامه‌های سابق
نوشته شده بود و نفر مامور مخصوصشش قطعه نشان بجهت
صاحبان تهنون فرانس و انگیس و روس که در دعوات
اشاره رسالت از آنها بعل آمده فرستاده بود مامورین
بپاریس وارد و شیرفاب حضور علیحضرت امپراطور فرانس
شدند بموجب اخباری که در این اوقات رسید منظور
حکمران سیام از فرستادن این مامورین اختلاط و امیشت
با سیر دول فرنگستان است و اینمحل را مامور سیام
خدمت علیحضرت امپراطور فرانس عرض کرده و از آنجا
دولت رومیه نموده و در آنجا نیز مراتب دوستی و موالات
اظهار نموده از جانب دولت رومیه هم سفیری مامور مملکت
سیام شده است

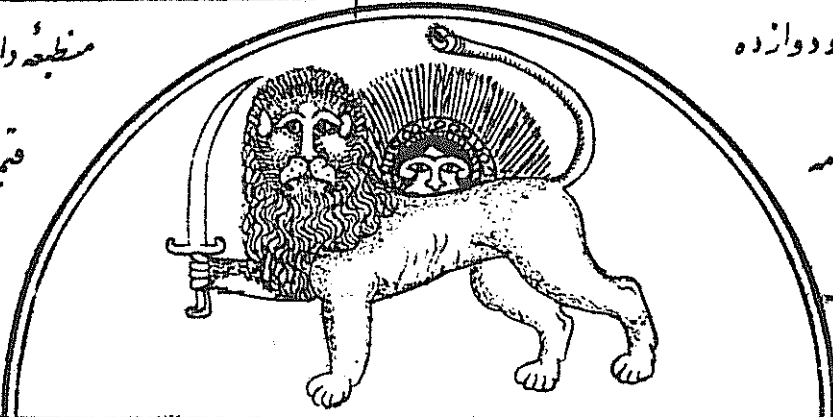
از قراریکه معلوم اصحاب سیاحت و ارباب جغرافیا
جمعیته را در وی زمین در مملکت چین است و از کثرت خلق
خکی گنجایش زمین آنها را ندارد و اغلبی در روی هنر خانها
و کشتی نموده اند حتی در روی هنری که از تاکنون میگذریش از
هفتاد هزار خلق خانه ساخته و نشسته اند چون سالها
از دولت چین اذن عسومی داده نمی شد که امانی آنجا بکشد
بروند رفقه رفقه خلق آنجا ریاد شده حال بخانی رسیده است که
کثرت خلق و قتل آذوقه فحش افتاده اند خاقان چین در این
ایقان عانت اموقوف نموده و اذن داده است که کس از امانی
چین را که میجو ابروند و از آنکه از امانی چین فقط بقطعه استرالیای
بتجا و آدم رفقه اند و اینها بسیار قاعه هستند و بجهت نیکی چنان
بصورت اسیر ظاهر میزند و در کار کردن هر یک مطابق چنان
کار انیش میبرند

روزنامه وقایع اتفاقیه پنجشنبه بیستم خرداد ماه ۱۳۰۳

منبعه دارالخلافه طهران

قیمت اعلانات

هر خطی هر



قیمت روزنامه

هر نسخه ده شاهی

اخبار داخله مملکت محروسه پادشاهی

دارالخلافه طهران

چون هر سال درین موسم اعلیحضرت قوی شوکت شاهی شریف
شکارگاه جاجرد میشوند و چند روز در آنجا تفریح و شکار میفرمایند و در
همه گذشته موبک فیروزی کوکب ثانیون از دارالخلافه مبارکه حرکت فرمود
بجاجره و تشریف فرما شدند جناب جلالت آتشرف امجد رفیع
عظم هم بعضی از شاهزادگان موم و خواص خدمت و موبک
کاپون فستند درین دوره در آنجا شکار بسیار میکنند
شده چنانچه هر سال از آنجا بجهت بعضی از اجد علای اعلام و شاهزادگان
و سفرای دول متحیته شکار و گیم میفرمایند و هم برای
هر یک از اشخاص قومی که میفرستند و تا چند روز در آنجا تفریح
خواهند فرمود

خواهد داد و نظر ب حفظ مصالح داخله از برای اطلاع عموم عالی ایران توجه فرمایند که
تجارت و داد و ستد در ایران و از آنجا که موم و حق و داران دولت علیه ایران اعلام
میشود که بعد از آنکه مازون تجارتخواهد بود که یک صاحبقران پول سفید یا نقره غیر
مسکوک حمل و نقل خارج یا حکام و سرحداران دولت علیه اذن دارند که اگر
نخواهد پول سفید یا نقره غیر مسکوک حمل و نقل خارج نماید ضبط نمایند و از
برای اینکه تجارت منتهی ببرد و پول سفید هم زیاده بشود بخیل تجارت
اذن داده میشود که صاحبقران یا نقره هر چه داشته باشند بخرند
دولتی برده نپناه آباد سکه نمایند که تفاوت صاحبقران و نپناه
مستف آنها باشد و پول سفید را بخرج ببرند

موقت انخافان عین الملک درین روزها بمول حجت
اعلیحضرت قوی شوکت شاهی خلد الله ملکه و سلطانه
و مهابی آمده با عطای خلعت التفات فرین مفاخرت کرد
در توقف شکارگاه جاجرد دیکتوب قبای سر و دست و
کلاهون دوزی از طبوس خاص بدن مبارک بمقرب مقام
مشار الیه خلعت محبت گردید

از قریب که ملاحظه میشود این اوقات پول سفید در دارالخلافه و سایر ممالک و
کثر از پیشتر شد و سبب این است که پول سفید را از چندین سال حال
در آنجا بخرده و بیشتر و اگر این قاعده تداوم یابد و چندین سال
بگذرد و آنقدر نیک که پول سفید دیگر نقره غیر مسکوک در ممالک ایران یا
نخواهد بود و برای خزانة دولت و مردم این مملکت کمال خسارت و معطلی

۲۰۳۵

مئی بود که فیما بین سفا و مأمورین این دولت علیه با سفا و مأمورین
 دولت جمهوری مجتهد میرکای شمالی در اسلامبول و وینه و جابا
 با جازه اعلی حضرت اقدس تاجون شاهنشاهی و ول داراده امان
 دولت مجتهد مأموره مذاکره و گفتگوی انعقاد عهد دوستی و تجارتی
 در میان بود و اوقاتی که جناب محبت تضا ب مقرر انجمن قان این
 فرخ خان ایلی کبیر دولت علیه در اسلامبول بودند این مذاکره و گفتگو
 فیما بین جناب عالی و جناب رول سنس وزیر دولت مأموره
 بانته رسید موافق اختیار نامه هر دو مأمور را ایما دارد
 داشتند عهد نامه مأموره را سمت انجام داده مبادله نمودند
 عهد نامه میهن نامه این دو دولت مبارکی است استوار
 و من بعد الی الابد فیما بین این دو دولت قوی گشت مأمورین
 برقرار بوده مأمورین و تجار طرفین به مالک جانین آمد و شد خوا
 امید کلی حاصل است که باین وسیله منفعت کلی جهت دولت
 و بجه و تجارت این دو مملکت حاصل گردد
 از قراریکه باطلاع اولیای دولت علیه میرسد و اخبار روزگار
 داخله و خارجه خبر میدهند بعضی از کارکنان نخلیس در کارند که کا
 منفذ آمیز بکسان این دولت علیه بیارزند و آنها را در خفیه اغوا
 و تحریک برافشا و در داخله این دولت نمایند اگر چه مردم ایران
 چنان بی غیرت و بی حمیت نیستند که با ننگه پیرانی کار نخلیس
 از قصه دین و دولت خود بردارند و یا دولت علیه چنان این
 تسلط و اقتدار بر سر تبه و رعایای خود برکنار نیست که از اعمال
 و پنهانی هر کس بی اطلاع باشد و مقام مدارک و ملا فی بر نیاید
 در هر حال با قضا و قواعد ملک داری اعلام صریح مینماید و اگر
 آن آدمهای نخلیس که واسطه اطلاع و شجاعت منفذ انگیر مردم
 این دولت هستند در اول کار مشخص و معین شوند فی الفور در جبهه

باشند برای عمل خود خواهند رسید و اگر کاغذی از مردم
 ملک است و حاصل آورنده آن معین نباشد حکم صریح دولت
 این است که حکام ممالک محروسه اینقدر در کنج کاغذی تحقیق
 و مبالغه نمایند که بالاخره آورنده کاغذ به نیت بد و لا محاله
 بر سر بوده با معین و محسوس خواهد آت وقت حکم صریح دولت این
 که حکام و کارکنان این دولت علیه آن آدم را بگیرند و سزا
 بربسانند بدینست که سزای چنان آدم منفذ دولتی چه خواهد
 در هر حال سزای این آدم جانب دولت حاضر آمده است
 کسان نخلیس دارند که امانی مملکت ایران را بمول و تطبیق
 و از دولت روگردان نمایند اولیای دولت علیه صریح میکنند حکم
 میکنند که مانع گرفتن پول نخلیس هستند هر چه نخلیس پول
 اتباع این دولت خواسته باشند به مذاق اتباع دولت علیه
 مأذون هستند و گرفتن پول نخلیس و لکن بعد از گرفتن پول لازم
 که خیانت بدولت خود نمایند پول نخلیس را بگیرند و هم از خیر
 و صلاح دولت مأموره خودن که دولت علیه اسلام است
 بر ندارند حکام ولایات این حکم را با و از بلند بکوشش هیچ
 مملکت برسانند که پول نخلیس را بگیرند و در نزد دولت خود
 غیب مقصود آن است که خیانت بدولت و بادشاه حجاج اسلام
 پناه خلد الله ملک و سلطان نماید درین صورت خیانت ملتی و دولتی
 بر چنان آدم جاری خواهد شد
 بعضی از مقصدین ایرانی که سابقا ازین مملکت خارج شده بودند
 مذکور میشود که با خواهی نخلیس بی داخل شدن بخاک دولت علیه
 دارند که مشغول قتل و دزدی شوند حکم نموده صریح حکام ولایات
 سرحدیه و غیره صادر شده است که مراقب اینطور آدمهای
 باشند بجهش اینکه دیدند که آنها پای داخله بمالک محروسه

کذاشته اند فی العود و سیکر کرده اثرشان را از روی زمین معدوم سازند

مراتب اموریت جناب قجاق نصیب مقرب الخاقان فتح خان

این الملک ایلمچی کیر دولت علیه در سوال و جواب با جناب

مآب لار در دکلش ایلمچی کیر دولت علیه مقیم اسلامبول مخصوص

دائرة مابین دولین ایران و انگلیس در دفع برودت ذات این

و معاودت بمخارت انگلیس در بار دولت علیه تحفیل در روز

رباطه اندراج یافته است جناب این الملک بعد از ورود اسلامبول

با اینکه قرار بود زیاده از پانزده مد روز آنجا نماند و روانه پاریس

در شانی بنایکال میل و غیبت اولیای دولت علیه بر دفع برودت

حاصله مابین دولین ایران و انگلیس در حجب حکم و دستور العمل

دولت علیه اجازت یافته دو ماه و شش روز در اسلامبول

توقف کرد و آنچه لازم میسرهای و خاطر خواهی با دولت انگلیس

بقدر وسع و قدرت دولت علیه بجا آورد و حتی المقدور از قبیل

تکالیف دولت انگلیس مضایقه نموده بلکه بعضی از تکالیف دولت

انگلیس را علاوه بر دستور العمل و اموری که با و داده شده بود

عمده خود گرفت اما چه فایده که جمیع سعی و اهتمام و تعهدات جناب

شاه را بیفایده شد چرا که روز بروز جناب ایلمچی کیر دولت علیه

بر تکالیف شاه خود شش افزوده و جناب این الملک چون دید

تکالیف شاه جناب ایلمچی کیر دولت علیه حد تعریف ندارد از این

هر چه او تمیل در مطالب و توقعات دولت انگلیس نماید از این

جناب ایلمچی کیر انگلیس تکلیف جدید و سوار تر و رومی آورد و قول

آن نوع تکالیف از قوه هر سفیر با اقتداری و بلکه از طاقت تحمل

هر دولتی خارج است توقف خود را در اسلامبول بیفایده و

الجار ترک توقف اسلامبول کرده روانه پاریس شد و در مساله

جناب ایلمچی کیر دولت انگلیس نوشت که کلمه بکلمه درین نامه

نوشته میشود

سواد کاغذ که جناب فتح خان امین الملک ایلمچی کیر

جناب ایلمچی کیر انگلیس مقیم اسلامبول نوشته است

اگرچه ما بجال میل اولیای دولت ایران را در حفظ دوستی

انگلیس بکرات با جناب اظهار داشته و بر صدق این اظهار خود

دلایل واضح بیان و تکرار نموده ام ولی پیش از حرکت خود از

اسلامبول لازم میدانم که مقصود حقیقی خود را تبیین کنم

دولت ایران و اتهام شخصی اینجناب را در حفظ و اابط دوستی

دولت انگلیس محذره آنجا طر آنجناب با ورم اولیای دولت ایران

از بدو و اابط خود با دولت انگلیس قدر دوستی اند و دولت را

فیمد و روز بروز طالب از یاد آن بوده اند اگرچه درین چند

بی اعتدالی و تکلمات مأمورین انگلیس در ایران مخصوصه رفتار

غیر مترقیه جناب تر موهبه متحدی بعد از شرایط دوستی و یقینی

مخرب استقلال دولت بود که با پنچین فقرای شأن و

استقلال هیچ دولتی برقرار نمیکند ولی چون اولیای دولت

ایران یقین میداشتند که آن حرکات مأمورین انگلیس منافعی

شان و انصاف دولت انگلیس است و قطع داشتند که او بیا

آن دولت هرگز راضی نمی شدند که نام و قدرت چنان ملک بزرگ

در ایران اسباب آن نوع رفتار ناپسند شود و از این

معلوم شده بود تا و امیکه حالت غشاش و غیر ثابت نشان

باقی است ممکن نیست که دوستی دولین ایران و انگلیس برای طری

فتح لازم فواید شود و لهذا دوستدار با خیار کامل و با دستور العمل

وسیع از جناب سی ایلمچی کیر دولت علیه حضرت شاه ولی نعم خودم

مأمور شده ام که طرح و مقاصد دوستی دولت ایران را بدو

انگلیس حالی نایم و در باب استقرار حالت افغانستان و تغییر
 مأمورین انگلیس در ایران چنان قرار می بدارم که هم مقصود لبطیک
 دولت انگلیس بطلان پیدا و هم روابط دو کشور را بشیر سابق مطابق
 صلاح طرفین باشد و چون آنجناب از مقدمات گفتگوی فیما بین اطلاع
 کامل داشتند امتیاز آن بودم که باقتضای انصاف آن جناب
 مسانی مهم طرح دوستی و دوستی را بکمیل بر نم ولی هنوز هم در تحسین
 که با وصف میل آنجناب و آرزوی صادقانه خود که در اول درود
 خود بجهت ملاقات آنجناب اظهار نمودم چگونه اتفاق افتاد که از آن
 آنهمه تا قی و اگر راه از دیدن من بطور رسیدیقین دارم که آن جناب
 هرگز فراموش نخواهند کرد که من بجهت درک ملاقات شما و میل
 چه قدر کوشش نمودم و تحمل چه نوع حالات را بر خود روا داشتم
 و آخر الامر بی آنکه آن جناب را ملاقات نایم ولی آنکه هیچکس
 مطالب دولت خود را بتوانم حالی نایم و در باب اصرار آن جناب
 تخلیه مهربانانه رفع منازعه فیما بین بر عهده خود گرفتم حتی
 در این باب از اختیار خود بمراتب تجاوز نمودم ولی در حسی که
 میکردم که بواسطه قرار مهربانیت رفع بردت فیما بین بکلی شده
 با کمال تعجب دیدم که آنجناب تکالیف چند که بهیچ وجه منتهی
 اصلی نداشت هیچ سفیر نمیتوانست در آن نوع مطالب بکلی
 نماید باینجناب اظهار نمودند اگر چه اظهار چنان تکالیف دلیل
 بود که مقصود دولت انگلیس و رای حفظ دوستی دولت ایران است
 اما باز دوستدار بجهت تکمیل اتمام خود خواستم آنجناب را ملاقات
 نایم که شاید بطوریکه معایر شان سفارت ایران نباشد
 اصلاحی پیدا شود ولی آنجناب در حین ملاقات برخلاف
 امید من اظهار داشتند که بهیچ وجه ماذون نیستید مطالب دولت
 ایران را بشنوید و یا بدارید که تکالیف دولت انگلیس را تغییر
 بنا بر این اظهار آنجناب با بعد اتمام خیر خود بجهت قبول چنان
 تکالیف دیگر برای من در اسلامبول تکلیفی باقی نماند و در آن
 مجلس صراحتاً اعلام نمودم که بعد از سه روز از اسلامبول حرکت
 خواهم نمود و مرتب تکالیف شما را با اطلاع اولیای دولت ایران
 خواهم رسانید و در ضمن این ملاقات بجهت سند تازه حسنیت
 دولت ایران در خصوص امراتی که خبر گرفتار رسیده بود اعلام نمودم
 باینجناب دادم و روز بعد بواسطه عالیجنابان سترمود و چهل
 برای دوستدار پیغام دادید که من در اینجا بایتم تا در اینجا
 دولت انگلیس جواب اولیای دولت ایران برسد و در آن
 صورت باینجناب این چنین اظهار داشتند که اگر من اختیار قبول تکالیف
 آخری دولت انگلیس را میداشتم جناب تا تغییر فقره تکالیف
 مزبوره را که عبارت از روابط ایران با افغانستان و فقره
 قسوه های انگلیس و تغییر صدارت عظمی از خروج انگلیس خواهند نمود
 من با وجود اینکه مایوس بودم از قبول کردن دولت ایران
 آن تکالیف را ولی محض اینکه سندی برای توقیف خود
 پیدا کنم و دلیلی بر کمال میل دولت ایران بدوستی انگلیس
 سازم بایشان گفتم اگر در شکر کشی دولت انگلیس توقیفی
 واقع شود و قرار ملاقات تازه با من بماند که بتوانم در آن
 ملاقات اظهارات خود را بیان کنم و از چند فقره لازم که
 یکی توقیف شکر کشی است اطمینان حاصل نمایم مضایقه نخواهم
 داشت تا رسیدن جواب توقیف نایم باز آنجناب ملاقات
 خود و اصلاح کار را منحصراً بقبول التوا تا تو م سابق دولت خود
 نموده بودند و الا چون حتی المقدور در سراسر ای باینجناب
 تکلیف خود میداشتم و دویم از برای آشکار شدن کمال
 دولت ایران بدولت انگلیس که دیگر هیچ جای شک و شبهه

۲۰۳۸

توم یعنی
 آب آن یا
 گفت یا

ماند و سیم بامید اینکه بعد از قبول این التوا قوم رفع برود
 خواهد شد و کار با باسی خواهد گذشت و دولت انگلیس
 ملاحظه این همراهی با کمال مهربانی رفع اشکالاتی را که دولت
 ایران با آنها گرفتار است خواهد نمود من برخلاف دستور
 خود بموجب نوشته سنج ربيع الاولی بر عهده خود گرفت
 و جمیع تعهدات خود را چه در باب برات و چه در خصوص
 ترصیه سفارت دولت انگلیس بقبول التوا قوم مزبور
 ختم نمودم با وجود اینکه گذشت من و با وجود حصول مقصود
 دولت انگلیس باز آنجناب در رفع برودت فیما بین قومی
 پیشتر گذشت سهل است نخواستند دریا قبول تعهدات مرا از
 جانب دولت انگلیس اعلام نمایند بنا بر این لابد شد که اعلام کنم
 ربيع الثاني را با آنجناب رسانبوسم و در آن ضمن اظهار دایم
 که اگر دولت انگلیس تعهدات مرا بجهت رفع برودت فیما بین کافی
 بدانند من حاضر هستم که آنها را مجری بدارم ولی اگر کافی ندانند
 تعهدات مزبور جمیعاً باطل خواهد بود و من تا یک هفته دیگر از انظار
 روانه نخواهم شد چون جواب اعلام مزبور بعد از چند روز انتظار
 با آنجناب سید مضایق آن را دو باره بموجب اظهارات مورخه
 یازدهم ربيع الثاني بخاطر آنجناب آوردم و بامید اینکه
 جواب کافی برسانند غریمت خود را چند روز تا بخیر انداختم
 با وصف اظهارات متواتره من تا امروز که پانزده روز از تاریخ
 اعلام مزبور گذشته است اصلاً از آنجناب جوابی که مایه امید
 باشد بدو مستند ارشید بکذا تقریرات نمایان نشانی نپذیرفته شد
 درین باب جوابی من نخواهم داد در اینصورت بدیهی است که مطلقاً
 بیش ازین در اسلامبول حاصل نخواهد داشت بنا بر این خیرت افزا
 که برباع اعلام پنجم ربيع الثاني من و با مقتضای سکوت آنجناب

جواب اعلام مزبور من روز بیست و نهم اینماه از اسلامبول روانه
 خواهم شد از مضایق مسطور و از اقدامات سابق من معلوم است که آنچه
 فوّه من بود در اصلاح برودت فیما بین سعی اهتمام نمودم و در حفظ دوستی
 دولت انگلیس بقدر با آنجناب بسیار ای کردم که آخر الامر بهای التوا قوم
 دولت انگلیس را که از جانب دولت ایران رد شده بود من بر عهده خود
 گرفتم بواسطه آن تمام مقصود دولت انگلیس را عملی آوردم بدیهی است
 که مقصود از جمیع این تعهدات من رفع برودت فیما بین بود حال که از
 تعهدات مقصود مزبور بعضی بیکم اعلام مورخه پنجم ربيع الثاني و بعضی
 همین نوشته هر تعهدی که کرده ام جمیعاً با حقان لم یلمین میدانم و
 برودت فیما بین را در هر حالتی که قبل از ورود من بود در همان حالت باقی
 میگذارم و این واضح است که غریمت من از اسلامبول هیچ وجهی
 سابق نگذاشته خواهد شد زیرا که اولیای دولت ایران بر من سابق حفظ
 دوستی دولت انگلیس ثابت هستند و تأیید و اختیار من در اصلاح
 فیما بین باقی است هیچ شک نیست که اولیای دولت ایران مراتب
 صلح جوئی خود را چه توسط من چه توسط مأمور دیگر چه در اسلامبول چه
 در لندن چه در جای دیگر با ویای دولت انگلیس خواهند رسانید و
 اعلیحضرت شاهنشاه ایران تا بتوانند راضی نخواهند شد که قدر
 دولت انگلیس در نظر دولت ایران محو گردد و فی سیم شهر ربيع الثاني
 ۱۲۷۳ تا اینجا کاغذ جناب بین الملک بود

چون دولت انگلیس بر تکالیف خود شش درجه بدرجه افزود
 و در حینیکه فیما بین دوالمی کبیر دوستین در اسلامبول مکالمه می نمود
 و جناب رفع برودت بود قشون انگلیس بدون اجبار و اعلام صلح
 جنگ حمله به بندر بوشهر خاک ایندولت آورده آنجا را گرفت اولیای
 دولت علیه ایران با علی در جنگ کمال از این الملک اظهار رضایت
 می نمایند که در این خصوص خوب حرکت کرد و این کاغذ را که بخاطر

مشا را لیه نوشت لازمه مأموریت و بود و درست و صحیح نوشت
 وقت آن کا خبر را در برجه میداند که کویا لفظ بلفظ اولیای دولتی
 با دستور العمل مخصوص داده باشد و نوشتجات بنی جناب این الملک
 چنانچه خود شلعت تکالیف قد جدید موجب نوشته باطل نموده
 دولت علیه بطلب جنگ ناکمان بوشهر که هیچ دولت منصفی
 حرکت نمیکند باطل میداند چرا که قبول تکالیف دولت انگلیس بقدر
 امکان محض برای حفظ رشته مسالمت بود که کینه نشود و بوقت
 حضوت خالی نکرد بعد از آنکه این مقصود عمل نیاید و دولت انگلیس
 بپیشروی شروع بکنکاید و بند این دولت را علی الفظه تصرف
 دیگر چه تکلیفی چه تعهدی و چه قبولی با بجز قیام جناب این الملک
 بتمامه مرضی و مقبول اولیای دولت علیه شد و موقع تصدیق
 یافت و نوشتجات بنی جناب مغزی الیه که بنیاب الیه کسیر انگلیس
 بعضی تکالیف دولت انگلیس داده است بکلی از وجه اعتبار
 ساقط گردید
 از قرائیکه با اولیای این دولت علیه معلوم بوده است سبب
 بروز دولت انگلیس با دولت علیه ایران که حالاً بنجر مبارزه
 مخصوصه است اتحاد و عهد دوستی و تجارتی فیما بین این دو
 علیه و دولت فرانسه است که بی توسط و مداخله دولت انگلیس اتفاق
 افتاده است چنانکه این معنی الی آلان عالی و خاطر نشان اولیای
 دولت همیشه فرانسه نیز شده است و مطالعه کنندگان این روزنامه
 ملاحظه مضامین روزنامه مرین بوست منطبقه در انگلیس و روزنامه
 کونتی تو سیونل منطبقه در فرانسه که سؤال و جواب کرده اند
 در این روزنامه است اندراج یافته است این مطلب را برستی و درستی
 میتوان دریافت نمود علاوه بر این دول فرنگستان هم بواسطه کمال
 که از خفایای اوضاع هر یک از دول روی زمین دارند کویا ناچار

حقیقت دولت علیه را در این اوضاع حالیه که با انگلیس در میان
 دریافت کرده اند چنانکه در عموم روزنامجات فرنگستان
 میشد که دولت ایران را از طاعت برکنار داشته اند و از نظر اکامی
 و بعضی دول حظه مزبور چنان دریافت میشود که تا انجام این
 سبب سکت نخواهند و آنچه بطوریکه گفته کرده اعتقاد بی غرضانه
 دوستی خودشان را ظاهر نخواهند نمود و اعتقاد اغلب دنیا
 این است که بخصوص دولت عینور بزرگ فرانسه بجهت حاجی در این
 واضحی چند که ذکر آنها لازم نیست در این مقدمه کت نخواهند
 ترجمه روزنامه مرین بوست انگلیس
 قبل از بیان کارها بیکه بجهت منع دست اندازی روس در سمت
 باید قدری وقت در رفتارهای دولت فرانسه نسبت به دولت ایران
 بنماییم نه از برای اینکه بایه بخشان شده است بلکه دوستی
 باشیم رقابت دولت فرانسه با دولت انگلیس در ایران
 قدیم است و این رقابت نهایتاً دست را دارد زیرا که بجهت تقاطع
 پلیتیک آنها در ایران پیشوا خواه صدق یا کذب که علی السواء
 از برای چنان میدانند که دولت ایران که قبول نکرد بن عیننامه
 تجارتی را با میسورسیر تیرا تحریک انگلیس بوده است چون
 عمل میسورسیر بمحض رسیدنش بطهران بستان آن عهد نامه منطبقه
 دولت فرانسه را که میخواهد از بهر باب در ایران کثیر انگلیس باشد
 میتوان معلوم کرد لهذا لازم نیست بیان اینکه میسورسیر در حکایت
 مسروره چه نصیحت پادشاه ایران داده است و هیچ کاری
 نکرده است که رای دولت ایران را در فرستادن قشون
 تغییر بدی و لی در د و چیز عمده که نسبت بکجایت پرت دارد
 وقت و ملاحظه زیاد کردیم یکی آن است که یک صاحب منصب
 بولهر نام که نوکر پادشاه و محکوم میسورسیر است مأمور بمجاظره

هر شده دیگری اینکه با وجود آنکه نزدیک بدشمنی است
 فیمابین دول انگلیس و ایران ایلمی کبیر ایران فتح خاں بنا بر آن
 میبوره روانه فرشته ماتد ایلمی از جانب دولتی دست
 تعارفات با شکوه زیاد بجهت دولت فرانسه میرد و جمیع این
 اعمال را چنان معینی می بینیم که امیدواریم میبوره معنی
 منازعه پادشاه ایران را با انگلیس و منظور قشون ایران را
 بهرات تلفت است پس از دانستن اینکه قشون ایران بهرات
 بتجریک روس بوده از برای دست اندازی به هند و این
 بنح او امیدواریم که میبوره بهر دو سایر صاحب منصبانی
 انکار خدمت ایران را نخواهند کرد و در باب فتح خاں که
 میکنیم آنچه گفتیم در وقتی که خبر ورود او با اسلامبول رسید
 اگر میبوره تو ذیل ایلمی فرانسه مقیم اسلامبول بقدر زنده ماندن
 تشویق و ترغیب او شود یا اینکه رفتن او را بفرانسه از آن
 بهر مدافعت دولت فرانسه تا یک حدی ضامن خواهد بود
 در باب امر از یادیکه پادشاه ایران در دشمنی با انگلیس
 خواهد داشت و نتیجه بدی که از این عمل بجهت ایران ظاهر خواهد
 جواب روزنامه مرینین است انگلیس که در آن
 در ضمن روزنامه موسوم کونستانتینوپل چاپ
 شده است تفصیلاً که در روزنامه انگلیس نوشته شده
 روزنامه گذشته خود تفصیل داده بودیم یکی از روزنامه های فرانسه
 که کونستانتینوپل نام دارد باین نحو جواب میگوید که میبوره ایلمی
 مقیم ایران زیاده از دول نیست که در آنجا است و او در دعوی
 روس بود که بدو جهت مأمور بایران شد اول اینکه دوباره بط
 بدو دوسی فرانسه و ایران را که سابقاً نیز بوده و تمام نمایندگان
 تجارتی را که میبوره تیرا تیرا کرده بود و دوم آنکه مانع شود از
 ایران را مادماد نمودن از روس یا اقلانی طرف مدنی ایران
 در آن دعوی قرار نگیرد و این وزیر بخوبی از عهده مأمور خود برآید
 ولی در بعضی کیفیات که اعتبار چندانی نداشت انگلانی خید
 بر این فقرات ظاهر شد وزیر انگلیس مسموره مزاعی شخصانه با دولت
 ایران بهم رساند که گفتگوی در آن باب را هیچ لازم میدانم زیرا که
 این فقره هیچ دخلی بپلتیک نداشت ولی مایه رفتن مسموره از
 ایران شد و درین خصوص میبوره چه کرد و لایحی چند داریم در آن
 میبوره نهایت سعی را در ماندن مسموره بطهران کرد و در آن
 او مفید نیفتاد و دولت او بی ثمر ماند زیرا که تکالیف مسموره
 ایران جبر محض بود مسموره از عمل خود دلگشاده بقصر
 بگردن میبوره وارد آورد و درین باب بدولت خود اظهار
 داشت و دولت فرانسه میبوره حکم کرد که هیچ وجه داخله در
 انگلیس با ایران نکند لهذا میبوره خود را از داخله این فقرات
 نمود لکن حال میبوره را مقصود میکنند از اینکه جانب داری
 نموده و مرینین پست درین خصوص باین پنج نکات میکند اول
 میبوره دولت ایران را در باب قشون فرستادن بهرات
 بهیچ وجه مانع نشده است جواب این نکات را بجهل توانیم داد
 فرانسه نمیدانند که دولت فرانسه منافع انگلیس را در آن قسمت
 و دلیل داریم از احتمال دادن اینکه میبوره نهایت سعی را در
 بدولت ایران نمود که قشون بهرات نفرستد ولی بی اثر بودن
 نباید مایه تعجب شود زیرا که همس می دانند که درین قسم وقایع
 و رولهای سیاسی چه حدی در رأی خود مینمایند ایضاً تا
 مرینین پست که دی پلوماسی مامطوبع دولت ایران منعاده بود
 ولی میتوانیم احتمال داد که خیال خود دولت انگلیس بر خلاف این
 مأموریت ایلمی فرانسه از جانب دولت خود بصورت دولت انگلیس

داماد و ستانه وزیر انگلیس می‌باشد که دولت ایران
 ایچی مار خوب پزیرانی کرد و ایچی التبه این محبت را فراموش نکرد
 و حرکتی هم نکرده است که خلاف دوستی فیما بین دولت انگلیس
 باشد شکایت دیگر مرین پست از فرانکیه میگوید و فقره عمده است
 یکی آنکه سیو بولر صاحب منصب فرانکه که حکومت می‌سوی بوره
 بهرات رفته با عمل محاصره آنجا پرداخته و دیگری آنکه با جود
 نزاع دولت ایران با انگلیس فرخ خان این الملک نابرابری
 سیو بوره با اسم ایچی کری روانه فرانسه شد و تعارفات
 زیاده بجهت آن دولت میسر و سیو بولر فرخ خان را حاضر
 جمع کرده است که دولت فرانسه پذیرانی خوب از او خواهد کرد
 جواب این شکایت این است که صاحب منصب بفرانسه
 سال قبل ازین لوکر ایران شده بود و آنوقت هنوز تعاقب فیما بین
 انگلیس و فرانسه که بجهت دعوی روس اتفاق نیفتاده بود و سیو
 بوره با ایران رفته بود سیو بولر را که لوکر نبوده است
 فرانسه بر همه معلوم است دولت ایران منصب سرسنگی فرخ
 مهندس داده و مأموریت او را بهر آنچکس مطلع بود حتی
 خودش ولی محض اینکه سیو بوره رفتن او را بهرات مطلع شد
 مراحت کردن او را از بهرات خواستش کرد و چندین کاغذ
 فیما بین او و صدر اعظم ایران درین باب رد و بدل شد
 واضح است بچه سببها خواستش سیو بوره درین باب قبول
 یکی آنکه سیو بولر لوکر ایران بوده و دیگری آنکه در قشون ایران
 کسیکه بتواند از عهده اعمال عکله محاصره هرات بر آید سیو
 نبوده است اما در باب ایچی ایران که مرین پست شکایت میکند
 ما را خاطر جمع کرده اند که دولت فرانسه بهر چه از او خواست
 نکرده است که برو و بفرانسه ولی سفیری با ایران فرستاده

عهدنامه تجارتنی بسته است و دولت ایران درین وقت
 خوب یافته از برای اظهار نمودن دوستی خود را نسبت به
 فرانسه و انگلیس رابطه با ایران تازه نیست بلکه همه میدانند
 که از عهد لویی ۱۴ است و این را نیز تعجب فراموش نکرده اند
 که رابطه دولت فرانسه با دولت ایران در عهد ناپلیان
 بوده است و اسم این پادشاه چنانکه در همه ملل مشهور است
 ناپلیان که می‌یازند است لهذا می‌توانیم که میل قلبی پادشاه
 ایران محض و بیادش نمانده باشد و بنا بر رسم و قاعده مرین
 محل تعجب نیست که پادشاه ایران تعارفات و مکاتبات صلح
 برای جانشین جانشین ناپلیان نزرک نفرستد

در روزنامه بلجیقا تاریخ ۱۱ ماه ربیع الاولی این
 تفصیل نوشته شده است که فرانکیه
 شاق انگلیس امطیع نخواهد شد و بنوعی نخواهد کرد که جمیع منافع
 و منی انگلیس را مخصوص شود خصوصاً مسئله ایران و پس
 یقین استاد کی زیاده خواهد کرد لهذا فرخ خان بفرانسه خواهد
 و دولت فرانسه پذیرانی که موافق شان است از او خواهد کرد
 یک کاغذ پارس که تاریخ ۱۷ شهر ربیع الاول نوشته شده است
 میگوید که جواب روزنامه کونستی تو سیونل بر روزنامه مرین پست
 نابرابری دولت فرانسه شده است ایچی انگلیس مقیم اسلامبول
 علی الاتصال در اخلال کار فرخ خان می‌کوشد و چنان معلوم
 که با دولت خود هم رای شده است که حتی المقدور بکند از ایچی
 ایران را بفرانسه برسد احتمال می‌دهند که پادشاه ایران این
 سفیر موضح را بفرانکستان می‌فرستد از برای اینکه اطلاع درست بدهد
 از چگونگی و تسایح دعوی کریمیه و حالاتی که از برای دول فرانکیه
 در باب این دعوی است از برای این کسبغات را در طهران می‌نویسند در شهر

ترجمه روزنامه که در پاریس لطباع شده

در جواب روزنامه مرنین پست انگلیس

خدا بجهت فرانس میانه نموده آنچه لازم است از برای یک دولت

عظیم و بی جمع هاک روئی زمین را از برای خود خیال نکنیم

میخواهیم که قدرت ما جمیع برادران و کیرد این صفت

ستیم و مردانه فرانس است ما میخواهیم مگر اینکه محل اعتماد

در محاکمی که تربیت یافته اند خصوصاً منظور این است که دولت

فرانس متحمل نشود در هیچ مملکت غلبه خارج با حرص کمتر را

و ما حرفی نداریم که دولت انگلیس سلطت سحر را دارد و دولتی

اولین دولت بر است و تسلط احد بر سحر خود قبول

در این زمین که سلطت میکند بواسطه قوه خیالات و عقلیات

و آلات قوه مرموزه مملکتی که خداوند با وحمت نموده و

صفت است که لونی کا تر و نمایان بزرگ باشند و

صفت را جمیع خلق فرانس باید در قلب داشته باشند و در د

همین صفت است که بدولت فرانس در حال که باشد نام

آیا این حرص نماند فی اتحاد و با دولت انگلیس است نه ما کما

نمیکنیم بلکه چنان میدانیم که این صفت موافقت میتواند کند

با دوستی قلبی حقیقی که فیما بین دو دولت بزرگ که قوت و قدرت

یکدیگر را شناخته اند باید باشد ولی با وجود این یقین داریم که

این اتحاد و وفق درست نخواهد داد با خوی حکم امیر مذکور اگر

انگلیس میخواهد اتحاد و دولت فرانس را میخواهد و طالب دوام

اوست و مایل است که این اتحاد را ملت و دولت فرانس

قبول بکنند باید که در فترات مربوطه یا ابتدا نماید و در

میل تسلط و حکم را از اینکه بگوید که من میخواهم و من میکنم چنان

می بینیم در هر آن ظاهر میکند در روزنامهها و حرکات دولتی

خود این سخنان را قبول میکنیم بلکه نباید از آن بترسیم که

در هیچ جا از روی زمین این را جاری نماید انگلیس غلبه از

اوقات متحد بر اینخواهد که معاون بزرگی یا اسباب فتح

و نصرت یا التسلط او نباشد نباید فراموش کرد که

که چند روز قبل روزنامه نس بیان کرده بود که ما دوست

هر که باشد میخواهیم در حالتیکه خادم ملی تیک با باشد

اگر این است فی الحقیقه خیال دولت انگلیس با هرگز این

قبول نمیکنیم فرانس قبول این نوع اتحاد را نمیکند پس

بلکه نمیتواند متحمل شود که چنین اتحادی در اطراف او برآید

و روی زمین را فرو گیرد تسلط قبیله که غنای

فرانس کرد و دولتی یقیناً انگلیس سهو کرده است از اینکه

بزرگی خود را بسته بوسعت جد و صرف قوت و تسلط خود

دانسته است جمیع اولیای معتبر او را ناصح شده اند که

مدتی از برای آن دولت خود بگذارد و ملی تیک و قاعده

که دوام نخواهد داشت بواسطه تحریک آخرین دعوی

مشرق زمین ظاهر شد و این ملی تیک زود تر از آنکه لازم

پارستس تحمل خیال میکند با آنها خواهد رسید قبل از دعوا

وقتی که منظورات ناحق روسیه مانده و ائمه صلح یوروپا

شده بود میخواهیم که این اشکالات بدون جناب تمام

شود زیرا که میدانیم در همان وقت که نتیجه این دعوا

مانده از دیار و اقتدار دولت انگلیس خواهد شد و در برای

مدی ترونه و مدخلیت در امورات دولت عثمانی منجر خواهد

خواهد کرد به آما حال بنظر نرسید آنچه ما خیال کردیم

از جبهه اترالی انتهایی دریای سیاه کشتی های جنگی

که حرکات نصرت امیر میکنند بعضی از این کشتیها در نیوا

نسخه
کتاب
مجلس
تاریخ
ایران
مجلس
تاریخ
ایران

اسلامبول اند و برخی در بحر سیاه قدری در جزیره مالتا
 میباشند چنانچه نظر انداختن در ملک سیلیا و آنا فانا بعد
 این کشیهامی افزایند و اسپیکه قشون مادر شرق زمین بود
 انگلیس کم شده بود ولی حال اقتدار او زیاد تر از قدیم
 انگلیس از برای ثبوت اقتدار کشیهامی جنگی خود را نموده مذکور
 بهمان چند بدست آورده نسبت بدولت روس در خصوص
 صلحی که در پاریس شده ولی اصل منظورش این است که پاریس
 و جمع ملل طرف دهند و عموماً بر جمیع عالم معلوم نماید که
 انگلیس خود رئیس است بر جمیع شرق زمین و با تمام باید
 او را داشته باشد و اگر چه قشون او در دعوا زیاد از دیگران
 شته نکرده ولی نتیجه حاصل نخواهد بود از برای او شده است
 ما را مطمئن میکنند ما نیز امید داریم که جمیع اشکالات شرق
 تمام شوند ولی وایمه داریم که بعد از گشایش این عقد
 دیگر بهم بر نذر که میگذرد و انگلیس داخل جانی شدیدی خود را
 میخواهد بیرون آید بنا بر علی بن معلوم که بچه خود چه شرط
 انگلیس میخواهم متحد با انگلیس شیم ولی معاون و بنا
 او مانعش سلطنت روی زمین را نداریم ولی میخواهیم
 که در یوروپ گرفته ایم از دست بیرون نماند
 و نیز در یکی از روزنامه های پاریس پرسش نام نوشته اند که آیا
 اولاً در جزیره خارک بلکه در ابو شهر نیز یک محل تجارت برقرار
 نمایند از برای هند را می بینیم که بجز خودش رومی دیگرند شنبه
 ثالثاً مخصوص خود را می بینیم درست نماید در بی بی ترانیا
 فرات و پیوند رود مذکور از کشیهامی بخار را با سلطنت
 مخصوص خود که داند و خارک و ابو شهر را قلعی میکند نماید این
 منظور واضح انگلیس ولی ما فراموش نکرده ایم عهدنامه را که

هفت سال قبل ازین میوپیر و لکار پر دار فرستاده که در بعضی
 باکریم خان پادشاه ایران بسته است و در آن عهدنامه جزیره
 از آن دهنده شده است
 ایضا نوشته است که خبری تلگرافیک از اسلامبول بیست
 داده اند که فتح خان چون نتوانست با ایچی انگلیس قرار کار
 ایچی انگلیس بفتح خان تکلیف کرده است که از برای رفع این
 که در نهایت یک سفید مهریده من
 جناب ثارت و ایالت نصاب سید معین خان امام باقر
 ملاحظه صدق و صفای نیت خود که نسبت بدولت ابدی
 علیه دارد به عریضه بحضور اقدس هیاتون اعلیٰ حضرت
 در سیده باو نیای دولت مینویسد و مصحوب محض
 محمد خود با پیشکش و هدایا ارسال در بارش کتدر میر
 و از جانب سنی اسجوب اقدس هیاتون لوازم التفات و از طرف
 اولیای دولت بدفرون هم مراسم محبت و دوستی نسبت
 بجناب معزنی الیه مبذول می افتد از آنجمله این اوقات
 و مرسله بحضور هیاتون و اولیای دولت بدفرون عرض
 و مصحوب عالیجاه عزت و سعادت همراه حاجی عبداللہ
 با پیشکش و هدایا بتفصیل ذیل ارسال داشته بود عالیجاه
 پیشکش حضور هیاتون
 تسبیح مروارید اعلیٰ اسب عجیب
 یک رسته
 تاجک دوله طلاکوب
 طلا با حصه
 یک فشفه
 تعارف جناب اشرف امجد ارفع صدر اعظم
 ساعت طلای مرصع با لباس
 یک دستگیره طلا
 یک دستگیره
 کبک دستگیره
 عنبر اشوب
 یک قوطر
 اسب عربی عجیب

۲۰۴۴

چندی قبل وارد شد پیشکش و عرض حضور جایون را بآل
 داشت و شرفیاب بیگاه اقدس علی کشته مورد توجهات
 ملوکانه آمد و بخدمت جناب شرف اجمدارف عظمی فنی
 کشته مراد و بدایای مصحوبی خود را بخدمت باجلالت
 و مورد دگریم و مهربانی از جانب صدارت عظمی گردید و
 مشارالیه خود آدم قابل و صاحب معرفتی است و از رسوم
 و ادب و طرز معاشرت کمال آگاهی دارد از جانب جناب
 امام مسقط علاوه بر توجبات بلاعی حامل عراض و
 شفاهی نیز بود که همه آنها دلیل کمال صدق عقیدت و
 هواخواهی نسبت باین دولت است اولیای دولتی بنا
 دارند که مدام توقف او در دار الخلافه کمال مراقبت را
 او به همه جهت بعل آورند و در مراجعت نیز بطور شایسته
 انصراف دهند

از اینکه قیمت قند و شکر و ادویه حیات این روزها در
 دار الخلافه فزونی کرده است میتوان اعتقاد کرد که بعضی
 و کسبه کم مایه است فطرت بی اطلاع چنان تصور کرده
 که مخاصمه انگلیس با دولت علیه باعث شده و خواهد شد که
 منبوره از بند و ستان بخاک ایران نیاید بر چه میگویند
 قند و شکر و غیره را انبار کرده با منتظر کرانی خواهند بود
 که باین وسیله منفعت کثیف ببرند و آلا راه تجارت و
 آوردن اشیاء منبوره انحصار بوشهر و ممبئی و بنگاله
 انگلیس ندارد از بعد از و ستم ارزنده از دم و اسلامبول
 سایر هم آورده می آورند تا نیاید و دل دیگر هم از قبیل
 و امریکا و سایر از راه بحر العجم تجارت با این دولت دارند
 و تجارت این دولت هم از قبیل حاجی محمد حیم تا جرد شده

و سایر با ولایت و لذت تجارت و آمد و شد دارند
 چنانکه همین روزها بجهت حاجی محمد حیم شکر و ادویه
 از ولایت بزرگ داخل خاک ایران شده است البته تجارت و کسبه
 با عقل و با اطلاع هرگز اقدام باین امر را نکنند و خواهند کرد
 مثل سابق هر چه دارند میفروشند و میخرند و موافق
 اعلام نامه دولتی نباید احدی از تجارت و کسبه
 قند و شکر و ادویه حیات نماید در صورتیکه معلوم شود
 اقدام باین کرده است البته مورد مواخذه شده و ترجیح
 از او گرفته خواهد شد

سایر ولایات

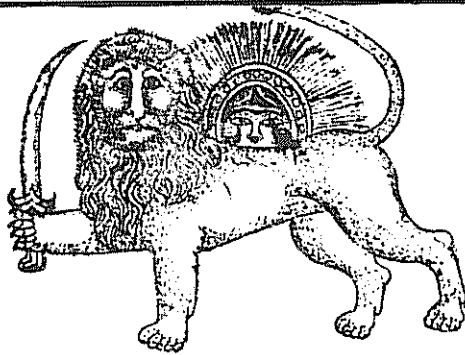
کاشان از قریه در روزنامه کاشان
 نوشته اند بعد از زیارت فرمان جهان طایع جایون
 عظیمه جناب جلالت بابت شرف ارفع صدر عظمی که در
 حرکات مسهوره قشون انگلیس و تصرف بندر ابوشهر
 شرف صدور یافته بود عالیجا و مقرب بحضرة الخاقانی
 محمد حسن خان حاکم کاشان جمیع اهالی شهر را اخبار کرده از عالم
 و فاضل و اعیان و شرافت تجارت و کسبه بقدربا پزدها
 جمیع در مدر سلطانی مجتمع گردیدند و فرمان مبارک در
 مبارخو انداخته بعد از اطلاع خلق انضمام فرمان جایون
 استحضار از حرکات ناشایسته انگلیس چنان شورشی و خلق
 که کوئی قیامت موعود انگار باشد تمام خلق متفق القول
 از جان و مال و عیال میکنند و در پای دین و دولت بمل
 ایثار می نمایند این ولایت عموماً و علمای بلد و طلبه و دولت
 مصمم بودند که شیر جناب حضور اولیای دولت علیه شده
 فرمایش نمایند بعل آورده باشد

اختیار دول خارجی

قانون دولت جمهوری نیکی دنیا این است که هر کس از تنجه
خارج بخواد در تحت حکومت و حمایت جمهوری نه مزبور در آید و الا
باید پختل در اینجا اقامت نماید و درین مدت اصلا خلاف قاعده
از او هیچ وجه هر نشود بعد از آن بشهادت جمعی از اهل ولایت
خودش ثابت نماید که در ولایت خود نیز هیچوقت مرتکب اشتباه
و تعدی نشده است انوقت با و بپورت میدهند و او
حمایت جمهوری نه مزبور میشود چند وقیش ازین شخصی با چند نفر
با نجا رفته و با پختل اقامت کرده بود و درین مدتی هیچوجه
از او خلاف قاعده سر نزده بود بعد از آن خوش بپورت
از جمهوری نه مزبور کرده جمهوری نه نیز مقتضای قانون خودشان
از اهلان او در مقام تحقیق احوالش برآمد و بدین سرائان
نیز در مقام قوت و شجاعت او برآمد فقراتی که دلالت بر تعدی
و شرارت او میکرد بیان نموده بودند از جمله گفته بودند که وقتی
جمعی با هم نزاع میکردند این شخص مدینه آنها را زد و از میان
انها یکی که قوتش از همه بیشتر بود بطوری زد و مجروح کرد که بجای
هلاکت افتاد جمهوری نه نیز بعد از استماع این فقرات اشرار را
همان او را بجهت محاکمه کلا بجزس انداختند و این گذارش
سبب خنده شنوگان شده و در روزها نوشته اند
در تو میانه راه آهن پاریس بعضی از امانی وجه نقد برسم انت
گذاشته بودند چنانچه از آنکه جات راه آهن وجه مزبور را بالا
سرف کرده فرار نموده بودند و میانه میانه شخص شده این گذارش
اجبار و از رفتن سارقین پاریس بپاری برده بودند چند نفر مستحق
که پولیس بنیامند و رعیت و زندان پاریس روانه کرده در اینجا
جستجوی آنها برآمده و زندان از اینجا نیز فرار کرد و بجهت نیکی دنیا
بود

۲۰۴۶

مستحقین هم و عجب آنها رفته سه نفر زایدست آورد و پاریس
آورد و یک نفر که بزرگترشان بود بدست نیامده بود یکی از مستحقین
مجدداً به نیکی دنیا رفته خیلی خواه صرف کرده و بسیار زاید آورد
و نموده تا آخر در باغی او را بدست آورده بود و مرتب غیرت
مستحق مزبور خوش بپورت در روزها پاریس نوشته بودند
در شهر انقون که در زیر حکومت پای پای دولت چند وقیش ازین
دزدی در جانی کسیر ابره میگردیدین بین مستحقین سیده هر دور
گرفته مدار حکومت آورده بودند و یونان در مقام تحقیق برآمده و
نسبت شرکت خود را با آنکه برهنه میکرد داده حکم تقبل هر دو کرده
مشاریه ارباب است گاه بردند آنکه مظلوم بود اصلا اظهار غلظ
واضطراب نمیکرد بلکه قطع داشت که بی تقصیر چرا باید سیاست بشود
و از بنمونه گفتگو میکرد تا در سیاست گاه خود دزد و تصدین قول
مظلوم را کرده و گفته بود که چون دیدم خودم گرفتار شدم و در احم
شرکت متهم کردم با بچه مظلوم میچاره تخلص گشته و از جانب پایا
حکم شد که بعد ازین درین گونه دعاوی وقت زیاده بشود که اکنون
استباه کارها بطور بنیاید



استہارنامہ دولتی

[illegible]

دولت علیه السلام در صدد ازار و استمهال خود نبود و بار باره جوی و عهد کفر است و نیت قتل خوابید بیدار شود
 و خشم بدکان ضد اوجبه ریخته که هر یک از طرفین باعث ظهور این مجامع بزرگ شد کار و محول بقدر شستن و در
 خواهد بود و اینک از فرستادن سرداران کاف و کاکر مضوره و توخانه و اسباب دفاع و تکرار و تکرار و تکرار و تکرار
 مقتضای آن میر الاملا العظام میرزا محمد خان کبیر پسر دایر بهایوف و مقتضای قان عثمان الاغلا العظام قاضی بکلی
 امیر تومان با تهنه لایحه مورد و روانه فایز شد در روز پنجشنبه چهارم شهر جمادی الاولی با اعمال تعظیلات و در صوفیه از در
 عازم و روانه محاصره گشته و اگر دولت انگلیس چنانکه بر خود قرار داده است در خصوصیت با سبب ثابت و در اینج
 سایر لکن و اطراف مملکت فارسیم مثل بندر ابوشهر خالی باشد و جود لایحه و کمال انگلیس و اگر مصلحت و ضرورت باشد
 مضرت بیشتر از مصلحت که انگلیس در دولت علیه السلام تحلیف داشته

نت‌نامه

از قراریکه مقرب الخاقان شجاع الملک خبر محفل در بار جابون فرستاده بود انکسها به ششم جامدی الاخری با پنج فوج و
 عراده توپ بکاه کوتاه چها فرسخی نوشهر آمدند که شاید از آنجا چشم تجاوز کرده ما دام که عساکر متوالیه اسلام بهدیکه می‌نشدند ایستایی
 باز روی مقرب الخاقان شجاع الملک براند شجاع الملک نیز بجای پشتی با سه هزار نفر سوار و سیصد نفر سواره و دوازده عراده
 توپ غنیمت بخون و شش و در ششم حرکت کرده کفرسخ از برانجان گذشته بارانی شدید باریدن گرفت قشون نکلیس که
 کفرسخ از چاه کوتاه گذشته بودند خود را بمغارب و بخوگهای آن حوالی کشیدند عساکر اسلام در صحری بی پناه برای محفوظ ماندن
 از صدمه باران اردوی خودشان را از همه جائز و کیمه دیدند تا درانی اقدام بجنگ نیکند چون نکلیسها از باران محفوظ ماندند
 علی الصبح برانجان رسیدند مقرب الخاقان شجاع الملک نیز شب دوازدهم با سه هزار نفر زبده افواج و شصت عراده توپ
 تاخت پیشین اول قشون نکلیس مجبور شد توپ علام انداخت قشون نکلیس زیادوی قوچانی خود را که می‌دانت با کثرت کل محل
 نمیتواند برایش زده مرخص بخت نوشهر نمود عساکر منصوره و دشمن با حاجاتی تعاقب کردند که فرسخ و نیم مابین آنها
 وارد روی نوشهر نکلیس رفت مانند از اردوی نکلیس و فوج چها صد سوار و ده عراده توپ دیگر بآمد آمد آنوقت برشته بنا
 جنگ که هستند اردوی عساکر منصوره با اینکه پیش از سه هزار نفر و شصت عراده توپ بود باز از عدد و وعدت حضم پروا
 نکرده هنگامه قتال را گرم نمودند از طلوع شفق تا چاهت و نیم دیرانه جنگ میدان کرده و در مرتبه نیزه پیش فقه قلعه نظامی آنها
 شکسته داخل با فوج نکلیس شدند و رستین و آویز کوشیدند از قراریکه نوشته اند افوازا مذکور بوده که خبرال استاگر در
 انکلیس که اول وارد نوشهر شده بود در آن بین کشته شد اما خبر صریح نیست که محل وقوع باشد اما بعد چه ظهور کند و از
 سر کردگان این طرف عالیه محمد قلیخان میرپنجه خبر زخمی ساچمه توپ برشته و بجای علیخان میرپنجه قراقرز
 وقت داخل شدن قشون نکلیس زخمی شد رسید است ولی جهالتی که یکدم ایستایی نداشتند چون شدت باران
 طرفین را از کارزار بازداشت لابد هر یک بطرف اردوی خود مراجعت نمودند حتی از شدت بارش و سیل بعضی
 از توپهای طرفین در کل ماندند و مقتولین طرفین را هم بواسطه شدت انقلاب هوا تحقیقا نداشتند انچه شخص دادار
 مقصد و نایکه از نفر عد و مقتولین نکلیس و از ششصد و پانصد تا سیصد نفر عد و شهدای قشون اسلام را نوشته
 خبر صریح و صحیح را امیر الامر العظام کشیکچی باشی که الی حال البته بار روی جنگ سید است خواهد نوشت و
 تعالی در انتشار نامه آینده علی التحقیق نوشته خواهد شد

روزنامه وقایع اتفاقیه تبایخ یوم خمشنبه ویم شهرداری الثانی مطابق لوی میل ۱۲۷۳

منطبعة دار الخلفه طهران

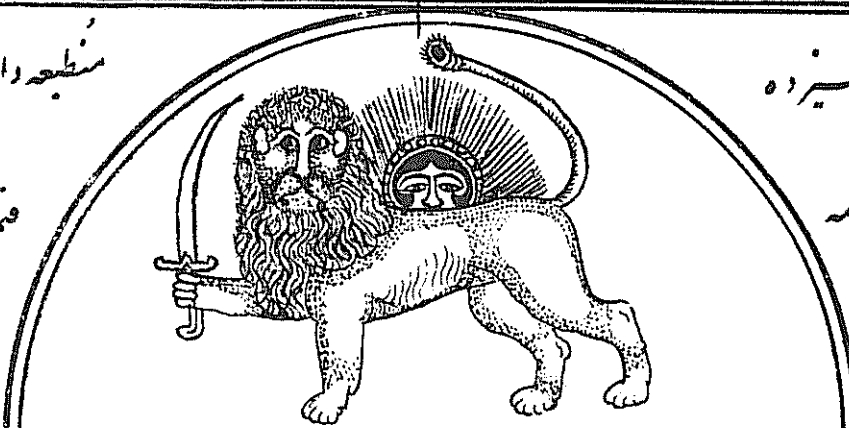
بمزه سیصد و سیزده

قیمت اعلانات

قیمت روزنامه

هر طریقی

هر نسخه دیشی



اخبار داخله محروسه پادشاهی

دارالخلافه طهران

اعلیحضرت قوی شوکت شاهی دامت شوکتها کثیر
فرمای شکارگاه جاجرو شده بودند و روز در آنجا
توقف و تفرج و شکار فرموده در روز یکشنبه گذشته
دواعت بغروب بانه تشریف فرمای دارالخلافه مبارکه
گردیده بمقر سلطنت عظمی نزول اجلال فرمودند و بهوای
دارالخلافه طهران هم باقتضای موسم بسیار خوب است
چند روز بارندگی کامل که زیاده بجهت زراعت و حاصل
بود شده و بعد از آن هوا را بمقتضای فصل سرد کرده
تبایخ چالهای میگیرند

از وقایع اتفاقیه دارالخلافه اینکه روضه مشهدی محمد سلیمانی
بر دوش نایب شده بود بطوریکه طبیب و جراح از معالجه
آن مایوس بودند و اکثری سم از کیفیت حالش استحضار
بعد از مایوسی از معالجه اخر الامر بر خود مخمر کرده شب
سجده جمادی الاول با خلوص اعتقاد بقیعه تبرک که نام داده است
رُف شده و بان بزرگوار متک گردید خداوند کریم

رحمت عظیم خود محض قرب و منزلت آن بزرگوار و اولاد
نوری بیدمای آن ضعیفه عاجزه عطا فرمودند که برات
اول روشن تر شده اینمغنی سبب مزید اعتقاد مسلمانین
مشاهدت کرده دید
از قراریکه در روز چهارشنبه غره جمادی الثانی بعضی اولیای دین
مقرب الخاقان حسین خان شاهسون سیدپ که از دارالخلافه
حامل خزانه و صلاح فاعله و نهایی مریض و طلا و شیر و کار و خوش
و غیره بجهت اردوی هرات بود و در وقت هجدهم جمادی الاولی از منزل محمد
روانه تر بکشمیر جام بوده است و قریب پنجاه سواره ترکان که مقتدر
سواره ترکانان خرسی و آخال و قریاب بوده اند غفله رنجیده
سواره پیاده و ابوالجحی سرتیپ همراه نبوده عقب مانده بوده اند
با چند سواریکه همراه داشته حمله بر ترکانان آورده مکنفرا سیر و کمر
بقتل آورده و تتمه منهدم شده اند بعد از ساعتی قریب شصت سوار
که از خرسی و آخال و قریاب غیره بجهت تاختن خزانه و قتل
مصحوبی مقرب الخاقان حسین خان سم قلم و داوطلب شده و بودند
شده مقرب الخاقان مشا رالیه سواره و پیاده و توپخانه ابوالجحی

خود را که از عقب رسیده بودند در آنجا گذارده و خزانه و بنه را
خود بر سر نهاد و دست بجهت آبا و که قریب نیم فرسخ از آنجا دور شده
بود کرده خزانه و بنه را در آنجا گذارده و حاجت بطرف سواره
کرده است و با توپ و سوارچه و ده حمله سواره منور کرده است
قریب پنج فرسخ راه آنها را تعاقب محاربه کرده شکست فاحش داد
و رانده است تا کنار رودخانه که در آن حوالی است توپها را در کنار
رودخانه در محل مرتفعی جای داده و خود با سواره داخل تیر کشان
شده و جمعی کثیر از آنها زخمی و مجروح و قریب یکصد نفر کشته
هفتاد نیزه سوار از آنها گرفته و مجموع اسرا و اموال دکان و کوه
که از جام و هزاره آن اطراف تاخت کرده و قبل از وقت در میان
جاده و پنهان کرده بوده اند از آنها استرداد کرده و یکصد
پنجاه اسب نیز از آنها گرفته و بقیه اسب بعضی از رودخانه
و بعضی از راههای دیگر گریخته و متفرق شده اند قریب و غایت
ش را به سالما غامما بمنزل خود وارد شده است و اسبها را
باتفاق مقرب الخاقان ش را به ردت و جلالت کرده اند و
نشان و خلعت در حق آنها حمت خواهد شد از قرار تفصیل است

عالیجاه لطف البدخان سرکرده عالیجاه فرج الدخان سرمنک فرج
سواره شاهسون دوبرین و عجبم و سرباز او
سواره ابوالجهمی او

عالیجاه حمت الله سرمنک فرج عالیجاه علیقلی خان غلام شجاعت
شقایق و سرباز او

سواره جامی جمعی عالیشان علیخان غلام پادشاهی که همراه مقرب الخاقان
و نصر الله خان سرپیچ بوده اند

از قرار که عالیجاه مقرب الخاقان عمده الامراء العظام خضر قلچان
ایلخانی حاکم استرآباد و بخجور و عریضه خدمت اولیای دولت
علیه نوشته بودند او خود بنهان سربازان سواره ترکمان و میوت

که سابقاً بنا بود بر کاب هایون بیاد و قناعت کرده و خود
طوائف منور بهین قدر خدمت و جانفشانی اکتفا نموده اند
بلکه تمت و ارادت مقرب الخاقان مغزی الیه و غیرت و حمیت طوائف
ترکمان و میوت اقتضای ریاده بر اینها نموده شش هزار نفر
سوار بکار از همه ایلات و طوائف در نزد ایلخانی مجتمع و کمال
میل و غلبه و او طلب خدمت مستند و از آن قرار که ایلخانی صراحتاً
موجب عریضه خود ماه لیای دولت علیه معروف و داشته بودند
سوار منور برسان داده و حاضر و آماده هستند و در روز چهارم
این ماه جمادی الاخری با خود ایلخانی از استرآباد بجانب
دارالخلافه حرکت کرده در کاب هایون بزودی حاضر خواهند
شد که بهر جا از سرحدات ممالک محروسه مقرر فرمایند در زیر
و ریاست ایلخانی روانه شده مشغول خدمت و جانفشانی باشند
و البته بعد از چند روز دیگر مقرب الخاقان ایلخانی باشهرآباد
و او طلب حبس ترکمان دروازه اخوند ابا هر و حسب الامر لا اله الا الله
بهر جانب که مامور شوند رفته مشغول خدمت و جانفشانی خواهند
رشد و جلالت سوار ترکمان در همه جا معروف و مستغنی از
تعریف است خاصه به داری مثل خضر قلچان ایلخانی که او
شجاعت و کفایت او کوشه و عموم خلق شده است

در روزنامه استرآباد هم نوشته بودند که علاوه بر این سواره ترکمان
خود ایلخانی استرآباد هم حجت کرده و تدارک میدهند که بفرمان
میر بارک هایون بیایند و هم چنین سواره و سنجاقی بخجور و جمعی
کامل فراموش آورده بودند که مقرب الخاقان ایلخانی ملحق شده
میر بارک هایون بیایند

از قرار که سابقاً باولای دولت علیه خبر رسیده بود وقت بیرون آمدن
مئون نکلیس از بند هیدنگی محدودی از تنگه چکان لایتنکستانی

دولت برسم معهود بقدر آنجا خلوی و محافظت کناریا
 مشغول بوده اند کیفیت را باطلاع عالیجا و مجد سراه باقرخان
 تنگستانی میرساند عالیجا مشارالیه سبجه اسکشاف خبر باقرخان
 نفر تفکیکی ولایتی با آنجا حاضر شود اگر چه از جانب دولت علیه عا
 نظامی خود اذن مجاریه با قشون نخکس داده شده بود لکن چون عالیجا
 مشارالیه و تنگیان ولایتی او اطلاع خندان از رسوم و نظام مستحصا
 کامل از کمون اولیای دولت ندانستند چنانکه دیده بودند قشون
 دشمن از کشتی بصل نقل میکنند و مجبض نمودار شدن عالیجا مشارالیه
 و تنگیان او شکیک توپ بروی آنها نمودند عالیجا مشارالیه
 با قضای شجاعت باطلت عدد و دستن توپ و قشون نظامی
 سبجه دفاع خصم با پیش گذاشته از طلوع آفتاب تا حوالی ظهر مشغول
 جنگ میشود و مردانه و شجاعانه بدفاع دشمن میپردازد و عدد و قشون
 دشمن را در جبر سابق تا دولت نفی گفتند لیکن از قرا که عدی
 از خود عالیجا باقرخان ملاحظه شد تا مقصد نفر قلعه کرده بودند
 در کاغذ و دیگر تار هزار و دو نفر نوشته اند اگر چه در توپ و شجاعت
 مؤید الدوله طهاسب میرزا حکمران مملکت فارس و مقرب الخاقان محمد
 و علیجان شجاع الملک سردار کل عا کرفارس تعیین عدد نشده
 اما بنیاد این کاغذهای عالیجا باقرخان و دیگران بی اصل باشد
 احتی نیا و اظهار شجاعت کرده و مشهورانه دعوا نموده است و دو
 از سپهران عالیجا مشارالیه که جوانان بسیار رشید و شجاع بودند
 بنقاد نفر تفکیکیان تنگستانی بجهت توپ نخکس در جبهه شهادت
 یافته اند اگر توپ و قلی قشون هم سراه عالیجا مشارالیه بود
 البته با این غیرت و شجاعت که بروز داد میگذشت که قشون
 قدرت حرکت بجانب بوشهر داشته باشند این کیره و در خبری اگر
 داخل جنگهای دولتی نیست که بان ملاحظه در روزنامه اعلام شود

اما چون مقدمه بود که واقع شده است مختصر اقلی و انظار شد
 البته قشون نخکس از همین قدر شجاعت قلی از تنگیان ایرانی
 نمودند شجاعت و مردانگی بسیار کرد دولت ایران را فین
 تنگیان ما هم از حالت قشون نخکس اطلاع بهم رسانند و
 یکدیگر را از نمودند

سایر ولایات

اصفهان از قرا که در روزنامه اصفهان نوشته اند
 امنیت و انتظام در آن ولایت حاصل است و نواب مستطاب
 حکمران اصفهان کمال مراقبت را در انتظام امور ولایت و بود
 رعیت بعل می آورند و در حق مأمورین عا کرم مضور که از
 دربار جهاندار حایون روانه فارس شده اند در ورود با
 و روانه شدن از آنجا نهایت اعزاز و اکرام را بعل آورده
 از جمله در ورود و مقرب الخاقان سلیمان خان فاشا میر سبج و در و
 امیر الامار العظام میرزا محمد خان کشیکچی باشی و عمده الامرا
 فضلعلی خان بیکر بکی و امیر تومان و بر سران و صاحب
 لوازم اعزاز از آنها بطور شایسته بعل آورده اند و مقرب الخاقان
 محمد ابراهیم خان سرتیپ فوج ثلثه اصفهان هم که با آنجا و
 نواب مغزی الیه پس از وشتادون استقبالی و تعیین منزل
 سبجه او قدغن اید نموده اند که جمیع تدارک و ملزومات افواج
 ثلثه را مابشرین و کارکنان اصفهان برودی دیده خان
 و طبوس و مواجب غیزه آنها را پرداخته متبایانید کرد
 وقت حرکت بهیچ معطلی نداشته باشند و کارکنان نیز
 حسب الامر مشغول پرداختن مواجب و مرسوم آنها بوده اند که
 برودی نامهای امورا آنها را تمام کرده با کمال راستی روانه
 فارس شوند

عراق

کذا رشت و اطلب شدن عموم امالی عراق بجان فانی بعد از رسیدن
مقدمه بند راوشهر و انجلس در روزنامه دومه منقعه پیش منظور کرد
لهذا بر حسب تنعای مقرب انخافان میر حسن خان حاکم عراق
وامالی آنجا از جانب اولیای دولت قاهر حکم شد و فرمان
مهر لعلان مبارک از مصد جلال شرف صد و یاف که مقرب
شاه را لیه سه هزار نفر ردیف لقمی و سواره از ولایات عراق
برای خدمت دولت غیر از افواج موجب جوار دولت عتبات
مقرب انخافان شاه را لیه بعد از زیارت فرمان مبارک شاه
بلد سلطان آباد و علمای اعیان آنجا را بدو انخانه دولتی دعوت
کرده مضمون حکم جهان طاع را بعموم مردم القاموده همگی با
شعف تنای جان نثاری و خدمتگذاری کردند بعد از آن
عموم امالی واعیان و ریش سفیدان و کدخدایان شش و جزو
تمامی عراق بر سلطان آباد احضار کرده مجدداً مجلسی بوجود
واعیان و امالی کل عراق منعقد نموده فرمان مبارک را خواند
مضمون آن را گوشه و کافه ماس منو دهکی تنفق الحکم از روی غیبت
و تعصب دین و دولت اطاعت و اتمثال حکم بجا یون را از جانب
و دل قبول نمودند چنان حالت غیرت و تعصبی برای اهل مجلس
دست داد که جناب حاجی سید باقر سلمه الله تعالی و سایر علمای عموماً
را و اطلب شدند که هر وقت اعلامی از اولیاد دولت قاهره شود
خود هم برای جهاد فی سبیل الله حاضریم بعد از انقضای مجلس مذکور
شروع بکرفت لقمی و سواره بر از ولایات و بلوکات شش برای
از ردیف ولایتی سر کرده و صاحب منصبی تعیین شده دستور العمل
ملبوس و تدارک اوضاع و تلک سبب آنها را داده و تکلیف
ردیف هر ولایتی را بعد از اکان مضیق نمود و در دسته را چند ول

بابا باس و کلاه جداگانه و در کلاهشان نشان دولتی از برج و کوری
مخصوص که شش از نقره بابت بکیرند ترتیب داد و قرار داد که از
پیش تا و بهم داشت باشند و سر کرده سواره و پیاده هر ولایت
جداگانه معین و بهر روزه سواره و پیاده هر ولایت سلطان آباد
آمده باسب و تلک و لبوس آنها رسیدگی میشود و الله غفر تب کل
لقمی و سواره بر در سلطان آباد حاضر شده سان خواهند
آنچه حاضر شده اند چنان راسته و منظم هستند که بعد از رسیدن
بسطر اولیای دولت علیه بیشتر از قشون نظامی جلوه خواهند کرد
و چون همه را و اطلب و اغلب جوانان کاری نمایان هستند
خوب از عهد خدمت خواهند برآمد

فارس

از فرار یک در روزنامه فارس نوشته اند ثواب مستطاب هزاره
انجمن و الا بتا مویذ الله له طهاسب میرزا حکمران مملکت فارس
باقی بچانه و خورخانه و افواج و سواره و استعداد از شیراز
کرده و غرمت رفیق بسمت بر از جان و محال دستان داشتند
درین بن عالیجا مقرب انخافان سلیمان خان فاش سر پنجه که
از دربار جهاد ار جالیون با سواریه و حکام علیه مأمور فاس شد
بود در ششم شهر جمادی الاول و از شیراز گردید و خدمت
ش هزاره رسیده ثواب مغربی الیه بعد از زیارت احکام
او امر علیه مشورت شاه واعیان ولایت و سران سپاه
وقت را در آن دیدند که عا کر مصوره را تا کارزون
حرکت داده در آنجا اردو زده توقف نمایند تا مقتضای وقت
عمل شود لهذا ثواب عبدالباقی میرزا و مقرب انخافان حاجی قوام الملک
و حاجی محمد شام خان دیوان بکی و میرزا نعیم شکر نویسن باشی فارس را
سجده نظم شهر شیراز گذاشته و خود با اردو و سمب کارزون حرکت

عالیجاه مقرب الخاقان مهر علیخان شجاع الملک در محال
دشتان در منزل برانجان با عا کر مضور و توپخانه و
واستعدا کامل اردو زده و بانظم تمام توقف دارد و
در آنجا کمال فراوانی و ارزانی است و هیچ چیز و مورد دارد
مقرب الخاقان مشایخه نهایت مراقبت را در هر باب
بعل می آورد و احوالات آن صفحی است بندر بوشهر را همه
خدمت نواب مستطاب هزاره پنجم و الایبامویدالدوله
طما سب میرزا حکمران مملکت فارس نوشته استحضار

و بمقتضای وقت حرکت بنماید
و بیکر نوشته اند که در فارس ششها ریافت که امیر الامرا
میرزا محمد خان کبکی باشی با عهده الامرا نظام فصلی
بیکریکی و امیر تومان و توپخانه و قورخانه و افواج قاهره و سوار
و وجه زیاد نقد از خزانه مبارکه بجهت انعام و اکرام کر مضور
و مصارف اتفاقیه و خلایع فاخره و نشانیهای بسیار از
جهاندارهایون نامور فارس و روانه گردیده و عرض
و غریب وارد شیراز خواهد شد از انشا را این اخبار کر مضور
و جمیع مالی و عیان کمال خوشوقتی را بهم رسانند

کرماتان

از فراریکه در روزنامه کرماتان نوشته اند از خطه فرین
قضا این که در باب کیفیت بندر بوشهر و گرفتن قشون
علی القله آنجا را و اخبار جنگ بکمال مالک محروسه شایسته
صان الله ایام شوکه عن التناهی شرف صدور یافته بود
مهر لمانی که درین باب با فتح نواب مستطاب هزاره پنجم
و الایبامویدالدوله امامتلی میرزا حکمران کرماتان و عیان
و مالی آنجا غنایم یافته بود بانجا بر تو وصول افکند و بر

اجبار نواب مغربی الیه سبیح علمای عظام و سادات کرام
و مالی و عیان بلو و بلوکات و ایلات نظام و غیر نظام
در عیت در مسجد جامع کرماتان جمعیت و ازدحام زیاده
نمودند و جناب آقا عبد الله امام جمعی پس از ادای موعظه و
بیان مراسم علیه السلام تمضمون فرمان مهر لمان را گوش زد
صغیر و کبیر و برنا و پیر نمودند و یکی مردم متفق اللفظ با شیا
مال و جان در راه دولت جادید بنیان و ملت قوی ارکان
همزمان کردند و بدینچون ابل آن صفحات کلمات ایلات و امام
و از نوکر و عیت همه در اسب تا ختن و تیر انداختن جایگاه
ماهری باشند خلقی زیاده و کروی انبوه از آنجا مستعدی
و دواطلب متکذاری کردیدند عریضه باو لیای دولت ابدایت
که بخشش ارضیه بکلیه یون جمعیت زیاده شیراز نوکر دیوانی که در
این ولایت مستند از سواره و پیاده ایلات و بلوکات
و امده اند که هر طرف حکم شود بجان نشانی اقدام نموده بحفظ
ملت و دولت پرداختند

تو پیمان موقوف دارالدوله کرماتان همه روزه در میدان
توپخانه مبارکه مشغول مشق می باشند و عالیجاه فرج الله بیک
یا در توپخانه نهایت اهتمام در مشق و انظام امر آنها دارد و همچنین
فرج علی سواره ابو الجبجعی عالیجاه جان محمد خان همه روزه در میدان
سربازخانه مشق میکنند و فرج عالیجاه حیاتقلی خان کندی را
نواب مستطاب هزاره پنجم عالیجاه ملک سیاحان سرمنگ
کرماتان مان نموده وارد کردند و چند روز است که عالیجاه
شکرتوسین بدینان آنها مشغول است

و بیکر نوشته اند کمال ایت و انظام در آنولایت حاصل است و در
د قوافل در نهایت آسودگی عبور مروی نمایند

کرمان

از فرار یک در روزنامه کرمان نوشته اند کمال نیست
و انتظام در امور آن ولایت حاصل است و مالی در عایا
اسوده خاطر هر کس بکار خود و عاکونی ذات اقدس
بمائیون شاهنشاهی خلد الله ملکه و سلطانه اشتغال دارد
و مقرب الخاقان میرالامرا العظام سپهسالار حکمران کرمان
در نظم و ولایت و حصول موجبات سود کی عت و رسیدگی
بعض و داد عایا و انجام خدمات و مهات دیوانی است
کافی بعل می آورد و عالیجا مقرب الخاقان میرزا محمد
دیوان و پیشکار کرمان حسب الحکم و رسیدگی محاسبات
و معاملات و داد و دیوانی و نظم امور بلوکه و بلوکات
مشغول و نهایت سود کی از برای عایا حاصل است
چنانچه قاعده برات دار بلوکیات بلوکات و بلوکات
امیرالامرا العظام سپهسالار موقوف و متروک کرد
و امسال مطلقا بر آه دایم یک از بلوکات نرفته و
جمع موجب و مردم نوکر را در شهر میدهند و رعایا
زیاده از این معنی راضی و شاکر و عاکوی دولت قوی
گفت میباشند

دیگر نوشته اند که پارسال چون خشکالی در کرمان داد
و بعضی از محصولات روداب از خالصه و اربابی نابود
شد و امسال نیز از اول میزان تا این اوقات نزول رحمت
شده بود مردم زیاده تشویش داشتند ولی انفضاض
الهی در مقام هشتم جدی نزول رحمت کامل شده و
شبهانه روز بارندگی خوب کرده برف و باران زیاده
آمد بطوریکه اهل زراعت کمال امیدواری بآمد محصول

بهم رسانده رفع تشویش مردم شد

عالیجا مقرب الخاقان جعفرقلیخان میرنجه که با افواج
تو پخانه و ابوالجمع از دربارهای یون روانه سمت کرمان
شده بود و با نچا و نرد کردید و از جانب کرمان کمال
توقیر و احترام در باره او و صاحبان و سران قشون
و نوازش با جاد و افوا نظام و سواره بعل آمده است
و تدارک قشون مأمور که از دیوان علی بکمان حواله شد
در چند روز توقف آنها نقد با جاد و افراد رسانده و در
اسباب لازم تو پخانه را دید و از آنجا قشون مأمور با نظم
و سکو و آراستگی نسبت چیرفت حرکت کرده اند تا
بمقتضای وقت عمل نمایند

و نیز قشونی که در آنجا بوده اند عالیجا محمدخان سر
مبار که باده غزاده توپ و عجله بعد شصت بار قورخانه و
دویم کرمانی ابوالجمع عالیجا میرزا کوچک خان سرمنک است
در کرمان بودند سان داده و تدارک دیده سر امیر
جعفرقلیخان میرنجه نسبت چیرفت فرستد و عالیجا مقرب
امامعلیخان سرتیپ نیز با فوج اول و ابوالجمع مأمور
نرمانشیر کردید که در آنجا استعداد خود را کامل نموده اگر لازم
شود بار دوی مقرب الخاقان میرنجه و چیرفت ملحق گردد
و الا بنظم امور بچنان صفحات پردازد

در این اوقات شی دین محمدخان حاکم کرمان وفات
یافته بود امیرالامرا العظام سپهسالار از جانب دولت
علیه شی عبداللہ پسر او را بجای پدرش بحکومت کرمان
منصب نموده و او را مخلص و دلجوئی و نوازش نموده
در محل حکومتش استقلال داده است

اجبار دول خارجی

از فرار یک از دولت اسپانیول نوشته اند درین سال
ملک اسپانیول غله و آذوقه بسیار گران است اگر چه
از آذوقه که از خارج با نولایت میرود رسم کم کرد
شده و علاوه بر آن تجاری که از خارج با نولایت
میرند از جانب دولت اسپانیول امتیازات داده شده
ولی چون باز فروش قحطی در آن ولایت بود در این وقت
از جانب دولت اسپانیول بعضی محال فرستاده شد
دو بیت هزار تومان وجه با ما مورین فرستاده شده است
که غله بجهت اسپانیول اتباع شود

چنانچه در روزنامه های سابق نوشته شده است از
تجارت کت نقره زیاد از فرنگستان بهند و چین
بجهت اینکه نفع زیاد برای آنها میکند در این اوقات بهم
پوسته خانه انگلیس از راه اسکندریه بهند میرود و بعد
سصد هزار تومان پول نقره بهند فرستاده

موجب اجباری که در این اوقات از سواحل چین رسیده
در هند غم غموس درجه شالی چین زلزله بجا می آید
و قلع یافته است تا دو دقیقه متوقف بوده و تنهادر یک ملک
این زلزله و از ده هزار کس تلف شده اند و سواهی این
پیکر که پای تحت چین است کارخانها و عمارات کلاً خراب
شده حتی عمارات خاقان چین هم خراب شده و بسیاری
نفوس تلف گردیده اند و ولعهد دولت چین نیز مجروح
گردیده و فوت شده است

در پاریس از کارخانهای مشهور روزنامه کارخانه
که معتبرین کارخانهای روزنامه است صاحب کارخانه

مربوران کارخانه با آلات و حساب موجوده و شترها
روزنامه معروض بیع در آورده و بعد وشت هزار تومان
فروخته است و از کارخانه نولایت روزی ششاد هزار تومان
بیرون می آید که هر روز نامه یک عباسی پول انیولا
فروخته شود

از کشتیهای تجاری پسته فرستاده چند وقت پیش ازین
از لنگرگاه حور یک کشتی لیمونه نام سبت یکی دنیا حرکت
کرده صد و سی نفر سباح و بعضی شیا حمل نموده و هفتم
ربیع الاول از یکی دنیا حرکت کرده در روت دوم در
راه شبانه یک کشتی شرع دار برزده اگر چه کشتی نولایت
بودند که عبارت از پنج پاچه بود و اگر یک طر فخراب میشد بطرف دیگر
ضرر میرسید و لکن بطوری آن کشتی خورده و خراب که آن تدبیر فایده
نمزد و درم چهل و شصت غنای کرد و بیست نفر از اشخاصی که در میان
آن بودند خود را برزورقی انداخته و باقی با حق زورقی دیگر
نمزد و با و سوار شد و درین بین یک کشتی تجاری یکی دنیا با نولایت
از شدت بردوت هواد و نفرانها بستم و شانزده نفر دیگر
به یکی دنیا رسیده اند و از جانب جمهوری یکی دنیا چند قطعه کشتی
نخا بجهت تحقیق احوال سایرین با نولایت فرستاده شده است

دیگر نوشته اند که در اوایل بهریم المانی در ماسیلیا طوفان
شدیدی ظهور یافته و کشتیهای که لنگر انداخته و در آنجا بودند خیلی
کشتی شکسته و غرق شده است و کشتی پسته فرست که از لنگرگاه
سبت اسلامبول حرکت کرده بود چند میل در دریای آمده
گرفتار گردید و باد شدیدی از آن کشتی که در او نوشته بود غرق
و باقی هر طور که بوده است محاصره کرده خود را بلنگرگاه رسانید
و بعد چهلین طوفانی از چهل قبل ازین تا کنون در آنجا وقوع یافته

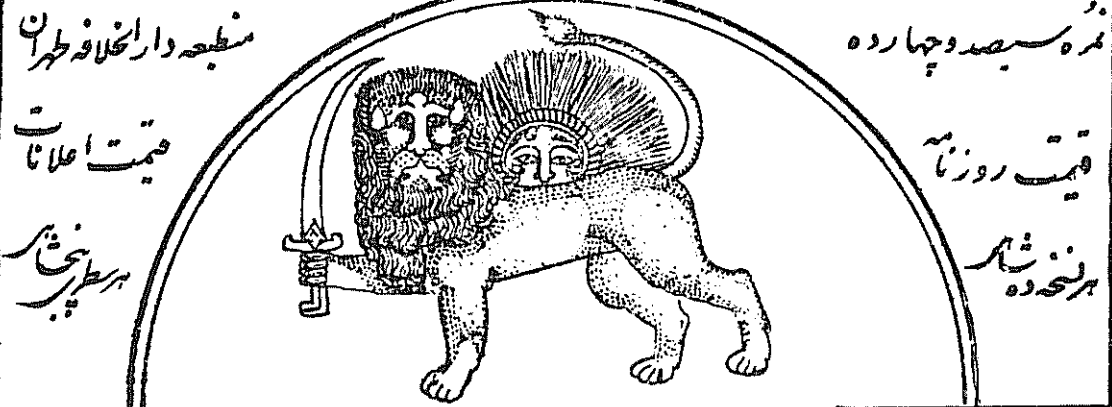
سابقه در فرانس یکی از ارباب بنروین نام در ضمن تحقیقات
خودش در بعضی محال و نه معادنی پیدا کرده بود که قمار
از نقره چندان فرقی نداشت چون بجهت کد اخذ آن جناب
میشد و عیارش نیز از نقره کمتر بود لکن صرف نظر از کار کردن
آن نموده همان حالت باقی گذاشته بود در این اوقات چون
اجزای مصارف کد اخذ قیمتش تزلزل کرده است با سر
بکار کردن معادن نرور نموده اند و حاصل آن بعضی ظروف
اوانی بکار میرود و مثالی شای پول این ولایت تخمیناً
میباشد و احتمال تسبیحی مس که زده رواج پیدا
در این اوقات در فرانس یکی از ارباب ثروت و متول
صد هزار تومان طلای نقره بجان می گذاشته و اعلان کرده
هر کس صد هزار تومان در یکجا ندیده است و بخواهد نشان
بنا بیاورد و صد دینار بدهد و نشان نماید اشخاص زیاد
صد هزار تومان در یکجا ندیده بودند برای تأیید بانجام
آورده صاحب تخواه بسبب از دحام خلق چند نفر را در
مستحفظ در سر پول گذاشته است نوشته اند که آن
نمیگذرد که بقدر صد هزار تومان از پول نقری صد دینار
برای او جمع خواهد شد
در ممالک فرانسه قانون است که بعضی از خدمتکاران که
باقایمان خود از روی صدق متنی خدمت میکنند و اقلاً
آنها خدمت و صدق آنها را تصدیق می کنند از جانب
بانحان استیاز داده میشود در این اوقات یکی باقی خود خدمت
عزیزی کرده که بعد از فوتش خدمت طلبیده و اگر در حیاتش
خدمت از او معلوم میشود مستوجب اعلی درج این نشان میشود
تفصیلات این است که از کسانی که سابقاً در لومباردیا که از

خاک استریات باعث افشاش شده پس از استیصال بدو
دیگر التجا برده بودند یکی از اصلزادگان آنها بفرقه هر دو
صرف کرده و فقیر و پیرین بود و ارجاع آن که در ولا صاحب
کنت بود و هر قدر خرجی خوا بود با او نمکرده و نداده بود و ناچار
خود را بکشید بود درین بین روزی پیر مردی از نوکری بدستش
آمده و وجه معتدی بی آورده و گفته بود که این چه ارجاع شماست
و من مستعجم که در صد خود نکاهم بدارم الیه پول را گرفته و او را
ایک پیر من و قوه حد ندارد و حد خود بود و بعد از چند وقت
اند و مجدداً تاحقی آورد بود که این پیر عجم شماست و ده جواله کرده
که در اینجا پیری بقدری توان از شخصی که در شما برانم و باز در
در خدمت و الحاح کرده بود و الیه نیز نظر با صرا و او را نگاه داشته
بمنع مایه را پیر مرد تسلیم قای خود میکرد تا اینکه فوت شد و
او دیده نوشته که این جو را از این جو با قارده خود داده ام و
شما اصلاً احوال شما را نمیدانید و بعد از فوت من هم بعد از آن
اموال و املاک من تعلق با قارده ام دارم و این صدق از آن
پیر مردیمو استخوان شده و در زور میا تو اند

و در فرنگستان قانون است که یک نموری که تا پنج سال
باموریت و خدمت بپس برده باشد از اطراف مالی داعیان
جهت اوصیافها ترتیب میدهند و لیعهد پادشاه پروسیه
از وقت داخل شدنش در نظام مکره تاکنون مدت
پنجاه سال تمام است لکن در واسطه قانون اول در
پای تحت پروسیه نوشته اند که بجهت او اجرایی بعضی
شلیکها شد ضیافتها ترتیب خواهند داد

۲۰۵۸

روزنامه قایم القایه بتایخ یوم بیستم شهر دویانی مطابق سال لوی می سن ۱۲۷۳



اخبار و احکام محروسه پادشاهی

تنها مضمون کاغذ جناب فضایل و کلمات اکتسابی زین فی الفضل الکرام محمد الزمان حاج میرزا محمد باقر و جماعت دارالاسلام تبریز که از حدیث و احادیث مستخرج است و مضمون آن ازین قرار است که فقهی میگرد مضمون کاغذ جناب فضایل و کلمات اکتسابی بتایخ القایه شیخ الاسلام دارالاسلام تبریز هم نزدیک بهین مضامین عرض میشود رفیقان کلین در خلیج فارس و	دارا خلافه طهران در روز یکشنبه گذشته اعلیحضرت قوی شوکت شاهنشاهی خلد الله ملک و سلطان عزیز زیارت بقعه مبرکه امامزاده واجب التظیم حضرت شاهزاده عجب العظیم فرموده سوار و بعد از زیارت بقعه مبرکه تا حوالی عصر بکشت و تیغ آن اطراف مشغول بوده نزدیک عروب آفتاب بارک مبارکه سلطانی حجت فرمودند
بیجا با حمله آوردن و تصرف نمودن آنها بوشهر بندر و ولایت اسلام را کوشیدند این خادم شریعت غرا و داعی دوام دولت حیفه بیضا و سایر علمای اعلام و علوم دینی این مملکت گردید اجبار متواتره که درین باب رسید استحضار کامل حاصل آمده از آنجا که برای این دعا کوی بی ریب و ریا خادم شریعت سوی ترویج شرایع دین پس احمدی و جایی رسوم قبیضه محمدی صلی الله علیه و آله و علیقای دولت علیه اسلامی سیوه و بنوده نیست از استماع چنین حاد و غیر مترقبه که در نزد خدا شریعت ظاهر بی و شوار و ناگوار است قرین فکر و حیرت	چنانکه در روزنامه هفته های قبل بجلای شده است حکایت از جانب دولت کلین و متصرفان قشون آنها بوشهر را در نظر ملت دولت علیه ایران بسیار مؤثر آمده و غیرت و عصیت کل ایالت را از عالم عالمی و شریف خمرک شده است این روزها فوشتجات زیاده از علوم علمی اعلام دینی پس اسلام و ایمان و اشراف مالک ایران حدت اولیای دولت علیه رسیده که یک بطوری دیگر برزانی آنها غیرت و عصیت و شوق بر جهاد در راه دین و ذکر مضامین بنده آنها درین روزنامه بتفصیل در دسترس

و لازم تکلیف واجب حضرت خداوندی قبل سلطان و عظم بان دانت که درین مقدمه آنچه بر عهد این داعی بی ریا و خادم بی علاقه گرفته است بی تأمل تقدیم سازد لهذا در مجمع عام و بلده کرده اسلام که جمعی کثیر و اجامی عظیم در مسجد بزرگ اراک اسلام اجتماع و داشتند بنبرقه آنچه شاید بگوید محض مجلس القاد و الهام کرد و عظم ناسر از تکالیف لازم الهیه و کام واجب علیه الطاع و آگاهی و امروز که ملت خارج هجوم محمد بر ملک اسلام آورده اند بحکم نفس تنزیل و احکام حضرت رسول واجب التحیل بر عموم مسلمانان واجب است بجان و مال در مقام جهاد و دفاع باشند و دین خود را حفظ نمایند از تقریرات دعا که از روی آیات کلام مجید برداشته اند وارد و از حضرت سالت پناهی و اهل بیت عصمت و طهارت سلام علیهم اجمعین در حفظ بیضه اسلام و پاس حقوق دولت اسلام بیان می نمود بجهت مردم میجان کردند و برترند در آمدند و خون و سلمانی در عروق و شیران ایشان جوشیدن گرفت که همگی بی اختیار گریه و زاری نمودند و همان طور که در شریعت ظاهر و در است جمیعاً با جان و مال خودن میسای دفاع و جهاد کردند که اگر جانب سنی بخواهد و یای دولت علیه اذن و اجازت حاصل کرد و امانی بریزد از خواص و عوام و اخاص و ادانی با جان و مال در راه دین و دولت و منصب و ملک خود و حقوق الغایه که شش و جانب فی می نمایند بریزد که سهل است تمام مملکت اذربایجان حالت مستند و با العمل مستعد میباشند که هر وقت اقتضا کند شرعی خود را بعمل آورند و خونهای خودشان را در حفظ دین بپوشانند ببوق هر چه تمامتر بریزند و اگر بکشند یا خود کشته شوند فی القوم درجات عدن خداوندی مالک دولت ابدی و صاحب غنیمت سرمدی شوند و مردم دین داری و جان نثاری را مهمل نگذارند	بدیهی است که هرگز نصب غیرت اهل اسلام تابعین شریعت حضرت خیر الانام علیه السلام قبول این معنی نخواهند نمود و تکلیف خارج دیگر بجان و مال و اهل و عیال مسلمانان و توجه دولت حاکم است و نکند و دین اوین حق اسلام خدا کرده العیاذ بالله و با ضحلال گذار و این دعا که و امانی این ولایت علی الاتصال تبت جهاد اشتغال دارند و بنه علمای ولایات اذربایجان نوشته و هیوید که آتوایر طالب دولت جاوید شهادت فی سبیل باشند و دقیقه غفلت نمایند چون عالیا و محب سراسر عظیم سرمیک بپاری ماحب میبند و عجلان بدین مختصر حجت افزا کرد که مترصد چنانکه هر طور امر و مقرر شود از انظار معمول کرده این دعا که را صد هزار جان بپوشی که هر یک را در راه ضای حق نثار می نمودی
سایر نوشته های علمای اعلام کرام الله تعالی امثالهم یکی نزد مضا بن آن است و اسمی هر یک از مالک محروسه که علی انجا کا عندنا نوشته اند علی الاجمال از این قرار است	علمای اعلام و فضیله ذوی القرب و الاحترام و سایر اعیان و اشراف و امانی استرآباد
از ما زنده ران	از ما زنده ران
جناب عمده العلماء حاجی ملا عبدالله محمد سله الله جناب عمده العلماء حاجی ملا محمد آشرفی سله الله	جناب عمده العلماء حاجی ملا محمد آشرفی سله الله
جناب عمده العلماء حاجی میرزا محمد تقی محمد زید فضل محمد حسین محمد زید فضل	جناب عمده العلماء حاجی میرزا محمد تقی محمد زید فضل محمد حسین محمد زید فضل
شیخ الشیخ شیخ نصر الله سایر علماء و امانی و اعیان ما زنده ران	شیخ الشیخ شیخ نصر الله سایر علماء و امانی و اعیان ما زنده ران

۲۰۶۰

کتابت در روز جمعه ۱۲۸۳
در شهر تبریز

علمای اعلام و فضیله دوی العز و الاحترام دارالامان
کرمان که از فرار عیضه امیر الامار العظم سیدار حوشت بود
سبقت بدفاع و جهاد نمایند و مشارالیه مانع شده بود تا هم
از اولیای دولت علیه بر

جناب عمده المجتهدین آقا سید جناب عمده العلماء و زید فضل
جواد مجتهد کرمان زید فضل حاجی محمد کریم خان زید فضل

علمای دوی الاحترام کیلان که تفصیل آن درین روزنامه
نوشته شده است

جناب عمده المجتهدین حاجی جناب عمده المجتهدین حاجی طاهر
مآرفج زید فضل صادق زید فضل

علمای اعلام و فضیله دوی العز و الاحترام و سایر اعیان و امامان
دار السلطنة و دین

از قلم و عرق

جناب سید مراهی سید باقر جناب ضایع باب آقا حسن زید فضل
محمد سید الله

جناب محمد آقا سید باقر جناب اخوند ملا محمد کبیر دام
دامت افادته

سایر علما و اعیان و امامان و اولاد

علمای دوی العز و الاحترام شاهرو و دولام و سایر اعیان
و اولاد

از کلمات بکان

جناب عمده العلماء اخوند ملا جناب سراج باب میرا محمد
زین العابدین مجتهد زید فضل مجتهد زید فضل

زیدة الفضل آقا سید حسن سایر علما و اعیان و امامان و اولاد
امام جمعه

از کلمات بکان

عمده الفضل اخوند ملا عمده الفضل اخوند ملا هدایت الله
زید فضل زید فضل

زیدة الفضل عبد المومن امام سایر علما و اعیان و امامان و اولاد
مجتهد

سایر علمای اعلام و فضیله عظام و امامان و اعیان و اشراف
سایر ولایات محروسه ایران

که بجهت استحضار مطالب کنندگان روزنامه قلمی شود بطوریکه

و حاصل ملت یکدل و یکجبهت در راه جهاد و ایستادگی اند اگر اجازه
جانب سنی احوال قدس بایون و اشراف از طرف فرین
اولیای دولت روز افزون با نخبه شود البته هر یک با کرده کرده
فرق سلیمان نقد جان در کف بمر که قال و جهاد حاضر شد جان
خواهند کرد و این معنی را بایه شرف و سعادت دین و دنیا می

خواهند دانست

سابقه خبر با موبت عالیجا مجتهد سر راه کونول شند لاکر و چند نفر

صاحب مضبان و اتباع دیگر از جانب اعلیحضرت امیر المود و اولاد
مناد و غمیت ایشان بجاک دولت ابد علیه توسط عالیجا میرزا

میرزا ابراهیم خان کار برد از اول و مخصوص این است مقیم دارالامان
بعض اولیای دولت علیه سید چون عالیجا مشارالیه اخبار کرده

بود که ایشان حامل نامه بودت علامه از جانب آن اعلیحضرت برای
اعلیحضرت قدس بایون شاهنشاهی خلد الله ملک و سلطان باشند

اولیای دولت علیه نیز بملاحظه توقیر و احترام نامه آن اعلیحضرت
بنوآب مستطاب بنزده والا بآر عا و الله وله حکم ان کرمان

نوشته که در فرستادن آدم باستانی بمرقد عراقین عجب و عجب
و پذیرفتن ایشان در اول خاک این دولت علیه و عتاب نمودم

توقیر و پذیرائی تا هر جا که در زیر اداره نواب مغزی الیه باشد
نمایند و همچنین بای حکام و کارکنان دیوانی عرض راه الی الله

نیز از همین قرار حکم از جانب اولیای دولت علیه صادر گشت و
حب الامر در همه جا از قرار حکم دولت درباره مأمورین

رفتار شد روز چهارشنبه غره شهر جادی الاخری نیز که روز
ورود ایشان بدربار دولت ابد قرار بود بملاحظه موالات و مصافحه

حاصله بین آن دو ملتین و توقیر نامه بودت حاتم اعلیحضرت برای
دولت استریم قرار استقبالی برای مأمورین اند دولت

دولت استریم قرار استقبالی برای مأمورین اند دولت

دولت استریم قرار استقبالی برای مأمورین اند دولت

دولت استریم قرار استقبالی برای مأمورین اند دولت

دولت استریم قرار استقبالی برای مأمورین اند دولت

دولت استریم قرار استقبالی برای مأمورین اند دولت

دولت استریم قرار استقبالی برای مأمورین اند دولت

تفک و وجت لوله در یک جبهه طبایف فردا علی کاف ضاعته
در نهایت صنعت و امتیاز و زینت در کل سبای اجزای
بکار رفته زین

کتاب تصویر اعلی حضرت امیر طور
استر و خاتواد سلطنت و اکا
دولت در غایت امتیاز
یک جبهه

برای جناب شرف امجد ارفع و همچنین جنابان نظام الملک و وزیر
امور خارجه نیز عالی تعارفی از جناب دولت خود مستند که
خواهند کرد

چون عالیجاه مقرب الخاقان میرزا شفیع و وزیر در انجام
خدمات دیوانی مراتب کفایت و کار دانی خود را مشهور
لمحوظ خاطر اقدس ایون شاهی و ای دولت علیه و است
لهذا ین واقف منصب جلیل استیفای خاصه بموجب فرمان
مبارک سرافراز و بر موجب بق او نیز از زده میثوب جبهه
از جانب سنی الجواب ملوکانه در حق او خلعت حرمت کرد

نظر بطیافت و یسکی لجا نتیجه الامراء اعظام سنی خان سر
اردیل مشکین و ظهور صفت و اتهامات و در انجام خدمت محوله
درین اوقات اولیای دولت علیه حب الامر اقدس ایون او را
منصب جلیل نیسی و لقب نیل مقرب الخاقانی موجب المهرن مبارک
سرافراز و میثوب جبهه ترما از جانب سنی الجواب ملوکانه در حق او خلعت

لجا عبد البیک بهار لویا و در پناه مبارک و در میرت کردن تسخیر بهار اول
حضور امشود داشته بود لکن بموجب حکم نظامی با عطای یک وطن
یاوری سرافراز و میطا و شال برسم خلعت با انعام با و مرمت کرد

سایر ولایات

و از جانب دولت علیه عالیجاه مقرب الخاقان محمود خان میرنج
با اجزای قن سبار کشیکخانه کایون و کلانتری شهر و سبان

و سواری از اصطلح خاتمه بادشاهی و از طرف جناب شرف امجد
ارفع صدر اعظم ختم عالیجاه مقرب الخاقان میرزا محمود خان سر
و عالیجاه مجد مسمره ایی خان مترجم و اجودان مخصوص صدر

عظمی و از وزارت خارجه عالیجاه مقرب الخاقان میرزا عبد
نایب دوم وزارت خارجه و عالیجاه عزت و وق ساه داود
سریب مترجم اول دولت علیه تا ینم فرسخی شهر استقبال نمود

و ادای سایر لوازم پذیرانی و مهربانی را نسبت بمأمورین اند
بعل آوردند و تا منزل که در یکی از باغات دولتی متعین شده
ایشان را همراهی نمودند و در یکشنبه پنجم ماه بدین جناب شرف

امجد ارفع صدر اعظم ختم آمدند و از جانب جناب صدر اعظمی
راف و احترام نسبت بایشان مبذول شد و از آنجا بدین جناب
فحمت انصاب نظام الملک و بعد بلافاصله جناب فحمت اب وزیر

خارج آمدند و لازمه مودت و مهربانی از ایشان هم در حق مأمورین
شار ایهم لعل آمد روز سه شنبه هفتم حضور حرمت ظهور سرکار
اقدس ایون شاهی خدایه ملکه و سلطانه احضار شدند

با لوازمی که در حق مأمور صاحب منصب آن دولت دوستی آیت
در کار بود شرف حضور اقدس اعلی کردند و از جانب سنی الجواب
کایون مورد تفضلات و توجبات ملوکانه آمدند و تحف و هدایای

که از جانب اعلی حضرت امیر طوری داشتند از عرض پیشگاه شکوه
کایون گذراندند در مقام دوستی و پادشاه با فروجا به
مقام تحین و ترین افتاد و ای سبای لقبیه ممتاز بسیار
ولایت اهدای مصلح ملوک و سلاطین بودند

نشان نشان اعلی حضرت امیر طوری و جاز بزرگ ملوکانه ساه رکن
دولت استر و مکتولانماست که انواع صنعت و نظافت در آن
بکار رفته است

استرآباد

از قراریکه در روزنامه استرآباد نوشته اند امور آن ولایت کمال

انتظام است و رعایا آسوده خاطر بدعا کونی ذات اقدس

بها یون شاهی خلد الله مکه و سلطانه اشتغال دارند

خینوق نشین که از آنجا کوچیده و بفرم عیسی و خدمتگذارانی

دولت قوی مکت علیّه تعاری قلعه آمده بودند و ورود آنها در

روزنامه سابق نوشته شده بود بعد از ورود آنها بمقر

عده الامراء العظام حفر قلیجان ایلیجانی عالیجاهان محمد حیم خان

و یوزباشی قلیجان را فرستاده بودند که آنها را از آنجا کوچاند

با ماکن اسکنی بدین دلیل منور کفنه بودند که ماهین مکان را

خوش داریم و اگر دشمن از خینوق یا جای دیگر بر سر بایاد

خود از عده آنها برمی آیم عالیجاهان شارالیه با آنها حالی

خاطر نشان کرده بودند که ممکن شد در میان خلاف ای امنای

علیه است آنها هم بکوچیدن از آنجا راضی شده قریب شش هزار

خانوار که بودند از بخوردالی استرآباد مسکن مرغوب برای

معین شده سکنی گرفتند و یکصد و چهل نفر از ریش سفیدان

آنها باتفاق عالیجاهان شارالیه بمقر عده الامراء العظام

ایلیجانی آمدند

دیگر نوشته اند که بعد بر پا شد نفر اسیر از ولایات متفرقه که در

این منور بودند که از خینوق همراه خود آورده بودند همه را آزاد

کرده بعالیجاه محمد حیم خان سپردند بمکی را سالما باو

خود روانه نمود

دیگر نوشته اند که عالیجاه یوزباشی قلیجان بسیار شایسته و

و بعد رده نفر ارکان کاری خود و صد نفر سوار زبده

بسیار خوب بفرم جان نزاری آماده کرده است که بمقر

عده الامراء العظام ایلیجانی بدر بارجهاندار آمده هر

که مامور نمایند برسم جانی پردازد

اصفهان

از قراریکه در روزنامه اصفهان نوشته اند امور آن ولایت

قرین کمال انتظام است و نواب مستطاب هزارده و الاتباع

حمت الدوله حکمران اصفهان همه روزه از طلوع آفتاب الی

غروب آفتاب اوقات خود را مصروف رسیدگی امور عامه

ناس و انجام خدمات و فرمایشات دیوان قدر نشان دارند

و مراقبت و رسیدگی تمام در عرض و دادرعا یا میباشند

قاهره از توپچی و سرباز همه روزه در میدان نقش جهان

مستقیم و نواب مغربی الیه اغلب روزها بجهت تشویق و بر

آنها خود بمیدان مشق حاضر شده رسیدگی در مشق نظام

امرا آنها می نمایند

دیگر نوشته اند که نواب مغربی الیه در باب وصول و

مسط دیوانی و بقایای محل و انجام و نهائات دیوانی تا

اکیده فرموده اند و مباشرین و کارکنان مشغول وصول و

اصیال میباشد و در باب دوختن چادر بجهت حیات خانه که

در بارجهاندار فرمایش شده است جمعی چادر دوز در عمارت

چهل ستون مشغول دوختن میباشد و نواب مغربی الیه اهتمام

که رود با تمام برسانند و هم چنین چادر فوج کرازی را که

عربستان میباشد تمام نموده نواب مغربی الیه تحویل

فراسخا نموده اند که برده در بر و جرد تحویل کما شکان نواب

مستطاب هزارده و الاتباع حتم الدوله نماید

دیگر نوشته اند که امور قورخانه و حیه خانه اصفهان منظم و

واستادان همه روزه مشغول بچین کلوله و ختن فشک و

و سایرالات و ادوات جنگ اقبیس تفنگ و سر نیزه و
پیش تا و دویچه و قداره و شمشیر و غیره میباشند و
شاهزاده بعضی روزها خود رفته بکاخ حبه خانه و قورخانه و
کار اصناف رسبدکی می نمایند و اصناف را انعام داد
با انجام خدمات متحوله بخودشان ترغیب و تشویق میکنند

عراق

از قراریکه در روزنامه عراق نوشته اند فوج همیش کرازان
جانب اولیای دولت علیه حکم شده بود که روانه عربستان
شوند و عالیشان محمد بیک اردلی مامور شده بود که ده روز
فوج مزبور را روانه عربستان نماید مقترب انخاقان میرزا حسن
حاکم عراق بعد از حصول اکاهی از حکم اولیای دولت علیه فوج
مزبور را تا ماز صاحب منصب قایم در سلطان آباد حاضر
منوده انعام مرحمتی دیوان اعلی را بتوسط اردلی مزبور فرود
فرود با آنها رسانده موجب مدارکشان بهم قبل از ورود
پرداخته شده بود تفنگ آنها را بهم مقترب انخاقان شایسته
یکی یکی گرفته ملاحظه نموده هر یک خراب بود و عوض داده و دیگر
مرمت میخواست استادان تفنگ را حاضر آورده مرمت نمود
و تفنگ هر دسته را تحویل سلطان آن دسته نموده قبض
او دریافت کرد و در مدت شش روز جمیع نامهای آنها را
تمام کرده با آرسنکی و انتظام تمام بار دلی مزبور روانه
ماموریت نموده نوشته از او گرفت

و جمیع فوج سربند هم که احضار در انخلا مبارک شده بود
در روانه کردن آنها نیز لازمه استقامت را عمل آورده بودند
محمد علی بیک محصل حصول اکاهی بجایگاه ابوالفتح خان
فوج مزبور را اعلام نمود که فوج را چهار روزه سلطان آباد

حاضر نموده سان بد چون عالیجناب را الیه از موعده
در روز چهارم فوج را با آرسنکی و انتظام در سلطان آباد حاضر
نمود و حدتش مستحسن افتاده مقترب انخاقان میرزا حسن خان
کلیجه ترمه از خود با و داده فوج مزبور را آن دیده روانه و با
جهاندارهایون نمود

دیگر نوشته اند که اگرچه سال بارندگی که در عراق بابت بشو
نشده است ولی بجهت الله غله و فوز و غله و نان و سایر
حبوبات غیره از هر چیزی فراوان و از آب

کیلان

از قراریکه در روزنامه کیلان نوشته اند فرمان مهر خان
که در باب گزارش بوشهر و آمدن قشون نکلیس و اجار
میرزا را تا ماز صاحب منصب قایم در سلطان آباد حاضر
منوده انعام مرحمتی دیوان اعلی را بتوسط اردلی مزبور فرود
فرود با آنها رسانده موجب مدارکشان بهم قبل از ورود
پرداخته شده بود تفنگ آنها را بهم مقترب انخاقان شایسته
یکی یکی گرفته ملاحظه نموده هر یک خراب بود و عوض داده و دیگر
مرمت میخواست استادان تفنگ را حاضر آورده مرمت نمود
و تفنگ هر دسته را تحویل سلطان آن دسته نموده قبض
او دریافت کرد و در مدت شش روز جمیع نامهای آنها را
تمام کرده با آرسنکی و انتظام تمام بار دلی مزبور روانه
ماموریت نموده نوشته از او گرفت

مضمون آن را کوشش زبده جمیع خاص عام نموده بمجلس
 انظار عالی و عالی در راه ملت قوتی اسلام و دولت علیه
 ابدارت تمام نموده صدای دعای ذات اقدس تعالی و ظفر
 و نصرت دولت ابد مقرون بلند کردند و بسیاری از رؤسا
 انظار نمودند که سالها و ظل عطف و مروت این دولت
 مدت صاحب تمول و تجل شده ایم امروز روز جان نثاری
 و مسکام انظار حمیت و غیرت دیناریت و بر خود لازم
 و متحمم میدانیم که مالا و جان را در راه حفظ ملت و دولت کوشش
 کرده از هیچ چیز خود را معاف نداریم و بسیاری داوطلبانی
 گردیده در مقام تهنیت و انجام نوکرا از سواره و پیاده برآمدند
 تا بموجب اعلام ثانوی به طرف مأمور فرمایند روانه شوند
 از جمله عالیجناب حاج میرزا نصیر و حاج میرزا یوسف و سایر
 طایفه مرحوم حاجی سمیع چنانچه عریضه خدمت اولیای
 علیه نوشته اند مستعد شده اند که علاوه بر نوکرا لایق کفایت
 سواره رنده کار آمد با اسب و اسباب حرب و سیر ملزومات از
 و متعلقان خود آماده و مهیا دارند و چنین طایفه مرحوم حاج
 محمد خان فونی نیز بهین قسم عریضه نوشته و مستعدند
 نوکرا بخود شده اند و سایر امانی و تجار و کسبه و فواید
 وجود بخود علی اختلاف الطبقات عریضه نوشته و داوطلب
 خدمت و جانفشانی شده اند و در تهنیت و تدارک اسباب
 و آلات وطن و ضرب میباشند و بطوری اقدام در انجام لوازم
 کار دارند که بخیل قبل از رسیدن حکم اولیای دولت علیه
 روانه شوند و سواد فرمان مبارک را بمقرب انخافان علیه
 جمیع محالات کیلان روانه نموده در محالات و بلوکات نیز
 جمع مردم در کار تدارک نوکرا از سواره و پیاده بودند

دیگر نوشته اند که در شانزدهم شهر ربیع الثانی مقرب انخافان
 عمید الملک بجهت نقل اسباب کار خانات دولتی از شهر
 رشت بنظر الله آباد که آخر سامان لامیجان است بمبت و روز
 به راه کرجهها در سفید رود بوده کمال مراقبت را بعمل آورده
 منجیل سراسر اهی نمود و ایندفعه بسبب زیادتی آب رودخانه
 حمل و نقل کرجهها آن تر از اول شد و نیز بارندگی که موجب
 کل ولای و صعوبت عبور و مرور عملیات میشد اسال اتفاق
 نیفتاده عملیات کرجهها را با سانی بمنزل رسانیدند یک
 یاسک در سفر اول نزدیک پل منجیل بآب فرو رفته و درین
 مدت هر قدر کوشش نموده بودند بجهت تنوی و سردی و زیاده
 آب نتوانسته بودند بیرون بیاورند درین نوبت که مقرب
 عمید الملک بانجا رفت جمعی از آب بازان را بآب انداخته
 یاسک را برآورد و پدید آورده از آب بیرون آوردند و تمام
 اسباب کار خانات دولتی صحیها و اردانبارهای سیریل
 منجیل گردید چهار عدد و یک استی بزرگ باقی است که بخیل
 لاکه هانی که از نو ساخته شد است عمل معین گردیده است
 بیاورند
 دیگر نوشته اند که عالیجناب علی اکبر خان سرمنک فوج خلنی نامی
 سخلوی حیدر انزلی که بدر بارها یون احضار شده بود
 در یازدهم ماه ربیع الثانی از شهر رشت حرکت نموده
 فوج خود روانه خلخال گردید که نامتای فوج را در آنجا تمام
 نموده روانه دارمحدث مدر شود
 دیگر نوشته اند که اسال رشتان نسبت بهای دیگر
 هوای کیلان بسیار بخلایت و خوشی گذشته است و اکنون
 بطوری که سالهای دیگر سرد میشوند

اجبار دول خواجه

در اجبار دول خواجه نوشته اند در اوقاتیکه والده علیحضرت
امیرطوروسیه بجهت تبدیل آب و هوا پهنس رفته و در عمارتی که
در آنجا داشت اقامت کرده بود روزی شخصی آنجا آمده و گفته بود که
بخدمت والده امیرطوروسیه برید زیرا که در طوبیت او از ورطه هلاکت
نجات داده ام خادمان اعتنا کرده و او را راه نداده بودند بعد از آن
قوچی طمانی در آورده و گفته بود این قوچی را خدمت ایشان بفرستید
خواهد آمد قوچی را برده بودند والده امیرطوروسیه یکدسته موی
در میان آن دیده هر چه فکر کرده بود چیزی که سبق بان مقدم باشد
بجایش نرسیده بود خود او را خوشه و تحقیق کرده بود
گفته بود که پنجاه سال قبل ازین من در خدمت عسکره پروسه بودم
و شکار بودید و در باغچه گردش میکردید ناگاه جوی فیاض
فورگ خود را بآب انداخته شمار بیرون آوردم والده شامقدری از
موی شکارچیده میان این قوچی گذاشته من داده آنوقت که از
بجای والده امیرطوروسیه و او را تصدیق نموده در حق او خیلی
الحام و اکرام کرده بود و چون ولیمه و زال سار دینه بسیاری از کلاه
در آنجا بودید و شکلی درین ب ترتیب داده بودند

در وینه پای تخت استریه قوه خایه بسیار بزرگی ساخته اند
در این اوقات در پاریس پای تخت فرانسه قوه خانه از آن
بزرگتر بنا کرده اند که در میان آن پنجاه سه هزار کس صندلی میزد
و سایر باب گذاشته میشود و شبها هیجده هزار چراغ در آن
میوزد و باین وسعت و بزرگی قوه خانه تاکنون هیچ ولایتی
ساخته نشده است

در روزنامه جریده السخاوت اسلامبول نوشته اند که در قبر
در جوار لنگرگاه لارنه قمار و بازی با صدوسی صندوق

بود در ۲۹ ماه ربیع الاول پنجاهت و نیم از شب رفته از علامت
سماوی مانند آتش چیزی نازل شده بر بار و طاقاده و بار
و صندوقهای فشنگ تشریف گرفته چهارده نفر را تلف کرده و
ابنیه هم که در جوار آنجا بودند منهدم کردید

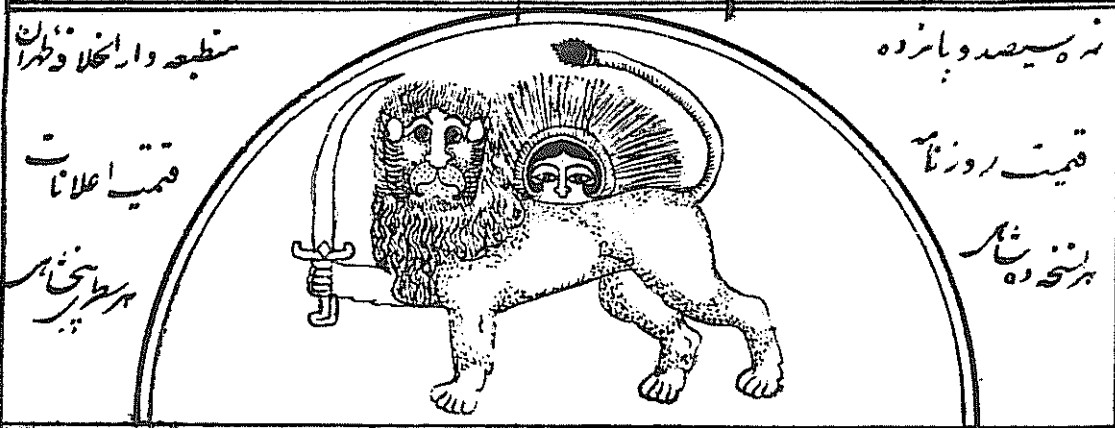
در روزنامه سابق نوشته بودند که علیحضرت امیرطوروسیه
باز و بخود بصر صمد و شکاه و گردش سبب لو مبارک
و وندیک غنیمت کرده بودند بموجب روزنامه که این اوقات
رسید در اوایل ماه ربیع الثانی وارد وندیک شده اند
و بجهت تبریک قدوم امیرطوروسیه از بعضی دولتهای همجوار آنجا
مأمورین فرستاده شده و از جانب مالی آنجا نیز اجرای
شلیکهای متعدد شده و علیحضرت امیرطوروسیه داشته اند
که از آنجا حرکت کرده بعضی محال این دو ایالت را هم

تفرج نمایند

از قراریکه از روزنامه رسمی فرانسه نوشته اند در شباط
آینده بطریق قرعه که جدید از فرانسه گرفته میشود و بعد
صد هزار قوئن میگیرند در این باب اصلا اغلیا و غیر اغلیا
نمیشود و در حق هر کس اجرای تاسوی از جانب علیحضرت امیرطوروسیه
فرانسه اعلام شده است

در سال قبل ازین در دو استریه عسکر که بموجب قرعه گرفته بودند
عد و آنها بودند هزار رسیده بود در این اوقات که رسیدگی
نکابر آنها شده است بجهت بعضی ناخوشی ماسی و پنجاه کس آنها قتل
شده اند و باقی را هم تا زمان دولت قرار شده است که اخراج
نمایند و لود و پنجاه کس مجدداً قرار شده است که عسکر
تجیر نموده داخل نظام مکنند

روزنامه قایم اتفاقیه پنجشنبه بیستم شهریور سال ۱۲۷۳



اخبار و احداثیه محروسه پادشاهی

دارالخلافه طهران
تقریباً قضای موسم و مناسبت گار در روز دوشنبه
که شته علیحضرت قوی شوکت شاهنشاهی غمیت
تفج و شکار فرموده سوار شدند و در اطراف دارالخلافه
مبارکه گردش و شکار نموده حوالی عصر مبارک مبارکه
سلطانی مراجعت فرمودند
در این اوقات هوای دارالخلافه طهران و اطراف با
فضل و کمال طاعت و اعتدال است و در پائیز و زمستان
تا اوایل دلو بطوریکه بایست بارندگی بشود در دارالخلافه
و سایر ممالک محروسه شده بود و صاحبان املاک و اهل
زراعت ازین رکود فی الجمله تشویش داشتند ولی از
تفضلات خداوندی در اوایل دلو ببارندگی گذاشته
چند روز بارانهای خوب و موقوع آمد و بعد از آن هم
شش هفت روز است که علی التوالتی اغلب بنهار در روزها
برف میبارد و برف سنگینی که ریاده برای حاصل صفت
دارد در کوه و جلگه افتاده است برف اول که آمد یکدو
هزار بار سرد کرد و بعد از آن روز و بعد از آن روز
فراوان معلوم میشود در اغلب ممالک محروسه نیز بارندگی
باید شده باشد و رعایا و زراعت کاران بجهت آمدن حاصل
آینده کمال امیدواری بهم رسانده اند سجد الله در دارالخلافه
طهران انواع آذوقه و مکولات از هر چیزی کمال وفور است
و اهل دارالخلافه اسوده خاطر بدعا کوفی ذات اقدس
همایون شاهنشاهی خلد الله مکه و سلطانه شتغال دارند و
امور شهر را حسن مراقبت و کفایت نواب مستطاب شاه
والا تبار دارند شیر میرزا حکمران دارالخلافه طهران و مقرب
میرزا موسی وزیر دارالخلافه در نهایت انتظام است و لجان
کلا فتره که خدا بآن جب الحکم در نظم شهر و محلات مراقبت تمام
بجلی می آورند و سرعت و شرات بسیار کم اتفاق می افتد
و اگر بندرت وزوی شود سارق و دیکر شده بکلم
نواب معری الیه برای عمل خود میرزا افواج قاهره متوقف
دارالخلافه مبارکه درین چند روزه که برف و بارندگی میشود
از مشق معاف میباشند

بقرا که در هفته گذشته نوشته شد از اکثر علمای اعلام و فقهاء
عظام ملت اسلام و فقه الله تعالی و امامی و ولایات محروسه
بنی برانها غیرتمندی در راه دین و دولت و اقدام بجایابی
مدر بار باریون علی التوالی که صورت بعضی از آنها در روزنامه
گذشته نوشته شد از جمله از جانب علمای اعلام و مجتهدین عظام
مفصل ذیل دارالامان کرمان و سایر امامی و اعیان انجاء
جناب فاضل و افاد تضرع جناب فادت و افاد تضرع
قدوة العلماء علامه نجف المصطفی فخر المجتهدین قاسم جواد
اخذ ملا احمد سلمه الله سلمه الله
جناب فضایل و عوارف مآل و فاضل تضرع
و المحققین افتخار الحاج و المصطفی فخر المجتهدین قاسم جواد سلمه الله
حاجی محمد کریم خان سلمه الله سلمه الله
در این اوقات عرضیه با ولایای دولت علیه رسید که عبارت
آن بعضیها درین روزنامه مسطور میگردد
حدّام شریعت بیضای مصطفوی و پیروان مذموب غازی تضرع
علی صاحبها الصلوٰه و السلام من الله الملك العلام بوقف عرض
واقفان حضور با هر المنور میسرند که درین اوقات
از حد و بند را بوشهر برخی از اجناس بلیس فرقه بخلیس کوثر
پیروان ملت و اعیان دولت جاوید مدت گردید و در
شرف راهبچ شش غیرت و حمیت و مجد و پیمان ایمان و
وفاق آمد خاصه پیشوایان ملت و دین را که مروج این اندوخته
اسلام و کین مصداق و ان نگه ایمانهم من بعد محمد و طغنا
فی دینکم فقلوا انکم الکفر انهم لا ایمان لهم لعلمهم بیهون غیبی عام
و هم باطن و ظاهر بدان پیوست که ما جان در بدن دارند و لوا
در تن شقایق مخالف را بوفاق موافق از بی او حاضر و البطل

کوشند و اگر چه بدخواه با دوزخ و ثروت و سپاه خیزوستی نماید
و بختی شخروشد که قاتلوم یغی بهم الله باید یکم و بخریم و نصیر کم
علیهم و یث ضد و رقوم مومنین فان یکن منکم ما یر صابرة یغلبوا
مآئین و ان یکن منکم الف یغلبوا الفین باذن الله و ان الله
مع الصابرين و ازین در حکم قاهر غالب قاهر که خدا هم و
واقعد و الله کل مرصد بی اندازه و حد در صد و محافل و زو
منابر خاص عام را بپوشش و از دحام پیوسته از بی تضرع
ترغبند که سر اسرار خود و بزرگ و سیاه و سفید و نامش و
و عالم و جاهل در تهیه بایب دفاع و منکامه اجتماع خیرند و مال
و جان و خدم و حشم جدال را شوقا لایگزینند و عوام را بیزید
از دحام در نهان و عیان شور و روان و در زبان است که حاشا
که خبر بایالت و ولایت سلطان جهان و خاقان زمان که بیزید
مصطفوی را مآلش بنیان قوام است و طریقت مرتضوی را
مشید ارکان نظام تسلیم حبه رضا و همیم یا قید اطاعت بر
طاعت بنیم با اینکه کائنات فی راجعه الله را آشکار است که اگر
این جمع طعام بر ملت اسلام است یا بند و بدین شتابند
اشکار و خفا هیچ از ستیز و جفا فرو نگذارند و عرض و ناموس
بهره خویش نگارند انگاه از سیر لوک آن فرقه بدخواه و حیل
آن جو که کراه اندک اندک حق پرست را رشته بین از دست
و نوبت توبت سبب و ازار و وفق بازار گیرد و آن کیت که برای
داعیه انکار تواند یا وقوع این احتیاج را لاف و کرافت
آخیزه سیرت ایشان با امامی هندوستان مشهور است و عجم
و مشهور ترک و دیلم و گذشته از آنچه گذشت خاطر نشان
تبدیل سنت اسلام است و تغییر ملت سادات امام و بابان
اندیشه خام را میسر که تعافل حبه تحلل و رزیم و بخلوت

عزت کیریم با آنکه بلاد ایران چشم و چراغ اهل ایمان است
و ایرانیان بجهت مذهب غیرت ملت مشهور و فاق جهان
و این جمله که سیم چگونه از اهل کابل و قندهار بجهت کمتر باشیم
با اینکه حق پرست و خدا شناسیم و چون خداوند قادر
قهار و پرمهر مختار و ائمه الهام السلام الله علیهم اجمعین را
روزگار حضرت بقیه الدجمل الله فرجه ما را ناصر و مقین است
که اسلامیان را پشت و پناهند و شاهد و آگاه دان الله
لا یصلح عمل المفسدین و لله العزة و الرسول و الاممین غیرت
اهل کابل و قندهار شهره روزگار است با آنکه ایشان را
چون دارای زمان و فرمان فرمای جهان سنا و عبادی
نبود و اینگونه دستگاه و سپاه و سلطنت پیکار و صلوات
کیر و دار که بجهت الله الملك المنان دولت سلطان ایران را
مرایشان را آماده بخاست و باطلت عدت باندک نشد
دما را از روزگار دشمن غدار بر آورند و برانیم که تا تو انیم
اگر چه بوسیده تدبیر باشد این فرقه خصم را از پی کبر و خشم
و بغرض محال اگر بواسطه سستی برخی ناکان بر یکی از حدود
ایران روزی چند دست یابند برین فتور مغرور و جسور نشد
که همان هنگام کابل است و ترک تحلل فاصحوا لیری الا انکم
لنمذعرض این خاکساران در حضرت شهریار جهان طار
این است که از سر صدق و صفا و پیوند و وفا بنده کانیما
دل بر کف چشم بر حکم و کوشش بر فرمان و کفون
لها یون را غمظیم که باندک شارت اولیای حضرت سبحان
مال و فرزند و عیال و ای جدال افرایم و جان فشانیم و بیزیم
و مخالف را آوازه این خبر آویزه کوش باشد که با وجود این
و اسلام کلین مسلمین از مخالف مذهب و دین صورت مکان

نند و دحق و باطل بهم نمیوند و اگر چه این فرقه را بجهت
وقت و ابر بر این است که بخشها کنند و بریزشها نمایند
از ار کشند و نیاز دارند و تقاضا دل بیند و تحلل آرند لکن پیرا
بخط امیر شش شان بضر و خطر از ستم قاتل پیش است و
موجب هر گونه تشویش را با بواعید خویش نفرینند و بزرگ
و شید قید از پی صید ننهند که مان چون خوردن و سرب
ناگوار نوشیدن و خرقه صد باره پوشیدن و در حاکمیت
اسلام کوشیدن و سلطان مسلمانان را پیرو فرمان
بودن از خلق و نوشی که دارند و غدر و مکر که نپندارند
و سرخ و زردی که شمارند بی خوشتر است و کفر ترک ما
تسوی الظلمات و النور و لا الظل و لا المحور و یریدون لیطغوا
نور الله با فوا بهم و یا فی الله الا ان تیم نوزده و لو کره الکافرون
و چون مالک ایران حوزه اهل اسلام و ایمان است و در
اهل هندوستان بر قمار و کفایت علمای این سامان است
اهل آتولانیر از آوازه این چشم و ستیز سر از خواب غفلت
بر گرفته غیرت و حمیت را شعار و دثار خود می نمایند و چنان
پیروز دارند که در خور مذهب و این است و طریقت و دین
باقی ایام دولت جاوید مدت اعلی حضرت شاهنشاهی
فداه روزافزون باد

عالیجاه میرزا محمد نجف منشی باشی نظام که چند وقت قبل ازین
منصب منشی باشی مکرری نظام و خطاب خانی سرافراز شده
و در روزنامه های سابق نوشته شد در این اوقات
حاجب سنی اچا سب اقدس سجا یون شایسته بی کثوب
جنبه ترمه درازای منصب و لقب فرور بر رسم خلق و حق
عالیجاه مشارالیه حجت گردید

چون پول ریال از مالک محروسه ایران قدری کم شده و
اغلب ولایات با اشرفی صرف زیاد بهم رسانیده اولیای دولت
علیه قاهره در مقام چاره و رفع این کار برآمدند که عام خلق در
رفاهیت و آیش باشند ضروری که از صرف پول مردم ببرد
رفع شود روز چهارشنبه غره شهر جادی الثانیه ۱۲۷۳
جمع از اعیان دولت را با جمعی از تجار معتبر و صرافان دارالخلافه
احضار فرموده از قرار تفصیل معترف نمودند
اولاً حکم محکم بکل حکام و مشایرین مالک محروسه صادر شود که برآه
من بعد از ایات مالیات دیوانی نفرستند و این عمل را بکل در همه
موقوف نمایند هر حکمی که برآه تجاری نفرستند یا مضبوطان جریمه
باید دیوان اعلی باید مالیات پول نقد بخانه عامه نفرستند که
هم صرف خزانه یک و به پولها را بدهند هم در ولایاتی که ترش است
بخانه عامه آورده میشود صرف پول میان مردم کم میشود
و یکراست بخران و فارس یزد و کرمان و مازندران و کرمانشاه
مخصوصه حکم صادر شود که مالیات دیوانی را اشرفی بجهت نخودی
وزن بگیرند و بر عیث سخت بگیرند که باید ریال بدی بلکه اشرفی را
از بابت ایات بگیرند و قدغن شد ید شود که تجار و غیره هیچکس
خود را با ریال نکنند متک که میکیند و میند با اشرفی قرار بدهد که معامله
و کل معاملات تجاری با اشرفی باشد
دیکرا که بکجام و سره داران و مرک چنان مالک محروسه در کمال ناگه
صادر شود که من بعد دیناری و شالی یا ل مسکوک و نقره غیر مسکوک از
مالک ایران بمالک خارج بیرون نبرند و در هر جا باجری بخوابد و بیرون نبرد
صنبط دیوان اعلی باشد
دیکرا اینکه قدغن شد و التزام از صرف و تجارت که بکوه شده که در
و پنجهزاری رواج با و در داد و معاملات چیزی کم نکنند در صورتی که وزن

درست باشد پنجهزاری عددی نه خود و و هنراری ج عددی بحد خود
باشد مقابل اشرفی توانی معامله شود و در کل مالک محروسه از این قرار
دیکرا که محضی بجا پاری با حکم محکم نامشود که یالی درین دو روزه بجا با قاطعه
روانه کرده بود که از دارالخلافه طران نیز ببرد و از آنجا مالک خارج
آن ریال در هر خواه و در ضا خواه دیزد ببرد بر گردانند و مگر ازین
برود و صنبط دیوان شود
دیکرا اینکه حکم صادر شود که عربستان و کردستان و عراق که بیک مالیات خود
ریال میدادند باز هم ریال بدهند که بخانه عامه آورده و مردم داده شود
اگر بعد ازین اشرفی میاید و مقبول نخواهد شد تا میان مردم ریال بسیار
شود و صرف آن کم گردد
دیکرا اینکه مقرب بختی مختلف معیار مالک حکم شد بود که مبلغ تازه هزار تومان
ضراحتخانه دارالخلافه طران بنام باد سیرده نخودی سکه نایب محمد دبا و حکم
که از غره شهر جادی الثانی و ما بعد ازهم مبلغ ده هزار تومان دیکرا که کرد
رو بوج بدو
دیکرا که طران التزام بدهد که هر وقت تجارت بخوانند ریال را از دارالخلافه طران
بجائی کل نقل نمایند و بیرون نبرند بجا ایچان مغربی ایچان قان معیار مالک
و میرزا موسی وزیر دارالخلافه بخانه نمایند که آنها مانع شده مگر از بیرون
برود هر کدام بداند و اجبا نکنند و در جریمه و با خد خواهند بود
دیکرا اینکه در ضراحتخانه دارالخلافه طران امپریال را آب کرد و موافق اشرفی
سکه نمایند برای تسهول کار و جویی که دیوان اعلی سیر نصف مطالبه نمایند
و اجرت عهده را بهم بگیرد از اجرتی که سابق بود و دیگر بدهند
دیکرا اینکه این صدها اشرفی ده نخود کم که میان مردم معمول شده است
بکلی موقوف باشد و بیک رضا جمعیان بعد ازین صدها ده نخود کم کنند
و بگیرند اگر بعد ازین بگیرند و بدهند بکهر تومان جریمه از آنها گرفته خواهد
و التزام هم باین مضمون از آنها گرفته شود

۲۰۷۰

۲۱

دیگر اینکه اشرفی در دست هر کس باشد بوزن تمام درست معاطه شود
 هر اشرفی که از یک کد به بیشتر کسر داشته باشد طرف در دست هر
 بگیرد و بهر که در خراجخانه بوزن درست کسر شود کسر وزن و خرج خراج
 صاحب اشرفی به و اشرفی بوزن درست بگیرد

صرفی که در دارالخلافه طهران صرفی میکند از سی نفر بیشتر نباید باشد
 میان این سی نفر ده نفر از قرائع و سی نفر از اعیان باشد که هر دو نفر از این صنفان

لا محمد بن میرزا محمد باقر میرزا محمد باقر میرزا محمد باقر میرزا محمد باقر
 لا محمد بن میرزا محمد باقر میرزا محمد باقر میرزا محمد باقر میرزا محمد باقر
 لا محمد بن میرزا محمد باقر میرزا محمد باقر میرزا محمد باقر میرزا محمد باقر
 لا محمد بن میرزا محمد باقر میرزا محمد باقر میرزا محمد باقر میرزا محمد باقر

بیک نفر از اینها که انتخاب شده اند سپرده باشد از هر یک تقبیل
 شود از این ده نفر مواخذة خواهد شد و مورد وثیقه و جرمیه
 بود

چون مذکور شد که صاحب جمعیان دیوانی هر کدام صرفی دارند که بخواهند
 میسرند و ضایع نمایند لکن حکم شده که اختیار جمیع صرفان با مقتربان
 معیر المملکت باشد برای هر یک از صاحب جمعیان از اقا محمد حسن و
 و محمد اسمعیل خان و میرزا شمس خان و آقا خداداد و صدوقه
 جناب جلالت آقا جل اشرف عظمی دام آقا الهی مشایخ
 صرفی این شدین تعیین نماید که تقبیل در پول کنند که پول بی عیب
 و نقص باشد باب حواله برسد بعد ازین در هر پولی که عیب و نقص
 بهم برسد مواخذة از معیر المملکت خواهد شد و در سایر ولایات
 حکم همین است که بی اطلاع و اذن معیر آنولایت کسی صرفی نکند و در
 دخل و تصرف ننماید از مکیلان بجز صده حکم صادر شود که قدغن
 شد نماید که من بعد دور پول را ببرد

از غره شهر جادی الثانی تا آخر ماه صرفان حملت دارند که
 اتمام نمایند صرف پول را کم کنند بطوریکه حکم شده است
 ریال از ولایت بیرون نیرود و صرفان هم احتیاطی کنند
 که تا جری بخوابد پول را بیرون نبرند و خبری کنند را الله تعالی

صرف پول کم میشود
 سایر ولایات

کرمان از قرار یک در روزنامه کرمان نوشته اند امور اول
 از اتهامات حسن مراقبت امیر الامار العظام سپهبد ارجمند
 کرمان قرین انتظام و انضباط است و مقتربان خان میرزا محمد
 و پیشکار کرمان حبس حکم در رسیدگی امور ولایتی و داد و ستد
 معاملات و انجام خدمات دیوانی اتهام کافی بعمل می آورد و با
 رفیق مقتربان خان جعفر قلیخان میرزا با سر بار و سوار
 توپخانه و قورخانه و استعداد دار کرمان نسبت جبرفت در روزنامه
 نوشته شده بود و موجب اخباری که در این اوقات رسید
 با کمال انتظام وارد آنجا گردیده و کمالی آن سالان احسن
 سلوک و رفتار و نهایت رضامندی و شکر گذاری داشته اند
 که احدی از قشون ابوجهجی مقتربان خان مشایخ را به قدرت
 و غلاف شایسته عیبتی نداشته و هوای جبرفت نیست
 بوده است و نقیض امور سپاه خوش گذشته و از وقو و سیر
 نهایت و فراداشته است

چون فوج خلیج ابوجهجی مقتربان خان شیخی خان سرتیپ که مأمور
 ساخولی کرمان بودند در مدت مأموریت با اهالی آنولایت بطور محترمانه
 سلوک کرده بودند لکن اهالی شهر کرمان از امیر الامار العظام
 خواستند شد که نظم شهر و قراول خانه ها کماکان باز با همان
 باشد و اما نهایتا خلوی آنجا باز برقرار شدند

۲۰۷۱

دار السلطنه بهرات

از قرائت که در روزنامه بهرات نوشته اند کمال اینست و انتظام
در انولات حاصل است و اهل انولات از اعلی دادائی
خاطر بد عاکوئی ذات احدیس عاکلون شاهنشی خلد الله ملکه
وسلطان شتال دارند

امور شهر و محلات نظم نام دارد و قرار گذاشته اند که شبها
در بازارها بهر که زگاه محله ده نفر از شاگردان دروغه بهرانی که سابق
بودند باشند پنج نفرشان باده نفر سر باریان بازار کنند
بگردند و بچغفر دیگر در میان محله و کوچه با قراول و بانوگرهای
میرزا محمد روزنامه نویس با که خدای محله در گردش بوده
و حرات مشغول باشند و آنچه واقع شود صبح با چغفر
بگویند از محله قراولهای کریمه بادههای روزنامه نویس
و نفرار شب آوردند و مذکور است که اینها را چهار ساعت
از شب گذشته در میان محله گرفته ایم شب آنها را در زندان
نگاه داشتند صبح میر عبد العظیم ناجیک آمد و گفت که اینها
ادعای من هستند و هر دو رخصت نمود

دیگر نوشته اند که حبس محکم نواب مستطاب بنزاده والا تبار
حسام السلطنه حکم آن ملک خرابان در چهار بار بهرات
جبار کشیدند که هر کس ادعای بکی داشته باشد مراتب را
بعض نواب مغری الیه برساند اگر طلب بی دار بحکم نواب مغری
در یافت کند چون بعضی اشخاص ادعای بیجا و باطل میکردند و
طایفه بردارانی و غیره را می گرفتند لهذا این جبار کشیده شده
قدغن کردید که بدون عرض و اثبات حق کسی مزاحمت دیگری
ندارد و دیگر نوشته اند که حبس محکم نواب مستطاب حسام السلطنه مقرر گردید

عالیجاه میرزا محمد حسین ستوفی دار السلطنه بهرات آنچه سبب بازگشت
در زمان یا رتبه خان کلیدرالدوله بودند و بعد از آن در زمان
سید محمد خان و شاهزاده محمد یوسف و علی خان بودند همه را
سیاه نموده و تفکهای ایشان را آورده آنچه مرمت ضرور
دارند مرمت نمایند عالیجاه را الیه نیز حسب احکام نواب مغری
انها را بقرار ثبت و قفسان دیده و تفکهای آنها را در بار
نموده هر چه مرمت ضرور دارد میدهند که مرمت نمایند

و نیز نوشته اند که نواب مستطاب حسام السلطنه عالیجاه میرزا محمد
کلا تر حکم نمودند که محله مزدور بگیرد و خاکه نریکه متصل بجات ارک
قراول خانها سازند و در آنجا توپخانه ساخته شود و سربازان
در آنجا باشند و مشا را الیه هم محله گرفته همه روزه در کارند و نام
ار خود گذاشته است و سرباز فوج عالیجاه محمد رضا خان متوجه
انجام قراول خانها و جای توپ میباشد و همه اطراف ارک
بهین طور قراول خانها می سازند و هم چنین مقرر داشتند خانها
نزدیک بزرگ میباشد و دو کاکین پای حصار که نزدیک بخندق
و روبروی ارک شش تا هفتاد شش دوزخ تخمینا خراب باشند
که هم میدان ارک زیاد بشود و هم باعث استحکام با و پول و کاکین
و خانها فی را که خراب میکنند بصاحبان رونا نمایند خندق
متصل بخندق ارک بود خراب کرده و قیمت آنها را بصاحبان
تسلیم نمودند

دیگر نوشته اند که آقا محمد مهدی تاجر عراقی پشی تحت دادرش آمده بود که
که بکنفر جباریه از خافین سرف کرده اند قراول بجهت پیدا کردن جبار
بدروازه فرستادند و روز دیگر سربازانی که مستحق دربار ملک بودند
دید بود که میخواهند از شهر بیرون بروند و او را گرفته پشی تحت آورده
تا جبر پور طلبند و با و رد نمودند

اجتبار و دل بخارجه

اقتسام دزدیها و طریقهها که بعضی اوقات اتفاق می افتد در روزنامه های نویسنده آنچه نوشته اند که طاری نفر است رفته و بطور غریب دزدی کرده است تقضی اش بیکه دو نفر صراف با هم شریک بودند یکی در مجلس دیگری در فرات در مجلسی ساکن بودند روزی باین صراف که در حوره فرات بود از جانب شریکش از راه سیم صاعقه پیغام رسید که نوکری از من که در خدمت بود این اوقات بعد پنجاه هشت هزار تومان طلا از صندوق من دزدیده و کرخیه است مترصد و باش اگر در باین شکل و شمایل و سن و ترکیب شخصی از کشتی بیرون بیاید تنخواه مرا از دیکر ولی چون مدتی خدمت مرا کرده است تنخواه اذیت بکشد و رسوا بشود و هزار تومان با و بدزدی او را فاش کن بگذار چهره میرود برود صراف نیز چند روز بجا دریا آمد مترصد بود تا روزی دید بهان نشانیها که شریکش پیغام داده بود شخصی از کشتی که تازه وارد شد بیرون آمد که در آنجا بود رفته شت صراف نیز رفته در پهلوی او نشست و خاموش بود بعد از آن شخص رو بصراف کرده و گفته بود که بعد پنجاه هشت هزار تومان طلا دارم چون سکن است بجهت سبکباری صراف میجویم که اینها را با اسکناس که پول رواج فرنگستان است معاوضه کند صراف گفته بود که من خودم صراف معتبرم و طلای تو را اسکناس میدهم آن شخص طلا را در دسره صراف بمنزل او رفته و تحویل داده بود بعد از آن صراف گفته بود که تو این طلا را در مجلس از فلان صراف که شریکش دزدیده و از راه تلغراف من پیغام داده است که از تو بگیرم ولی چون تو مدتی خدمت او را کرده من پیغام داده است که خیانت تو را آشکارا کنم و ترا رسوا کنم و دو هزار تومان هم ببردیم

خواستنه باشی بروی آن شخص اول بمقام انکار و تکاشی برآمده بود صراف او را با جناب جانب حکومت و گرفتاری مضطربه تهدید کرده بود بلاخره باقرار آمده و رضی بگرفت دو هزار تومان شده گرفته و رفته بود بعد از آن صراف نیز بر سر یک خود نوشته بود که فلان نوکر تو که از راه سیم تلغراف پیغام فرستاده بودی بقدر هزار تومان طلا دزدیده بود او را بهان نشانیها که گفته بودی بدست آوردم و طلا را کلاً از او گرفتم و دو هزار تومان هم که گفته بودی با و بدهم دادم و او را مطلق العنان کردم و رسوا نمودم از شریکش جواب آمده بود که من اصلاً این مقدمات خبر ندارم نه آدمی از من کرخیه و نه تنخواهی از من رفته نه پیغامی از راه تلغراف به فرستاده ام صراف متعجب شده بطلا رفته بیک عیار زده بود دیده بود کلامش خالص است که بطوری مطلقا کرده است که در بادی نظر طلا بیناید چون اینگونه رفت بسیار غریب و تازکی داشت در روزنامه های پاریس نوشته بودند

از کشتیهای شراع دار تجارتی فرانس چند وقت پیش این یک کشتی امتعه و ابارگیری کرده از نیکی دنیا بفرار روانه شد در پهن راه ناخوشی بجهت کشتی روی داده کلاً تلف شده بود و بغیر از کپتان کشتی مزبور دیگر کسی در کشتی مانده بود و کپتان هم تنها کشتی را هر طور بود سلامت ببلرگاه حوره فرات رسانده بود چون مسافت با بین فرانس و نیکی دنیا از سه هزار ساعت متجاوز است و شارالبه بقیهائی از این چند مسافت کشتی را با امتعه و ابار بسلامت حل رسانده بود خدمت او در نزد اعیان و اشراف فرانس درجهتین یافته نشانی افتخار و مدالیه با داده بودند

دیگر نوشته اند که در این اوقات در بعضی شخصی طومانام
التي اختراع کرده است در باب علم رقوم که در ضرب و تقسیم
در کمال سهولت بواسطه آلت مذکور حسابی که بآدمی در
باید نوشت در پنج دقیقه بدون سهو و حساب میشود و از
جانب حکومت تجربه کرده اند بیست سال قبل ازین یک شخصی
لندن که بازی شطرنج بسیار خوب میکرد صورتی بزرگ ساخت
و صفحه شطرنج را در پیش روی او گذاشته و شطرنج بازی
لندن اعلام کرده بود که هر کس بخواد شطرنج بازی کند باید در
و جوی معین که نوشته باین صورت بازی نماید شطرنج بازی
لندن این معنی بنظرشان بسیار غریب آمده و هر کدام آمد با
آن صورت که نوشته و بازی کرده بودند معلوم شده و با
بودند و موجب حیرت همگی شده بود بعد از آن معلوم
بود که طفلی که بموجب تعلیم آن شخص در بازی شطرنج مهارت
کامل بهر اندازه است در میان آن صورت مخفی است و به
آن صورت مدینه باراد مقابل حریف حرکت میدهد
ازین قبیل چیزهای دیگر نیز کبریات ظاهر شده است حال
دور نیست که این آلتی را هم که این شخص در باب علم حساب
اختراع کرده است آدمی حساب دان چاکدست در میان
مخفی کرده باشد
گوه سوزنده که در جوار ناپولی است یک مدتی پیش آن
شده بود در زلزله های سابق بآتش از او ظهور کرده و در
ثانی منطفی شده بود در شب دوازدهم ماه ربیع الثانی گذشته
ناگاه آتش از او ظهور کرده و شعده فشان اطراف شده بود
بطوریکه نوشته اند از روشنائی او شهر ناپولی مانند روز
روشن گردید

۲۰۷۴

در فرانسه از قواریکه نوشته اند امور و عاوی و مرافعات
بعضی اتفاق می افتد که تا دو سال و سیصد سال طول می کشد
از جمله در ایام صد و سیزده سال قبل ازین در پاریس با تحت
فرانسه شخصی فوت شده و بقدرسی هزار تومان ترکه او باقی
مانده بود در تقسیم این ترکه باین ورثه او منازعه شده
و صورت تقسیم بعقده تعویق افتاده مبلغ مذکور از جانب حکومت
حفظ و توقیف گردیده بود در این اوقات دعوائی باین ورثه
فیصل پذیر گردیده آن مبلغ باین شخص سنواتی آن که آن
موقع به قصد دود هزار تومان رسیده بود از جانب حکومت
بصاحب تسلیم گردیده و در روزها نوشته اند
دو کتین فرانسه و اسپانول با یکدیگر هم حدود میباشند
و تاکنون تحدید حدود باین آنها نشده است اگر چه از چهار
سال قبل ازین تاکنون کبریات امورین از طرفین سجد تعیین شده
معین گردیده و مذاکرات شده ولی قاری داده نشده
درین اوقات از طرفین در سرحدات قومیهونی مخصوصا
ترتیب یافته است که تحدید حدود در هر صورت که است
معین شود
در ضمن تبریک جلوس اعلیحضرت امپراطور روسیه سفیری که
از جانب دولت فرانسه با نجاعت کمرده بود و بطوریکه
مراحتت کرده و در بطور بزرگ می باشد در این اوقات
که یکی از نویسندگان سفیر شارلیه سجد صید و شکار در آنجا
بصحرای رفته بود از شدت برودت هوا متفرش میجسته
و باین وسط چون باد عارض گردیده است

روزنامه قایع اتفاقیه پنج پویم شنبه یوم شهادی فی ملکات لوی سل ۱۲۷۳

منطقه دار الخلاف طهران

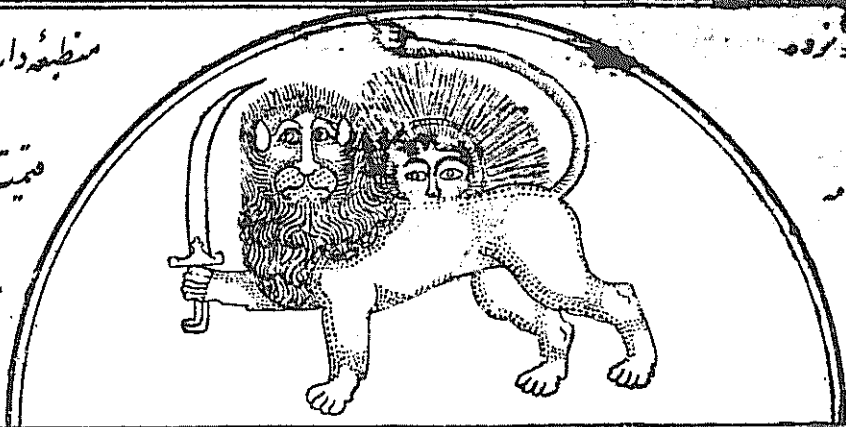
مر سیمه و نرود

میت روزنامه

میت روزنامه

هر سطر پنجاهی

هر سطر پنجاهی



اخبار داخل ملک محروسه پادشاهی

دار الخلافه طهران

در یوم شنبه ۲۱ افواج سربندی و دماوندی جمعی عالیجاه
سرتنگ و مقرب الخاقان ابوالقاسم خان سرتنگ که حاضر
شده بودند در میدان ارک مبارکه حاضر گشته علیحضرت شاهی
ایده جسته تشریف فرمای میدان فرمود که دیده بهر دو فوج
نوازش و التفات فرمودند

مقرب الخاقان حسنعلیخان سرتنگ که مأمور آن بود با افواج
وارد شد و خود مقرب الخاقان مشارالیه در میدان فرمود تشریف
مبارک شده مورد نوازش و التفات ملوکانه کرد
نظر بجا حسن مات مقرب الخاقان حاج علیخان حاجالدوله که در سفر
جایز و مشهور خاطر اقدس ملایون شاهی شده بود مورد عفات
ملوکانه آمده بعد از مراجعت ملوک یون از نگاه جاهر و دیکو خج
اברה لاک از ملایون سادات بدن مبارک مقرب الخاقان مشارالیه
فرمودند

تسلیخ ۹ اشهادی الاخری مرثت مقرب الخاقان میرزا حسین میر الملک
باکیه منقود کرد و داد است هزاره بطوریکه مخالف ترک میرزای منقوده با
نماید از تاریخ فروردین سید اگر نوشته با نهای کم شده اوار شود یاد رجا

تعلیق با یا سپر کت احکام دیوانی ملاحظه شود بدید معبرند هسته از درج
اعتبار ساقط بداند بعد ازین هرهای تازه او معتبر خواهد بود
چون عالیجاه تقیقلیان سرحد دار بق اترلی مدتی ابا خوشی فالج
و از عهده مات سرحد داری میسواند براید لهند انظر بیک عالیجاه
برادرش رالیه درین اوقات منصب جلیل سرحد دار اترلی سر فرار و فرما
ملایون فی صدر در وقت حاجت و در وقت سیر حضور داشت
خواین طاش که باو کربوا کجی خود بجا ملایون آمدن لوگو خود داده و او
و خود در و انچه وقت شد درین اوقات موجب تفصیل ذیل میباش
علیچه فرج الله علی حقیقه علیچه علیچه علیچه علیچه علیچه علیچه
علیچه علیچه علیچه علیچه علیچه علیچه علیچه علیچه علیچه علیچه
کردیده و خلعت مطلعت ملایون در حق هر یک مرحمت شد حاجت
انصراف بفرمات خود حاصل نمود

چون مرحوم میرزا امیرعلیخان آقاسی که مبارک شایسته کتیلان بود وفات یافته است
لهند درین اوقات اولیای دولت علیه موجب فرمان ملایون مبارک عالیجاه محمد
محمود خان پیر و امیری شیلان سر فرار و ابوالقاسم خان برادر او را
مشارالیه برقرار نمودند و از جانب ملایون ملوکانه خلعت سجدیه آنها
و عالیجاه میرزا امان الله شایسته جناب آت نظام الملک مقرر شد که فرمان
آنها را برده و امورشان را نظم داده مرا حاجت نماید

بعضی تفصیلات متعلق بسند دایره مابین دولت علیه و دولت انگلیس در روزنامه جات انگلیس و روزنامه جات دولت انگلیس نوشته شده است که گزارش آن درین روزنامه از برای اطلاع عامه خلق خالی از مناسبت نبود لهذا بعینها ترجمه روزنامه بلجیکا بتاریخ چهارم شهریور ۱۲۷۳ روزنامه دولت انگلیس موسوم به مونین در مدح عا کرد دولت خود که بدیاری فارس رسیده اند نوشته است که روزنامه مذکور فی الحقیقه دولتی است میگوید در واقع این مأموریت قشون از برای پادشاه ایران نیست محض مخالفت با دولت روستیه است برات رادو روستیه گرفته است و دولت مذکور برات رادو دیگرین جاباد است محل اجتماع عا که خود در مقابل هندوستان خود کرد لکن روزنامه دیگر انگلیس موسوم به این خیالات روزنامه فوق را شرمیک نبوده بی پایه و مایه بشمارد و بطور شایسته و از روی کمال عقل و اندیشه جمیع نتایج مضروم و کثیره که از این مأموریت قشون انگلیس بجهت طهران روی خواهد و عدم فایده این جنگ را بیان می نماید و نیز میگوید که قدم مهربانی ملت ایران نسبت با ما فی انگلیس دخی بدولت روی ندارد باعث اصلی منش روابط حالیه را باید بطور سلوک و رفتار سفارت انگلیس که از بدو برودت مقصود و وارد آورد و روزنامه بلژیکا میگوید که این نوع اقرار از دهن روزنامه انگلیس انقدر که آنها و ندارد است که نباید مابکوت گذرانده در صفحه خود ثبت ننمایم خلاصه این اقرار گوشه عامه و کافه ملت انگلیس خواهد اما لی انگلیس که شان و قدرش را گفتگو و مکالمات روزانه ایشان است ظاهر انجیالات جو و اعمال پلوتیکه لاری را

در مشرق زمین میل داشته شرمیک نخواهد بود مجالس عدیده در اکثر قریه های انگلیس فمابین اهل ولایات در بحث و ایراد جنگ بر پا و واقع شده است از آنجمله در شهر نوکاستل محلی منعقد شده است مکالمات بدینجا رسیده که جز ما تصدیق نموده که جنگ با دولت ایران بلا حرف محض خلاف ضد قواعد دولتی و اهل مجلس مذکور بر عهد خود گرفته اند که در حضور دیوانه خاندان ایالت خود بطریق عرف مدعی صاحبان و افراد سبزه زان مأمور دیاری فارس شوند و آن قشون را احرار کننده او امر حق محسوب اند اگر سایر اهل انگلیس از ساکنین شهر مذکور سر مشق بگیرند چنانکه احتمال کلی در پیروی میرود آنوقت بجای اینکه لاری پالمستون برای اولیای دولت خود شرایط استحکام و تقویت حاصل نماید جز مشکلات جدید چیز دیگر تحصیل نخواهد نمود و محاصره دولت انگلیس با ایران را نه تنهائیت خود انگلیس قبول نمی گذارد بلکه ملت مذکور نیز تصدیق می کند روزنامه جات مبنی و کلکته از ضررهای کلیه که از این جنگ تجارت بند میرسد هر روزه می نویسد و گویند که دولت انگلیس اعتنائی به تجارت با پایه و مایه و اعتبار دارد و نخواهد گذارد عاقبت این دعا چه خواهد بود و دولت انگلیس آیا میتواند بدون قشون زیاد خود را در جامای بی حاصل و بی آب ایران کم و از کوههای ایران بگذرد و آن کوهها که زیاد دارد که بقلیل مستحفظ ممکن عبور نیست کانی که بولایت ایران رفته و اطلاع دارند میگویند که این دعوا نهایت است اگر قشون ایران را خوب متوجه شوند و خوب بگردانند اگر قشون انگلیس کمتر است لکن عا ایران بطوری است که احتمال کلی میرود که شکست داده بخدازند انگلیسها پیشتر روند و گذشته این نمیداند که رفتار دولت روستیه درین حالت چه خواهد بود لکن آنچه در کاغذ حد کایه بر

شما افتاد و هشتم بروز خواهد کرد اگر دولت روسیه شریک
در محاصره شود دولت انگلیس قوه ایسان نخواهد داشت بنا
الی حال واقعۀ نوزده سال قبل این را فراموش کرده باشند
که محمد شاه پدر ناصرالدین شاه از محاصره بهرات برکت کل ایجا
مغوش شد کابلی سورش کرد و یاد دنیا و رید که این حمله
بدولت انگلیس نفع آنچاه کرد و عسکراسی هزار نفر رسید تصور
کنیم داخل ولایت ایران نشوند کفایت بگرفتن نشستن یکی از
بنادر دریای فارس را بکنند با وجود این چه خواهند کرد که
میتواند بگوید که اولیای دولت ایران فتحی را که در بهرات کرده
مغور نباشند و قشونی که سمت جنوب رفته و جاسط
از انطرف داشته و دشمنی که با انگلیس دارد حکم برفتن قند
کنند و اکملی قند ماری که از نظر سلوک انگلیس بجنب آمد است
و بدتی نیت که روی افغان و اعظم و بزرگان قند با برطان
آمده ناصرالدین شاه را از اطاعت و خدمتگذاری خود خاطر
منو ندانان تصاحب جزیره کیش مکرما به مشکلات جدید
شد چرا که دولت فرانسه حتی که در آنجا داشته حالا بدست
یکی از وزناجات خود مطالبه میکند لکن دولت فرانسه در
حقوق در دریای فارس دولت واحدیت چند روز
شخصی محترم نیست که دولت نمند نیز میتواند حتی جاری
با وجود این حالات جنگ با دولت ایران را نباید قبول کرد
فرخ خان را که هشتن رفتن بپاریس و شروع بدعوا کرد
خوب نبود این مرحله چنان دانمود کرد که ایچی کیتر انگلیس
شاقه بنماید و اولیای دولت ایران بر خود قرار داده اند که
در مقابل دولت انگلیس استاد کی نمایند پس این سغیر کیتر است
نبایشان صلاح شد لکن در این بین تاریکی روی داد که یقین سغیر

کبیر انگلیس شنیده تعجیل در کار کرد و آن کاغذی بود که از وزیر
امور خارجه فرانسه پنج روز قبل این رسید که بکلم امپراطور
بود که تأخیر در حرکت فرخ خان چه چیز است چرانی آید بنا بر
خواست صریح سغیر کبیر ایران با وجود بعضی امورات که با دولت
عثمانیه داشت و هنوز انجام نگرفته بود لابد که از اسامبول حرکت
اگر درین میانه کاریجانی انجام بدها استخفا خواهد داد
یکی از روزنامه های انگلیس موسوم بتاره میگوید که چند نفر از
کسانی که با ارسال ریل ورین دارند چند روز است که از ما
سبب و باعث فحاصه انگلیس ایران را تفسیر شده اند خود
ما هم حقیقت در سبب باعث در مانده ایم و قریب سه چهارم
ماست در تخصّص متبسم و هر چه کرده ایم که شاید از کسی که
با ولیای دولت راه دارند درین باب چیزی نفهمیم نشد و بر
بیش از پیش در روی کار است این سببی ندارد دیگر اولتیک لا پوت
که گاه گاه حرفهای خارج از اندازه و عظمت و بزرگی دولت
خود میزند و خود پرستی ملت انگلیس را بچوش می آورد اگر چه بنیاد
احترام را با و داریم لکن با رطل محسوب شده قابل اطلاع دادن
کارهای دولتی نمیدانند پول و خونی که با اسم ماریجته و خرج
نیخواهد بداییم و این دعوای با ایران که هزار بیج و خم بهم خواهد
رسانید همان حالت را دارد و هیچکس نمیتواند بگوید سبب باعث
رفتن قشون انگلیس بدریای فارس چه چیز است از برای چه
میروند راست است که فرمانفرمای هند استهتا رنامه داده
و چاپ کرده اند و آن استهتا رنامه بجای اینکه کار را بطور واضح
و آشکار ببرد و بفرماندها را مبهم تر کرده است لکن درین خصوص
آن کم و بیش که ما مطلع شدیم کوشند اجیرای خود مان کنیم
که بهرات پای تحت کوچکی است که ساکنینش از یکی از قلمروها

انگلیس نیت شهر مذکور در قصد و پنجاه میل از طرف مشرق
طهران واقع است و چهارصد و پنجاه میل در مغرب کابل است
و نزدیکترین محل تجارتی که اهالی فرنگستان با آنجا دارند هندوستان
این ایالت قدیمه دست ایران بود و حالا هم بطور اطاعت در
زیر حکم ایران است و چندین سال است که ما بین پادشاه ایران
امرای کابل و قندهار نزاعی روی داده است چهار سال قبل
شیخ جاسم بنخلیس مقیم طهران با آن دولتها عهدنامه در خصوص
بهرت بست آن عهدنامه را منتهی کردند و کمتر کسی استحضار دارد
لکن این عهد را چنانکه عادت مأمورین انگلیس است که جایی
و نزاع میکنند که اشتد که دولت ایران نباید بهرات
قشون بفرستد مگر از کابل و قندهار بهرات بیاید در کابل
داخل بهرات داخل و تصرف میکنند پس بایر محمد خان را محمول
نامی گفته از روزی که حکم انی بهرات را بدست آورد بنای
و تا ز در سرحدات ایران گذاشت در آنوقت پادشاه ایران
خواست که انتقام خون پسر بایر محمد خان را بگیرد و هم امر
خود را مضبوط کند قشونی مأمور کرد و بارها سفرهای فرستاد
اعلام کرد که ازین مأموریت قشون منظورش گرفتن بهرات
مگر نظم سرحدات و ولایت بهرات که از قبل سید محمد خان
در اینصورت طرفداری دولت خودمان را در باره این افتخار
میدانیم از چه راه است مگر همین افتخار این اشخاص نیستند که چند
سال قبل ما بولایت آنها رفتیم و خرابیها کردیم حالا باید با قشون
حامی قاتلی وحشی باشیم چرا که عهدنامه داریم المضاف به
برای چنین علت ضعیفی میتوان با ایران دعوا کرد ولیکن در
روزنامه های دولتی می بینیم که هشت هزار قشون مأمور دریای
فارس است اول چیزی که در این ماده منظر میرسد بخشی است که

باید ملت خودمان بکنیم باید چپین دول وحشی و بریت
نشد عهد بپندند در این حال محال است که با اعلام نامه
حک در دست بتوانیم مدلل کنیم که دولت ایران نقض عهدی
کرده باشد و اخذ بهرات از قرار عهدنامه است و ما چگونه
اطلاع از اعمال این وحشیها داشته باشیم بمانند از بدو
استماع مطیع هستیم با وجود اینها نخواهیم از برای آنها برانست
حاصل کرده جانب آری نمایم همه کس میدانند که حق اعلام
حک از برای دولتی بدترین حقوق است که بکاربرد
یک دولت باید در وقت تنگنا و سختی دست بچین جی نزاع
و در حقیقت اعلام حک مثل این است ولایتی را بسوزانند
و طاعون روی بد بدشاخا امید گفت باید ولایت هندوستان
از دست درازی روسها محافظت نکنیم اما باید گفت که
پولتیک نیست سخاوت است اگر نخواهیم ما بین هند و روسها
که اینقدر می شیم حدی قرار بدیم آن حد البته دولت ایران
نخواهد بود یکی از بزرگان دولت انگلیس دو کنتین سردار بزرگ
اعتقادش این بود که دولتین روس و انگلیس باید در حکام
و استقامت و بزرگی دولت ایران بکوشند و در دارالشو
گفت که دولت روسیه این مطلب را خوب برخورد است لکن
اولیای دولت حاضر تصور این است که خرابی ایران یا
بزرگی انگلیس است در ماده این حک ناحق بر ملت می کنیم
و ملت انگلیس قسم میدهم که درین حک غیر حق و در حقیقت ضرر
طرفین است شریک نباشد

روزنامه های دیگر از فرنگستان نزدیک بهین مضامین است که ترجمه
شده است در هفت نای آینده ترجمه استحضار ماس نوشته خواهد شد

سایر ولایات

آذربایجان

براولیای دولت علیه معلوم شده بود که قایم مقام یک نوع استغناء
برخود بسته لازمه قدر قیمت بر شغل منصب خود قرار میداد و از احوال
و اغفال او در وظایف خود روز بروز غیب تازه در کار آذربایجان
بطور میرسد چنانکه از شدت بی اعتنائی او در رسم عتبات داری با
وجود غله ریاده دولت آذربایجان و احکامی که سابقاً بعهد او بهر قسم
و همه طور در چاره گزینی مان و رفاه حال خلیق صادر شده بود و در
سر روزان بدست خلیق بنی آمده است اولیای دولت علیه خواجه
بلکه بنفایح و طاعت او را و لکرم شغل و وظایف خود سازند و مصمم
بودند که اگر فایده نخبه او را بدار اخلاف حاضر نموده دیگر که کفایت
رعیت پروری ارسته باشد بجای او تعین نمایند در این شاخه رسید
که از خلیق نان خلیق بعد آورده با جماع بعض و بچاره جونی بخانه
رفته اند شاره العوض اینکه بنوید و بوعده داورسی آنها را امیدوار
نمایند و حرفهای طایم بر بندید رشتی و خوشنت جواب داده و متحمل عرض
و عجز ایشان نشدند و نوکرهای او هم از آنجا که اشخاص بدو که بدار
بودند و عادت بر دم آزاری داشتند چنین موقع هم همان عادت قدیم
بکار بردند مردم از شدت کرسکی و یأس از چاره و داورسی زبان
بداد و فساد می کشیدند و بعضی از خجالت هم بچاره رسان جان میزدند
تا اینکه از یکطرف بواسطه نزاع نصره الدوله و از یکطرف علما حضور
خلق را بچاره فحطی نان امیدوار ختمه متفرق میزند قایم مقام هم این
حرکت خلق را بهانه ساخته عازم دار اخلافه بوده است و از جانب اولیا
دولت نیز چنانکه سابقاً بنای احضار او در نظر بود باز حکم احضار
شد که بزودی بدار اخلافه بیاید این کیفیت دخلی بر دم پرست
ندارد و نفر مفتد بی سرو پای شیر باعث این حرکت لغو مجبوره
ریختن بخانه قایم مقام شده اند

در روزنامه دار سلطه تبریز نوشته اند که بعد از فرستادن
اعلام و مجتهدین عظام و سایر اعیان و امانی تبریز عراض و باریست
سجده و فی سبیل الله که مصنون بعضی از آنها در روزنامه های که
شد امانی آنولایت عموماً در مقام غیرت و حمیت اسلام برآمده و او
جانفانی شده تبریز قشون و تکمیل سباج مشغولند و هر روز
از هر محله از محلات تبریز قریب بدو هزار نفر جوانان خوب تفکیک
چاکدست با اسلحه و اسلحه و اسلحه و اسلحه و اسلحه و اسلحه و اسلحه
اعلام و مجتهدین عظام و فقهم الله تعالی همه روز به باریست جدرقه
تمام از خاص و عام میشود و اهل اسلام را بحمیت دین و دین و غیر متذکی
ملک ملت و اقدام بدفاع و جهاد و رعیت و تحریص می نمایند و امانی
ملک نیز از راه تعصب دین مبین و خلوص عقیدت سجد میگذاری و
جان شاری در راه دولت ابدانین هر روزه فوج فوج و دست
دسته چنانچه نوشته شده است و او طلب ترتیب داده سان بنید
و با الفل جمعیتی کامل در تبریز منعقد و مترصد و مستظر حکم و اجازت
و امر و ارت از جانب اولیای دولت جاوید مدت علیه
که بهر طرف از سرحدات که فرمان قضا جریان نفاذ یابد مجاهد
فی سبیل الله و متوکل علی الله شتابند در روزنامه تبریز از
ولایات آذربایجان سنو چیز می نوشته اند ولی در آنجا که
بعد از وصول فزاین قضائین و نوشتجات علمای اعلام و
فضلای ذوی القرب و الاحترام البته بجهن مقدمه شایع و دایر
و از ایلات و عشایر و روستائی و شهری از دحام کرده و
او طلب انتخاب نموده و اسلحه و آلات حرب ترتیب داده
بود که از راه حمیت دینداری و خلوص عقیدت و ارادت
جان شاری باین دولت جاوید مدت علیه بجان و مال
مبادرت نمایند

۲۰۷۹

کرمان

از قرائیکه در روزنامه کرمان نوشته اند امیرالأمراء العظام
سپهسالار حکمران کرمان تدارک سفر مرحدات را دیده بود
که با جمعی از خوین و عیان ولایت روانه شود ولی چون از
دربار جهانمندان بهایون در باب حرکت او خبر حکم رسیده
چند روز حرکت خود را در توقف انداخته علی الحساب بقدر
ده هزار جغت از شهر و بلوکات سوای نوکردیوانی معین
کرده و تنه و تدارک آنها را می بیند که بزودی روانه
ناید و آدم بهر حدت روانه کرده است که مقصد باشند
خبری برسد اجازت نماید که قشون حرکت کند و تنخواهی نیز
بنایب قورخانه داده است که سرب و بار و ط انجام نمود
فتک و کلوله میا سازد و در شهر و بلوکات نیز از قرائیکه
نوشته اند بجهت العیسی و آذوقه از هر چیزی کمال و قور
دارد

دیگر نوشته اند که چون آراء خان خانی نوکر این دولت
جاوید مدت علیه است و در این اوقات عریضه شارالیه
سینی بر اظهار رادت و چاکری و دولت قوی کتب امیرالأمراء
سپهسالار رسیده مراتب خدمتگذاری و صدق عقبت
او مستحسن فاده بود لهذا بجهت شارالیه کتب جبه ترمه
تمام بخیره و یک قبضه شیر تمام اسباب طلا داده و خوا
اولیای دولت علیه امیدواری تمام داده و دستا دکان
شارالیه را هم خلع داده مقصی المرام محبت نمودند

قزوین

از قرائیکه در روزنامه قزوین نوشته اند امور ولایت
قرین کمال انتظام است و رعایا و تجار و کسب اسوده خاطر

بدعا کونی ذات قدسهایون شایسته اشتغال دارند
و مقرب انخاقان حاجی حسنعلیان پیشکار آنجا در نظم و لای
در فاه و اسود کی رعیت نهایت مراقبت را بعمل می آورد
از جمله درین سال از اول سال ریش سفیدان هر صنف خوا
و بدی دیوانی آنها را مشخص کرده و قرار گذاشته است که از
قرار فط بدون مطالبه و مرأمت محصل واحد خدشانه خود
آورده تسلیم نمایند و ریش سفیدان اصناف نیز از همان
معمول داشته قطع تقط نخواه بدی خود را آورده کارسانی
مینمایند هم چنین صاحبان املاک و اربابان و رعایای
بلوکات اکثری خود اول سال آمده و بدی خود را مشخص کرده
و تنگ سپرده موافق تنگ قطع تقط آورده تسلیم می نمایند
و احتیاج برفتن محصل بدات و بلوکات نیست و عموم رعایا
و کسب و اصناف ازین حرسه کمال شکرانه و رضامند برآوردند
و هم چنین دات خالصه را در اول سال خود مقرب انخاقان
شارالیه رفته رسیدگی کامل نموده و قرار عمل هر یک از صاحبان
داده و مباشرین بجهت آنها معین نموده مباشرین بر حسب ارباب
رفتاری نمایند امور زاجکان در سنوای سابق قدری اعتنا
درین سال مقرب انخاقان شارالیه خود با آنجا رفته نظم کار آنجا را
داده و مباشری از اهل ولایت تعیین نموده و جبه ترمه ساعده
داده است که تفرقه آنجا را جمع آوری نموده مشغول کنند سنگ
زاج باشند و کار آنجا امید است که خوب پیشرفت داشته باشد
و در باب انضباط شهر و محلات اهتمام زیاد بعمل آمده و
عالیجاه و داب خان میراث شهبارا بادهیت نفر کریمه
شهر مشغولند و سرقت و شرارت بهیچوجه اتفاق نمی افتد
طرق و شوارع نیز منظم است

اجبار و دل خاچه

بجهت هم حدود بودن دولتين روس و چين بكيه كير چن
پيش ازين بای تاكيد مباني مودت سفري مخصوص از دولت
روس چين فرستاده شد و در دو رايچن در روزها
سابق نوشته بودند بجهت اخباري كه در اين اوقات رسیده
بواسطه سفیر مزبور معاهده تجارتي مابين دولتين چين و روس
ستبه شده و در محلي از سواحل شوران كه متعلق بچين است بقدر
سه هزار پانصد ذرع زمین بدولت روس واگذار شده و
دولت روس قلعه در آنجا بنا كذاشته است بزرگ و بجهت
محافظت اين قلعه آنچه مستحفظ لازم باشد قرار است كه از قشون
چين كذاشته شود و از دولت روس سه نفر قونسول
آنجا مقيم باشند

چون حكمرانان عالم بجهت تاكيد مباني دوستي و محبت بكيه كير
فرستادنشان دولت خود را براي همديگر از اصول قديم
ميدانند و در اين اوقات اعليحضرت امپراطور فرانس نشان
لزون نام از مرتبه اول دولت خود را بجهت اعليحضرت پاد
پر و ستیه مصحوب سفري مخصوص روانه نموده و سفیر مزبور
در واسطه شهر ليشاني به برلين پای تخت پر و ستیه رسیده
و پادشاه پر و ستیه بجهت نشان مزبور اجرائي شديك كرده
و نشان مزبور را اوزيره پيكرد نمود و اوست

ديكر نوشته اند كه جناب موسيوفول وكيل خراج اعليحضرت
امپراطور فرانس بجناب امپراطور مشاليه تقرير رسمي نموده
كه درين سال بذل و انعام امپراطور بعضي مراد و احوال بفرستاده
شش ميان و نيم كه سينه كرو بجا بپول ايران باشد
درين صورت باميه كه مخصوص امپراطور است حلال ميرسد و خارج

مشكل خواهد بود و اعليحضرت امپراطور نيز قول او را تصديق نموده است
و در بعضي روزنامهها نوشته اند كه اين تقرير مشاليه بامپراطور
ماطلاع و صوابديد و كليات بوده است

ديكر نوشته اند ازگاني كه سبب اختلاف ناپولي
شده بودند بعضي را با برخي از وكلا آنوقت پادشاه ناپولي
گرفته و نفعي و اجداد كرده بودند در باب عفو و اطلاق آنها از جاي
دولتين فرانس و چين بكرات توسط شاه پادشاه ناپولي
توسط آنها قبول كرده بود حتي باین جهت دولتين مزبور قطع
فخا بر نموده ايلچيان خود را از ناپولي بر داشتند درين اوقات
پادشاه ناپولي بزي خودش بدون توسط ديكرى جبرائيل
اين مقصود را عفو كرده و مذكور داشته است كه اگر همان وقت
عرض حال خود را كرده و ببول ديكر التجانيه پير و ديهمه را اوقات

مي بخشيدم
ديكر نوشته اند كه دولت سپانيول بجهت اختلافي كه سابقا در
ولايت روي داده بود محتاج بقرض شده است بانيطورك
چهل و دو درصد قبول كرده و چهل و دو راجه برفع بكون
گرفته از صرافان اسپانيول و ساير فرنگستان بقدر
كه در قرض كرده است و از اين قرض حساب كرده اند كه از دولت
گردد كه مقروض شده است بجهت چنگ كردن داخل خزانه او
كرديده است

آلماني پارس كشت انواع حيوانات را ميخورد تا كنون كشت
اسب ميخوردند در اين اوقات طبايي انجا اعلام كرده اند كه خوردن
كشت اسب بچ مضرتي بوجدان نماند و لهند بچب تجويز
اطباء و كاهنهای قصابي متحد بجهت فروختن كشت اسب در
پارس كشوده شده است

ایالت نوشتن که الان در تحت حکومت جمهوری ایسوپچه است
در مصاحبه عمومی بقیه فرنگستان تحت حمایت دولت پروس
در آمده بود بعد از چندین نتیجه اختلافی که در ایالت مریزور اتفاق
افتاد آنجا بجز حکومت جمهوری ایسوپچه انضمام یافت از آنوقت
تا حال امالی اتحاد و فرقه شده اند فرقه طرفدار جمهوری مریزور
و فرقه طرفدار دولت پروس و مابین این دو فرقه رفته
برودت و عداوت پیدا یافته در دوسه قبل ازین طرفداران
دولت پروسه اتفاق و شورش کرده شبانه بباب حکومت
نوشتن هجوم آورده قایم مقام آن ایالت را با سایرین
مجبوس و بتحت خود را بدولت پروسه اعلام کردند این کار
بجمهوری مریزور رسیده متدارکاتی قشون نوشتن و ستادند و
قشون با طرفداران جمهوری که در آنجا بودند اتفاق کرده و با
پروسه جنگ در پیوسته خیلی آدم از طرفین کشته شد آخر طرف
جمهوری غالب آمد طرفداران پروسه را بتحت خود در آوردند
و بعضی از آنها را که شورش میکردند کشته کردند و
دادند که یا عیگری این شخص تخریک دولت پروس بوده است
پادشاه پروسه باند کرده رستیه بجمهوری مریزور بی اطلاعی خود را
کرده بود که درین مقدمه دولت پروس صلح خلیت شد
جمهوری تصدیق این قول را نکرده و بعضی کتکهای مغایرت میزد
به دولت پروسه نموده بودند پادشاه پروسه در باب استخلاص
مجبوسین مرقوم مذکره بجمهوری مریزور بود جمهوری قبول نکردند و
پروسه درین باب مأموری مخصوص نفرستاده و از جانب
فرانسه بجانب جمهوری مریزور غیر رسم بعضی تبلیغات شده قبول
بودند و مجوسین را از آن محل که بودند باصل متحرک برده
اجرای سیاست آنها را اظهار کردند دولت انگلیس اظهار آنها را

تصدیق نموده و دولت فرانسه و روسیه تزاری بی طرفی خود را
اظهار کردند پادشاه پروسه استخلاص مجوسین را بجز لازم کرد
اعلان حرب نموده و جمهوری مریزور نیز بایالات خود اخبار کرده
کس متحرک حکومت جمهوری جمع شده اند
و نیز نوشته اند که پادشاه پروسه از غایب کردن پادشاه پروسه
و توپچی در ششم جادی الاول صدوسی و پنجاه کس با اسلحه و
حرب حاضر کرده و ن دیده بود
جمهوری ایسوپچه نیز بمجلسی در شهر برن منعقد کرده علی الحساب
قشون ترتیب داده اند و ده هزار کس هم اردوی احتیاط در
انها قرار داده اند و از ایالات جمهوری ایالت وود نامیم
فوج قشون لغت کرده اند که حاضر نمایند ازین فقرات رایحه
جانی بزرگ مابین دولت پروسه و جمهوری ایسوپچه ششام میشود
در این اوقات وقوع بیاید
از قشون ایسوپچه بموافقت جمهوری بقاء دوازده هزار کس در
دولت ناپولی و چهار هزار کس در سلطنت قشون حکومت مایای
روم در آمده بودند باین شرط که هر وقت بجمهوری مریزور لازم
شود و آنها را بخواهند با سیوپچه معاودت نمایند در این اوقات
که با دولت پروسه بنای جنگ دارند فقط دوازده هزار کس را
که در دولت ناپولی دارند طلب شده اند و لی از دولت ناپولی
جوابی نیامده است
ایلمی دولت فرانسه که بملک سیام هندون فته است از فرانسه
عمده مثل بریت و چهار مطلب است هم در باب تجارت و هم
در باب آزادی دین و مذنب و هم در باب سیاحان و طالبان
علم که از طرفین بولایات یکدیگر آمد و رفت مینمایند محبت و
بکنند

روزنامه قایم القایه سیاح یوم نخست شنبه هجری ۱۲۷۳

منطبعة دار الخلافه طهران

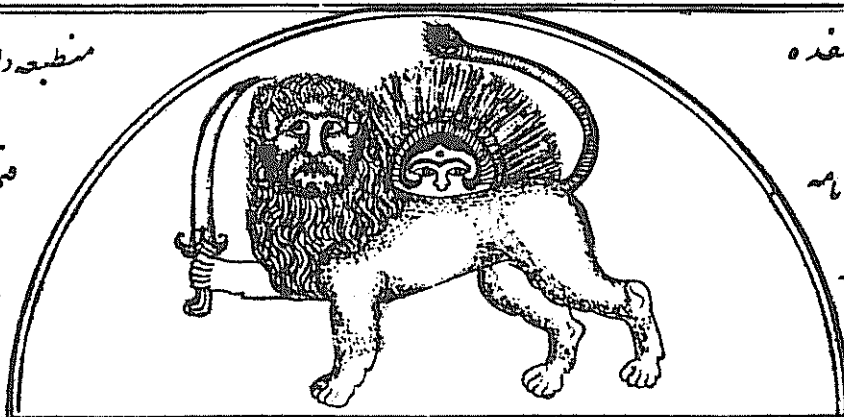
نمونه سید و بغه

قیمت اعلانات

قیمت روزنامه

سرخط پنجم

هر نسخه ده



اخبار داخله ممالک محروسه پادشاهی

در حق او علف رحمت گردید

دار الخلافه طهران

چون نواب مستطاب بزرگوار و الایام عظام الدوله حکمران
کرامت مان سواره اوقات خاطر اقدس بایون قیام
خداوند ملکه و سلطانه و اولیای دولت علیه را از حسن
و رعیت داری و مراقبت در انجام خدمات دیوانی از خود
راضی خوشنود داشته بود در این اوقات که والد بزرگوار
معزنی الیه بر حمت ایزدی پیوسته محض ظهور رحمت ملوک
و تسلیم خاطر نواب معزنی الیه یکشوی بکلیه از ملبوسات
در حق او رحمت و انفاذ فرمودند

عالیجاه میرزا ابوالحسن خان نقاشباشی که تربیت یافته
در بار گردون مناصب و در فن تصویر کشی بی عدیل و نظیر
در صفی قلم گمان تحصیل نموده و صنعت شبیه کشی را که در ایران
سابقا چندان معمول نبود و استادان کامل در آن عهد بر نیامده
بسر حد کمال رسانید و و حید عصر خود گردید و خداتش بکلی مقبول
خاک پای علیحضرت قدر قدرت شاهنشاهی افتاده و مورد شمول
مرحمت شاهانه گردیده از جمله در تصویر تمثال بیحال حضرت پویا
کمال دی سبیل سید الخالد میر المومنین علی ابن ابیطالب علیه السلام
و اسلام کمال مهارت و تاملی را بکار برده بود موجب امتزاج
علیه حسروانه گردید و موازی یک عده جعبه های رنگ نقاشی طلا که در
کمال الماس شیر و خورشید دارد و بسیار نیک و گران بهای
میزد مفاخرت و امیدواری او رحمت و عنایت فرمودند

نظر بظهور مرسم ملوکانه در باره مقرب الخاقان عین الملک
در این اوقات یکشوی بخرقه ابره ترمه لپانه پوست از ملبوس
خاص عین مبارک باد و رحمت فرمودند

نظر بمراتب صداقت و راستی علیجاه میرزا محمد تقی شرف
دارالظواهر مبارکه در این اوقات اولیای دولت علیه از فرمان
فرمان مهر لعلان مبارک او را بنیابت نظارتخانه مبارکه
و از جانب سنی اجواب ملوکانه یکشوی بخرقه ترمه کرمانی

چون عالیجاه میرزا فرج الدین اجدان سلطان تهنه نچایه مبارکه
سال سجدات اجدانی مشغول بود و خوب از عهد خدا

مرجوع برآمد و محاسن صداقت و خدمتگذاری خود را در
منصب لاجوردان بعل آورد و لهذا بموجب حکم نظامی حبس
افتد و چون شاهنشاهی منصب یاوری و لقب عالیجای مفتخر
سرافراز گردید

سایر ولایات

فارس از قریه در روزنامه فارس نوشته
در این اوقات در خود شیراز و در سایر بلاد فارس
همه جا بارندگی کامل شده و از تفضلات الهی و نزول رحمت
لایتناهی تشویق که مردم از احتمال خشکسالی داشتند
رفع گردیده کمال امیدواری برای صاحبان اطلاق
اهل زراعت حاصل گردید و نرخ غله و اجناس که بجهت
عدم بارندگی تغییر بهم رسانده بود بعد از وقوع این بارندگی
تنزل کلی بهم رسانده و انواع ماکولات از هر چیزی بحد
نهایت وفور را دارد

دیگر نوشته اند که امیرالامرا العظام میرزا محمدخان چکی
در بارگاهین با کرمصوره از سواره و پیاده و توپخانه
و اردو شیراز گردیده اردوئی در کمال نظم و استقامت
و کسی از اعا و افراد سوار پیاده و ابواب جمعی قدرت کثرت
خلاف نسبت برتیت و غیره نام و از قریه معلوم
در منازل عرض راه هم بهین نظم گذشته اند و گاهی
ایلی منازل را بعبور این قشون کمال رضامندی داشته
و دزدی در اردوئی منور بسیار کم اتفاق می افتد و اگر
سرقی اتفاق بیفتد بمهم و معلومند چنانکه دیکر کجانی
از شخصی سرت شده بود بجنس آنها را آن امیرالامرا العظام
معهنای الیه فرستاده چند نفر سرکردگان ناظم را آورد

و بمقام مواخذه و تهدید در آورد و معلوم شد که یکی از این
سواره ناظمی سرت کرده بود بعینها گرفته بصاحبش تسلیم
و سارق تنبیه و تادیب شد و در چند روزه توپخانه
بکارهای قورخانه و توپخانه رسیدگی کامل نموده و لایق
در اتمام و انجام اسباب حرب از فشنگ و کلوله توپ
و سرب و بارط و سایر آلات و ادوات که بجهت بدین
لازم است کرده و در تدارک حرکت بوده است و مقرب
محمد ابراهیم خان سرب افواج لشکر اصفهان هم با
افواج منور بوده و استعداد در دوازدهم جمادی الثانی
وارد شیراز گردید و روز بروز شکر فیروزی اثر چون
امطار بیکدیگر پیوسته چون سیل بی مان که بدریای بیک
پیوند و از اطراف داخل اردوی ظفر شکو پیشوا ایلی
شیراز هم از احوالی و ادانی یکدیگر با هم رسته و با اسلحه حرب
وارد حاکم تمام بنزد امیرالامرا العظام چکی باشی آمده و مستعدی
بودند که مسراجم کونفرت ماثر بقابل و مقابل خصم دراز
معزی ایله آنها را مانع آمده مذکور داشته بود که اطفال و اشراف
و نقشب و حجت عجمیت باین دولت ایدایت معلوم است ولی
بعد از آنکه شکر فیروزی اثر دوت و پنجه بادشنان دولت
نرم و نمانه ستیز و آویر اگر کم و شدت و جلالت سپاه ایران
معلوم ایلی حاکم محروم گشت اوقت عجمیت این اگر بجای
دشنان وین مبادرت نمایند حرکتان از روی جنت
و تورشان در خصم فکری و دشمن شکنی بیشتر خواهد بود چون
خاطر اهدس عایون شاهنشاهی سودکی رعایا و بریایات مداوم
کردن کرد دولت قوی شوکت جنگ خصم را آماده اند رعایا و اهل
ملکت را بجهت جنگ بخوانند

قسم
 از قراریکه در روزنامه قسم نوشته اند امور اولایات این
 توجّهات اولیای دولتی علیه حسن مراقبت مقرّب الخاقان
 ذوالفقار خان حاکم قسم و سادّه قرین اعلیّه انتظام است
 و نهایت اتمام و دقت و رسیدگی بعضی داد و درها با انصراف
 مشارالیه بجهت آید و مالی آنجا اسوده خاطر مدعا کوئی ذات
 اقدس کس بایون شاهی شتغال دارند دقتی بارتدکی می شد
 و مالی ولایت شوش خشک سالی داشتند تا در واسطه حله
 کوکچک چهارشنبه روز برف و باران متوالی زیاد شد
 و کمال اسید و آری بجهت مردم در خصوص محصول حاصل
 ولی در آن چند روز بجهت کثرت بارندگی و شدت سرما که
 عبور بسته و بارش برفی آمد غله فی الجمله ترقی کرده قیمت نان
 لیکن نیم شاهی جب بعضی خبازان اجازت که مقرّب الخاقان حاکم
 فرستاده ریح آنها را گرفته افزوده شد و امیدوارند که
 هوا ملایم شدت برودت برطرف شود بجهت این بارندگی
 ریا که شد و غله داران بکمال آید خاطر جمعی هم شدند
 انقدر غله بهر بی و رند که از قرار اول قسم ارز تر شود

چون مرحوم میرزا محمد رضای تویلی باشی بقعه تبر که معصومه
 علیها آلاف التحية و التسلیم وفات یافته بود در این وقت که
 دولت علیه بموجب فرمان مهر لعلان مبارکک عالیجناب سادات
 انساب میرزا حسین پسر اورا بجای پدر بنصب تویلی بای
 بقعه تبر که سرافراز از جانب شیخ الجوانب اقدس بایون
 ما و حجت شد ما آنجا که بر تو وصول افکند بود و عیال را الیه با
 جمیع خدام دوی الاحرام بقعه نوره و سادات و اسراف بای

شافیه لازم توقیر و احترام خلعت بایون و فرمان مبارک را
 بعل آورده و در آستانه مطهره خلعت خورشید طلعت را زینت پوش
 مبابات خود نمود و مضمون فرمان جهان مطلع را گوشه زخمی نهاد
 کرده بعد از صرف شربت شیرینی مجلس تهنیت مدعا کوئی ذات
 اقدس کس بایون شاهی خلد الله ملک و سلطانه ختتام یافت
 دیگر نوشته اند که امور طرق و شوارع قسم و ده چرخ
 مقرّب الخاقان ذوالفقار خان در نهایت انتظام و آسایش
 مستحضر و قرار سوران در راهها و منازل اطراف میسر
 گردش و بخت و حرست مشغول میباشند و عابرین و تردد
 با کمال آسودگی و خاطر جمعی عبور و مرور برینا بند بطوریکه درین
 اوقات سرقه بیسچوجه در راهها اتفاق نمی افتد و مردم
 جبهه زیاده شاکر و دعا گو میباشند و غیره قن شده است
 که در منازل و رباطها که از آبادی دورند آذوقه و مالکول
 بخرنی تفاوتی که در شهر و آبادیهما معمول نیست عابرین
 بفرهوشند و اگر چیزی بقیمت کزاف بجا فله و میرزدین
 باشند مورد مولفنده و ترکان باشند
 دیگر نوشته اند که شخصی داتی بختوان و دو برادر و یار
 در کیه داشته در میان بازار از او کم شده بود و جو
 منبوری یکی از نوکرهای مقرّب الخاقان ذوالفقار خان پیدا
 کرده بود و بنزد مشارالیه آورده همان نوکر را گفت در
 بازار را گردش کرده و جابجی کند تا صاحب پول پیدا
 نشانی پول و کیه خود را داده و بیا ف کند صاحب پول
 ازین جابجی در کشته آمده کیسه و پول خود را بی و دو
 بدون کسر نقصان دریافت نمود

۲۰۸۵

اصفهان

از قرار یک در روز نامه اصفهان نوشته اند امور آن ولایت اینهاست
نواب مستطاب حجت الدوله حکمران اصفهان فرین کمال
والضباط است و نواب مغزی الیه همه روزه اوقات خود را
مصرف رسیدگی بعضی و داد رعایا و انجام مهلت دیوانه
مینمایند و رعایا و مالی آن ولایت اسوده خاطر بدعا کونی داشت
افس تا یون شاهنشاهی خلد الله ملکه و سلطانه اشغال داشت
و چاکران دیوانی متوقف اصفهان و ضباط و مباشرین
از قرار دستور العمل نواب مغزی الیه هر یک بجدات محوله
بجز مشغول میباشند و امور شهر و محلات و قراول خانها
عین انتظام است و کسی قدرت حرکت خلاف ندارد و
امور قراول بلوکات و توابع در کمال انتظام است و خلاف
قاعده اگر کسی ناشی و صادر میشود
دیگر نوشته اند که نواب هر اوجه حجت الدوله در حق چاکران دیوانه
و مأمورین که از دربار تا یون با اصفهان آمده و بسبب فاسد
میروند نهایت التفات و مهربانی را بعل می اورند از جمله در قافله
امیرالامراء العظام میرزا محمد خان کشیکچی باشی با سواره و سربازان
ابواب جمع خود و ارباب اصفهان گردید و نواب هر اوجه کل صاحب
و اتحاد افراد سواره و سربازان را الیه راضیافت نمود
همگی در آن ضیافت حاضر بودند
دیگر نوشته اند که توپچی و سرباز متوقف دار سلطه اصفهان
همه روزه مشغول مشق میباشند و از جانب صاحب مضبان کمال
اتمام در مشق و انتظام امر آنها بعل می آید و اغلب اوقات خود
نواب هر اوجه حجت الدوله بجهت تشویق و ترغیب آنها ببلند
مشق حاضر میشوند

هرات

از قرار یک در روز نامه هرات نوشته اند نواب مستطاب
شاهزاده والا تبار حاکم سلطه حکمران مملکت هرات
در اردوی خارج شهر توقف داشتند در این اوقات که
لازمه ارک را حب الامر نواب مغزی الیه نمودند و نواب هر اوجه
دارد شهر گردیده در ارک قرار گرفتند
دیگر نوشته اند که نواب شاهزاده قراول دادند که در واره ملک
که متصل ببارک هرات است خاکریز نمایند و چون چهار بار
چهار در واره قراول بدین روی هم و در ب ملک که در
پنجمین بود متوقف کردند
دیگر نوشته اند که نواب شاهزاده دادند خاکریز کنند که باید
رفع مخاطر بین اهل شیخ و اهل سنت و جماعت بود
بطریق و این یکدیگر بهیچ وجه گفتگو و اعتراضی نداشته باشند
و از هر کدام از طرفین نام لایمی قولاً و فعلاً صادر شود مورد
خواهد شد و مالی آنجا نیز فریقین حب الامر نواب هر اوجه
تعاون خود اقدام دارند
دیگر نوشته اند که چون از جماعت مند و نیز در هرات کندی
یکروز و نفر مند و بیای تحت داروغه آمده مذکور داشتند
که دلارام نام مند و حرام شده است میخواستیم او را تعاقب
خودمان بسوزانیم و قراول میخواستیم بیا بدید که کسی معترض
مانند چون نواب مستطاب حاکم سلطه حکم کرده بودند
که هر کس در هر دین و مذنب که مت خود داند و کسی را یکی
رجوعی نباشد لهذا داروغه نیز چند نفر همراه نمودند
که که کسی مزاحم آنها نشود مرده خود را بر فروع که میخواهند
آتش بزنند

اخبار دول خارجه

از قراریکه در روزنامه دباه فرانسه نوشته اند موسیو
ایچی فرانسه که با چین رفته بود در آن دولت خوب پذیرفته
شده است و در همان اوقات پادشاه با چین کشتیهای
جنگی میگرداند است که رفته با چین جنگ نماید و عدد این
کشتیها هزار و دولت فروندات به دست قمت کرده اند
که هر کدام دریاسکی علیجده دارد و شاه هر ده کتا خان میر
انهاست و مقاصد هزاره در قورخانه سجوی مشول کات
بستند

هم در آن روزنامه نوشته اند که از قراریکه معلوم است
روس لشکر با طراف ولایت ایران فرستاده است
صاحب منصبان روس ولایت مازندران آمده اند زیرا
اینکه هرگاه دولت انگلیس با دولت ایران جنگ نماید
در چند روزنامه فرانسه نوشته اند که شوش داند که
ولایت مازندران دست دولت انگلیس بیرون برود لکن اتفاقاً
روزنامه نویسان انگلیس برخلاف این است اینکه بشیر
احتمال دارد این است که دولت روس میخواهد فرصت
پیدا کند که هر چه بتواند از طرف هند و سمان ضرر بدو
انگلیس برساند

دیگر نوشته اند که حیا هادریکی دنیای شمالی اجماع و
کرده اند و سرچین و سرنگ از برای خودشان قرار داده
و میخواهند از زندگی آزاد باشند اما چند نفر از آنها با بجا
گرفتار شده اند چون فرنگیها که در آن ولایت قه آبدی کرده
بجهت کرمای آنجا خودشان نمیتوانند با مرز را عبور دهند
لابد غلام و کنیر سیاه که اهل قطعه افریقا و بکر عادت دارند

بقیمت زیاد میخرند و بکار زراعت باز میدارند و فوق
از آنها کار میگیرند سیاهها نیز اکثر مشقت جنگ آمده
و این قانون غلام و کنیر خریدن و مملوک نگه داشتن چون
قانون جمهوری در جنوبی است سیاهها کتان میبندند که از بجا
جمهوریه منور با آنها تقویت بشود

و نیز از قرار روزنامه روز مال دباه فرانسه که در تاریخ ۱۲
دیسبر نوشته اند از روزنامه پطرزبورغ نوشته شده است
که دولت ناچند روز است که بمبائین که مامورین سرحد جدید
روم و روس بودند حکم و دستور العمل صریح نوشت که خط
حدود را کشید و زمین معینه را بر حسب قرارنامه جدید تسلیم
دولت روم میکنند و حقیقت ولایت منور که دولت روس
بدولت روم تسلیم کرده است یکصد و شصت هزار نفر میباشند

تفصیلی بجهت راه آهنی از شهر دارنه بروچوک که در ولایت عثمانی
ساخته اند در روزنامه چاپ کرده اند از قرار شرح منور راه آهنی
دولت عثمانی برای راه آهنی دولت استریه باید در بعضی جاها
هم وصل شود و قبضه مسافت مابین وین و اسلامبول
چند ساعت نزدیک شود

بعد از وقوع مصاحبه تاکنون از جانب دولت روس بجهت
تحصیل فنون متنوعه با کثرت محال فرنگستان مأمورین متعدده
فرستاده اند در این اوقات با بجهت تحقیق معاینه صنایع
و اصول انضباطیه دول فرنگستان وکیل صنایع دولتی
جناب جنرال غلامه قوف از پترزبورگ سمت دول فرنگستان
حرکت کرده و فرار شده است که در مدت شش ماه آنجا
گردش کرده معامدت نماید

دولت ساردنیه تا کنون کشتی سازخانه در لنگرگاه جنوب
معتن نموده بود بجهت روبراه نبودن استحکامات موجوده
و در صورتیکه استحکام داده شود در حین حاجت بکار مجا
ملکت نمی آمد لهذا در این اوقات دولت مشا را بهای
مرزبور را بجهت مکان کشتیهای تجاری بقومپانیه فرانسه فروخته
بعد ازین لنگرگاه اسپیا کشتی سازخانه معتن کرده بجهت
دادن آنجا سفاین حربیه جنوب را ببلنگر اسپیا محل و نقل کرده
در این اوقات ولیعهد مکران کسینه دختر فرانسویست
اراده عقد و تزویج نموده و باین جهت جرایم محبوسین
اغلبشان عفو و اخراج آنها ملحوظ شده در این تردیکها
عروسی آنها اجری خواهد شد
از کشتیهای تجاری و سیاحتی فرانسه که سواحل هندو
میروند بعضی اوقات از امانی این کشتیها فراری میشوند
و نمودن آنها مخایر قانون ازادی است در این اوقات
معاهده درین باب بین آفرین فرانسه و انگلیس شده است
دو سال قبل ازین از کشتیهای جنگی انگلیس یک کشتی چند وقت
بجهت گردش کردن در بحر منجمد شمالی رفته بود بعد از وصول
بدریای منجمد هر طور بوده است بعد رنه ماه در میان یخ مانده
بود و مؤخر اهر قسم بود از آنجا برآه افتاده در ثانی بکل نشسته
چون استخلاص او را غیر ممکن میداشتند کپتان و امانی کشتی مرزبور
کشتی را در آنجا گذاشته و خود را بلندن رسیده بودند درین
اوقات کشتی مرزبور از کل بلند شده خود بخود در روی دریا
حرکت میکرد و است یک کشتی شراع دار یکی دنیا با و بر خورده کشتی را
از آدم و عمل خالی دیده بودند مصحوب خود به یکی دنیا برده

در آنجا معلوم شده بود که این کشتی مال انگلیس است از آنجا
ببلیس فرستاده اند
روزنامه فرانسه موسوم بدباه وضع و حالت تجارت دولت
ایران را باد دولت انگلیس و روس از این امر غریب از فرار
معلوم است تجارت از طرف ارزنه الروم و طرازان بایران فار
تخمینا شش کد میشود و آنچه از سمت بغداد و اناطولی تجارت میشود
کروست تجارت از سمت دریای فارس نیز بجهت کمر و تخمین شده است
که درین کمر و تخمین است داخل لایب ایران میشود و در عوض از شش
بازندگان غیره و پنجه شش جنگه با چندین چوب و تباکوی شیراز و صغمان
و کرک و روس و زبره خام خلعت از بکمان و غنیمت و کاشان و صغمان
از بقرسم شال کرمان و حران اعلای غیره میبرند و روسها طلا و نقره
مسکو که آورده چای و چغندر و دیگران و در خصوص حمل و نقل
در مملکت روسیه بدین تجارت عمده است افسوس این داریم که چرا باید
فرانسه و مقابل تجارت انگلیس و روس در آن لایب نباشد با وجودیکه اهل ایران
میل زیاد بامتنه کارخانجات دارند و اکثر اهرم بدستاری تجارت انگلیس
و بوشهر و بصره هستند بولایت خود یا خیر از اهل ایران هستند که رفته در سلا
خرید می کنند و بایران میبرند اگر تجارت را فکر کنند خواهند دید که تجارت
واسطه بایران خالی از منافع کلیه نخواهد بود چرا که اهل ایران از خور
خوشان می آید و بقیه زیاد دارند و پول خوب میدهند و تسول سابق فرانسه
که در ارزنه الروم بود همیشه میبشت که تجارت باید بلا واسطه بایران
کنند و از آن گذشته منافع خوب میبرند چرا که اهل ایران مشکل
پسندند مثل اهل عثمانی نیستند که خیالات عجیب داشته باشند
و بعضی پارچه ها بنوشند و اسباب تجمل و زینت خانه را
مایل نباشند